۷۸٦

۱۱ هوعلی ۱۱۰

۱۲۱

هـذا کتاب مستطاب

بَحرالاسرار

تسخیرات و دعوات
استخراجات مواکلین علوی سفلی
و پریان و احضار ختومات

تألیف:

ملامحمدمهدی دامغانی

معروف به‌ملا جن‌گیر دامغانی

تشکرون	م	قلیلا	معایش	فیها	لکم	[illegible]	[illegible]	فی	ما	تشکرون
ک	ک	ا	ف	ی	[illegible]	ی	ی	ی	ا	ی
[illegible]	ف	٢٧	٢٨	ا	[illegible]	ا	٨٨	٨٨	ی	[illegible]
[illegible]	ن	٢٨	٢٠٨	ک	ی	ی	٨٨	٨٨	ا	[illegible]
[illegible]	ا	ک	ی	ف	[illegible]	ی	ا	ی	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	الارض	ف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی	ی	[illegible]	[illegible]
ونیها	ف	ت	ا	ح	لکم	٢	ی	ی	ا	فیها
معایش	ا	١٢٢	١٢٣	ت	ف	ا	١٤٤	١٤٤	٢	معایش
قلیلا	ح	١٢٢	١٢٢	ف	الارض	ی	١٤٤	١٤٤	ی	قلیلا
ما	ت	ف	ح	ا	وجعلنا	ی	ا	٢	ی	ما
تشکرون	ما	قلیلا	معایش	فیها	لکم	فیها	الارض	فی	[illegible]	تشکرون

برای رواجی و رونق
به تسدیس و یا تثلیث
که قمر خالی از نحوس
باشد بنویسید در ساعت
اول پنج شنبه در جای محل
کار پنهان کند و لباس
پاک و بدن تمیز با وضو
و بخور لایق مشتری
مثل عود لبان هندی
زعفران و عودش را خوش
بو کرده اند در محل کار خودش
پنهان کند که انشاءالله مورد
توجه ذات احدیت قرار
گیرد آمین یارب العالمین
و صلی الله علی محمد و عترته الطاهرین
التماس دعا درویش حسین بن ابراهیم بن دلاک

احضار مجرب که در کتاب نوشته بود نمودم
تجربه کردم در ساعت زهره صبح جمعه یا شرف
قمر همین مربع را به زیاد کم بر لوح نقش باید
نمود در نار شل یک اندازد بخور تخم خربزه
و کرملک در ساعت سعد که این از جمله
مجربات تست مثال احضار نصیر عدد ش
۱۳۶ عند الربیع عدد ش ۲۰۶ بعزة العزیز
عدد ش ۷۰۴ الحبیب عدد ش ۵۳ باین
مثال بر فتار مذکور نویسید مربع اینست

الحبیب ۵۳	بعزة العزیز ۷۴	عند ربیع ۲۴۶	احضار نصیر ۱۳۶
۱۳۶	۴۳	۲۰۴	۵۹
۹۰	۵۷	۱۲۶	۴۰۲
۴۰۴	۱۳۰۲	۵۱	۶۰۶

احضار نصیر عند ربیع بعزة العزیز الحبیب

قاعده عزیمت برای موبع وغیره که بر استادان
این فن وازه است اَللّهُمَّ اِنّی اسئلک
اَن تسخر لی ما سخر الاثنی عشر من الافلاک
والارواح العلویه والسفلیه والانس
والجن بحق هذه الاسماء العظام
واسماء الله را مرکب کرده ذکر کنند و بگوید
اقسمت علیکم یا ملائک الموکلون بفلان کل
یا فلان ائیل بحق روح القدس فلان
نوران سرعوا الی هذه الحی السفلی الموکل
بهذا الشخص یا هذه الیوم یا هذه البلده
وغیره فلان یوش وامره بقضاء حاجتی
یا فلان یوش اسرعو سریعا بقضاء حوائجی
بحق سیدکم وامیرکم فلان بحق العجل ۳
الوحا ۳ الساعة ۳

از حضرت جعفر الصادق المجرّبه

هرگاه این را نوشته در جیب گذارند البته شمشیر کارگر نکند چنانچه حضرت کردند خلیفه اشحاق کردند در پیش سلطان رفتن روز جمعه نوشته با خود دارد

ا ه امس واه ی لر دوی ای اصاعو
عود الی سدی رک ال اه دی ل
نال دح دادی ال ر حسم ح ی مرم

اگر خواهد دزد را پیدا کند یا انکس گریخته را معلوم کند که در کجاست یا کسی که ازار داشته باشد که زمج شود باید طفل نابالغ خواه مؤنث خواه مذکر هر کدام که باشد جای پاک و نشانیده و این مربع را نوشته خوانند شانزدهم را بر کف سیاه نموده بدست طفل داده و طفل در میان سیاهی نگاه کند و شروع بعزیمت نماید چون حاضر شود هر چه خواهد بپرسند

عزیمت انیست

عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ یَا شاه یکسانوش
وَیا صاحب الارواح یا مالِکَ
العَرَبِ وَالعَجَمِ بِحَقِّ اَبُو سمهورش
وَبِحَقِّ اغوک اغوک اتاح الملک
اَفَاجَ لِلْمُلْکِ اباح الملک انبک
انبک نجنا نجنا نجنا ساعة
ساعة ساعة کهولا کهولا
کهولا عتما عتما عتما یکتابوس
اغتان اختون اختون او
مومن ارمون ارمون
عکداس عکداس مهداس
بیائید حاضر شوید در دایره حضرت سلیمان
ابن

این از قلم افتاده است — مشتا مشتا مشتا تعال تعال تعال یا شاه یکشانوش

٧٨٦

	٨	١١	١۴	١
	١٣	٢	٧	١٢
١۶	٣		٩	۶
	١٠	۵	۴	١۵

این داود علیه السّلام مربع
ایست که بچه باید نگاه
کند در خانۂ که سیاه نموده
اند وقتیکه حاضر شدند
عمل سؤال کند بوسیلۂ بچه — درجائی دیدم
که نوشته بود اسم مادر حضرت موسی علی نبینا علیه السلام
که یوخابد است باسم پدر حضرت خضر علیه السلام که
ملکیا است باسم خود واسم مطلوب تکسیر کنی
از جهت فتح امورات گشایش شود تا بیست یکروز
چینا بخر بمرق فال بسته خوانده شود گشوده گردد
والله اعلم کم زیاد اگر باشد از قطر خود شده است

٢٧۵	۶٢٣	١٠١
محمد رسول الله	یوخابد	ملکیا
١٠٩	٣٣٣	۵٠٧
۵۶۵	۴۶٣	٣٩١

این اسم مبارک سلطان الاسماء است
هر که یافت عزیز دارد ٩١۴٣١٢۴

٩١۴٣١٢۴

۴۱ اگر خواهی کسی را عاشق خود بگردانی بستاند
چهل و یکدانه استخوان خرما و هر یکی را این
افسون یکبار بخواند و پنج دانه پنج دانه در
آتش اندازد تا بسوزد آنکس از عشق دیوانه
گردد اینست افسون سلام علیکم یا دیوان
سلام علیکم یا پریان سلام علیکم یا
جنیان سلام علیکم یا جادویان سلام
علیکم یا دیوان نر سلام علیکم یا دیوان
ماده سلام علیکم یا دیوان سیاه سلام
علیکم یا دیوان سفید سلام علیکم یا هفتاد
دیوان که گوش ندارید سلام علیکم
یا هفتاد دیوان که گلو ندارید سلام
علیکم یا هفتاد دیوان که چشم ندارید
سلام علیکم یا هفتاد دیوان که بینی ندارید
سلام علیکم یا هفتاد دیو که جادوی
دانید

دانید سلامٌ علیکم یا هفتاد دیو که بر زمین
روید سلامٌ علیکم یا هفتاد دیو که سوگند ی
که بروید بخانه فلان بن فلان و او را زه
کمان در میان بندید و بگذارید چنانکه خوابش
نباشد و قرارش و آرامش نگیرد و جهان
بروی تاریک و دل تنگ گردد و چشمش
سیاه کنید که هیچکس را نه بیند الا بعشق
و محبت و دوستی و الفت من و سر آشفته و
عقل تهی فریاد دارد که یا لواهل صواة
که در آتش افتادم از دوستی فلان بن
فلان و لوا هل النار و یا اشد العذاب
بحق آن نام که آسمان و زمین بدان
نام استاده است و کوه بدان نام استاده
است که بر آتش ابولهب و شیاطین
بسوزد و عجلوا من طرفة العین و

صلع البرق بحق لا إله الا الله
محمد رسول الله و علی ولی الله وبحق
سلیمان بن داود وبحق توریة وانجیل
وزبور وقرآن وبحق عرش وکرسی ولوح
وقلم وحملهٔ عرش وبحق آفتاب وماه
الساعتة الساعتة اجابت کنید بحق
هذه الساعتة والاسماء که بدان
مقام شوید که فلان بن فلان
است اگر خفته است بیدار ش
کنید واگر نشسته است برپایش کنید
وبسوزانید دل وجان فلان بن فلان
از عشق ودوستی فلان بن فلان
المتغان المتغان فحلوا باعتة
الساعتة النار الحریق این افسون
که من کردم هاروت کرد وماروت
کرد سلام علیکم ای دیوان اگر
تر

ترسانید بحق عیسی (ع) واگر یهودیند بحق موسی (ع)
واگر مسلمانید بحق محمد مصطفی صلی الله علیه
وآله وسلم بگیرید سیصد وشصت وشش
رگ وچهار صد وچهل وچهار پاره استخوان
فلان بن فلان بدوستی ومهربانی فلان
بن فلان بحق خاتم النبیین بحق
سلیمان بن داود که چهار فرشته مقرب
به چهار جانب فلان بن فلان شوید
ودر وی آویزید تا هیچ شغل وعمل
نکند الا بدوستی فلان بن فلان
العجل آمین برحمتک یا ارحم
الراحمین

قاعده دایره ۲۸ حروف

بدان ایدك الله تعالی اگر خواهی کسی را مسخر
خود گردانی و از راه سحر طلب نمائی باید
که این عمل را که حب الکبیر نام است بجا آوری
آن چنان است که این دایره را بر کاغذ سفید
بمشك و زعفران و گلاب بهمین صورت
بکشی بر دیوار شرقی بچسبانی و بعد از آن
بیاوری بیست و هشت میخ آهنی باریک و دایره
را بر آن با میخ بچسبان و باید که آن خاك
پاك باشد و تو نیز پاك باشی و بخور عود
و عنبر و غیره موافق برج و ستاره گردانی آنرا
مطلب ساز و بعد از آن میخ نعل اسب
که باریك باشد در میان حرف اول که الف
است بزنی و بخور تازه کنی و ۲۸ مرتبه این
عزیمت را بر اینجا بخوانی و صبر کنی تا آمدن
مطلوب و ببینی که قدرت الله که باید بیاید
منتظر باشی و اگر از این حرف نیامد باید
که بحرف دیگر که ب است بزنی و بخور تازه کنی و

وعزیمه را بهمان طریق بخوانی و منتظر باشی
تا آمدن او چون بدانی که نیامد میخ دیگر
بحرف جیم بزن و بخور تازه کن و عزیمه را
بخوان بهمان عدد ۲۸ حرف و می باید که ۲۸
میخ حاضر باشد پیش از آنکه حرف مطلوب
معلوم شود بهمان عمل که مذکور شد بکند و خبردار باشد
که درکدام حرف آمد آن حرف را در خاطر نگاه دارد و بهر
محل که خواهد بطلبد بهمان حرف را در خواطر همواره
در عمل آورد چهار نام طالب و مطلوب و مادر ایشان
باشد در دایره بنویسد بدستوری که نموده می شود
و در نسخه دیگر مشروحا بدین توضیح بود و در وقت
عزیمه خواندن در جایی که مقرر شده یعنی اگر برای
تسخیر جن بود در منزل نشیند و داخل منزل ساخته
بخواند و در این حد تسخیر است یکی انس و یکی جن
و اگر تسخیر انس باشد باید میخ اول را بالف زند
تا تن - و اگر تسخیر جن باشد که میخ اول را
بسین زند و بهمان ترتیب عمل کند تا غین
و فواید بسیار دارد اما اول امتزاج اسم

باید کرد بطریقی که نموده شود طالب احمد فاطمه
مطلوب حسین خدیجه مجموع امتزاج دادیم عدد
حروف ۱۸ شد ما بعد اصل ۹۳۸ عدد است
در عدد حروف ضرب کردیم و حاصل آن ضرب
این شد ۱۶۸۸۴ طرح کردیم سنی بعد ربع کردیم
۴۲۱۲ شد کسر ۲ عدد ربع را برداشتیم در میان
دایره مربعی کشیده و حروف ابجد را بدور
بر حر دایره باید نوشت بطریقی که مذکور
خواهد شد و لوح را در میان و اسامی طالب
و مطلوب و با اسامی ام ایشان و بعد شروع
کند بخواندن عزیمه

که مطالب حاصل است زنهار الف زنهار که بجوشه مطلب تا مشروع عمل نکند کسی مستوجب عذاب خواهی نشد

طالب
ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
سمعلیائیل
نوریائیل
روسیائیل
مطلوب

اینست
مذکور درد
معذب خواهی بود صورت دایره

وعزیمت حب الکبیر که دعوت آن مذکور شده که از برای عمل
این دایره اینستا بر عامل آسان شوده باشد
بسم الله الرحمن الرحیم

اُقسِمُ عَلَیکُم یا مَعشَرَ الرّوحانییّنَ
الطّائعینَ بِهذِهِ الاَسماءِ وَالخُدّام
بِهذِهِ الحُرُوفِ الجَلیلَةِ ۳ هَیَشمَهیالِ
کَشَمالِ هَشَنُوشا کَبَرَشِ اَنتَ
القَوِیُّ الشَّدیدُ هاهُوَرَشِ مِیخ
هَیَهُوَرَشِ مَکشُو هِیخ سَیَهلَطَش
طَقَطَغُوخِ بِعَظَمَةِ طَهطَوجِ یا نُورِ
شَمشا خَمشَةِ مَلمَل غَیاطیخ
فاطِرِ السَّمواتِ وَ الاَرضِ
کَهَشَفیالِ طَلَمخَطا نسخه بدل
طَطَغُوخِ بِکَدُ کَمَوثیا هَلَغ

نسخه بدل طلطوخ ا لبلبج يا هلومهيا
وق مشغوص تدلدلت الجبال
بعظمته اسمائه اهوه يهوه
بحق هذ القسم الذي الجبت طاعته
على كل روح وروحانية وجسم وجسمانية في
تسخر ولي فلان ابن فلان اللهم اني اسئلك
بالف المعطوف الذي هو مبتدي الحروف
وميخ وميخ بهر حرفي كه ميزند بهمين سوال كندا اما
بدانكه صرف كسيخ زند سؤال كند وبباد البهاء
وبباء التلاف وبثاء الثبات وبجيم
الجلال وبحاء الحيواة وبخاء الخوف
وبدال الدرجات وبذال الزاريات
وبراء الربوبيته وبزاء الزبور وبسين
السنآء وشين الشهادته وبصاد الصديق
وبضاد الضياء وبطاء الطاعه وبظاء
الظهير

الظهيره وبعين العلم وبغين الغيب
وبفاء الفناء وبقاف القدره وبكاف الكون
وبلام لاهوت وبميم ملكوت وبنون النور لنعم
وبواو ولايه وبهاء الهدايه وبلام الف الالاء
وبياء يوم الندامة ان تسخر لي فلان ابن فلان وان
تجمع بيني وبينها اقسمت عليكم يا ملائكة
بهذه الاسماء الحروف بحقها اسمعوا ما
احببتم وامروني بما اريد واحضروني
۲۲ بن فم بحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم
الا تعلوا علي واتوني مسلمين يا ارواح الطيبين الطاهرين
المسخرين بهذه الحروف والاسماء وخدام هذه الا
سماء احضروا واحرقوا وحركت ولين وسخر قلب ۲۲ بن
فلان ويجئ بامره الي هذه المكان سريعا عاجلا
بحق هذه الاسماء المباركة المقدسة العجل العجل العجل
احضروا احضروا واحضروا الساعة الساعة الساعة
الوحا الوحا الوحا بحق لا اله الا الله صح وجرب
۱۴ اربه بشرطها بشرطها اینے قواعد وقانون
از جنته لاسماء نوشته شد وتمام شد مع ملحقها اشرف

استخاره رست ۱ ان شاء الله تعالی این هر که از قرآن کشاید فال خویش

بی شکی واقف شود بر حال خویش بایدش کردن طهارت از نخست

مصحفی از اول و آخر درست فاتحه برخواند از اول سه بار سورهٔ اخلاص

نیت پیش ار سطر اول یا به هفتم برشمار کمت نماید حرف هفتم خیر و شر

چون الف آید بفال اندر کتاب ابتدای کارت شد خیر و صواب

ب به نیکوئی بیابی راحتی منفعت یابی ز صاحب دولتی ت نیت توبه

بانکه دانی هر خطا کردهی صدقه شود دفع بلا ث اگر آید بفال اندر کلام

گردی اندر دین و دنیا نیکنام ج جد و جهد کن در کار خویش

کت در آید ناگهان دولت به پیش ح ز خویشان حرمتی یابی قوی

از بلا و از عنا ایمن شوی خ نباشد خالی از خوف و خطر با خدا باش

میباش و از بد کن حذر د دولت باشدت با عز و ناز دست تو

با هر عرض باشد دراز ذ دشمن قهر تو گردد شاد باش از غم و اندوه

دل آزاد باش ر بفال آید نشان مهتری هم ز عمر و هم ز دولت

برخوری ز بکار خویش درمانی بجان عاقبت یابی از آن گنج نشان

س سعادت باشدت در هر سرای هم بیابی آنچه خواهی از خدای

ش ز دشمن می نماید ترس و بیم باید از دشمن حذر کردن سقیم ص

صبرت کرد باید بر مراد چونکه کردی صبر کارت بر گشاد ض روزی چند خوارساری

شوی بی شک اندر عهده کاری شوی ط اگر آید بفال ای خوب کار

در بره خایف شوی پرهیز کار ظ گر آید ایمن بیت از رنج و درد پس نیلید

مطلق آنچه لبث کرد ع اگر آید بفال اندر زمان آشکارا گردد ت رازِ نهان

غ چیزی داد باید خواسته چونکه دادی کار شد آراسته ف

اگر آید بفال ای هوشیار جمع کرد مال و کردی کامکار ق اگر آید

شوی مقبول قول بیشکی ایمن شوی از بیم و هول ک بیم آن بود

ناگفت گمان در خصومت او فتی اندر زمان ل اگر آید بفال ای مرد عامی

از غم اندوه دل کردی خلاص م در کاری ملامت یار اوست

یا به دشمن باز گردد یا به دوست ن دلیل است اینکه رنجی برده

خیر یابی زانکه بس آزرده و از خلقان شود او بی نیاز

سازدش کار هر عالم کارساز ه هلاک دشمنان آید بفال

باز رست از گفتگو و قیل و قال لا اگر آید بفال او یکی کار او

شوریده کرد داندگی ی زغایب آیدش احوال خویش تا بگرد

در کنارش شاد کش چونکه شد منظوم این نظم کلام شکر کرد و شکر

خداوند والسلام نکته هم گوش کن ای هوشیار یاد دارش تا که

کردی رستگار بسمله در ده سوره با وصل خوان فاتحه انعام

با کهف ای جوان فاطر حاقه انبیا چون قمر چون زخرف

دیگر سبا تمت

اگر کسی خواهد که کسی را در خواب جماع کند واو هم داند
که مراد کسی را داد در خواب بنویسد بر دو ناخن خود را
بدین طریق از چپ بچپ و از راست براست و غلط نکند
که مجرب است چپ از انگشت کوچک راست ابهام .

چپ الـ الـ طد هو عهم

راست ع ۳ ۲۲۱ ص ۵۱

اگر کسی خواهد که کسی را در خواب
بیدار نسازد تا آنگاه که کار خود برآرد
بنویس و بر بالین هر که خواهی بنه
بیدار نشود مجربست

برای کسیکه تسخیر رجال الغیب داشته باشد این آیه را
با این اسم صد و دو مرتبه بخوانند یا ظاهر یا مصور
الأرحام أنت الذی برز الوجود من
العدم یا رد نه انما امره اذا اراد
شیئا ان یقول له کن فیکون سبحانک لا اله الا انت
یا الله یا هو

اگر کسی جغتی را بخانه پدر بودن ندهند بنویسید این طلسم را بنام کسان آن خانه در خانه
خانهٔ ایشان دفن نماید ۱۱ ۱۱ و ۱۱ ۵ ۹ ۱۱ ۱۱ ۸۸ ۸۸ و ۱ ۹

۱۹۱
۱ و ل ۱۱ ۹ ۶ ۸ ۱ م م ۱۱ ۵ ۶ و و م ۱۱۱ ع م م م ۱۱ ۹ م ۶ سو ما س

اگر خواهی کسی را با خود عاشق کرده بیاورید سنگ این طلسم را بر سنگ بنویسید
در آتش انداز د آنکس بیقرار شود خیلی مجرب است

۹۲۹۷۹۹۱ ۹۱۹۸۷ ۹۲۹۷۹۹۱

اگر خواهی که کسی را دوست خود گردانی بنویس این طلسم را در شب چهارشنبه
در خانهٔ او دفن کن مجرب است

۸
۱۸۱۰۵۱۲۱ ح ۱۱۱ م ر الف ۱۲۱۹۴۳۴۲۱ ح ۷ ۱۱ اله ۶۱۰۵۲۹۳۴

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی این نقش را بر پاره مس
بنویسید در آتش اندازید اگر زنجیر بسته باشند پیش تو آید
۱۱ ع م لحے س لا ۱۱ م ۴ ۱۱ صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح

اگر خواهی کسی را دوست خود گردانی که بی او یک ساعت آرام نگیرد
این طلسم را در میانی تاریخ بگذارد در میان تنور آتش دفن کن خیلی مجرب است
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹
لے اجب یا دردائیل دعوة باسم فلان ابن فلان
برای محبت این آیه را بر پوست آهو بنویسید بنام هر کس خواهد و نام مادرش
با خود دارد اثر عظیم دارد و پای او صبر نتواند کرد خیلی خیلی مجرب است دیده
بسم الله الرحمن الرحیم وَهُوَ الَّذِیٓ اَنشَاَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ

وَتِلْكَ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

اگر خواهی زبان کسی را به بندی این آیه را بنویسد در جای تاریک شده و فتیله کند آنکس که بد گوی دارد به نام بدگویان او و در ایشان که زبان ایشان بسته گردد

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

باب الحب آتش بنویسد دامان جامه آنکس در روز سه شنبه بنویسد بنام مرده در آتش دفن کند بیقرار شوند باسم فلان ابن فلان

وط اا د اا ۹ اا ا ۸ ا ۸ سه ااا ط ااا م

شرح این دعا ۳ دانه فلفل ۳ دانه میخک و ۳ دانه نمک و این دعا را در میانه کرده ریسمان گذارد در زیر آتش دفن کند فی الفور حاضر شود مجرب است

ط ا ۳ ۹۹۹ ۱ ۲ ع

اگر خواهی

اگر خواهی زنجیر ابسته خود در آوری صد دانه بادام و صد دانه بیکبار این سوره را بخوان با ابریشم بپیچید ابریشم هفت رنگ باشد بدرخت تیغ بشترین بیاویزد و آتش در پای درخت آتش کنند تا مراد خود برسید

اگر خواهی از شخصی چیز طلب کنی زود به تو برسد این طلسم را بر کف دست بنویسد و بدو بنماید در سرای او دفن کند بنوعی که پای او بدو بخورد

۱۲۳۹۹۳۳۳عم ع ططط ۳ X X X

نوعی دیگر جهت احضار که حاضر شود بنویسد یکان یکان را در آتش اندازد

فرد وه عجلوه ا لطسوه العهی العهی شهید علی و هو صحیح

هر کس این دعا را بر حرز ما خواند و قدری تخم بخورد و قدری به هر کس بدهد بخورد چنان محبت بهم رسانند که شرح آن نتوان گفت مجرب است دعا این است

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا

هر کس این طلسم را با خود دارد زبان بدگویان بروی بسته گردد

۱۹۱۱ ۹ ۸ ۲ ۱۱

عبد الله حلال گوید که ساحران جمع شدن گفتند آیا کسی باشد که جوهر پادشاه روم را بیاورد من گفتم من می‌آورم شاه گوهر را طلب کردم این عزیمت گفتم در آتش انداختم فی الحال آمد تمام ساحران حیران ماندن

۱۲۳۴۲۳۶۷۸۹۱۲۳۲۳۰ ۱۹ ...

بسح	بسح	دررا	بسح	دو
بسح ۷	سهیا	ل۸ص	د د	=
سلح	صح	سح	لعد	॥
ل	روی	ه	ی	=
ح ح	۱۱۴ل	=	۲۲	۱۱

اگر خواهی کسی را عاشق و دیوانه خود کنی قدری خاک از زیر ناودان رو نقطه باشد و هفت مرتبه این سوره را بر آن بخوان هرگاه که خواهی یک مثقال از آن در طعام کند و بخورد دوست بود البته مطیع گردد بسیار مجرب است

اگر بخواهی بخت کسی را به بندی از گور و قبر کهنه خاک آورده سوره یس را یکبار بخواند و بر آن خاک بدمد بعد از آن کل نجم به خانه یار و بزند بخت در بسته گردد

دانستن نر و ماده شدن که از زن است یا از مرد چند دانه جو یا اینکه چنچه گندم در زمین بکارد زن بر یک بول کند مرد بر یک بول کند هر کدام سبز نشود علت از آن طرف است

کسی حاجت داشته باشد این طلسم را بنویسد و بقبله آویزد بحکم خداوند عالم همان روز حاجت او بر آورده شود هر کس شک بیاورد کافر است

ف ۵۶ ااا محم = اااا ه ح ق

دفع ...

دفع مورچه این آیه را بنویسند در سوراخ مورچه گذارد مورچه‌ها فرار کنند

یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان و جنوده وهم لا یشعرون

زنیکه وشوار زاید این آیه‌ها را بنویسد یکی را در زیر پای چپ یکی را در زیر پای راست بنهد در ساعت فارغ شود بحکم ایزد تعالی بسیار مجرب است

هسح	هسح		ی	١ه	٢
هسح	هسح		ل	دا	ل
			د	د	ح

اگر بخواهی میان هر کس جدائی اندازی در اول صبح بنویسد در آن موضع که از هم بار ایشان دفن کند بقدرت ایزد تعالی و عده چهار ساعت از هم مفارقت واقع شود جهت زن و شوهر نکنند هر کس بکند لعنت خدا و رسول اکرم گرفتار شود

[illegible]

اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی بر بهعت پاره نان بنویسد این طلسم به سگ بدهد بخورد آنکس تا زنده باشد میان ایشان جدائی باشد ...

[illegible]

بجای دو فر ... کند فیما بین ایشان جدائی واقع شود خیلی خیلی مجربست

وَاَلقینا بینهم العداوت وَالبغضاء الی یوم القیمة کل نفس ذائقة الموت

٢	۴	٧	۵	خداوندا	پنج رحیم	هزار سال
٣	ع	١	٨	بحق ان	که خداد	[illegible]

آدم بر ساق عرش سبط شده مرادم را حاصل کن

ایضا جدائی این طلسم را بنویسید بخورد سگ دهید جدائی او شود شک ندارد

١٨١٨١١ط١٠١لا٧٥٩١١١م٩٩ ﻫ لا لحـ

وا د١٨م٧ و

اگر بخواهی که میان دو کس جدائی اندازی بنویسید دو پارچه نان یکی را به سگ بده یکی را بگربه

دم ط ع ع ع الحق العظیم

اگر بخواهید میان دو کس جدائی اندازی این طلسم را بنویسید بخورد ایشان بدهید

دام ا و د صه صله ع و و ٨

وارد است که این کلمات را بنویسید بر بازوی حبیب زن عقیم ببندد حامله شود [illegible]

هو هو هو هو هو هو هو هو هو الله الله

الله الله الله الله حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ قیّوم

قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم و صلی الله علی محمد

و آله اجمعین

ایضا این کلمات را بر ران زن عقیم بر درخت آویزد آن زن حامله شود انشاء الله

ثمر آورد علی علی علی علی علی علی له له له له له له له له

بدبد بد بد بد بد بد بد لهو لهو لهو لهو لهو لهو لهو لهو

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله وصلی الله علی محمد وآله

این طلسم برای محبت بنویسید خیلی مجرب است

۱۶	۸	۱۱	۱۴	۱
	۱۳	۲	۷	۱۲
	۳		۹	۶
	۱۰	۵	۴	۱۵

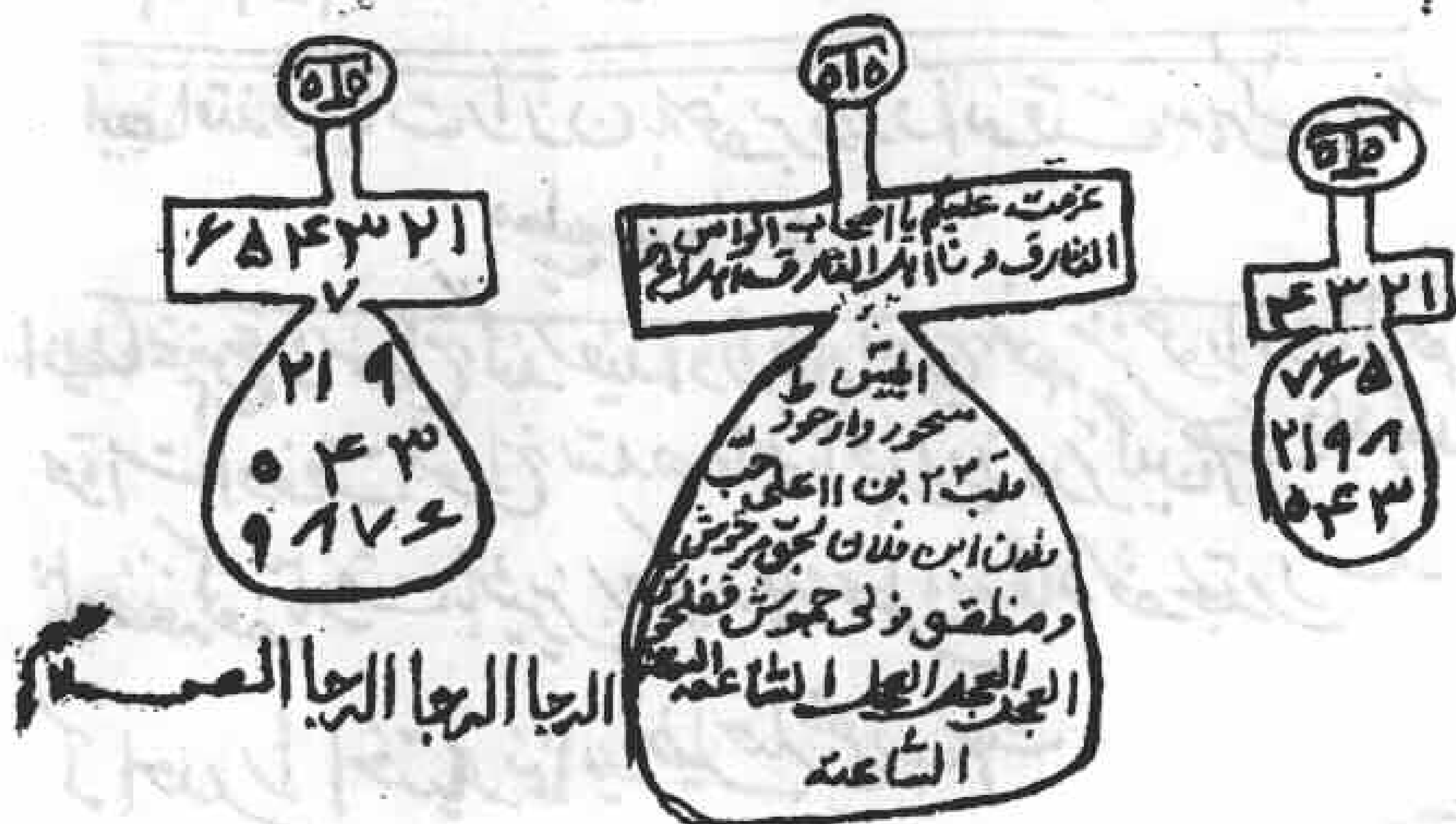
در رفتار ... از برای بغض

۹	۷	۱۲	۱۳	۳
۶	۱۴	۱	۸	۱۱
۳	۱۴	۱۵	۱۰	۰۵

از برای بغض بنویس

۱۴		۱
۷		۱۲
۹		۶
۴ ۵	۱	۵

بجهت جلب هر کس این صورت را بر لوح مس بنویسید بر یک روی او و شیرین بمالد و روی دیگرش را روغن بمالد بنام هر کس با آتش اندازد بیقرار گردد ایضا بر شانه گوسفند نوشته با هفت دانه فلفل با آتش اندازد مجرب است



باب الاحضار نام مطلوب زده و بوسش را نوشته در چراغ گذارد بسوزد و بسوزد مرده خفته حاضر شود

فروش مطاع که دیر فروش رود این آیه را بنویسید در میان مطاع گذارد زود فروش رود

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ
ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

دفع نزله بنویسید این دعا را بر تخم مرغ سیاه در جائی بیاویزد که هوا بر آن نوزد
طلطوس طلطلو عشی بشدا دعزورا اسکن اصکن اسکن اخرج
اخرج اخرج اخرج

سره

دعا خلاص از زندان که شخص را بزندان میبرند مکرر با این کلمات دعا نگاه کند
زود خلاص شود دعا این است
یا ولیی فی نعمتی و یا صاحبی و حدتی و یا عدتی کربتی

ایضا عقد و یا بنات را زن به خود بر دارد آن وقت به هر کس بدهد
مطیع و منقاد شود

ایضا تخم مرغ را سوراخ کند سفیده را تمام اخراج نموده منی خود را از حال تخم
بریزد است آن وقت سوراخ بسته نماید تا چهل روز در سرگین اسب دفن کند
تا مضغه شود تا وقت با شیر بز بپرورد که به هر معطر و منقاد شود بحدی رسد
که احدی را اختیار نماید خیلی خیلی مجرب است

برای محبت است

http://www.FMEHR.com

برای محبت است خیلی مجرب است

مرز افلان یا باری

یا علیم یا مهیمن یا ملک یا الله یا مصور یا رافع

یا مالک یا جبار یا رحیم یا مهیمن [illegible]

۱۵ ۰ ۴ ۵ ۰ ۲ ۱ ۲ ۱ ۰ ۱ ۶ ۱ ۵ ۰ ۴ ۹ ۶ ۲ ۲ ۱ ۱ ۶ ۰ ۷ ۰ ۱۴ ۳ ۲ ۳ [illegible]

۱۲ ۲ ۲ ۱ ۱ ۰ ۴ ۴ ۵ ۴ ۱ ۰ ۵ ۰ ۳ ۴ ۲ یا علیم یا مهیمن

یا باری یا الله یا مصور یا رافع یا مالک یا جبار

یا رحیم یا مهیمن شصت ۳ مرتبه باید بخواند تحریک قلب فلان ابن فلان

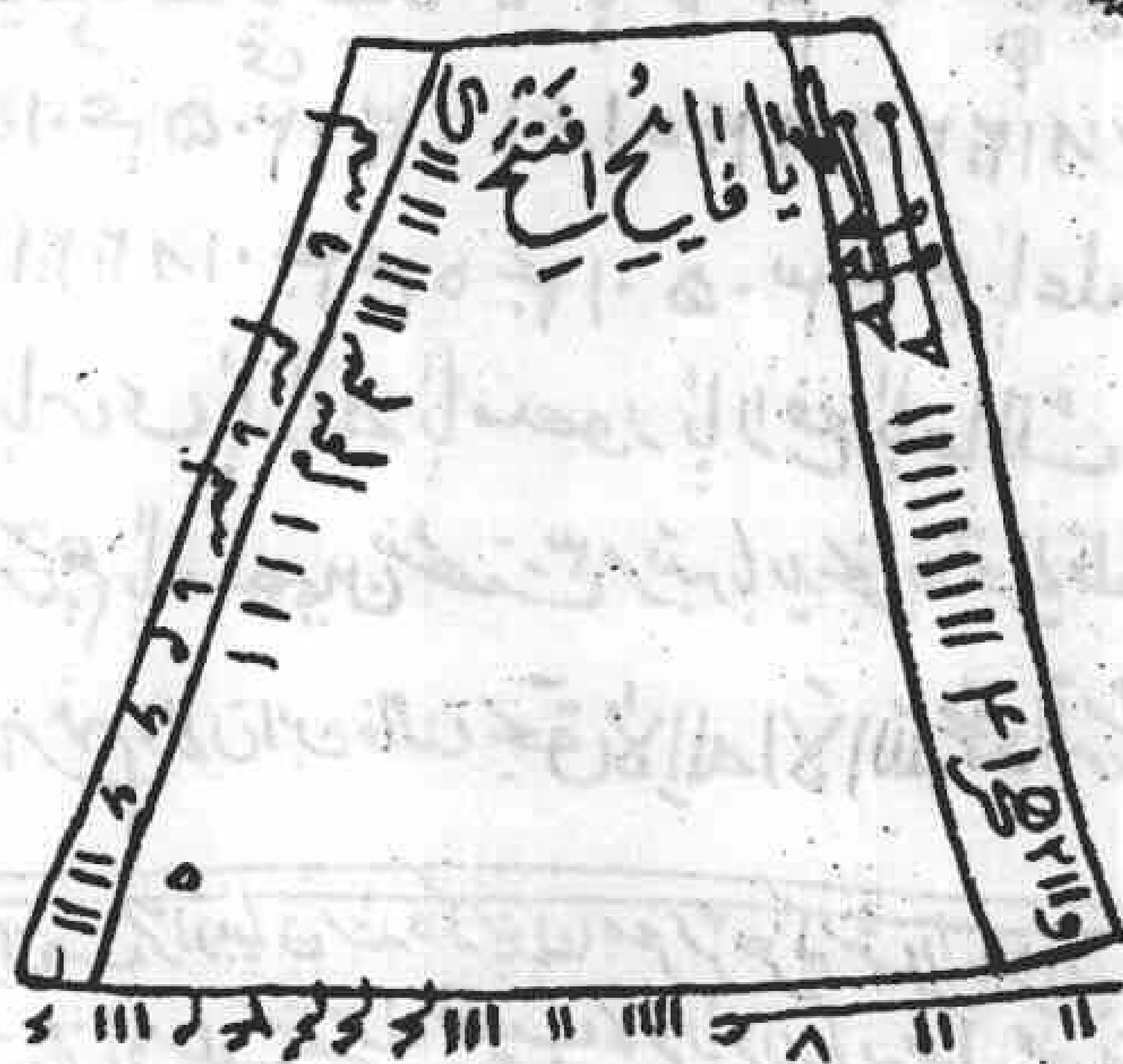
عقب فلان ابن فلان بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

در کتب کرار بیان شده که چون مغز سر خرگوش را با مازراب زنی جایت [illegible] عزت از او سلب شود چون قضیب گاو را در سایه خشک نموده نیم مثقال [illegible] بخورد دهند سلب شهوة جماع او شود و بدستور چون قضیب گرگ را قبل از طلوع آفتاب یا بعد از غروب آفتاب در سایه خشک کنند که آفتاب به بیند [illegible] که از آن بخورد متنفر از مردان گردد و قطع خواهش از او کند و بدستور [illegible] مریم را ساییده با آب نعناع حب سازند بمرد بخورانند که یک دانگ از آن بخورد [illegible] بلکه قطع شهوة او شود و دانگ او تا دو سال همین اثر دارد

فی الکتب منقول است که چون گل شنبلید را با من [illegible] را [illegible] بمرد دهند در هستی به حدی رسد که بی آرام گردد بسیار مجرب است

هرگاه مذکور اوّل را با قطرهٔ از خون انگشت وسطی و قلیلی آب دهان و اندکی عرق جبین و قطرهٔ خون ... با شیرینی آمیخته طعام زن کند در محبت بیقرار گردد

از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که اگر کسی را ده سال بسته باشند این طلسم را بر کاغذ ... بنویسد و بشوید در لیشتاد بمالند گشاده شود انشاء الله العالی



... زحل در سنبله باشد مقناطیس را با گلاب شسته مثل سرمه بسائید مریخ در میزان بعد آنرا مثل سرمه بسایند در چشم اکتحال نمائید از محبت به حدی رسد به هیچ احدی اختیار ننماید

موی طرفین عاشق را با موی تحت زنخ زن را مقراض نموده با آرد گندم آمیخته طعام زن با شیرینی بهر کس دهند مطیع منقاد شود از محبت او بی آرام گردد

برای بستن ناخنهای دست و پای خود را در ظرف آب ندیده سفال سوزانیده

باهشتوسه

باثر آب یا با شیر بزیر بهر کس دهد از محبت او بی اختیار شود با ناخوشی خط خطها [illegible]
گفته بدون ناخوشی خط خط بد بهند خیلی خیلی مجرب است

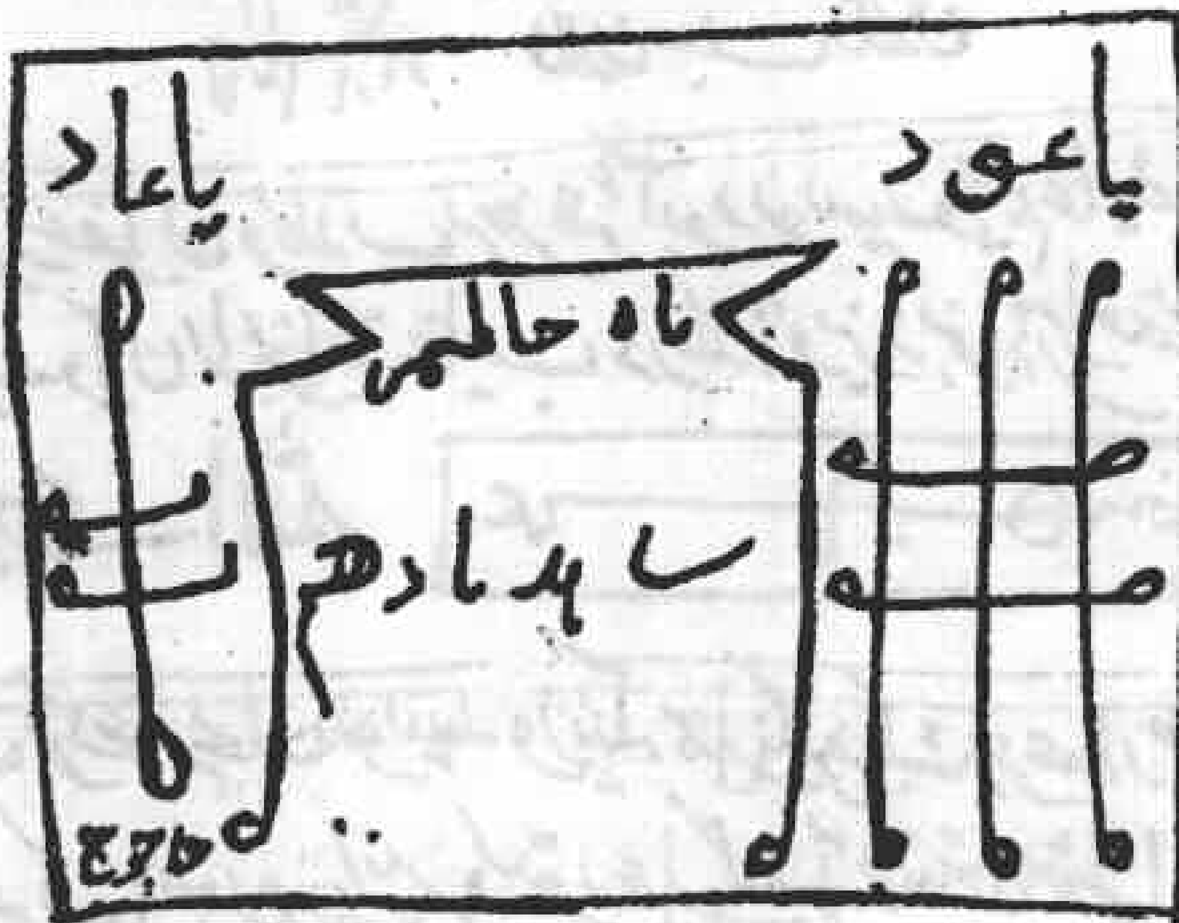
ایضا عرق جبین با خون انگشت وسطی بخورد بهر کس دهد مطیع منقاد شود

بالمحبت آنچه اگر خواهی که کسی را عاشق خود کنی این عزیمت را بنویس [illegible]
بعد فتیله کرده با موی سر آنکس در چراغدان بسوزان از عشق تو بیقرار گردد
مجرب است



را لا
ه ١١١ ح ١٢ ١١ ع ١١ ع ١١٩ ١١٩ ٦ ٧ ٠ ٨ ٩ ١١١ ٣ ١١١ ٨ ١١ ٥ ١١ ٥ لا ٨ ه

از برای مهر و محبت این طلسم بر یک عدد نعل اسب بنویسید و بعد از در زیر آتش [illegible]
بمحض گرم شدن نعل دیگر آنکس را هیچ صبر و قرار نماند و صاحب کتاب نوشته بوده
که مکرر به تجربه رسیده است هذا هیجت فلان ابن فلان علی حب
فلان العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة



بجهت گشایش بخت این طلسم را بر دست دختر بنویسید تا یکماهه شوهر کند

٢٢١ ٨ ١٢١٢ ٨ ٨ ٨ ١١ ط ٢٢ ١١ ٤ ٦ ١١١ ٦ ٩ ٨ ٨

١٨ ٥ ٩ ٤ ٢٢ ٨ ٣ ١ هم ١١ ٨ ١١ ٨ لا ط ط ط ط ٩ ١ ١٢

١٨ ٣ ١ ٩ ٩ ٩ ٩ ح ط ٢ ١ ط قده ٩ ١ ٣ ٥ ٣ ٣ ٨ ١

عقد الرجال اگر خواهد مرد را ببندد که با هیچ کس جماع نتواند نقد هیا ورد در تخته از چوب بید و این طلسم را بر آن چوب بنویسید و در جای نمناک در زیر زمین پنهان کند در ساعت اول ماه بسته شود خیلی خیلی مجرب است از تجربه شده

ط م ١١١ ح ٥

ط ٦ ٦ ٥ ٢ ١ ١١ — ١٢ س و

٣ ٥ ٢ ١ ط ١١١ — د و س

٩ ٦ ٩ ٠ ٥ ٢ ٦ ٢

فلطت

م ط ١ ٨ ١ ٢ ٩ لا — ١١١ ٥ ے

الم ٨ ١١١ ٨ ٨ ١١ ١١ ١١ ط ر

الم ع ع ١١ ع ١١ — ١١ ١١ ٨ ٨ ٣ ٧ — ببستم ذکر فلان ابن فلان را از فرج فلان بنت فلان

نوع دیگر این آیه را با زعفران و گلاب بر خرقه کبود بنویسید و اسم غایب و اسم مادرش را نیز بنویسید و آن را بخانه غایب در بالا آویزد بزودی مراجعت نماید

وح ال د ه ه الله — عه ا ب ه ه ح

این آیه را به هفت برگ ریحان بنویسد و زنیکه حمل نگیرد یک جرعه از آن شربت کافور سرخ بخورد و آن برگها ۳ روز با این دستور عمل کند آبستن شود ان شاء الله

الشمت

اِنشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت

ابضاً باب الحب که بر دل گو سفند باید نوشت این عزیمت را ... و در میان ... با چهل و یک دانه فلفل در میان ... دفن کنند



اگر ... نویسید ... در آب ... بندد ...

۱۱۱ ۹۱۹ ... ۲۳ ... ۲۳ ...

کلوع کلوع کلوع کلو و ی ع

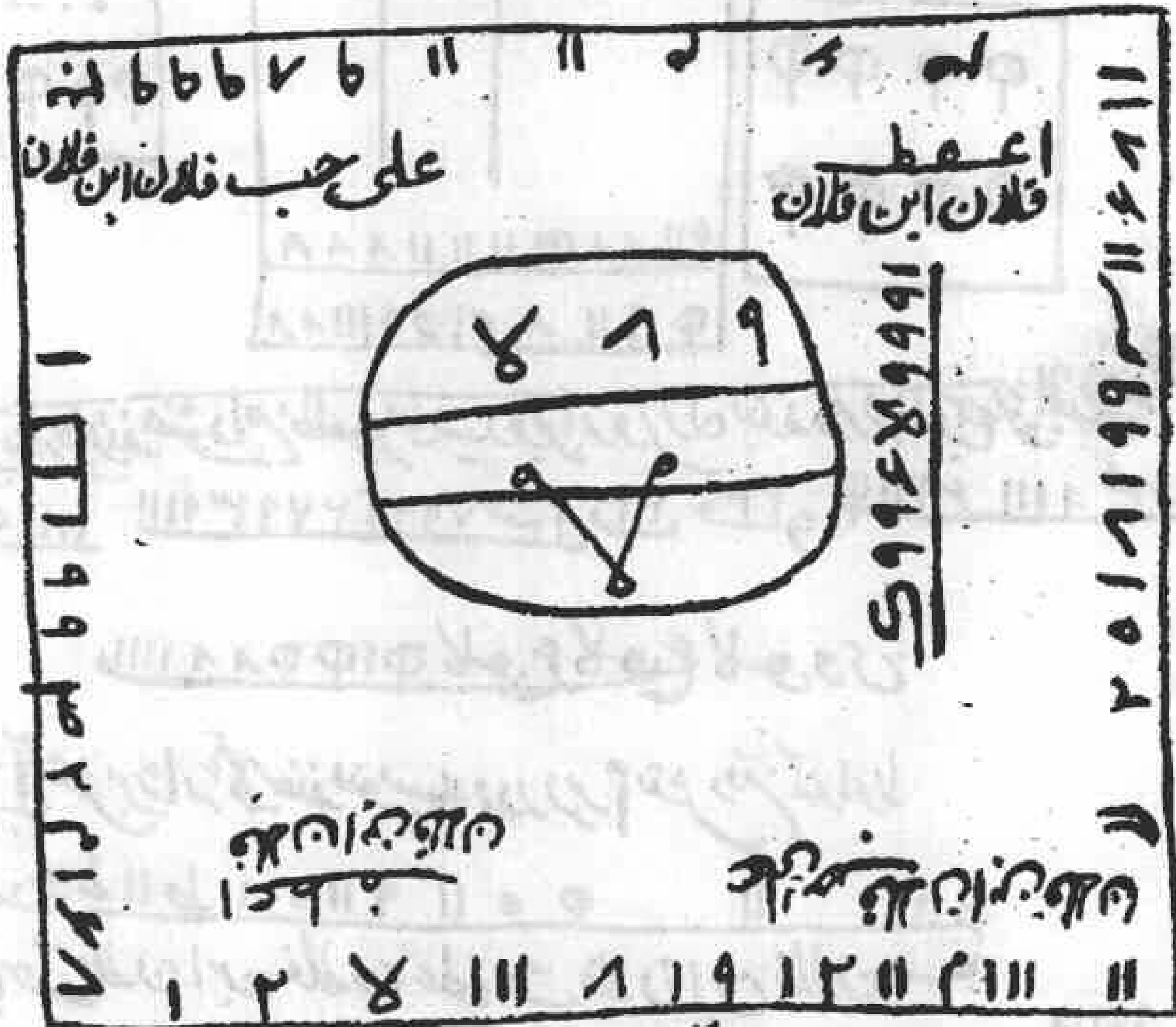
باب الحب ... گوسفند بنویسید و در زیر ... آتش دفن کند اورا

علی حب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان

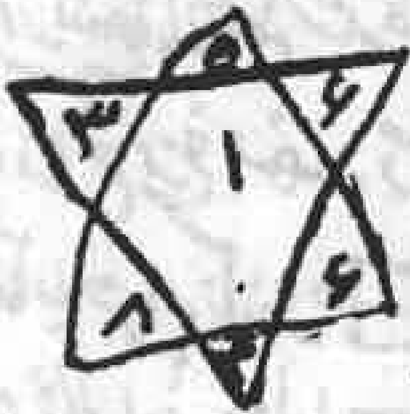
باب در بعض از نسخ ... شده که هر که این طلسم را بر پاره ... زرد ... نویسید شنبه در میان تخم مرغ نهد ... را محکم کند و در میان آتش ... دفن کند ... احرقت قلب فلان ابن فلان علی حب فلان

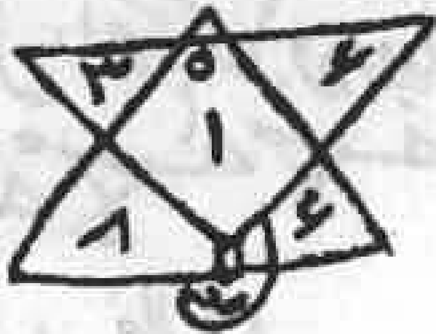
ایضا بنویسد این طلسم را بدر خانه طالب و در دفن کند این است

باب احضار قدری نقره پاک در شب جمعه در جای خالی بمشک و زعفران بنویسد و بخور خوشبو دود کنند و طاس آب کنند و این شکل را در آب آهسته اندازد که نقش نرود و بر بام نهد که ستاره گان بر او افتد و اگر نتواند آمدن قبل کند و اگر روز دیگر آب اندازد دیشک هلاک شود و اگر شب دیگر اندازد دیوانه شود



باب جهت گم شده سوره یوسف بگذارد





بنویسد در توی تخم مرغ گذارد و در میان آستانه خانه وی دفن کند اصحب
پردهٔ ناموس خود را در باد داده رسوا شود و اگر در زیر ناودان دفن کند
کن سنگ گران در بالا وی نهد تا چهل روز در خواب نرود اطربا اصحاب
الجن و الشیاطین خاتم مها کالی سلسعلسله

عزیمت بالوسواس العذاب الشدید قد شغفها
جا انالنراها فی ضلال مبین فلان الجل صح صح

اگر بخواهی کسی را بخود عاشق و بیقرار گردانی این تعویذ را بنویسد بنام محبوب
و بطعام شیرین باو بخوراند و نام خود و مادر خود را بنویسد و آن شیرینی را نصف را خود بخورد
و نصف دیگر را بمطلوب بخوراند به صد یکی عاشق شوند این است طلسم

العجل العجل الطل الساعة الساعة

باب المحبت عزیمت و ترنج سیطائی که بشانه گوسفند نویسد و در کنار نار دفن کند
تا حرارت نار باو برسد و مبادا که بسوزد که اثر کامل نبخشد مثلاً اگر خواهی کسی را
در محبت خود بیقرار گردانی پس بشانه گوسفند نر از برای زن گوسفند ماده باشد
و این عزیمت را بطریق مسطور بنویسد و در نار دفن کند که مکرر به تجربه
رسیده است و صورت طلسم این است که نوشته میشود الا باید دو ماده
مؤمن و مؤمنه نکنند که گناه کبیره است باید با دقت تمام نوشت

ابلیس و بجاشم الو ابلیس راسل
سوا الشیاطین س بمشقص
یاخوش من جر سطعوریش
جنود لسجوریش اطیفوریش

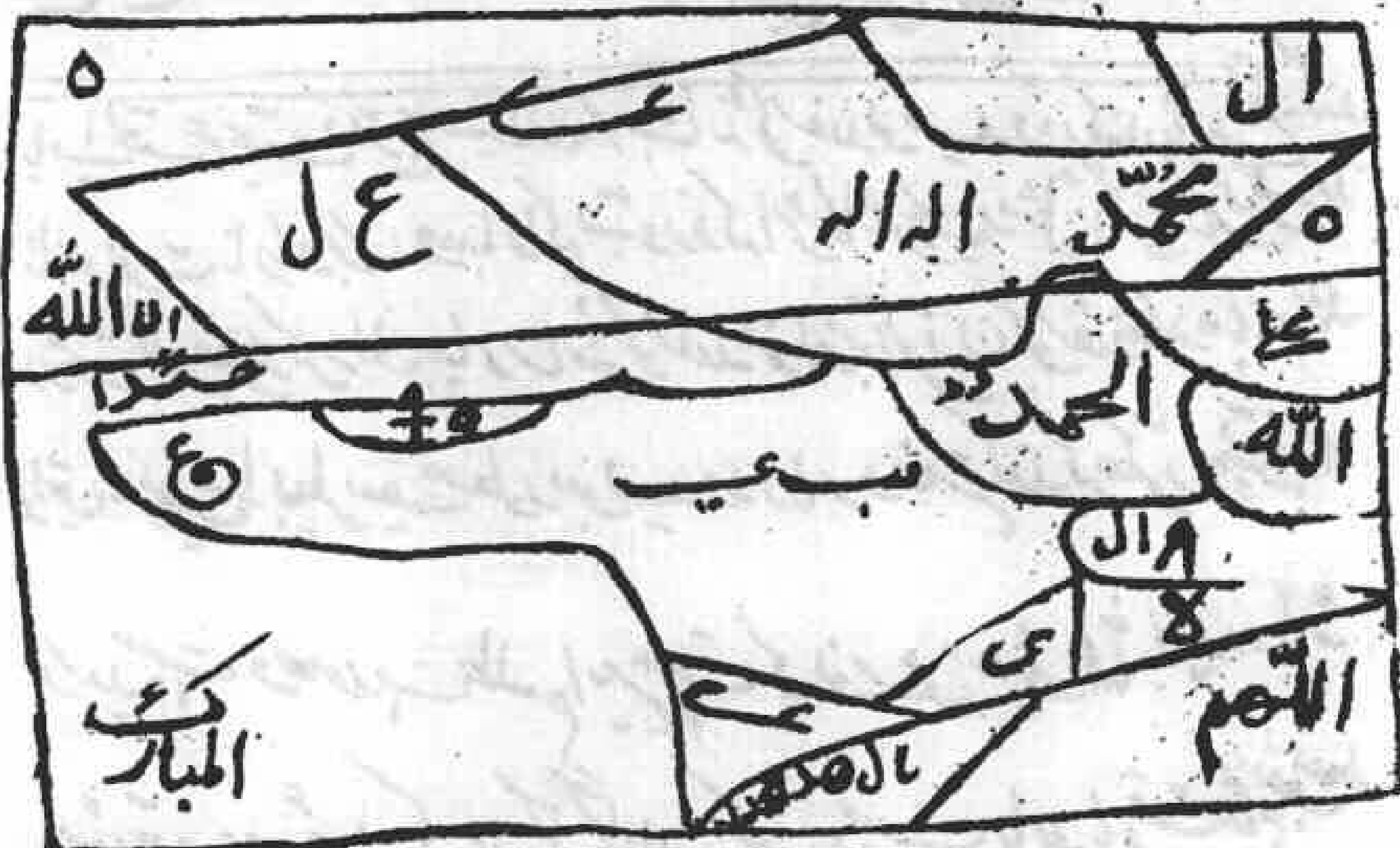
علیکم اقسمت
اصحاب المصری

۲۵	۴۸	۴۲	۱۸
۳۱	۱۹	۲۴	۴۹
۲۰	۳۴	۲۶	۲۳
۲۷	۲۲	۲۱	۲۳

ابلیس شم
یا اسم
شم باسم

وترا الیناو براعـ
الجن والانس

ہرکس این طلسم را نوشته با خود دارد زبان خصمان برود بستر کند هرکه او را بیند دوست وی گردد البته باید درست نوشته شود در ساعت خوب



اگر خواهی که گریخته باز آید بنویسید در خواب گاه او دفن کن

۲ ۴ ۵ ۶	فریاد که از شش جهت لاه بستم راه مغرب بر فلان				۱
فریاد که از شش جهت راه بستم راه شمال بر فلان	۲	۴	۶	۸	
	۴	۶	۸	۲	
	۸	۲	۴	۶	
۸ ۴ ۸	۶	۸	۲	۴	۱
					۸

اگر خواهی میان دو کس دشمنی افکنی این دعا را بنویسید اگر باسم کنیز بنویسید ... نکشد که بفروشد و اگر باسم زن بنویسید روز نهم طلاق گیرد و در آستانه دفن کنید میان ایشان جدائی او فتد لاشک

فیها ااااا ۸ اا ۸ ا ک ول ۷ ۹ ۹ ۸ ۸ ۸ ۸ ط ط اا

اا اا اا ۹ ۹ س لا و و ع ل ح

اگر کسی را دشمن یا ستمگر قصد رنجانی کند از سر چهار راه بگیرد و این آیه را هفت مرتبه بر آن بخواند و بر طرف دشمن بانداز د حقیر گردد

قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین

ازجهت دفع بلا را عدد نوشته باسم او و والده او در آستانه خانه او دفن نماید
انکس آواره شود یا میکائیل کهیعص یا کاکائیل

۵

۴	۹	۲
۳		۷
۸	۱	۶

یا اسرافیل

آدم اشخص

ایضاً جهت تفرقه خاک چهار راه که تراب رب بعد نامند در ساعت حرب روز چهارشنبه بردارد آنوقت جهت دفع عداوت و تفریق مجرب دانسته اند سوره تبت را چهل و هفت بار بخواند بعد آنقدر را مخلوط خاک نماید آنوقت جار بگذارد روز شنبه بپاشید منزل دو دشمن پراکنده میشود

و بخور حب المحلب الفت خصمین است و نگاه داشتن آن با پارچه کبود دسبطل تحریت در آتش ریزد الفت خصمین است و نگاه داشتن او با پارچه کبود دسبطل تحرا
ایضاً هر که این طلسم را با خود دارد هر کس او را ببیند عاشق گردد

۱۱۹ع ۵ ۱۱ ۱۱۹ع

ستر فرسیاه کودکان بر پارچه غلیان کرده بنویسید و بر گردن اطفال آویزد

ی اال ل ه ی ام ح م د ی اع ل ع ی اف ا ط م ه ی ا ه ل ح ب ا ل
زم ا ن ا د ر ل ا ن ی و ل ا ت ه ل ل ن ن ی

ایضاً در دکلو ستر فه سیاه کودکان در دکلو بنویسید بر پوست بکند و در گردن اندازد وَاِذا بلغت الحلقوم وَانتم حینئذٍ تنظرون خ ح بحرمة محمّد وَاله اجمعین یا ااا ل ه ع ه ی ا م ح د ی ع ل
ی ا و د ل ف ا ی ب ل ط ف ل ل خ ف ع ع ه ح ی
لے ا ق ی و م

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بنویسید به مشک و زعفران بر دو پارچه کاغذ یکی را در آب اندازد و دیگری را پنهان کنند تا دیوانه گردد و بیقرار گردد و اگر چار خد بهم باشد بهاید آزموده و مجرب است
علیکم یا اصحاب السحر وَالوسواس وَرضوان وَابلیس اجمعین وَیا ادنان وَیلحقوا باسم فلان ابن فلان

نوع دیگر این طلسم را بر بیضه مرغ سیاه در جائی دفن کنند در هر جا بخواهد بیاید
١٨٩١ ٢٢٣١ ل ٦٢ ع ح ١٢٣ د

ایضاً در روز پنجشنبه باب انداز د محبت زیم شود
٥ ٩ ١١١١١١ ٩ ط ط ١ ٩ لا ح ١١١

ازبرای فتح وگشایش وعزت در پیش خلق بسیار مجرب است

بعد از بسمله

انّا	فتحنا	لکَ	فتحا	مُبینا
۴۹	۱۲	۵۹۳	۴۹	۱۱
۲۶۳	۵۲	۵۹۳	۵۹۴۵۱	۴۴۱۸۱۴

ایضاً شرح صراط علی در بحر منافع آورده‌اند هر که از اعدا چشم زخم بدان وغمازان وحسودان ناسازکار از مردان وزنان یا بنده از خواجه اش یا زیردستی دیگر بیم ناکی به یا کار او بسته شود یا از دشمن بترسد این دعا را نوشته با خود دارد زبان آدمیان وجنیان وپریان وغمازان بر او بسته گردد بعد از بسمله

صراط	علیّ	حقّ (۷۸۶)	تمسکه
۱۷۸	۱۱۵	۱۱۱	۱۹۹
۱۹	۲۹۷	۱۷۶	۲ ۷
۱۰۶	۱۷۷	۹۸۲۰	۱۱ ۳

بعد از صریع
بسم الله الرحمن الرحیم
قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد
بسم الله الرحمن الرحیم
قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس

جهت محبت

جهت محبت در روز جمعه قبل از طلوع آفتاب در ساعت زهره بنویسد بر کاغذ یا پوست آهو بره بیاویزد باسم فلان علی حب فلان دعا این است العجل العجل العجل الوحا الوحا

م ط ااا ح ط اه اط ع و ا ح ۴ ط اا ط ااا لا ا ا ۹

م ه الله ط ا ا ا ا ع ا ا ۱ ل و

ایضاً اگر کسی بخواهد دختر را بعقد خود در آورد یا وندهند بنویسد در آب در آب بجوشاند در خانهٔ دختر بریزد فی الحال راضی شوند بفرمان خدا یا فحشا یا فحشنشا یا سرصا بعما یا طنا یا سمنا ا ا ۵ ا ۵ ا ا ۵ فتمر یا کهیج یا کهیج باسم فلان ابن فلان

باب جهت محبت یوم پنجشنبه بساعت خوب این مربع بنویسد با مشک و زعفران با خود دارد لوح بزرگوار است ترجربه رسیده است

ع

۱۴	۸	۶	۴	۲	۹	۵
۶	۲	۴	۲	۴	۵	۵
۸	۸	۶	۸	۶	۵	۵
ح	۶	۸	۶	۸	۵	۵
۳۸	۶	۴	۶	۴	۵	۵
	۴	۲	۴	۲	۵	۵
۶	۸	۶	۸	۶	۵	۵

از برای حساب زن و مرد که میخواهند که باهم پیوند کنند یا فرزندی که از او تنها
تولد شده میخواهند اسم بگذارند اسم مرد و اسم آن زن را بحساب الجمل
حساب نمایند بعد ۹ ۹ طرح نمایند الباقی اگر ۹ بماند آن
واجب الحج شود اگر هشت بماند از ۹ کم نخواهد بود اگر هفت
بماند زن و مرد عاشق هم خواهند بود اگر شش بماند زن بیوه خواهد
ماند اگر پنج بماند زن بمیرد اگر چهار بماند فرزند او تنها
بمیرد اگر سه بماند روی فرزند نخواهند دید اگر دو بماند طلاق
واقع خواهد شد اگر یکی بماند بیچاره خواهند شد اگر اولاد
خود شد پسر یا دختر اسم پدر او حساب نمایند و اسم اول
فرزند بود با حساب الجمل حساب نمایند بعد ۹ ۹ طرح
نمایند هر اسم که با اسم پدر ۹ یا هشت باقی بماند فرزند را
با آن اسم بگذارند تا صاحب ثروت و آن بچه خوش قدم باشد

اگر کسی سوره مبارکه حمد را از کونه را بنویسد در زیر سر کودک بخواب رود ایضاً اگر خواهی کسی را از عشق عقل بیقرار گردانی بنویس به مشک و زعفران بر دو پارچه کاغذ یکی را در آب اندازد دیگری را پنهان کند تا دیوانه گردد و آرام نگیرد و اگر در جای دور باشد بیاید آزموده و مجربست

علیکم یا اصحاب السحر والوسواس ورضوان وابلیس اجمعین ویا ادنان ولیحضوا باسم فلان ابن فلان و نوع دیگر این طلسم را با تخم مرغ سیاه بنویسد در جایی دفن کند در هر جا که باشد بیاید ۱۹ ۱۸ ۳ ۱۳ ۲۲ ۱ ل م

عج ۳ ۴۳ ۱ و ایضاً در روز پنجشنبه نوشته باب الله خوند

۱۱۱ ح لا ۹۱ ط ط ۹۹۱۱۱۱۱۹۲

از برای درد دل اسب این طلسم را بر زمین بنویسید
واسب را بدور این طلسم بگرداند شفا یابد انشاء الله

وه ح ح ط و	
لا ر ب ل د د س ۳ لا	

دعای آیله بکاغذ و
یا بر نان بخواند بمرغان
وماهیان بدهد بخورد شفا یابد بحق میم مرغان
عن سلیمان وبحق توریة موسی وبحق
انجیل عیسی وبحق کهیعص کهیعص کهیعص انه
من لیس له سلطان علی الذین آمنوا
وعلی ربهم یتوکلون ایضا از برای درد گلو
وسیاه سرفه بنویسید بر پوست کرده در گردن اندازد
اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون
بحرمه محمد واله اجمعین با ۱۱۱ ل ک ه
ی ا م ح دعاع ل ی ا م ر ک ن ی ب ل ط
ف ک ل خ و ی ط ح ی ے ا ق ع و م

ازمن آمیه را

این آیه مبارکه را از سوره نساء عرابینویسید و صورتی
از موم بسازد و نوشته را در میان آن صورت
گذارد و بگوید یا فلان ابن فلان ذممت
شهوتک من النساء بحق هذه الآیه
و آن صورت را در میان خرقه بپیچد که از کفن
میت مانده باشد در مقبره قدیمی دفن
نماید دیگر قادر بصحبت زن نباشد آیه این است
حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم غفوراً رحیما
و اگر برگ چغندر را بجوشانند با آب آن مو سر را
بشوید سیاه شود و شپش را از موی سر بردارد
ایضاً کف دریا سرا بر موی سر نهد یعنی بشوید
آن موی دیگر سفید نگردد

از برای درد خصیه زهر کاو را بمالد خوب میشود ایضاً
زهره کاو را در آشیانه مور چند بریزد دیگر بیرون نمیاید حمد جمله
خیدبانک تخم باگ در بیت دوش مصطکی سکنجبین
اجزا را کلاب سائیده حب نماید بجود نافع است کنه کنیه زعفران
از برای دیگر گوش که آب رفته باشد تخم تره را بگوید با آب پیاز
اوراخ نماید دیگر گوش بچکاند نافع بود از برای درد چشم
زهر کاو را خشک نموده در چشم کشد هرگز درد نیاید ایضاً
درد چشم زهره خروس را در چشم کشد دیگر آب نریزد
بودنه را خود را از برای کرم شکم نافع است از برای
سرفه بیه دانه شیرین با شکر سفید و با شیر مادرش کرم کند با وی بدهد
للمحبه اگر خواهی کسی بر مطیع خود گردانی این ایات را بر مشک و زعفران
و گلاب بنویسد زیر بالین گذارد روز بر بازو به بندد
بسم الله الرحمن الرحیم و من الناس
من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم
کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله
و لو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب

ان القوة لله جمیعا و ان الله شدید العذاب
فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم
و الله لذ واحد لا اله الا هو الرحمن
الرحیم ایاک نعبد و ایاک نستعین اللهم
الف بین ... للطالب کما الفت اسرائیل
و یوسف و امراته الان شغفها عن نفسه
قد شغفها حبا انا لنراها فی ضلال مبین
برحمتک یا ارحم الراحمین سر را با ... بشوید
... نکرده ... ایضا از ... را زن بخود برگیرد
... شود از برای ... را با چغندر بجوشانند ...
بخورد شفا یابد ... از برای ... و زخم ... درظرف
... چهار ساعت ... مصطکی رومی دار ...
موم زرد ... سفید صبر ... جمع ...

روغن زیتون اول موم را آب کند بعد صقر را در
۲۰ م
میان موم باندازه آب شود بعد مصطکی ۲ وابر و صبر
را در رای سنگ بساید از کتان بیرون کند آنوقت
اورا درمیان موم وصقر اب شده بریزد بعد
قدری روغن زیتون بریزد بعد انهارا قدری بجوشانند
واز کتان ساف کند بعد زنگار اورا بریزد با روغن
زیتون جرب به نماید آنوقت اورا جرحیه ساخته
آنوقت در وقت حاجت جلواری سفیدرا
بیاورد اورا بر روی جلواری بکشد بر روی زخم بگذارد
از برائی سودا خصوص از برای جلی حیلی نافع است

روغن کافور مردار سنگ کات هندی طوطیا کبود
یکسیر ۴ سیر ۴ سیر ۴ سیر ۴ سیر
اول باید روغن را ابکند بعد از آن دواها را سائیده
درمیان او بریزد مرحم نماید آنوقت اورا بالای زخم
با سودا بمالد [illegible] تا صبح آنوقت صبح حنا را آب بگیرد
بر روی زخم بمالد پرهیز از ترشی و شیرینی کند

کشایش بخت دختران

چهل کلید جهت محبت روایت است که فضه در روز

جمعه داخل شدم بر خواتون خودم فاطمه (ع) دیدم

بر دست مبارک خود ظرف آبی بود و دعائی میخواندند

عرض کردم جانم فدایت باد سبب خواندن

این دعا بر آب چیست پس آنحضرت فرمودند این دعا

چهل کلید است هر که در روز جمعه بعد از غسل

آب پاکی بیاورد این دعا را بخواند بر آن آب

دم کند و بخورد بخت خوابیده چهل ساله او بیدار

میشود و اگر میانه زن و شوهر ناسازگاری باشد این

دعا را بر آب خواند بر میان طعام بریزد و آن

طعام را بخورد شوهر بد بهد بلکه قدرت خدا الفت

پیدا میشود و هرگاه مردی را بسته باشند بکلاب

و نبات بخواند بسته بخورد و با آن آب غسل کند

بفرمان خدا گشاده گردد بکلاب بخواند بر رو بخورد زنان شوهر

همه کس با حرمت گردد

چهل کلید

بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا
مبینا سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین ۲
لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما
عنتم حریص علیکم بالمومنین رئوف رحیم ۳
ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک ۵ و
تلک حجتنا اتیناها ابراهیم علی قومه نرفع
درجات من نشاء ان ربک حکیم علیم ۷
قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان
زهوقا ۸ وننزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمومنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا ۹ قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی
ابراهیم واراد وبه کیدا فجعلناهم
الاخسرین ۱۰ فنادی فی الظلمات

ان لا

أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين ١٢
ولا تمسكوا بعصم الكوافر ١٣ الفي سحرة ساجدين
١٤ ومن الناس من يتخذ ومن دون الله اندادا
١٥ يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد
حبا لله ١٥ بينهما آدم وحوا و بين يوسف و زليخا
و فاطمة و علی المرتضی ١٧ بحق محمد المصطفی ١٨ بحق
جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و عزرائيل ١٩ يا حنان
يا منان يا ديان يا برهان يا غفران ٢٠
بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله
والفتح ورايت الناس يدخلون في دين
الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره

انه كان توابا ۲۱ نصر من الله وفتح قریب وبشر
المؤمنین ۲۲ یا ایها الذین امنوا ۲۳ قل هو الله
احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له
کفوا احد ۲۴ ۲۵ لیس کمثله شیء وهو السمیع
العلیم ۲۶ قل اعوذ برب الفلق الی آخر ۲۷ قل اعوذ
برب الناس ملک الناس ۲۸ قل کفی بالله
شهیدا بینی وبینکم ۲۹ قل جاء الحق وزهق
الباطل ان الباطل کان زهوقا ۳۰ قل یجمع بیننا
ربنا ثم یفتح بیننا بالحق وهو الفتاح العلیم
۳۱ قل ارأیتم إن اهلکنی الله ومن معی او رحمنا
فمن یجیر الکافرین من عذاب الیم ۳۲ قل ارأیتم
ان اصبح ماؤکم غورا ۳۳ قل یا نار کونی بردا
وسلاما علی ابراهیم ۳۴ قل یا ایها الکا
فرون

فرون لا اعبد و ما تعبدون ۳۵ قل کونوا قردة
خاشعین ع۳ قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف
کان عاقبة المکذبین ۳۱ قل من یکلؤکم بالیل
الیل والنهار ۳۱ قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا
۳۹ قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی ۴ سبحان ربک
رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
الحمد لله رب العالمین

ایضا دعای چشم زخم بنویسد آیه و ان یکاد را و بعد از آن نقش
معظم را با ثین او بنویسد ۵ ۱۱۱ ثم ۱۱۱۱

باب جهت ترسیدن در خواب یا در شب راه رفتن این دعا را با زو به بهند
ایمن گردد انشاء الله تعالی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین وجاءهم الموج
من کل مکان بعید ۱۱۱ ثم

ایضاً شیخ لعلبکی در خواص الحروف فرموده که چون بر حریر سبز این شکل را بنویسد بگردن مرغ خوانگی دیا گردن مرغ سیاه یا کربه سیاه به بندند و قدری سیماب در گوش او بریزند و چشم او را بسته و سر دهند جائیکه دفین باشد بایستد و چون بر گردن خروس افرق ازرق صفحه نقره را که این شکل نوشته باشد به بندند جائی که دفینه باشد منقار بر زمین زند انتهی

باب چون بر یکیک کف خردل آب و عنده مفاتح الغیب بخوانند صد بار یا مبین بگویند و باز آیه و صد و صد بار یا مبین گفته تا صد مرتبه تمام شود و خردل را در خانه که گمان دفینه باشد افشانده در خانه را به بندند روز دیگر خردل ها را در موضع دفینه جمع یابند و مجربین این امر را مجرب دانسته اند و نیز در کتاب سر الاسرار مذکور است

سرخ و یکصد را یکبار

که هم ان مسوع اسود را که به نشان باشد در جائی ببسته تا بسیار گرسنه شود و ده سر گاو زرد بی نمک حلوا و گرگا بخورد او دهند و معلق بیاویزند طرف در ... ذات کند انته روغن از دهان او ... روغن را گرفته دوده او را بگیر بود در چشم کشیده دفائن را مشاهده کند بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف یا جبرائیل فعل ربک یا شمائیل باصحاب الفیل یا کاکائیل الم یجعل کیدهم یا لوطائیل فی تضلیل یا میکائیل وارسل علیهم یا اسرافیل طیرا ابابیل یا سرطائیل ترمیهم بحجارة یا بدوح من سجیل یا کنفائیل فجعلهم یا اجائیل کعصف یا تنکائیل ماکول یا تنکائیل اللهم العداوة و البغضاء و السودا و تفرقة و تهلیک ما بین فلان و فلان در ساعت مریخ یا زحل یا انکه قمر در عقرب در وقت عمل خواندن با نیت که رجعت نکند انشاء الله

حب دلی از مولفات صاحب تقویم و الجم ... سلیم تجربه شده است از برای جمیع مطالب و مآرب و محبت و دوستی و جدائی و صفا ... تر از تجربیات علمای دقیق است

وفینه بطهور

بطهور وفینه

دفینه بطهور

تفرقه

بطلسم و سحر و طلسم

بشرطیکه

بشرطی که وفق را برث نزده خانه جدول بکشد و حساب خانه ها را از یک تا ث نزده تامل نماید چون خواهد برای کسی وفق نماید اول اسم طالب و مطلوب و اسمی از اسماء الحسنی اللهی اول از حساب ابجد ثبت کند و از جمع اعداد ۳۰ عدد طرح نماید و از ما بقی چهار یک بگیرد و او را در خانه اول وفق بنویسد و از یکم تا ث نزدهم حساب را یکعدد زیاد کند که جمع عدد بحصول پیوسته خواهد شد تا بشرط آنکه هر گاه خواهی از برای کسی کند قمر در برج عقرب باشد و وفق اینست

٨

[illegible]	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

باب قاعده دیگر در عمل تحبیب و تبغیض آیه محبت و تبغیض با اسماء الحسنی عدد بگیرد بحساب ابجد با طالب و مطلوب در ث نزده خانه وفق برکشد بموافق برج رفتار کند آبی آب خاکی خاک آتشی آتش بادی باد و خود آیه را دور در دور وفق بنویسد بحروف مقطعه مجرب است مع بخورات مع ساعت

باب شنیده شد بهت از عمل احضار بگیرد عدد اسم شخص را با مکان او و اسم خود و مکان خود جمع کند مثل اینست اح ض ا ر ا ح م د ع ل ی ب ل ت ر ا ث م ا ن د ر م ک ا ن ا س د ا ل ل ه خ ا ن ش ا م ل و عدد گرفتم شد ۲۰۶۹ بهمین عدد بخواند این اسم را مع سوختن کندر یا لغشجا ایل

باب قاعده وفق برث نزده خانه بعد از جمع اعداد آیه یا محبت یا تفریق با اسم طالب و مطلوب و اسم از اسماء الحسنی بعد از طرح سی عدد از جمع و چهار قسمت نمودن یک قسمت را پر کردن در خانه ها اگر دو عدد زیاد آمد در خانه نهم یک عدد زیاد کند اگر یک زیاد آمد در خانه سیزدهم یک زیاد کند اگر سه زیاد آمد در خانه پنجم یک عدد زیاد کنند

باب اگر کسی مبتلا به تب غب یا نوبه بوده باشد این طلسم را بنویسد تا سه روز در آتش بسوزاند شفا یابد ان شاء الله تعالی و اینست

٢٩٩	٣٠٢	٣٠٥	٢٩١
٣٠٤	٢٩٢	٢٩٨	٣٠٣
٢٩٣		٣٠٠	٢٩٧
٣٠١	٢٩٦	٢٩٤	٣٠٦

باب استخراج ملک علوی و سفلی و اعوان نیز عدد و القیت علیک محبة منی و لتصنع

در ظهر ورقه ثبت شده با نقش مذکوره

غرکزائیل | غرلمائیل

عدد ١:٢:٣٠٤	سفلی ١:٢:٣٠٧	علوی ١:٢:٣٠	عدد ١:٢:٣٠٧
اعوان ١:٢:٤٣٩	١:٢:٣٠٨	١:٢:٣٠٣	اعوان ١:٢:٣٠٨
اعوان ١:٢:٣٠٩	١:٢:٤٠٢	١:٢:٣٠٥	اعوان ١:٢:٤٠٢
عدد ١:٢:٣٠٦	سفلی ١:٢:٣٠١	سفلی ١:٢:٣٠	عدد ١:٢:٤٠١

غرلطیش | غرلبطلیش | غرلططیل | غرکلطیل

غرمائیل | غرلوائیل

الله و برآورده عزیمت بنویسد بدین طریق عزمت علیکم یا ارواح الامهات هر موکل هر عنصر را بگیرد و یا ارواح البروج الاثنا عشر هر موکل هر برج را بنویسد و یا ارواح الآباء هر موکل را که ذکر کرد رقم زنند و یا ملائکه رب العزة بحق روح الاقدس بسم روح اقدس را یا فلان یا فلان بحق خالق الخلق رب السموات والارضین و اسماء اعظام عربیه را بنویسد بعد اسماء قسم از اول سطر موافق مقصود حروف ترکیب کنند بگویند بعد قسم فلان ان تهیجوا و تحرقوا قلب و روح و جمیع جوارح فلان بن فلان بمحبت فلان بن فلان قلبه و فؤاده بمحبت العجل العجل الوحا الوحا الساعة بارک الله فیکم و علیکم تو عدد ٣ و ٣ بعد آنکه در بیع تمام از اشکال عددی این قدر شرایط موضوع نیست که در این شکل از آن جمله چهار ملک موکل چهار خانه مفتاح این شکل است هر از هر خانه که ابتدا شود موکل آن خانه را در جنب آن اسم باید کرد چنانکه در آن مثال نموده آن کلمه را بعد آن خانه باید خواند چون لوح تمام شود عدد ارواح جانبه علوی و سفلی از آن استخراج باید و عزیمت ساخته بعد دعوت شکل باید خواند بعد اشکال بخور بسوزانند و با کسی سخن نگویند تا مطلب بحصول آید اما آن چهار اسم که در جنب مفتاح شکل باید نوشت که موکل اند

این خط عبری است طلسم [illegible]

[illegible]

ז	ו	ה	ד	ג	ב	א	
-	ש	•	ד	ה	•	ו	א
א	מ	נ	צ	ו	ט	ת	ב
ת	ל	-	ח	ר	ס	ע	נ
ה	ת	ו	ד	ב	ש	ה	ד
ה	ת	ו	ל	פ	ש	ה	ה
ל	פ	כ	נ	א	ש	ה	ו
ה	כ	•	ד	-	ל	ו	ז
ד	ת	ה	ה	ה	ש	ל	ח
ו	•	ה	ד	ל	כ	ו	ט
א	כ	ס	ה	כ	ש	ב	-
ל	-	צ	•	ב	ט	ו	א
ת	פ	מ	ה	ב	ר	ה	ב
ו	ט	ב	ל	ח	ב	ה	כ
-	מ	ה	•	ר	ל	•	ו
•	ש	•	ד	ה	•	ו	ט

بیاورد نه دانه فلفل سیاه و بر هر دانه یکبار سوره تبت و هفت بار الم تر کیف بخواند بنام هر کس که خواهد و در آتش اندازد تا بسوزد البته جدائی افتد چون خواهد بسوزد سه دفعه بگوید والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا

تعویذ

للطلب یار

للطلب بر شاذکر نفند نوشته بسوزانند بعد ۴۲۸ ۲۴ حاضر گردد از مجربات شمرده اند
و وشم مطلوب را ذکر کنند ۶۰ ۳۶ ۲ و ۶۸ ۱ ۴ ۵ ۱ ۳ ۲ ۶ ۴ ۱ ۱۱ له ۱۱ الا ۲۱۱ ر و ۱ ۵

الحمد مغربي

هذا دعاء الحمد مغربي اين است بسم الله الرحمن الرحيم الحمد
لله رب العالمين يا حي يا قيوم اجب يا روفائيل سخر لي قلوب
جميع مخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سميعًا لا
مطيعًا بحق الحمد لله رب العالمين وبحق الحي القيوم وبحق
الملك المجد يوش الموكل بالقوائم العرشيه الرحمن الرحيم اجب يا رحمن يا رحيم
يا رؤف اجب يا جبرائيل سخر لي قلوب جميع مخلوقات روحانية
الروحانيات من العلويات والسفليات سميعًا مطيعًا لبصير بحق
الرحمن الرحيم وبحق الرؤف العطوف وبحق الملك هوزج يوش
الموكل بالقوائم العرشيه يا مالك يوم الدين بحق مقلب القلوب
والابصار وبحق الملك هيكل يوش بالقوائم العرشيه اياك
نعبد واياك نستعين يا سريع يا قريب يا معبود يا مستعان اجب
يا روفائيل سخر لي قلوب جميع مخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعًا مطيعًا بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق
سريع قريب المعبود المستعان وبحق الملك المنسع الموكل بالقو
ئم العرشيه اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر اجب يا مرسا الحمد مغربي
ئيل وسخر لي جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليا
ت سميعًا مطيعًا بحق اهدنا الصراط المستقيم وبحق القادر
المقتدر وبحق الملك القصفي الموكل بالقوائم العرشيه صراط
الذين انعمت عليهم يا الله يا منعم يا حكيم يا عليم اجب يا عينائيل
وسخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعًا مطيعًا بحق صراط الذين انعمت عليهم

بحق منعم

بحق منعم الحكيم الحليم وبحق الملك الشمشخ الموكل بالقوائم العرشيه
غير المغضوب عليهم ولا الضالين يا قائم يا دائم يا عزيز اجب يا
عزرائيل سخرلي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
السفليات الانسية والجنية والجنثية سمعيا مطيعا بحق غير
المغضوب عليهم ولا الضالين وبحق القائم الدائم العزيز وبحق ا
لملك ذ ضغطع الموكل بالقوائم العرشيه اللهم انه ليس في السموات
وومرات وليس في الارض عمرات ولا في البحار قطرات ولا
في الجبال مدنات ولا في الاشجار ورقات ولا في العباد حركا
ولا في الملكوت تسبيحات ولا في العيون الخطايات ولا في الا
نفاس خطرات ولا في الدعوات تاثيرات ولا في الاشخاص
علامات الا بد يمو ميتك عارفات ولك شاهدات وغائبات
وعليك الالات وفي الملكوت مسخرات تحت جبر وتك مدللا
ت بنا القدرة التي سخرت بها الارض واهل السموات سخرلي
مطلوبي وسخرلي قلوب جميع المخلوقات من ولد جميع بني ادم وبنا
حوامن المذكرات المؤنثات من الاجساد المخلوقات بالارواح
الروحانيات والاشباح الحيوانات من العلويات والسفليات
سمعيا مطيعا بحق امين يا رب العالمين يا قدير يا خبير يا بصير يا
نصير انك على كل شيئ قدير وبالاجابة جدير اللهم سخرلي
هذه الاسماء العظام كما سخرت الريح لسليمان ع كما سخرت الجبل
والحديد لداود ع وكما سخرت الشمس والقمر والكواكب لامير المؤمنين
علي ابن ابيطالب ع وكما سخرت البراق والتاج ليلة المعراج لمحمد
صلى الله عليه واله سيد الثقلين وصاحب المقام فاتحو سبيا

الحمد موم:

الحمد موم:

لعا الحمد والمحمود لنبيك احمد المحمود وكما سمّيت في يوم الموعود لصاحب الحوض المورود وصلي الله عليه وآله الطيبين الطاهرين المعصومين من الآن الى يوم الورود آمين يا رب العالمين باب اگر خواهی کسیرا از مقام خود آواره کنی بنویسد این طلسم را و در مقام انکس دفن کند آنکس از آن مکان آواره شود ائی است

تغریب

۹۱	د	هه	۶
له	بع	۴	صر۶
۳۰	لصه	له	۵۳
الله	الر	حمن ۵۲۱	الرحیم

شدن غنی

اگر کسی تنگ دست و پریشان احوال باشد بنویسد این تعویذرا و با خود دارد غنی شود و پریشانی برطرف شود انشاء الله تعالی مجرب

۷۰	۷۰۳	۷۷	۶۳
۷۶	۶۴	۶۹	۷۴
۶۵	۷۹	۷۱	۶۸
۷۲	۶۷	۶۶	۷۸

باب احضار

باب بجهت احضار بنویسد بر نعل الاغ و سوراخ و در آتش اندازد اگر تا سه روز نیاید دیدم نوشته بر منی لعنت کند با مشک و زعفران بنویسد شکل اینست ملمصلصمبها هو ملصب لاحصا الفائرات وانت علیهم بسلطهم و اردحت ه

محبت

هلمسلعلصمبوایا ادهواه باب بجهت محبت بنویسد در کاغذ کوسفند و یکشب نه روز در آتش اندازد البته بیاید و حاضر گردد اینست ۱۳۵ ۱۱۱ ۸ ح ۸ ۸حلس ۴ ۱ م ۱ و د ۶ ۳ ح ۱۱۹ ح ۸ ۶ ۱۱ اصلی الامر محمد اکرا

تفریق

باب بجهت تفریق بنویسد بکوزه آب ندیده و برجای حمام اندازد در ساعت از یکدیگر جدا شود طلسم اینست ۱۱ ۹ ۱۱۱۱ م ۱۱ ح ۱۱ م ۱۱ ۶ ۱۰ م ۱۱۱ علم صع

سه ۱۱۱ عداوه انکندم در میان فه ۲ فه و فه ۲ فه والقینا بینهم العداوة والبغضاء

الی یوم

الی یوم القیمه کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا

الوحا الوحا الوحا الفراق الفراق العاجل باب الحب بیاور از جامهٔ مطلوب
و این شکل را بروی نویسد و فتیله کند در چراغ نو نهد تا بسوزد که آنکس بیقرار گردد
ا ک ۸ ۱۱۱ ۲ ۸ ۱۱۱۱ ۹ ۱۱۱۱ باسم ۲۲ فی علی حب ۲ ۲ نوعد بکر بر نقل
سوراخ ناکرده در آتش اندازد وقتی که مردم در خواب باشند ۱۹۱۱۹۹۲۱۱۱۱۱۲
ایضا بنویس بر کاغذ و چرب کن در آتش انداز اگر صد فرسنگ ۱۱ طح ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ی
دور باشد که بیاید بغایت مجرب است

وره خاتم سلیمان سلام الله سوختم دل و جان ۲۲ ۲ علی حب ۲۲ ۲
باب الحب اگر خواهی کسی را عاشق خود کردانی بنویس این طلسم را بر کاغذ روز دوشنبه بسوزاند
که آنکس از محبت وی بیقرار گردد طلسم اینست ۶ ۸ ۱۸ ۸ ۸ ۸ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱ ۱
۱۱ ط ۱ ۸ ۱ ع ۱ باسم ۲۲ ۲ علی حب ۲ ۲ العجل العجل العجل الساعة الساعة
الوحا الوحا باب جهت باز آمدن گریخته و آمدن غایب و پیدا شدن
گمشده نوشته درمیان دو سنگ آسیاب دستی یا دو سنگ سنگین گذارد اگر صد فرسنگ
دور باشد بیاید و گمشده پیدا شود

۱۱۱ ۶ لا ۱۱۱ ۵ لا

از نسخه دیدم این نسخه نوشته بود
که حقیر فقیر عبدالغفار جعفر نوبت این کار کرد همه حرج بدست میآورد الیفت

باب جهت زبان بند اینها را بنویسد و بر آب روان
اندازد یا درجائی دفن کند که قبرستان باشد البته
زبان آنکس بسته گردد ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی
ی ی
ی ی

۸ ۴ ۸ نو

۱۸	۸۶	۶
۱۳	۲۴	۴۳
۴۲ ۲	یا سطح	۳۰

بنویسید روز یکشنبه و چهارشنبه در زیر درخت سرو دفن کنند یا در خشتی که شر بند بعد دگور
موی سگ سیاه باید اگر خواهد تجربه کنند بنویسید در کاسه و هفت درم آب در آن
کنند پس آنرا با آن آب بشوید و به بچه چاریائی دهند که او را مادر باشد یا ماکیانی که
بچه داشته باشد بچه را شیر ندهند بسم المتکبر الغضبان المفرق بین المرء
و قلبه اللهم یا مفرق بین اللیل والنهار و بین الشمس والقمر و بین
المسلم والکافر و بین الجنة والنار و بین السماء والارض و بین
فرعون و موسی و بین عیسی والنصاری و بین داود والیهود
و فرق بین ۲۲ و ۲۲ حتی یری وجههما اسود من الفحم
والبغض من الیهود عند النصاری و من النصاری عند
المسلمین لا یجمعان ابداً اللهم انی اسئلك یا احد یا فرد
یا صمد یا قاصم کل جبار عند ان یلق البغضه ۲۲ فی قلب ۲۲
حتی یعود عنده فی صوت الخنازیر اللهم الف بینهم العداوة والبغضا
الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها ابلیس والقی بینهم العداوة
والبغضاء کما القیت بین محمد و ابی لهب و کما القیت بین ابراهیم
و نمرود و کما القیت بین زکریا و قومه و کما القیت بین هابیل و
قابیل و کما القیت بین القط والفاره و کما القیت بین الادم و
الحوا القی بین ۲۲ و ۲۲ العداوة والبغضاء الی یوم القیمة

بینهم بحق مائة واربع عشر سورة القرآن وبحق مائة الف نبي واربع عشرین الف نبي وبحق محمد وعلي والانصار بحق السقف المرفوع والبیت المعمور والرق المنشور بحق البقرة وآل عمران والمائده والانعام وبحق طه ویس وبحق الرحمن والواقعه ارفع بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة اللهم فرق بین ... الی یوم القیمة تفرقة وعداوة افکندم ما بین ... بحق ان نام که بره جبرائیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل نوشته یا موکلین هذا السنة وهذا الشهر وهذا الهفتة وهذا اللیل وهذا النهار وهذا الساعة بنقلب جوهم للمتعوج والبغضا وقتالا وتنافرا واذا رای فلان فلانا فیکون في عینه کصورة الکلب وکصورة الذئب ویتوحش في عینه خلقته ووحشته وقامته بحق ان نام که بساق عرش نوشته است وبحق ان که بر کتف محمد المصطفی نوشته است وبحق ان نام که بر قبضه ذوالفقار امیر المؤمنین نوشته است وبحق ان نام که بر زلف ملک الموت نوشته است العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الفراق الفراق الفراق

باب بنویسد بر هفت پاره نان بسگ سیاه دهد تا بخورد الکرانکس یا دعا نوشود سگ المکند ع ع ع ع اطاطا طا ۲ و ... وعا ۳ وعا وعا وعا ۳ ولبثمهه ولبثمهه ولبثمهه ه ده ووف ده ووف ده ووف ده ووف ده ووف ع لح لح لح لح لح لح لح ۲ الکرآیه قال من یحیی العظام وهی رمیم الی توندون را بر هفت

محبت بنویسد بر جامه آنکس از موم گیرد و در زیر آب دفن کند ع ۱۱۱ ط ط ۲ ۹ ج ج ح ح ص

محبت عبدالله هلال گوید در صحبت ... از این عزیمت نیافتم بنویسد بر کاغذ و در خانه دفن
اگر بزنجیر بسته باشد پیش تو آید مجربست لط لعمود هی لمعول العرم
حق حلبه الاسماء و ح ح ح وحنا ... صاحب هلم حره
العجل العجل العجل الساعة الساعة

تفریق تفریق از جهت ... از قبر انداخی خاک بردارد و داخل کند اندکی پوست تخم مرغ داخل کند
و ده دانه سیاه دانه تخم نیز داخل اذا زلزله والم ترکیف والعصر تبت از هر یک
جهت یکبار بخواند باسم آنکس که ملکان انکس بیا باشد صفت جدا شود ...

محبت بر چهار پایه نان بنام هرکس که خواهد بنویسد و در شب ... باو دهد تا بخورد بیقرار
شود ۱۱ ۱۱ ۹ ۹ ۱۱ ۱۱۱۱ ۱۲ ع ۱۱۱ ۱۱۱۲ ... اگر کسی را از ده دور

احضار بیاورد بنویسد در زیر سنگ گران نهد مجربست ۱۱۱ ۷ ۱۱۱ ۱۱۱۱ هـ

ک ک ک ک ک ک ک ... ۹۶۳۸۸ ...

حب ... ج ۴ ج ج ح ح ... فی الحب بنویسد بر آتش اندازد مجربست
ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه اع ل ها اع اع اع اع اع اع اع اع اع
اع اع اع اع اع اع که ۲۲ ۲۲ علی حب ۲۲ ۲۲ ...
... العجل العجل العصا العصا الساعة ...

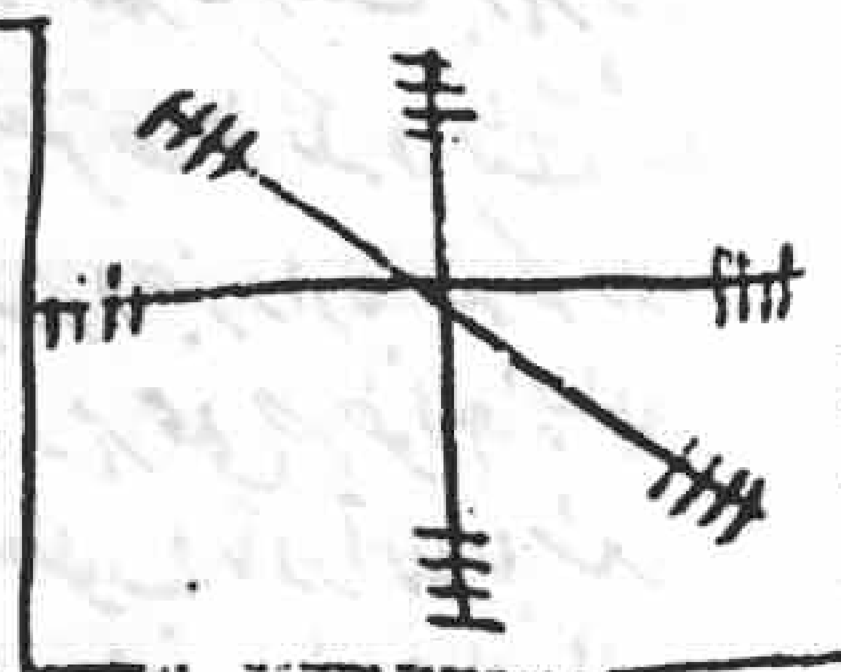
تفرقه اگر خواهی میان دو کس جدائی افکند این طلسم را بنویسد بکیرا با هر چه بخورد
ان دهد در حال جدا شود ع ۱ ۲ ۱ ۱ ۶ ...
جدائی سه مشت خاک
از گور کهنه بگیرد سه بار بر آن خاک بخواند ... بر ... ن ... تکمیر
یکجا بگذرد

بگیرد بر زانو بندد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی فلها شلها جلها اخا لا رب السموات ان الله ربما کان لکم تفعلون وها ما لعلهم یشکرون

بنویسد و بسوزاند هرجا اکسترش را در خانه هرکه بپاشد جدا شوند اتفیت

آواره کنی

اگر خواهی کسی را آواره کنی بنویس بنجر وقت را دران جایی که می نشیند دفن کند حروف آخر را مقدم دارد زود تر تفریق شوند ا ر ا د ل د ل ت و ا ل م ت ر س ی ق ل تفریق بین ۲۲ ن م ۲۲ ن م



عقد صرعی

باب عقد طریق که اگر خواهند راه شخصی را ببندند که هیچ جا نتواند رفت دایره بر کار بکشند و در مرکز دایره اسم شخصی را که میخواهند راه وی را ببندند بنویسند و در دور را اسم آن شخص سیصد حرف شین بنویسند و عبارتی که نوشته شود با حرف اضافه کند و بنویسند در پارچه از جامه یا از جامه آن شخص به پیچند و در محل تاریک در زیر سنگ بنهند که حیث و عبارتی باید خواند و باید نوشت این است بسم الله الرحمن الرحیم بسل د ت و عقدت ۲۲ ن م عن سیره و عن مشیه و عن حرکته دعوا قصده و عن نیته وقهرته عن کل نیته ینوی الیها وحرمته یتحرک فیها یا قاهر ذالبطش الشدید انت الجبار الذی لا یطاق انتقامه یا قاهر

اگر کسی را خواهی مسخر کنی دا از حد ر طلب باید که این عمل حب الکبر نام دارد بجای آوری و انجنانست که این دایره را بر کاغذ سفید بمشک و زعفران و گلاب بهمان صورت بکشی و بعد ازان بر دیوار شرقی بیخ بچسبانی و باید که آن خانه پاک باشد و خود نیز پاک باشی و بخور عود وغیره موافق برج و ستاره کرد آنرا تعظیم کنی و بر ازان بکسی میخ نقره ایب در میان حروف اول که الف است بزند و بخور تازه کند و بیست

باز این عظیمت برآلجی بخواند و صبر کند تا آمدن مطلوب ببیند که چقدر راه است منتظر باشد
واگر از این حرف نیامد باید که میخ دیگر مثل اول در میان حرف دوم که ب است بزنند
و بخور تازه کند و عزیمت بهمان طریق بخواند و منتظر باشد تا آمدن او و چون بداند
که نیامد میخ دیگر بر ج بزنند باز منتظر باشد و بخور تازه کند و عزیمت بر هر حرف
بخواند همچنین تا بیست حرف و میباید که ۲۸ میخ بیشتر حاضر نکند داشته پیش
از آنکه حرف مطلوب معلوم شود این عمل که مذکور شد بلیغه و خبردار باشد که در
کدام حرف مطلوب آمد همان حرف را در یاد خود نگه دارد و هر محلی که خواهد بطلبد
همان حرف را همواره در عمل آورد و چهار نام که طالب و مطلوب و مادر آنها باشد
این است که نام طالب و مادرش در بالا میان دایره نیمه خورد بنویسید و نام مطلوب
دایره خورد تحتانی دایره بنویسید و در عزیمت وقت خواندن جائی که مقرر شده
داخل ساخته بخواند و دایره این است تسخیرات ملکی تسخیر جن و ملکی تسخیر انس کند باید
که میخ اول با الف زنند تا قاف و اگر تسخیر جن کند باید که میخ اول با شین زنند و بهمان
ترتیب عین عمل نماید



فوائد این بسیار است
اختصار برای این شد
عزیمت همین است
بر سر هر میخ بیست هشت
بار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
أُقسِمُ عَلیکم یا
الروحانیین المطا
یعین لهذه الاسماء

وَالخُدّام لِهَذِهِ الحروفِ الجليلة هَيْشَمْشَيالِ كَشَمّا أَلِ هَسْنُوشٍ كَبْرَشٍ أَنْتَ
القَوِيُّ الشَّدِيدُ. هاهُودِشٍ مَيْخِ هَيْهُودِشٍ مَكْشُوهَيْعِ سَيْهَكْطَشِ
طَحْلَعُوخِ بِعَظَمَةِ طَلْطُوخِ يا نُورُ شَيْشَمَا خَمْشَةِ طَمْخَلْيَا طخ فاطِرَ
السَّمواتِ وَالأرضِ كَهْشِفْيالِ طَلَمْخَضا بِكَلْمُوتْيا هَلَع آليخ يا هَلُومَهْيا
سَمُوتٍ تَدَاكَتِ الجبال بِعَظَمَةِ أسمائهِ اهُوهِ يَهُوهِ بِحَقِّ هذا
القسمِ الذي تجب طاعَتهُ على كلِّ روحٍ ورُوحاني وجسماني سَخِّرُوا
لي فلانة بنت فلانة وَاسْرِعُوا وانْفُذُوا وَاجلبُوا لي فلانة على حُبِّ فلان اللهم
اني اسئلُكَ بالألفِ المعطوفِ الذي هو مبتدئُ الحروفِ بباءِ البهاءِ
بِتاءِ التَّلاقِ بِثاءِ الثَّباتِ بجيمِ الجَلالِ بِحاءِ الحيواةِ بخاءِ الخوفِ
بدالِ الدَّرعِ بذالِ الذارياتِ براءِ الربوبيَّةِ بِزاءِ الزَّبورِ بسينِ
السَّناءِ بشينِ الشهادةِ بصادِ الصدقِ بضادِ الضيا بطاءِ الطاعةِ
بظاءِ الظَّهيرةِ بعينِ العلمِ بغينِ الغيبِ بفاءِ الفناءِ بقافِ القدرةِ
بكافِ الكرمِ بلامِ اللاهوتِ بميمِ الملكِ بنونِ النعيمِ بواوِ الولايةِ
بهاءِ الهدايةِ بلامِ الفِ الالاءِ بياءِ يومِ النداءِ أن تُسخِّرَ لي
فلانة وأن تجمعَ بيني وبينها أقسمتُ عليكم يا ملائكةَ هذهِ الحروفِ
بحقِّها أقسمُ عليكُم الا ما أجبتم وتأمرت ما أريدُ احضروا
فلان بن فلانة إنّهُ من سليمانَ وإنّهُ بسمِ اللهِ الرحمنِ الرحيمِ الّا تعلوا
عليَّ وأتوني مسلمين يا أرواحَ الطيبين الطاهرين المسخرين لهذهِ
الحروفِ والأسماءِ وخدامِ هذهِ الأسماءِ والحروفِ احضروا فلانة بنت فلانة

وَهَيِّجُوا مِنْهُ جِسْمَهُ وَاَمْرَهُ وَمُرُوا بِهِ اِلىٰ هٰذَا الْمَكَانِ سَرِيعاً عَاجِلاً
بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الْمُبَارَكَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْمجب العجل العجل احضروا احضروا
احضروا الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا بحق لا اله الا الله
محمد الرسول الله علياً ولي الله اگر خواهند که میان دو کس تفرقه یا عداوت بهم رسد
مربعی بکشند سه در سه و حروف طائم جا در خانها رقم کنند و حروف هم متفرقه در خانه میان
بنگارند و اسم شخصین را مکرر کنند و بکسر اسما در خانه از حروف بنویسند بنوعی که جهت
حروف بر یکدیگر باشد و خطوط لوح از آیه والقینا بینهم العداوة والبغضاء رقم کنند

از جهت محبت بسازند پاره موم
صافی پاک کار نفرموده و قدری
سنبل الطیب با قدری مویکر بر سیاه
و با موم صافی لیس کنند دو صورت
از آن موم بسازند یکی بنام طالب
و یکی بنام مطلوب و نام شخصین
با اعداد متحابه در مربع نوشته در شکم
صورتها نهند در وقت اجتماع شمس و قمر

ج	ج	ط	ا
			الکا
	هـ		ی
وم		ز	
۱۲	ط	ب	

والقینا بینهم

باشد و بدانند که اجتماع در کدام برج میشود و اگر برج آتشی باشد در جائی بیاویزند که
اندک اثر آتش تا آن برسد و اگر برج بادی باشد از درخت بیاویزند و صورتها را چنان
کنند که دست در گردن یکدیگر داشته باشند و در وقت ساختن بگویند که اجتمعت بین
فلان و فلان بالمحبة والمودة کاجتماع الشمس و القمر طالب مطلوب بیعار د
مطلوب محبت طالب نگهدارد

طلسم برج آتشی

مطلوب کتب طالب جزاید

۲۴۰

۱۴۱	۷	۷۱	۱
۷۰	۲	۱۴۰	۸
۵	۷۵	۳	۱۳۷
۴		۶	۷۴

۱۳۶

... ب الو ب ...

۲۸۴

۱۸۴	۷	۹۳	۱
۹۱	۲	۱۸۲	۸
۵	۹۶	۳	۱۸۰
	۱۷۹	۶	۹۵

۴

طلسم مربع انیث

بگیرند ریزهای سیم آب و ریزهای سیم سرخ نصف جزو براده شاخ گاو میش ثلث اجزاء

براده شاخ بز ربع جزو و بریزند براو خون بز نر بوزن مجموع و دفن کنند در سرگین گوسفند شبانه روز و برآرند روز دیگر مثل جمیع خون و مثل آن روغن زیتون پس در کوزه کرده در زبل دفن کنند یک شبانه روز و در روز ثالث مقدار وزن مجموع آن خون و زیت بریزند و مقدار عشر وزن آن زاج و مثل نصف عشر آن نشادر و اگر زاج نشادر را در ماء حل کنند و بریزند ابلغ و اولی باشد بعد از آن این مجموع را در قرع انبیق تقطیر کنند بدرستی که برآید از او آب ذهبی اللون مشرق که تبییض نحاس ابیض کند

صنعت طلسم عقارب را از شهری رانند و ساکنان

آن بلاد را از آفات عقارب نگاه دارد این طلسم عمل بلیناس است گویند در خزینه حمص ساخته که از آن بهمان طریق بجای حمص است وقت نزول زحل در برج عقرب و طلوع برج اما چنانکه اول جزء نباشد آخر جزو اول طالع باشد ابتدا در یکشنبه در ساعت کمال طلوع برج از عمل فارغ شده باشد بتمامه ذکر کنند و اسمها او را اعلی مثل نصف اعلای انسان باشد و نصف اسفل آن مثل اسفل عقرب برین مثال و او را بر عمود آهن راکب نموده بسیار قوی مستحکم کنند در وقت اول طلوع عقرب تا آخر او باین عمل مشغول باشند و همچنین عمود را نیز در این وقت ترتیب ... را در اگر احیانا تمام نشود باید که گذارند تا باز طلوع عقرب که شود تمام کنند و آن عمود را بزمین مستحکم کرده بنا بر حول آن بنیاد نهند و سر او را بپوشانند تا محافظت طلسم کند باید که این عمود را در وسط قریه نصب کنند بدانکه بعد از تمام این طلسم عقرب ... آن شهر نماند و عقرب دیگر داخل شهر نشود و تولد عقرب از آن شهر بطرف ... شود و طلسم خواص دیگرش آنست که خاک او را به قریه بهر جا برند عقارب ... گریزند

حروف خاکی	ثور	سنبله	جدی
بروج خاکی	د ح ل	ع ر	خ غ
منازل خاکی	سماک عوا دبران	ثریا ذراع	بلع سعود

حروف تهجی را بمنازل قمر تقسیم کرده اند بدین ترتیب حرره محمد

شرطین ا	بطین ب	ثریا ج	دبران د	هقعه ه	هنعه و	ذراع ز
نثره ح	طرفه ط	جبهه ی	زبره ک	صرفه ل	عوا م	سماک ن
غفر س	زبانا ع	اکلیل ف	قلب ص	شوله ق	نعایم ر	بلده ش
ذابح ت	بلع ث	سعود خ	اخبیه ذ	مقدم ض	مؤخر ظ	رشا غ

ازمثال که برین چرخ برین دارد ماه آنچه نحس گشت جملی هست که گفتم بتو پاک
شوله و اخبیه و نثره و طرفه دبران بلده و ذابح و اکلیل و زبانا و سماک

آواره کردن

چون خواهند شخصی را از مقام خود آواره کنند نام آنشخص را با نام مادرش در مثلثه منوی ما لعدد رقم کنند نوشته را بمقراض بنه پاره بچینند بشرطی که نوشته چیده از هم جدا شود در مقام آنشخص بپاشند و مثلث دیگر بهمین نوع نوشته در زمین منزل آنشخص دفن میکنند و مثلث دیگر را نیز بهمین نوع نوشته تبرکه بشویند در منزل مهمان آنشخص بپاشند و مثلثات را از گورستان بنویسند و بخور از سر کلّه سگ کربه بکنند بعض در بیان

دشمنی بیضه

عمل بیضه مرغ اول آنرا که گذاشته باشد بگیرند آنرا پاک بشویند و بر بیضه مذکور شخصین را با هم دشمنی خواهند باید نوشت و اسماء مسطوره فیه و بر کرباس پاک باید نوشت که بیضه را

که بیضه را لفافه کنند با آن کرباس و همان اسماکه بر کرباس نوشته اند بر هفت دانه جو باید خواند
بر هر دانه نوبتی و بیضه را در زمین پاک دفن باید کرد و جوها را بر سر بیضه باید افکند
ولته نوشته را بر بالای خاکی که بیضه در آن مدفون است مشتعل باید ساخت و همان
اسماکه بر جو خوانده اند باید خواند بعدد ۱۲ نوبت یا زیاده و بانچه بعدد در آتش
و بخور لبان باید سوخت و این عمل بجهت زوج و زوجه باید که حلال باشند نه از
برای حرام اسمائی که باید نوشت و باید خواند بر جو و هم عزیمت باید کرد اینست
لَهُوْ لَهُوِ شراهیا هَهْوِ ربقدرة الله العزیز أذُونای اصبا
وَتِ صمئاً احدًا احبار اهیه اذونای اصبا وت آاهیه
یه طه لو انفقت ما فی الارض جمیعًا ما الفت بین قلوبهم ولکن
الله الف بینهم انه عزیز حکیم وجعل بینکم مودة ورحمة ان رحمة
الله قریب من المحسنین فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم والنا له
الحدید ان اعمل سابغات وقدر فی السرد واعملوا صالحا
نوع دیگر بستانند بیضه مرغی که اول نهاده باشد پاک بشویند و بنویسند به بیضه
یا شمعونا یا شمعینا یا ملک الجن والشیاطین هیج روحانیه
لسا کنه فی ... فلان بن فلانه علی محبة فلان بن فلان بحق هذین الاسمین
اهیا شراهیا والق بینهما حبا ... ایا آذونای اصبا
وت ال شدای و بالحق انزلناه وبالحق نزل و همین عزائم
را هم باید خواند و بخور بلبان داده و بیضه را در لفافه پاک بپیچد در
زمین پاک دفن کنند و بر بالای آن آتش برافروزند و عزیمت بخوانند

مجرب

مجرب

باب دفع سختیها هر کس هر صباح ده نوبت و هر شام ده نوبت این آیه بخواند و سجده کند
از همه سختیها و رنجها ایمن باشد اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمٰوٰاتِ وَمَنْ
فِی الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبٰالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوٰابُّ وَ
کَثِیرٌ مِنَ النّٰاسِ وَکَثِیرٌ حَقَّ عَلَیْهِ الْعَذٰابُ وَمَنْ یُهِنِ اللّٰهُ فَمٰا لَهُ مِنْ
مُکْرِمٍ اِنَّ اللّٰهَ یَفْعَلُ مٰا یَشٰاءُ مجموع این آیه ۱۴۲ حرف است حرفهای که در این آیه
هست اینست حرف مرکب حرف نورانی ۹ ا ح د س ع ق ک ل م ن
۹۷۱۰۱۴۲۲۳۳۳۴۷۱۲۵
ظلمانی ۱۰
ب ت ث د ذ ش ض ف و ۱ حرف که در این آیه نیست نورانی ۲
۱۴۴۲۱۲۱۲۲۳
ط ص
مجموع عدد آیه اینست ۹۶۱
ظلمانی ۴
خ ظ ع غ درد معده و صداع هر کس را ۲۲ حرف است در این آیه از آن که مرکب
بنویسد چون قمر در حوت باشد با خود دارد از درد معده ایمن باشد
دفع دشمن هر کس را ۴ حرف ظلمانی که در این آیه نیست بنویسد بخون مرغ سیاه در
ساعت مریخ چهار حرف دال به نیت دشمن که کرد او بنویسد و یکدانه بلادر در اندرون
او نهد بنام هر کس که خواهد بر ظهران بنویسد و در گلخن حمام دفن کند که دشمن آواره
گردد یا هلاک گردد آوردن غایب هر کس صد و چهل دو حرف که در این آیه هست
بنویسد در ساعت قمر به نیت غایب در تخته بنویسد با بوی خوش و در جائی دفن کند
غایب زود بیاید مسخر کردن الخ مراد بهم هر کس را ۲ حرف نورانی که در این آیه است
بنویسد روز جمعه پیش از طلوع آفتاب و نقد و نام باری تعالی گرد او بنویسد با حقه
دارد اگر خواهد مثل آفتاب از آسمان نزدیک آورد محبوب دلها هر کس را این آیه را
در ساعت زهره ۱۷ بار بخواند و سجده کند در شب را آنکس محبوب دلها گردد

دعای فرج از فرمایشات حضرت صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیه و عجل فرجه
شیخ طبرسی روایت کرده را او روایت نموده از ابوجعفر ابن هارون موسی تلعکبری

دعای فرج

که او روایت

که او روایت کرده از ابوالحسن ابو بغل او گفت از ابو منصور کاری را بگردن
گرفتم و بسبب آن کار میان من و او طوری شد که باعث خوف من از او گردید او
در طلب من بود من از او گریزان بودم تا آنکه شب جمعه قصد زیارت حضرت موسی
ابن جعفر ع نمودم و شب را در الحرم مطهر بسر بردم اتفاقا در آن شب باران و باد بود
پس از ابو جعفر کلیددار حضرت خواستم که درها را ببندد مرا بگذارد تا در خلوت
دعا و مسئلت نمایم اجابت نمود درها را قفل کرد مشغول تضرع و زاری بودم ناگاه
در نزد قبر حضرت موسی صدای قدمی شنیدم چون نظر کردم آواز مردی را شنیدم
که بر یک یک انبیاء اولوالعزم سلام کرد تا آنکه بائمه رسید یک یک را سلام
کرد تا آنکه بحضرت حجت رسید و او را ذکر نکرد چون بودیم متعجب گردیدم با خود
گفتم شاید آنحضرت را فراموش نمود یا اینکه مذهبش این باشد تا آنکه از زیارات
فارغ شده دو رکعت نماز کرد چون از نماز فارغ گردید نزد قبر امام محمد تقی
آمد او را نیز مانند جدش سلام و زیارت نمود دو رکعت نماز کرد او را نشناختم از
او ترسیدم چون خوب نگاه کردم جوانی دیدم در حد کمال با سفید از بر عمامه با
حنک بر سر زده ردائی در دوش بسوی من نگریست فرمود یا ابوالحسن ابن ابی البغل
تو در کجائی از دعای فرج عرض کردم ای مولای من آن دعا کدام است فرمود دو رکعت
نماز بگذار بعد از آن بخوان این دعا را یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمیلَ وَ سَتَرَ الْقَبیحَ
یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَریرَةِ وَ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ وَ السَّریرَةَ
یا عَظیمَ الْمَنِّ یا کَریمَ الصَّفْحِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ
الْمَغْفِرَةِ یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یا مُنْتَهی کُلِّ نَجْوی
وَ یا غایَةَ کُلِّ شَکْوی یا عَوْنَ کُلِّ مُسْتَعینٍ یا مُبْتَدِئاً
بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها بعد از آن ده مرتبه بگو یا رَبّاهُ
بعد از آن ده مرتبه بگو یا مُنْتَهی غایَةِ رَغْبَتاهُ بعد از آن بگو

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي وَنَفَّسْتَ هَمِّي وَفَرَّجْتَ غَمِّي وَأَصْلَحْتَ حَالِي بعد از آن به هر طریق می‌خواهی دعا کن و حاجت خود را بخواه بعد از آن خد راست خود را بر زمین بگذار و در سجده صد مرتبه بگو یا محمد یا علی یا علیُّ یا محمّدُ اِکْفِیانی وَانْصُرانی فَاِنَّکُما ناصِرای بعد از آن خد چپ را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو ادرکنی و این را بسیار تکرار بکن بعد از آن الغوث الغوث الغوث بگو تا نفس قطع شود بعد از آن سر بردار که خدا به کرم خود ان شاء الله حاجت ترا برمی‌آورد راوی گوید چون این شنیدم برخواستم مشغول آن گردیدم آمرد برفت بعد از فراغ خواستم نزد ابو جعفر کلینی داری بروم و از حالت آمرد بپرسم در را مانند سابق بسته دیدم با خود گفتم شاید در دیگر باشد من ندانم پس بسوی ابو جعفر شتافتم او آواز مرا شنید از بیت الزیت بیرون آمد و قصه باو گفتم و در بابها پرسیدم گفت جمیع درها بسته است گفتم پس آن مرد چه کس بود چه گونه در آمد برفت گفت او مولای ما صاحب الزمان است و او را بارها در شب این شب در اوقات خلوت دیده‌ام پس صبح که از روضه مطهر بیرون آمدم و اراده محله کرخ و آن مکانی که بوده در آن مخفی پنهان بودم رفتم با خاطر مسرور قاصد چاشت نکردیده بود که جمعی بطلب من آمدند و احوال مرا از کسانی که من گرفته و از ایشان در خصوص من امانی بود از وزیر در رقعه هم بخط خود نوشته بود که کل حاجت من مهم کارها که آرزو داشت پس با مردی ثقه از دوستان خود نزد وزیر رفتم چون وزیر مرا دید از جا خود برخاست مرا چسبید و به نوعی ملاطفت نمود که هرگز مثل آن ندیده بودم بعد از آن بمن گفت که کار تو بجایی رسیده که از من بحضرت صاحب الزمان علیه السلام شکایت کردی گفتم که دعا و سئوال کردم نه شکایت گفت بدانکه دیشب که شب جمعه بود خوابیده بودم مولا صاحب الزمان دیدم که مرا

دیدم که مرا البغل جمعی امر میفرمایند در خصوص این امر مرا الجبدی حفظ نمودم تا رسیدم ابو الحسن گوید چون
این شنیدم گفتم لا اله الا الله شهادت میدهم که این برحق و حق با ایشان است
و شب بر بیدار شدم و ملازمان خلیفه را دیدم پس از برای او شرح واقعه را ذکر نمودم چون این
بشنید متعجب گردید پس بعد از آن از او بایت بسبب کارها نیکو بدیدم و در نزد او تقرب
بمرتبه بلند رسیدم شرح مفصل بوده بنده مختصر نمودم نقل از معاصر نوری حاج میرزا
حسین که گفت در شهر بغداد بودم و اراده قتل مرا داشتند از خوف گشته شدن بمقابر
قریش یعنی شهر کاظمین پناه بردم و در آنجا تضرع نمودم تا آنکه حضرت صاحب الامر عج
این دعا را بمن تعلیم کرده خواندم به برکت آن دعا از آن بلیه نجات یافتم این است

اَللّهُمَّ عَظُمَ البَلاءُ وَبَرِحَ الخَفاءُ وَانقَطَعَ الرَّجاءُ وَانکَشَفَ
الغِطاءُ وَضاقَتِ الأَرضُ وَمُنِعَتِ السَّماءُ وَ إِلَیکَ یا رَبِّ المُشتَکی
وَعَلَیکَ المُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ أُولِی الأَمرِ الَّذینَ فَرَضتَ عَلَینا طاعَتَهُم فَعَرَّفتَنا بِذلِکَ
مَنزِلَتَهُم فَفَرِّج عَنّا بِحَقِّهِم فَرَجاً عاجِلاً کَلَمحِ البَصَرِ أَو هُوَ أَقرَبُ
یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اِکفِیانی فَإِنَّکُما کافِیایَ وَانصُرانی فَإِنَّکُما ناصِرایَ
یا مَولایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ الغَوثَ الغَوثَ أَدرِکنی أَدرِکنی

راوی گوید چون آن بزرگوار این دعا را میخواند بفقره یا صاحب الزمان
رسید اشاره بسینه مبارک نمود فهمیدم مقصود آن بزرگوار آن
است که خواننده این دعا در آن فقره اشاره بآنحضرت نماید شیخ علی رشتی را
گفت که مبتلا شدم بتنگی معیشت و کثرت دیون و شدت طلب کار که به
حد رسیدم که مرا گشته یا آنکه از تنگی و غصه بمیرم پس ناگاه دیدم شخصی
هم در آنجا دیدم بدون آنکه حرفی گذاشته باشم یا آنکه کسی را دیده باشم که

آنرا در جیب جنی بگذارد در خواب مردیرا دیدم در زی صلحا و زهاد دیدم بمن میگوید یا فلان
دعای ترا بتو دادم آنرا بخوان تا آنکه از تنگی و شدت خلاص گردی من او را نشناختم
و تعجب زیاد کردید پس دفعه دیگر حضرت حجت را در خواب دیدم فرمود آن دعا نیرا که
بتو عطا کردیم بخوان و تعلیم کن بهر کس که میخواهی پس من چند مرتبه تجربه کردم و فرج قریب
دیدم بسم الله الرحمن الرحیم رَبِّ اَسْئَلُکَ مَدَداً رُوحانِیّاً تُقَوِّی بِهِ الْقُوَی الْکُلِّیَّةِ
وَالْجُزْئِیَّةِ حَتَّی اَقْهَرَ بِمَبادِی نَفْسِی کُلَّ نَفْسٍ قاهِرَةٍ فَتَنْقَبِضَ لِی اِشارَةُ رَ
قائِقِها اِنْقِباضاً تَسْقُطُ بِهِ قُواها حَتّی لا یَبْقی فِی الْکَوْنِ
ذُو رُوحٍ اِلّا وَنارُ قَهْرِی قَدْ اَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ یا شَدیداً
ذَالْبَطْشِ الشَّدیدِ یا قَهّارُ اَسْئَلُکَ بِما اَوْدَعْتَهُ عِزْرائیلَ
مِنْ اَسْمائِکَ الْقَهْرِیَّةِ فَانْفَعَلَتْ لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ اَنْ
تُودِعَنی هذَا السِّرَّ فی هذِهِ السّاعَةِ حَتّی اُلَیِّنَ بِهِ کُلَّ
صَعْبٍ وَاُذَلِّلَ بِهِ کُلَّ مَنیعٍ بِقُوَّتِکَ یا ذَالْقُوَّةِ الْمَتینِ
اینکلمات را در سحر سه دفعه بخواند اگر ممکن نشود در صبح سه دفعه و در
اول شب سه دفعه بخواند هر وقت که امر شدید شود بر خواننده آن بگوید
بعد از خواندن آن سه دفعه یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین اَسْئَلُکَ
اللُّطْفَ بِما جَرَتْ بِهِ الْمَقادیرُ روایت است از شیخ محمد
ابن بابویه قمی که هر که در روز عاشورا این دعا را هفت مرتبه بخواند یقین
داند که در آنسال وفات نکند و در سالیکه فوت او باشد این دعا را فراموش
نماید دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم سُبْحانَ اللهِ مِلْءَ الْمیزانِ وَ
مُنْتَهَی الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا
مِنَ اللهِ

من الله الا الیه سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد کلماته التامات
برحمتک لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وهو حسبی ونعم الو
کیل نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین
و بعد از هر مرتبه بخواند ده مرتبه صلوة بفرستد هرکس این دعا بنام هرکس که خواهد با زعفران بنام آنکس و ما دهش از عشق او دیوانه شود مجرب و آزموده است
بسم الله و بالله و من الله و لا غالب الا الله ونزل القرآن و اا ن
ی اا لی دل زی ان ک ق لیزلقونك وهو الذین آمنوا قل اعوذ
برب الناس لا ه ا ااا ه ۲۷ و د اا و د ا ۷ ا ا ا غ ۳ ۱ ۲ لا ه ا لا ه ۲ لا ده ۱۳ ه ۱ لا لا
ه لا ه لا ه لد لد العجل الساعة الساعة الساعة الله الوحا
الوحا و داه ۷ ا ه اا ه ۳ ه ۱ لا لا لما ا ه ۷ اا لا ه ا ع اع اا ع ۲۱ ۲ کهاع
اب اا ۲۱۴ ۲ ملہ عسا ط و لا لا ع سو ۹ ۱ ۹ ۱ ۹ ۱ ه لا ه ا ه لا ه
لا الو آتش انداختم سبع اندام وجمیع جوارح از سر تا قدم ۲ ۲ ۲ علی
حب ۲۲ الساعة العجل الوحا الحریق باب در علم سیمیا مجرب صحیح بقول
استادان کامل آنکه کاغذ نقره شود اما شرایط چنین است که اول از حیوانی پرهیز
کنند تا سه روز و بعد از آن شروع با وراد کند و اوراد چنین است که در روز اول
و دوم هر روز صد و بیست مرتبه والضحی بخواند و شصت یکمرتبه قل اوحی بخواند و در جامه
خواب هفت مرتبه بخواند و در روز سیم بعد از نماز صبح شروع نموده با لضحی و یکصد و
پنج مرتبه قل اوحی بخواند و این آیه هفت مرتبه بخواند اللهم انی اسئلک
بما سئلک به جبرائیل عن سجد عند عرشک قاه مرمائیل
برحمتک یا ارحم الراحمین و بخور بسوزد که مطلب حاصل است اما بشرط آنکه
... بخواند و خط نخورد عمل دو نفر باید که هفت نفر روزه داری و

حیوانی نخورد و هر روز چهل نوبت این اسماء را بخواند یا فَرْدُ یا خَبِیْرُ یا شَهِیْدُ یا ذَکِیُّ یا لَطِیْفُ یا ثَابِتُ یا جَبَّارُ یا فَعَّالُ یا خَلَّاقُ یا کَافِیُ یا غَنِیُّ یا فَتَّاحُ یا رَزَّاقُ و در روز ششم این مهر را بر سجاده نهد و هزار چهل و یک مرتبه یا خَلَّاقُ یا فَعَّالُ بگوید و سجاده را بردارد و ببیند که از عالم غیب هفت اقچه بهم رسیده باشد و این مهر را در کیسه نهد و چهل بار یا مُذْهِبَ یا السُّوْدُ بگوید اما هر ماه هفت آقچه تصدق کند از جهت آقا شمس الدین فاتحه بخواند مهر مبارک این است



باب فی عمل سوره الحمد سه روز از حیوانی پرهیز کند و روزه دارد و در روز چهارم شروع کند و هر روز پنج هزار بار سوره الحمد بخواند تا سه روز که در روز چهارم الحجه مطلب است خدا حاصل میکند

مجرب است در عمل الحمد مجرب و شرایط چنان است که اول استادان این فن این عمل میکردند چون که روزنه هفتم که بجهار امیر فتنه هفت تنکه یا آنکه دوازده تنکه یافته اند که در زمین پاشیده بوده است در مدت عمر خود همیشه خرج میکردند و باز از عالم غیب بهم رسید تا آخر عمر که آنرا در حالت آخرت این ها را نهاده اند و کسی که مداومت کند دل دو نکند و بخواطر خود جزم کند که امانت که داشته ام و بر میدارم و قاعده آن است که هفت روز روزه دارد و حیوانی نخورد و با وضو باشد و هر روز بجهار اردد و با نیت دو هزار روزه بخواند و از روز یکشنبه شروع کند این است روز اول الحمد لله رب العالمین یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذُوقِیَائِیل سَمِیْعًا مُطِیْعًا بحق الحمد لله رب العالمین و بحق الحی القیوم و بحق ملک الموکل.

الموکل بقائمة العرش ملک الجد روز دوم الرحمن الرحیم یا
رحمن یا رحیم یا رئوف یا عطوف اجب یا جبرائیل سمیعا مطیعا
بحق الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم یا رئوف یا عطوف وبحق ملک
الموکل بقائمة العرش هوترخ روز سیم مالک یوم الدین
یا مقلب القلوب اجب یا شمیائیل سمیعا مطیعا بحق مالک
یوم الدین وبحق مقلب القلوب بقائمة العرش طی کل روز
چهارم ایاک نعبد وایاک نستعین یا سریع یا قریب یا
معبود یا مستعان اجب یا میکائیل سمیعا مطیعا بحق ایاک
نعبد وایاک نستعین یا سریع یا قریب المعبود المستعان وبحق
وبحق الملک الموکل بقائمة العرش من سع روز پنجم
اهدنا الصراط المستقیم یا قادر یا مقتدر اجب یا حرفائیل
یا دردائیل سمیعا مطیعا بحق اهدنا الصراط المستقیم وبحق
القادر المقتدر وبحق الملک الموکل بقائمة العرش قصرتن
روز ششم صراط الذین انعمت علیهم یا الله یا حلیم یا علیم اجب
یا عینائیل سمیعا مطیعا بحق صراط الذین انعمت علیهم
وبحق الله الحلیم العلیم وبحق الملک الموکل بقائمة العرش
شت تخت روز هفتم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین یا قائم
یا عزیز اجب یا عزرائیل سمیعا مطیعا بحق غیر المغضوب
علیهم ولا الضالین وبحق القائم العزیز وبحق الملک
الموکل بقائمة العرش ضطغ بن الیذعا را بعد از الحمد هر روز تا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ وَصِفَاتِكَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ يَا مَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
لَطِيفٌ ضَعِيفَةٌ يَا عَلِيُّ يَا صَابِرُ يَا نُورُ يَا دَيَّانُ اَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي
اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الرُّوحُ الْقُدُسُ بِحَقِّ هٰذِهِ الْحُرُوفَاتِ الطَّا
هِرَاتِ وَبِحَقِّ اَسْمَاءِ الْعِظَامِ مَاتِ التَّامَّاتِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ اَسْمَائِكَ وَصِفَاتِكَ اَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي اَيَّتُهَا الْمَلَا
ئِكَةُ الْمُوَكَّلَةُ عَلٰى هٰذِهِ الْحُرُوفَاتِ التَّامَّاتِ الطَّاهِرَاتِ اَعِينُونِي
وَاَنْظِرُونِي عَلٰى حُصُولِ مُرَادِي بِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْعِظَامِ يَا اِسْرَافِيلُ
يَا اِسْرَافِيلُ يَا اِسْرَافِيلُ اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ اَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از شیخ نجم الدین قدس سره منقول است هر که
خواهد دعوت اسم مادر موسی ع نماید باید که بیست یکروز هر روز هفصد بیست یکبار
بخواند و هر روزه ده مرتبه سوره الم نشرح بخواند پیش از خواندن اسمها و مذکور
را بعدد آورد و اسم پدر خضر ع صد یکعدد است و اسطهٔ هر مهمی خواهد اسم خود
زیاده نماید بعد از دعوت عزیمت و اسطه کند پیش کارها بعدد اسم ایشان بخوا
ندر وقت خواندن حرف نزند و این آزموده و مجرب است شموم کسوم بو
خاوذ یوحاوت یوخفي مرجحنه یوحاباه مخبه و بعضی اسم پدر خضر
را ملیکا خوانده اند بعدد اسم مادر موسی ع بر عکس این اسم باشد اگلیا
بجهت تجربه هفت مرتبه بر قفل خوانند گشاده شود غنیشا بیل غالیشا
نیل بسم الله الرحمن الرحیم عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا اَيُّهَا الْاَرْوَاحُ الْمُقَدَّسَةُ
الْمُوَكَّلِينَ بِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي لَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا اِلَّا الْخَوَاصُّ
مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْاَوْصِيَاءِ الْمُوَافِقِ الْاِسْمِ الصِّيتِ بِحَقِّ اُمِّ مُوسٰى
بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ هُوَ لَاءِ بِنْتِ دَعْيَاءِ قُرْب

دعوت اسم موسی ع

دعوت اسم

و بعضی گفته اند اسم مادر موسی (سارا) بوده لوخیوز

لوخيوز او يوخبس او يخيبط او ا و بخرخنيد او برخياء
او نوخا يد او انوخا او بوخيد او نوخيد او يوخا يد او
نوخا يد او شا يد او خا بيد ارخا و يد المؤمنة الصديقة
ام موسى ع بالله العزيز المتعال المتكبر المهيمن العظيم الذي
يفتح به الاطباق بحرمة ام موسى ع بحق يوخا و ديوخا ورتو
خاوز لوخا وز يوحود برخا ير يوحديون برخا يز يوخنيد
بون خاتون يا شموساء يا عنيشا بيد يا عنيشا ئيل يا فتاح
يا مفتاح افتح لنا بحق هذه الاسماء العظام ابواب الفتوحات
من الجليل المنصب والمال والعز والجاه عند الناس سيما
الامراء والوزراء والسلاطين وادفع عني جميع الآلام
والامراض من كيد الاعداء من الانس والجن بحرمة ام موسى
يوخيد بحق حر يا ث حر يا ث مر يا ث شر يا ث شمئناء
طينا ت كبرا ث طيشنا ث خفيتف يوخا يص يوخا يص
نوخا يطن نوخا يظ نوشا بي يا جا مر ت يا كا فلتا يا راحلتا
يا محبته يا محبيه يوخاء بنت هلبا ء بنت لاوى ليعقوب
عليه السلام بحق حملوحيم قسوم كسوم يوخا و د نوخا و
يوخفي مرحنه يوخيد الكليم يا هلمهيا ه يا مجرى
الفلك في البحر انك بالناس لرؤف رحيم سخر لي كذا
وكذا افتح لي بحق محمد وال محمد برحمتك يا ارحم الراحمين

دعوت ام موسى

دعوت ام موسى

دعوت ام موسى

دعوت ام موسى

محبه آه آه آه لهو لهو لهو لهو لهو لهو باسم فن ۲ قم علی احب فم ۲ فم یاب
درمیان شمع بسوزاند

محبه باب در محبت بنویسد بر سه پاره کاغذ یکی را در آتش اندازد و یکی را در قبر و یکی را در
آب روان اندازد

محبه ایضا بر پوست پیاز سرخ بنویسد
و در آتش دفن

بجهت تفریق در روز
تفریق سه شنبه به نیت دل خود در عین زوال وضو بگیرد هفت بار صلوات بفرستد و یازده
مرتبه لعن چهار ضرب بعد از آن این طلسم را بنویسد در کاغذ زرد بمرکب از لد
خانه او در رهگذرشان هرکجا فرصت و خلوت بداند دفن کند به نیت جدائی
و عداوة میان هر دو با مادرشان بنویس زیر طلسم درمیان فن ۲ فم با فن ۲ فم
عداوة و جدائی با عبرت بیفتد بل عجل عجل عجل چنان شود میان آن هر کز
تفریق دوستی نشود

نوع دیگر بجهت تفریق
بنویسد بر چهار پاره کاغذ تا از کاغذها در محراب مسجد دفن کند دو تا دیگر را
در آتش اندازد ولیکن در روز جمعه باشد

فن ۲ فم
تفریق عداوة جدائی افکندم تا بین فن م فن علی بغض
البغض العجل العجل الساعة الساعة الفراق الفراق الوحا

باب بجهت آواره کردن شخص بنویسد بر کاغذ در خانه آنکس پنهان کند که سه
روز بیشتر نکشد آواره گردد انیت

آواره کردن نوع دیگر بجهت آواره کردن بیاورد تدری خاک از قبرستان شانزده مرتبه سوره اذا زلزلت
الارض را بخواند یک گل سازد آن گل را درمیان آتش اندازد آواره شود مجرب
بجهت محبه بیاورد ۱۲ دانه فلفل را الحق صدا بکند و هر یکی یک سوره والتین را بخواند
نفلفل سوره و در آتش اندازد بنام مطلوب با دیگر از محبه بیقرار شود انشاء الله

باب محبت بنا بودن عقرب در خانها بنویسد بر چهار قطعه کاغذ در چهار طرف خانه دفن کند بسم الله الرحمن الرحیم ... باب محبت احضار است تجربه رسیده است بنویس در آتش انداز در ساعت مناسب که مقرر شده است باید از جای خود حرکت نکند که مطلوب حاضر شود باب هر کاه طفل اللت و کنک باشد این دعا را نوشته در کردن او بندد که بسیار مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم یا تمخیثا و یا مجثا و یا بکثا یا الهوج یا هو یا هو شرهیا و ادونی الشدائی بحق هذه الطلسم

٢ ع ص ٥ ١١ ٩ ٩
٢ ١١ ٩١٩ ع ١١
ع ١٣ ٨ ١٩ ٩ ٢ ١٢٩ ١٥ ١١١١
ع ٨ ١٨ ١١ ١٩٩ ٩ ٢ ٣ ٢ ٩ ٢ ٩
هصصا ص ص ده ع طق الاء

هی ١١ ع ١١ ع ١١ ع ١١ ال ٢٢ ٩١ ٤٦ ٢ ٢

٢ ع ١١ ع ك و و اللهم احفظ حامل هذه الدعاء ع ١١١ ...

باب در دانش تعوید کردن روز ها روز شنبه و سه شنبه بغض عداوت کردن است دشمنی و جدائی درمیان هستان حرام و حلال نیکو باشد روز چهارشنبه زبان بستن و خواب بستن است خوب است روز پنجشنبه و جمعه برای حب نوشتن است برای حلال موافق افتد خانه حمل اثنین است و محبت انداختن در دل معشوق در زهره عداوت مریخ بستن مرد در ساعت زحل کشتن در ساعت قمر حب در ساعت شمس زبان بندد در ساعت مشتری چشم زخم در ساعت عطارد حب عمل کنند

باب تفریق عداوة بیاورد خاک سر چهار راه چهل مرتبه سوره انا اعطینا را براو بخواند و آن خاکرا درمیان آب بریزد و آبرا درمیان آتش بریزد عجایب ببیند اما با این حلال نکند کناه عظیم است نوع دیگر بیاورد از هفت قبر کهنه خاک و سه مرتبه سوره یس براو بخواند و خاکرا در زیر دیوار خانه آنکس دفن کند تفریق افتد باب هرکه سوره والنجم را بر پوست پلنگ بنویسد و در زیر دستار خود پنهان کند بر همه خصمان در مجادله و مهالکه و محاربه و مباحثه غالب شود انشاالله

بودند آنرا بگلاب می‌انداختند و از آن گلاب استعمال میفرمودند از ملاحظه
جمال آنسرور نزدیک بود که از محبت آنحضرت خود مرا هلاک کنم روزی از
آن حضرت پرسیدم که یا رسول الله این طلسم چه چیز است فرمود ای عایشه
این نقش آدم صفی الله بود از او به شیث رسید و از شیث با براهیم علیه السلام
و از ابراهیم تا بعیسی و از او بمن که خاتم انبیا هستم رسید این نقش بیک
صد و بیست چهار هزار پیغمبر رسید از برکت این نقش مبارک مرا بمعراج بردند

نرم شدن دل

اگر خواهد میان مرد و زن محبت انداز د این مهر را بشیرینی اندازد و بخورد
آن دو نفر دهد محبتی میان ایشان پیدا شود که همه عالم آنها را دوست دارند
اگر خواهد محبت زن و شوهر زیاد شود آنرا در آب روان انداخته بسر مرد
بریزد اگر خواهد میان مؤمنان دوستی اندازد بیاورد آب باران و سوره یس را
بران بخواند و آن آبرا در مسجد جامع بپاشند و بگوید یا الها میان مؤمنان

نرم شدن دل

دوستی انداز اگر خواهد میان دو کس خصومت اندازد سیزده دانه اسفند
و تخم جاروب بیاورد این طلسم را با آنها بمالد و در خانه آنکس بپاشد آواره
گی در میان ایشان پیدا شود اما میان دو حلال نکنند که گناه عظیم دارد اگر خواهد
کسیرا از نظر کسی بیندازد چهار دانه فلفل سفید در آتش اندازد بعد از آن این
را در آب روان بعد از آن آب را در خانه آنشخص بپاشد البته از نظرها بیفتد
اگر کسی خواهد دختری بگیرد با وندهند بیاورد شیره و آرد و روغن و این
مهر را در میان آن اندازد و حلوا کند بخورد کسان او دهد البته راضی شوند

نرم شدن دل

اگر خواهد با قبیله و صلت کنند و نگذارند بیاورد بیست دانه انجیر و این مهر را
در آب اندازد و آن انجیر را با آن آب بخورد ایشان دهد مطلب حاصل شود اگر
خواهد میان جمعی نزاع اندازد هفت دانه اسفند و نه دانه تخم جاروب بیندازد
در میان آنها عداوت پیدا شود اگر خواهد زن آبستن آسان بزاید این مهر را

در آب

در آب انداخته آن آب را بر روی زن بزند بزودی بار نهد اگر خواهد زن پسر زاید قدری
آب نیسان بیاورد این مهره را در آب اندازد و آنرا بخورد مرد و زن دهد البته خدا باین
پسر عطا فرماید اگر خواهد کسی را از عشق خود بیقرار گرداند قدری شکر خام بیاورد و این
مهره را در آن شکر اندازد از آن شکر بخورد او بدهد البته میان ایشان محبت پیدا شود
اگر کسی دیوانه شود این مهره را در آب پاک اندازد و آن آب را سه روز پی در پی بسر
کنند و بخورد البته بحال خود آید اگر خواهد کسی را از عشق خود بیقرار کند بیاورد سه کله
قند و این مهره را بر آن بنویسد و بخورد او دهد عاشق و بیقرار گردد اگر دختری در خانه
مانده باشد پنج شب جمعه هر شب جمعه یکمرتبه سوره انا فتحنا و سوره یس بخوانند و بر
مبین پر سه اظهار مطلب نماید و این مهره را شفیع خود کند البته مرادش برآید اگر
خواهد از بدنامی و تهمت بیرون آید چند دانه گردو و بادام بشکند و روغن آنها را بگیرد
و بر روی این مهره بمالد بشرط آنکه از ارزن و جو و گندم هر کدام چند دانه بر پشت بام
مسجد بپاشد اگر خواهد رفع دیوانه کند بیاورد شش دانه خرما و شش حب نبات
و سه مرتبه این مهره را بر آن بزنند و سه مرتبه سوره قل اوحی را بر آن بخواند بهرکه بدهد دیوانه
شود زنهار بر مسلمان نکنند که گناه عظیم باشد اگر کسی خواهد متاعی را بفروشد برساند این
مهره را در میان آن متاع بگذارد بفروش رود اگر خواهد حاجتش برآید این مهره پیش خود
نگه دارد و آن را شفیع خود کند و دو رکعت نماز بگذارد و چهار مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک
بحق محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین والائمة المعصومین اعطنی حاجتی یا الله
یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی اگر خواهد در نزد اکابر عزیز
باشد این مهره را با مشک و زعفران نوشته با خود دارد عزیز و محترم گردد اگر کسی اولاد نداشته
باشد این طلسم را در آب انداخته چهل روز بخورد و مقاربت کند وقت مقاربت این طلسم را
روی ناف زن نهد و مرد هم ناف خود را بر روی این طلسم گذارد چنان باشد که بهم چسبیده
باشند بعد از آن برخیزد بفرمان خدا آبستن شود اگر خواهی زن یا شوهر کسی را بکسی و کسان او
را خشنود شد بسازد حلوا از شکر و نبات این طلسم را به نیت زبان بند بان حلوا زند
با ایشان بخورانند رضا شوند اگر خواهی میان هر کس محبت اندازی روز چهارشنبه وقت طلوع

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آفتاب حلوائی از عسل بسازد و اینطلسم را با آن حلوا ذ ند بخورد هر کس دید محبت پیدا شود اگر
کسی قرض دار شده باشد روز پنجشنبه اینطلسم را به گل کوزه گران بهند و پای محراب مسجد دفن کند البته
قرض او ادا شود اگر خواهد چشم حلال خور را از حرام باز دارد شکلی از موم عروس بسازد که گویا
آدم دست و پا داشته باشد سوزن کار نکرده در چشم صورت بزند و بر سر راه انگشت دفن کند تا از
روی او بگذرد چشم از حرام می بندد اما صاحب طلسم صدقه بدهد شرح دعای لیساعی لوح مختصر شد

طلسم اول

لقد جائکم رسول من انفسکم ۲۸۷ تسطیع النور

والقیت علیک محبة منی

لا ۱۱ ۴ لا ۱۱ ع ۲۱ ۱۲ ۶ ۷

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۷۱۷۹۷۷۷۲

۲ ۶ ۱۸ ۱۱۱ ۴۴

۵۱۸ ول ۳۵۵۲۳۲

۱۶۷۱ اب واده ۱۰

۳۴ ۱۱	۳۳ ۱۱
۴۸	۶۱۴
۴۲۲	۲۶۹
۱ ۳	۶۲۱۱
۵۲۴	۱۱۵۱۶

ال ۴ ۳۱ ۴۱

طلسم سطیع النور

طلسم سطیع النور

طلسم سطیع النور

طلسم دوم سطیع النور

طلسم دوم سطيع النور

۱۲۱ ۱۵ ی ل ۱۷ ۹۱ ۷۱ ۱۱۱ ۹ ۶ ۱۴

یا مطیع النور استعلو یا سطیع

یا عزیز

با بخت فتح الجمال بنویسد ... برای فتح باب و گشایش کار

طلسم دوم سطیع النور

کتابه ... فتح الشاعر ... الحمال

چپ بندد دیگری را بردست گیرد همان زمان گشاده گردد بفرمان خدا تعالی

در اول روز چهارشنبه بنویسد هذا اما وعدنی ربی حقا و ترکنا بعضهم

یومئذ یموج فی بعض بحق هذا الطلسم

باب محبت نعش نویسد یا نقش کنند که مجرب است ۲۳۴۱۱۱۸۸۸۱۸ ۱۵۲۳ لا
و ۷ ۵ ۱۱۱۱ ۲۱۱۲ وطح ح راح لا ۲۲۱ الا و د ر و ی ۱۱ ۱ ۱۱ طع ۱۱۱ ح ۱۱۱
د ه س صح دد ه ه العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا
الوحا الوحا النار النار النار باب بجهت قوه هرکس که این نامها را
روز یکشنبه بنویسد برکمر ببندد باه را زیاده کند بسیار قوت دهد مجرب است
ح ص ۷۶۳ ط ع او ۷۶۶۱۱۱۹ ع عمل ۱۹۱۱۲۱۹۱ ح ۱۱۱ ۴ ۱۱۱۱
هرکس بنویسد این نامها را بر ران راست ببندد هر چند راه رود مانده نشود اینست
یا مقصطا لوثن باب بجهت محبت نامها را بنویسد و در کوزه آب اندازد
ان آب را بخورد هرکس که بدهد دوست دار گردد که مجرب است یا تخنیثا یا کیفثا یا
تخبثا یا تمبثا یا طلب یا تهیثا یا هلیثا ایا تمبثا یا وهبثا
یا میثا الله لا اله الا هو الحی القیوم ۳ ۳ ۲ ۰ ۹ ۶ ۰ ۱ عبد
۴ و قالوتا الله ها کبی
۲۱۲۳
نوع دیگر اگر زن خواهد و بدو دهند بنویسد و در میان آب حل کند و در آستان خانه
آنکس افشاند ط ۳ هسط ۲۹۱۱۱ ک ۱۱۱ ح ۱۱۱ ح ۱۱۱ ا م ا م ط م ا س ه ۱۲
بس و ۹ ۱۱۱ ۱۱۱۱ اگر شوهر زن خود را بخواهد این کلمات را نوشته در زیر بالین
نهد دوست گردد انشاءالله الا ۷ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ح ۱۱۶ ۱۱۱ ۲ ۱۹ ۱۱۲ ۲

قول	ح	عسا	عجا	عجا
ع	ما	علعل	طعسم	همه

دفع نزله بندی باینطریق بجا بیاورد یک نی
بقد صاحب نزله و نی را بشکافت و بر
یکطرف نی یا جبرائیل و یا میکائیل و بر طرف
دیگر یا اسرافیل و یا عزرائیل نویسد و این دعا را بخواند و نی را بر هم کذارد و سر
نی را با مهر سلیمان که دختر نابالغ رشته باشد به بندد و در جائیکه دهکذر مردم نباشد
در خاک کند این دعا را باید بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
تمت با

قمر یاما هولشٍ اما طموشٍ یقاشٍ شاطر کیوشٍ الواه قموه یا
اندمیث سلیمان واند بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین
اجب یا جبرائیل انت وخذ اهلک امین یا رب العالمین و نیز راجا
شق کنه که صاحب تنزله نه بیند بهتر است

محبت زن و شوهر اگر اینطلسم را بر پوست میش نویسد اگر مرد پیش خود نگاهدارد زن عاشق او شود اگر زن پیش خود نگاهدارد مرد عاشق او میشود مجربست حمائل عماه که کرامل کما یا ملا لا سعوحاها سمیها عوی کسلا الکما لا اعطلسا

محبت بنویسد از برای زن شوهر مسغال آب نرسیده در آتش

ه ٥ ٥ م ١١١ ٨ ٩ ١١ ١١ ١١١١ م ا ٤ ٤ ٤ ٨ ٨ ٨ ٨ ٥

انداز و که بسیار مجربست

٢٨	٤٣	٢ح	٢٢
ک	ادبود	ودد	٥و
مم	اعما	بک	وک

محبت زن شوهر برشانه گوسفند بنویسد و در جائی دفن کند که حرارت آتش بوی برسد که بزودی مهربان شوند.

ک ٢ ١ ٢ ٦ ١ ١ م ٨ ١١ ٥ حه لعوام

باب اگر دختر کسی را بتو ندهند این دعا را بنویسد در خانه آنکس دفن کنند دختر را بتو میدهند آزموده است طط ١١١ سه ٩ ع ه اط ١١١ ٩ ٤ ١ ٩ ١ ٤ ی

باب گشادن مرد بسته روز یکشنبه اینطلسم را بنویسد در بازو ببندد گشاده شود
ه ١١١١ ٨ ح ک و ١١١ ٢ ع ٢ و ک ١١١ لا ١ ١١ ع هم ع ح ١١١ لا لا

١١ ١١ ع ١١١ ٢ ع ه ١١١ ٨ ١ ٤ ١١١١ ١١١ ١١ ٩ ١ ٩ ١ ٤ ١ ٤ ١ ٨ ١ ٤ ١

اط ١١ ٩ ١ ٤ شد ١١١ ٨ ١١ ٩١١ ٩١١ ١١١ ٩ ١ ٩ ٤ ١١١١ ٩ ٤ ٩ ١ ٩ ٤ ١ ٤ ١

١١١ ١٢ ص ١١ ٩ ١ ٤ ١١ ٨ ١١ ١١ سر فر ٢ ٢ باب اگر کسی خواهد زیاد می بعث کند

وحشت نشود این اسم را بنویسد بر کاغذ و بر کمر بندد از موده بهت بسم الله الرحمن الرحیم

۴	۳	۲	۱
۱	۴	۳	۲
۳	۲	۱	۴
۲	۱	۴	۳

۴	۹	۲
۷۱	۵	۷
۲	۱	٤

از برای نزل بنویسد با خود دارد بر دیوار خانه رو بقبله بگوید بعد میخ در یا شمعلونی سفیدی میم بعد بر علیق اگر خوب نشد بعد بر دارد

باب اگر خواهی کسی را بعقد خود در آوری این عظمت را بنویس در میان چرخی که زنان تابان ریسمان کنند آنکه قلب مطلوب بیتاب گردد این دعا بنویسد مجرب است

۱۱۱ هج ۱۱ع دع ۵۵ و و ۵ ۱۶ ۶ ۶ و ط ط ۱۱ ۱۱ ۳۱۳ تابسم ۲ ۲ فر ۲ على صب ۲ ۲ فر

باب جهت محبت مجرب است

٤٥٥٢٥٢١١ صح ح ۱۵۱ ۵ ۳ و س ۲۲۲

در آب اندازد بخوردش زبان هم بسته شود ۱۱۴۲۱ ح ۱۲ ۱۴ ۱۴ ۴ صح صح صح صح صح صح العجب العجب العجد العجد الساعة الساعة باب اگر خواهی کسی را محب خود گردانی روز یکشنبه پیش از طلوع افتاب این آیه را بنا ۵ بار بر نمک بخواند و قدری از این نمک در طعام کرده بخورد مطلوب دهد و قدری در آتش اندازد چندان محبت پیدا شود که یکدم از هم جدا نشوند بسم الله الرحمن الرحیم واضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی انشأها اول مرة وهو بکل خلق علیم بستم دل دهان ۲ ۲ فر از محبت ۲ ۲ فر بحق ایاک نعبد وایاک نستعین باب اگر خواهی زبان کسی را به بندی آیة الکرسی را بمشک و زعفران بنویسد و در خانه تاریک بیاویزد زبان آنکس بسته شود ان شاء الله

ابوعلی سینا فرموده این طلسم را بمشک و زعفران بنویسد و در پای گنجشک ببندد اگر مطلوب مذکر باشد گنجشک نر آنوقت در برابر مطلوب رها کند بمقصود برسد مجرب است

ک ۱۱۹ ط ۸۱۲ ط ۸ ط ۱۱۹۵۱ ط ۲ ح ح ۸۸ ۱۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ح ح

باب محبت بنویسد بر سنگ سیاه و در آتش اندازد عجایب بیند ۸ ۹ ط ۱۱۱ ط ۹۱
۳۱۷ ۳۱۱ ۳۱۱ ۹۹

کشادن بخت دختران بنویسد این طلسم را در گردن بندد البته بعون الله بخت او کشاده شود قال من یحیی العظام وهی رمیم یا رب العرش العظیم من کان له امین یا رب العالمین بحق الله تعالی کشادم بخت فلان بنت فلان ۳۳ ۳۱ ۳۱۱ ۴ م ۱۱۱ ۳۳ ۳۱ ۳ م ۴ فم ۴ فم در چاه آب اندازد

اگر خواهی که کسی را به بندی که بجائی نرود اگر برود زود بجای خود برگردد بنویسد این طلسم را بمشک و زعفران در زیر سنگ گران نهد البته راه او بسته شود

۹	۹	۸	۱	۹	۱۱	۱۱
۸	۱	۸	۸	۸		۵
ع	۱۱۱	۱	۶	۱		
فلان ابن فلان						

باب محبت بنویسد در دل گوسفند گذارد و در پارچه جامه انگشت پیچد و این عمل در ساعت قوس باشد و یا حمل مجرب است

باب این طلسم را بنویسد و در زیر آتش پنهان کند که البته از عشق او بیقرار گردد در ساعت حمل باید
۱ . ط ۳ ط ۳ و ر ۱ ۲

الباء الباء ا ط ع معکوس
الساعة الساعة الساعة

ه ه ه ۱ ۶ ۱ ۶ ۶ ۹ ۶ ۵

۸ ۸ ۸ لا ۱۱۱ ع ۸ ۱ ۸ ۱ ۲ ۰ ع ۲ ۱ و و ۲

از جهت محبت بنویسد این طلسم را در روز پنجشنبه در ساعت شمس در میان نه دانه گردکان گذارد و یکشنبه بسوزاند که سیم پاک باشد این عمل مولانا یونان کرمانی است مجرب است

کل عود علا

حمل لاد مهو مهوا فصل لی ح

باب احضار اما باید در ساعت خوب بنویسد این دعا را در کاغذ در روغن و شیره اسقال در شیشه کند در بالای آتش نهد چون ذکر گفته فلفل را در کف دست گرفته بترتیبه نام عفع را بخواند مراد او حاصل شود اما باید از نامحرمان مخفی بدارند و بخور مناسب بدارد وقت عمل مناسب دانسته اند در اول روز یکشنبه عظیم مجرب است آزموده است اما خوب سعی کنند

ح	ص	ت	خ
۱۴۱	۹۹۹	۴	۴۹
۹۹۸	۴۹۸	۹۳	۵
۹۱	ع	۲۹۷	۳۹۹

تصعید در قمر بگیرد کلس قمر آنچه خواهد یکجزو با چهار جزو زیبق ملغمه کنند و تشویه نماید با سفیده بیضه سحق کنند و باز تشویه دهد و نیمه زیبق زرنیخ بیضه در او سواد نباشد با او وصل کنند با آب نث در یکروز تمام پس از آن اقال کند و تصعید کنند با آتش قوی بگذارد و دیگر بکشند و بر بالای او آنچه باشد برگیرد و با آنچه در ارض مانده است سحق کنند و آب نث در ... و باز تصعید کنند تا همه مصعد شود و بار تشمیع کنند و حل کنند و عقد کنند رنگ ... یکجزو از او با نصد جزو زهره را قمر را باک کند باب این طلسم را بنویسد و زیر زبان نهد با موم با هر که سخن گوید بیقرار و ز... گردد ۱۱۹۲۲ ع ۲۲۹ ع ۲۱ ع ۲۱ و ما دام

باب هر که اینکلمات را بر کف دست چپ بنویسد نزد هر کس که رود مقصود او حاصل گردد

ح هـ لا لا هـ ا ل

باب اگر کسی خواهد آنچه مطلب است در خواب ببیند این شکل را در هنگام خفتن بر کف دست راست بنویسد در زیر سر گذارد تا در خواب رود آنچه نیت کرده باشد در عالم خواب به بیند بسیار بسیار مجربست انشاء الله

ها لا	ها لا	ها لا
همه	همه	همه

باب جهت امر مشکل و مهمی روی دهد که چه باید کرد چون بر خواب رود سوره والشمس و سوره واللیل را هر یک هفت بار بخواند و بخوابد شخص خوب و ظاهر شود سر آن یتیم نماید که چه باید کرد

باب اگر ناسازگاری در میان زن و شوهر باشد بنویسد در میان نان گذارد بسگ دهد اگر مرد باشد بسگ نر اگر زن باشد بسگ ماده بو دهد بخورد دوست بهم رسد (محل) (معل) (ق) (البیتر) (علام) (ماه) (صلاجق)

جهت محبت این آیه را بر مس بنویسد در آتش افکند که بسیار مجرب است آزموده است ع ۱۱۱۱ ۲۹۱۹۲ ۶۹ ۷ ۲ ۲۲ ۶۶

حح حح حح حح حح حح ححححححح احرقت قلب ... ۲ ف علی
حب ۲ ۲ ... العجل العجل الساعه الساعه بالنار الناریه

باب در

باب در عمل عداوة و تفریق سوره الم ترکیف با بسمله بو دوازده دانه فلفل بخواند به نیت قطع محبت و تفریق میان دو کس و در آتش اندازد البته جدائی افتد

هذا الشکل فی عمل تحبیب و احضار است

الغایبات [illegible] که دارای این ختم را مداومت نماید مجرب است اول از یوم یکشنبه شروع نماید و هر روز هزار یکبار بخواند تا روز شنبه با تمام رسد و باز هزار یکبار از سر گیرد تا سه هفته البته بمطلب میرسد باید قبل از خواندن و بعد از اتمام صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد

باب تفریق بیاور و بکش [illegible]

فبریستان جعلها لها انعکاس فانعکس ثم ابن اتکلی افتال مثنیه منطب ارب تعرب و واقع نمود تفریق بیلهم العداوة والضینا والبغضاء الی یوم القیمة کلما او قدوا نارا للحرب اطفاها الله و یسعون فی الارض فسادا

باب در جهت محبت بنویس روز جمعه بعد از نماز بنویسد و در آتش اندازد محبت زیاد شود مجرب است

۱۱۱ ۱۱ ۲۱ ۴۵

تفریق

تحبیب

مجرب مجرب [illegible]

محبت

یوم الاحد یا علی یا عظیم	یوم الاثنین یا فرد یا احد	یوم الثلثا یا حی یا قیوم	۱۱۱ ل ۹ و ۶۶ ه [illegible]
یوم الاربعا یا حنان یا منان	یوم الخمیس یا ذالجلال و الاکرام	یوم الجمعه یا الله یا هو	یوم السبت یا رحمن یا رحیم

باب بجهت تفریق بنویسد بپوست حمار روز چهارشنبه بساعت مریخ و باسم انکس و مادرش
درکنار سنجلاب حمام دفن کند از یکدیگر جدا شوند و هرگز یکدیگر را نخواهند دید آزموده و مجرب

تفریق

۲۳۱	۴۲۲	۹۱۸
۱۷۶	۹۴۱	۱۱۹۱
۹۱۲۱	۸۱۸	

باب بجهت تفریق پشت بر پشت نویسند

تفریق

یا قهار — یا مطلع — یا میکائیل — یا اسرافیل

محبت

باب محبت بنویسد بر کاغذ
باسم فلان علی حب ۲۲ فی در
آتش اندازد تا عجایب بینید

سوی — سح — علحوه — ولفس — سلع بهوه — الحرب — علهن

آتش الله اخت هفت اندام جمیع جوارح ۲۲۲ علی حب ۲۲ العجل

تفریق

باب العداوة بنویسد در خانه انکس دفن کند آواره گردد مجرب است

فی الارض — والقینا ... العداوة والبغضاء

۹۴	۹۴	اع	۱
۹۱	۵	۶	۱۲
۴۲	۹۱۹	۴۱۵	۸۰
۹۹	۳۹	۱۳	۲۳

باب بجهت تفریق

۴	۹۸	۴۲
۹۴	۹	۹۱۹
۴۲	۹۴	۹۹
۹	۹۳	۹۴
۸		۹۴

باب بجهت تفریق

باب بجهت تفریق هفت مرتبه سوره یس بخواند بگرده گوسفند و پیش سگ اندازد تا بخورد تفریق
شوند باسم فلان بن فلان علی البغض و العداوة فلان بن فلان العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا

باب بجهت محبت ۱۲۰ مرتبه سوره توحید را بخواند بر ۱۲۰ دانه فلفل و هر دانه فلفل که سوره
خوانده شده بگذارد در میان شکم مویز منقا و یکمرتبه دیگر توحید را بخواند و در آتش اندازد تا بسوزد
و دود او بلند شود و وقتیکه خواست قطع دود شود یکدانه دیگر را بهمین کیفیت در آتش اندازد تا
جمله بسوزد بیقرار گردد ان شاء الله تعالی نوعدیگر بجهت محبت ابیذیها را بنویسد بر پوست
که دور و در آتش اندازد تا عجایب ببیند این است مله مله مله
مله مله هیج هیج هیج هیج هیج هیج هیج الی الیه
الی العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا النار النار

نوعدیگر بستاند ۱۲۰ دانه فلفل و سوره یس سه بار بران فلفلها بخواند بنام مطلوب و با ... بعد از
ان نرم بکوبد و در میان فتیله کند و در چراغدان سبز بروغن کنجد برافروزد و نوک فتیله و
چراغدان رو بسوی خانه آنکس کند تا بسوزد عجایب ببیند مجرب است باب جلب سوره یس را
هفت بار بر فلفل بخواند و یک یک در آتش اندازد و قسم دهد بآنکس شخصی که خواهد بزودی
حاضر گردد و قسم اینست عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا ملائکة الموکلین بهذه
السورة المبارکة بالله الواحد الاحد ان تحضروا الی فلان بن فلان فی اتحر من
ساعة العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا هیجوا و
ازعجوا و احرقوا فواده فی محبتی حتی یاتی هذه الساعة انه من سلیمان
و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین باب الجلب بستاند
۷ پاره چوب عود یا چوب صندل و ۷ نوبت سوره یس را بر هر پاره بخواند و بدمد به نیت
مطلوب در ساعت زهره یا مشتری در نیمه ماه بنام مطلوب و در آتش اندازد تا بسوزد
بیم باشد که از محبت هلاک گردد نوعدیگر بر ۱۲۰ دانه فلفل هر یک یکبار الحمد بخواند
و بر مجموع ۱۲ توحید و جمله را در میان پیاز سرخ کند و اسم طالب و مطلوب نوشته در میان آن گذاشته
بسته و در آتش دفن کند مجرب است اما بناحق عمل نکند گناه عظیم است

بنویسید بخون مرغ سیاه یکرنگ و در اندرون دل گوسفند بگذارد و در کنار آب روان دفن کند عاشق و مبتلا شود طلسم مبارک اعظم این است

باب تهییج عظیم

یکتب علی ورق النارنج و یحرق فی النار فانه یاتیک قبل الحرق و هذا الکتابة

العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة اقرب من لمح البصر او هو اقرب الکتب فی ساعة الزهره واتق الله فی نفسک و عملک و لا تفعل الحرام

لوح تنبیت

بنویسید در جامه دو نفر باشد از هم جدا شوند تنبیت معکوس نه در نه این است

د	س	م	ن	م	ل	ب	ح	ا
ه	د	یا	ج	ی	ف	ب	ط	ح
ل	ا	ت	ل	ا	م	ح	ه	ت
ع	د	م	ا	و	ب	ه	ل	ت
ا	ذ	ا	ر	ا	ن	یا	ل	ص
یا	س	ب	س	ک	ا	م	و	ه
ل	ا	م	ه	ن	ع	ی	ن	غ
ا	ا	م	ب	ت	و	ب	ه	ل
یا	ب	ا	۱۰	د	ی	ت	ب	ت

باب جلب یکتب ورق القرع و یحرق بالنار و هذه کتابته هیجت ۲۲ الی فن ۲۲ فن حتی لا یصبر عند ساعة واحدة بحق هذه الاسماء

التوابد کلهب لنیران العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة بحق بحق هذه الاسماء المکنونات و العقب و الطلسمات

از سید علی همدانی نقل شده بجهت دیو و پری زده و برای کسی که جن و شیاطین بر او مسلط شده
باشد تاثیر عظیم دارد و چون برای او خوانند بزودی خلاص شود طریق خواندن آنست
بر گوش چپ یا راست مصروع بتوانی از سر توجه و تحکم و هیبت بخواند و اگر بر کف چپ یا
راست او بنویسد خوب است اگر در نوشتن متعذر باشد بر بیاضی که بدستور تعویذ ابت
بنویسد و در وقت نوشتن بزبان بخواند و بنویسد و جهد نماید در حال نوشتن و در ترک
خواطر و حضور قلب بخواند اگر در مکانیکه جن منزل گرفته باشد بخوانند جن فرار نماید

بسم الله الرحمن الرحیم ارقاش ارقاش قاغش حرقاش
استطقاف استطاف خطوف خطاف شعس اس فرهاس الله
رب العزة یا طهشلوا مشبوح ارخ شتوج ارموا حنتینا
العظیم الازلی الابدی ان الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات
ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق انشدکم
یا معشر الجن بالله العزیز القهار الوافی وفی العهد الذی
اخذ علیکم سلیمان سلیمان ابن داود ع ان لا تقربوا حامل
هذا الهیکل وان تترکوه فی حرز الله وحمایته بحق محمد ص و آله
اجمعین الطاهرین مجرب الرجل گرفته بیهوش باشد یا سخن نگوید این
طلسم را پیش از عظیمت دود کنند بهوش آید ع ط ۱۸ ۱۸ سس ۲۲۲۲

۲۶ ۱۸ ۸ ۵ ۵ ۹ ھ ۸ ۱۱۱ هر گاه زبانش گرفته این تعویذ را نوشته بشوید
و بخورد و بهره کشاده شود مجرب است ایتوا یا ایتوا یا ملیخا شمعونی یا
ذا الجلال والاکرام وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا
یزید الظالمین الا خسارا

حساب هفت کواکب هفت هفت طرح میرود حساب کند قمر عطارد زهره شمس مریخ مشتری زحل

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ قط ۱ ۲ ۳ ۶ ۲ ۵ ۱ ۴ شط ۳ ۶ ۲ ۴ ۲ ۶

ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۳ ۵ شط ۲ ۳ ۶

ایضا حساب چهار عنصر ۴ ۴ طرح کند هرچه باقی ماند حساب کند اگر یک باند آتش دو بماند باد سه بماند آب چهار بماند خاک

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت
۱ ۲ ۳ قط ۱ ۲ ۳ قط ۱ ۲ قط ۲ شط ۲ قط ۲ شط ۲ قط قط شط قط

ث خ ذ ض ظ غ
قط شط قط شط قط شط

ابجد کبیر این است ا ب ج د ه و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

ابجد صغیر این است ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۲

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
شط ۸ ۶ ۴ ۸ ۴ شط ۴ ۸ قط ۸ قط ۴ شط

حرره محمد آقا ابن ...

جهت سفر کردن کند که بسفر میرود یا نه ۲ ۲ طرح کند اگر یک باند میرود اگر ۲ بماند نمیرود

جهت سفر کردن که این سفر مبارک است یا نه سه تا سه تا طرح کند اگر یک بماند مبارک باشد اگر ۲ بماند زحمت از دزدان بکشد اگر سه بماند بیمار شود

جهت امنیت راه بکند که این راه امن است یا نه دو تا دو تا طرح کند اگر یک بماند ایمن باشد اگر ۲ بماند سعد تر باشد خوب است

جهت آمدن غایب که زود بیاید چهار چهار طرح کند اگر یک بماند زود بیاید اگر دو بماند توقف کند اگر سه بماند باز نیاید اگر چهار بماند دیر بیاید

جهت حمل که نطفه پسر است یا دختر سه تا سه تا طرح کند اگر ... بماند پسر

بماند پسر بود اگر دو بماند دختر بود اگر سه بماند حامله آن زن خللی دارد ایضا از جهت پیدا آمدن

دزد یا نکند که این دزد ظاهر میشود یا نه ۲ تا ۲ تا طرح کند اگر یک بماند مرد دست دزد و ظاهر

میشود اگر ۲ بماند پیدا نمیشود — از جهت آن کند که دزد زن است یا مرد سه تا سه تا

طرح کند اگر یک بماند مرد است دو بماند زن است سه بماند بچه است ۱۰

از جهت آن کند که دزد از کجا است سه سه طرح کند اگر یک بماند همسایه اگر دو بماند

بیگانه اگر سه بماند از خودی است — از جهت نشانه دزد که در چه رنگ است پنج پنج

طرح کند اگر یک بماند سیاه اگر دو بماند سفید اگر سه بماند سرخ است اگر چهار بماند زرد رنگ

اگر پنج بماند منقش است — از جهت زراعت کند که این زراعت خوب است یا بد ۲ ۲ طرح

کند اگر یک بماند خوب است اگر ۲ بماند بد باشد — جهت مردن زن و مرد که کدام

پیشتر بمیرد ۲ ۲ طرح کند اگر یک بماند مرد زودتر بمیرد اگر ۲ بماند زن زودتر بمیرد

اگر خواهی بدانی اختلاط تو با کسی میشود یا نه اسم خود با اسم آن شخص حساب کند و سی و

عدد باد بیفزاید بعد از آن ۹ ۹ طرح کند اگر جفت بماند میشود اگر فرد بماند نمیشود

اگر خواهی مصاحبت تو با کسی میشود یا نه باید اسم او را با اسم خود حساب کند و سیصد و

هشت و یک باد بیفزاید و نه نه طرح کند اگر زوج بماند خوب اگر فرد بماند بد است

بنویسد این طلسم را بر کف دست راست و شب تنها بخوابد یکی از پریان بیاید و آنچه در

خواب از ایشان بپرسد جواب دهد بسم الله شهت یهت یهت

باب العجب بر پارچه پوست کدو بنویسد بشرط آنکه اسم طالب و مطلوب را با ... در

زیر بنویسد و در آتش اندازد تا عجایب ببیند یا ملیطوثا یا سلیحوثا یا ذو ...

... یا هیشش یا ابا الراحم قوموها اذا العجل العجل العجل النار النار النار ...

الحب اگر خواهی کسی را از مکان دور بیاوری این نوشته را بنویسد درمیان سه پاره کاغذ درمیان سه پاره جگر گذارند و بخورد سگ سیاه دهند که بسیار مجرب است

هیجت قلب فم ع م علی حبیب فم
الساعة الساعة الساعة العجل
العجل العجل الوحا الوحا الوحا

حا ه
حوحط سس ما حاها

الحب اگر کسی بنویسد بر سفال آب ندیده در روز یکشنبه در آتش اندازد محبت آورد مجرب است
طه ۱۱ ۹ ۵ ۸ ۱ ۷ ۰ ۱ ۷ ۱ ۹ ۱ ۲ سم ۲ فم علی حبیبه فم ۲ ۲ العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة

هیجت ولا تنب
ما ه

شرح این طلسم را بر فولاد کنند باسم آنکس و مادرش در همان ساعت کو دریکند رو بقبله و طلسم را در کوره گذارد و آتش بر بالای آن طلسم کرده بعد از آن نیت نموده و خاک نم دار بر روی آتش کرده زنهار تا بتوانی این عمل را نکنی که حکم بغیتی دارد طلسم این است

الف نوع دیگر جهت خوشبوی دهان و سختی دندان شاخ بز کوهی سوخته و نمک بعل معجون کرده از هر یک دو درم زعفران و سنبل و مصطکی از هر یک درمی و حب سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته استعمال نمایند که بسیار نافع است هر کس این اسما با خود دارد در راه رفتن مانده نشود یا طهیوج یا طهوع

این طلسم را زیر

١	٢	٢	۴
٥	٥	٢	٥
١	ص	٥	٣
٨	٨	٢٠	٥

این طلسم را زیر سر خفته بگذارد بیدار نشود مجرب است

جهت احضار نقش کرده اند که بر نعل اسب و یا بر سفال آب نرسیده نوشته در آتش اندازد با سم ۴۲۶ و تعالی است

ابرهره ۴ ح ۱۱۱ سهواعط ۱۱۱۱۱ اهٓ اهٓ اهٓ اهٓ اهٓ اهٓ اهٓ اهٓ اهٓ

اهٓ اهٓ عٓ عٓ عٓ عٓ عٓ عٓ عٓ عٓ مٓ مٓ مٓ صٓ صٓ صٓ صٓ صٓ

صٓ صٓ صٓ صٓ صٓ دٓ دٓ دٓ دٓ سٓ سٓ سٓ سٓ سٓ سٓ

بیقراری و بجای آرام کردم ۲۲۲ نه علی حب ۲۲۴ فی الساعه الساعه العجل العجل

احکام بیماری اگر کسی بیمار شود و خواهی بدانی احوال چگونه است باید نام وی و نام مادرش و نام آن روز که بیمار شده بحساب ابجد درآورند بر این قسم

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
۲۰	۳	۱	۹	۱	۵	

و آنکه حساب کنند عدد را جمع نموده و ده تا دیگر اضافه کنند و آنچه دانسته که چند است بر ۳۰ بسط کنند آنچه ماند در لوح نگاه کنند اگر بر لوح حیات افتد نمیرد و اگر لوح ممات افتد بمیرد

لوح حیات

١	٢	٧	١٠	۴	
١١	١۴	٢٢	١٠٦	٣٠	
٢٠١	٢۴	٢٠٧	٢٢		

لوح ممات

٢٠٦	٩	٢٠	٣٠	٢٠	
١٥	١٠١	١٠٩	٢٣	٢٥	٨
٣	٥	٨	۴	٧	١٠٢

اگر کسی را البته باشته نیز بسیار این طلسم را در گردن بندد و ع یا سم یا سم یا سم یا سم

یا سم دای ام داوا ی ۱۱۱ ۶ ۲ ۱۱ ۶ ع ۱ ۱۲ ۱ ۱۱ ی ۱۱۱ ۶ ۹ ۶

باب بجهت نزله بندی بیا و دو نی را هم قد مریض و نیز را دو شق نماید و نی را بدست مریض داده و مریض مربع نشسته یک شق را بدست راست و دیگر را بدست چپ بر سر زانو گرفته و بر یک سر نی بنویسد یا جبرائیل و بر سر دیگر بنویسد یا عزرائیل و آنکه کاتب شروع بدعا نماید اینقدر مداومت نماید که سر نی از طرف دیگر بهم رسد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم

قمریا یا حاهو کش احاطموس لقاس ما طره کلوس انقوانقو انکه

بر ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد به پیچد و در گور کهنه دفن نماید مجرب است

باب خواب بند بنویسد هر شب در زیر بالین خود نهد بیقرار گردد نتواند خوابید

ا ا ۱۲۱۲۱ م ه لهی سما ص ص حعوه لا لا لا صعهعب باسم ۲۲۲

هو الوحا الوحا العجل العجل العجب باب اگر خواهی کسی را از عشق خود ... گردانی و محبت تو در دل او مبتلا گردد و باز هر گاه خواهی ... کند همراه خود نگه دارید بنویسید این دعا را بنام او و بنام مادر او و بنام خود و مادر خود بر بازو ببندد

بسم الله الرحمن الرحیم بستم بستم دم بدم الحمد لله رب العالمین بستم بستم دل بدل الرحمن الرحیم بستم بستم سر بسر مالک یوم الدین بستم بستم زبان بزبان و دهان بدهان ایاک نعبد و ایاک نستعین بستم بستم جان بجان اهدنا الصراط المستقیم بستم بستم اعضا بر اعضا صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب بستم بستم اندام بر اندام علیهم و لا الضالین بستم بستم روح بروح یا حفیظ یا حفیظ یا حفیظ باسم ۲۲۲ زبان بند

دو شق یا عطین عطن در زیر زبان گذارد در برابر او که میرود نسخه را بر موم گرفته زیر زبان گذارد در مقابل او سه بار قل هو الله احد را بخواند و یک ... را عقد کند همین که مقابل رسید وا کند باب اگر خواهی با کسی خویشی بکنی و از ... شود این

اسمها را

اسمها را نوشته بر بیضه مرغ و بر بالای خانه انکس انداز تا بشکند انکس راضی بشود

عجی عجی عجی عجی عجی ع۲ا ع۲ عجی له له له له له له له له له له له له

له له له بعضا الله الرحمن الرحیم اولئک الذین آمنو والذین هم مجنون

رحا ااا لا ط ا ر اا ط ه ۶ااا ۴ ا ه ه

باب اگر خواهی که کسی را از مکان خود دور کنی یک مشت خاک از آن مکان بردارد و یکبار این آیه را بر آن خاک بخواند و شب آن مشت خاک را زیر بالین خود نگه دارد و روز دیگر آن خاک را بردارد تا آن مکان بپاشد آواره گردد استجب دعائی رب الملائکة والروح وانت رفع الدرجات انت حبیب مجیب سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة والروح یا ارحم الراحمین

باب الحب بیاورند به دانه فلفل و این آیه را بر آن بخواند و بکوبند به طعام بپاشد و بخورد مطلوب دهد یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرین ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله الاموات بل الاحیاء ولکن لا تشعرون زین للناس ما حسن المآب

باب تعویذ ... باید وقتی ... بسر تعویذ باید نوشت یا ابلیس اصحاب العدوان والبغضاء والحق الباطل الوحا ۳ در آخر تعویذ ... باید نوشت کتبها هذا التعویذ لبغض ... لا یحبه ابدا ابدا ابدا بر سر تعویذ ... باید نوشت یا اصحاب العبث الوحا ۳ الساعة در آخر تعویذ ... باید نوشت کتب هذا التعویذ لحب ۲۲ قیر ... تعویذ زبان بندی و خواب بندی باید نوشت کتب هذا التعویذ و هذا الیوم الجمعه ... باید جنب و حائض حاضر نباشد و از برای ... چیز ترش تلخ در دهن گیرد و بخورد و از برای ... چیز شیرین در دهن گیرد و بخورد و بوی خوش کنند و از برای زبان بندی و خواب بندی موم در دهن گیرد تا از نوشتن فارغ شود مکان با ...

باب بدان در هر هفته کدام روز تعلق بچهار عناصر دارد و از این قرار است

یوم ۱ شنبه	یوم ۲ شنبه	یوم ۳ شنبه	یوم ۴ شنبه	یوم ۵ شنبه	یوم جمعه	یوم سبت	حب	بغض
آتش	باد	خاک	خاک	آتش	آتش	آب	لسان عقل	عقل نوم

اگر خواهی جایی بروی و کسی ترا نه بیند این اسماء را بر حریر سفید بنویس و بر گوش چپ بگذارد کسی ترا نه بیند اما در وقت منکسف شدن آفتاب باشد مجرب بسم الله الرحمن الرحیم یا تمخیثا یا لنقشا یا ملثا یا ظفیثا یا رهیثا یا جلیل یا اغثا یا طرلیطا یا رحیثا یا میثا یا یحیثا برحمتک یا ارحم الراحمین

باب الحب بیاورند تخم مرغ سیاه و سرش را باز کند و این طلسم را بر پوست آهو بنویسد و در میان تخم بگذارد و سرش را محکم بگیرد و در آتش اندازد در میان اجاق دفن کند دایم گرم باشد از عشق دیوانه شود قرار و آرام نداشته باشد قلب فم ۲ فم حب [illegible]
قلب الرها الحصا الحصا و قلب و لا تفزو لا لعر عملوط آهیا آهیا شراهیا
شراهیا حاحا ا ۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰ [illegible]

باب الحب بنویسد و در آب بشوید و بخورد مطلوب هر تا بخورد چنان مطیع و رشید که یک ساعت قرار و آرام نگیرد یا علیملثا یا سلیثا یا اوهل یا اعیثا یا هوشا یا رحما یا محاتا یا الله العظیم بیقرار دلی [illegible] ۲۲۲ فم علی [illegible]

باب هر کس این کلمات را بر کف دست خود بنویسد و سئوال کند مطلب حاصل از هر کس هر خواهد حاصل است ع هـ ه لاه لال م هر کس این ببیند [illegible]
بر پاره کاغذ نوشته بدین طریق که جمعی نشسته اند در مجلس نوشته را در زیر فرش گذارد

فی الحال بردم پراکنده شوند این بیت یاشیخ محمود شاه یاشاه محمود شاه همکی
یاشاه محمود شاه همکی یاشاه محمود شاه همکی برای دل بردن نقر
که یغسق وغیره مرتکب شده بنویس بنام ... و مادرشان و در آب روان انداز د مجرب است
ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض مالها
من قرار کذلک ... ۲۴۴ ...
... فرهود برديم برديم
...
الوحا الوحا الوحا تو هم دیگر بنویسید بکاغذ سفید و قدری رشته دران نوشته کند
و به پیچد بر ریسمان موی سیه در رهگذر ایشان دفن کنند تا عجایب ببیند زنهار که لال
نکنند که گناه عظیم است اللهم فرق بینهم کما فرقت الحیات والممات وکما فرقت
بین الجنة والنار وکما فرقت بین الجن والانس فرق بین فلان بنت
فلان وبین ...
... در خوانه ...
... دفن کنند مفارقت افتد میان ایشان
وظن انه الفراق والتفت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق فرقت
بین ... بنویسید در کنار آب روان یا زیر زمین دفن لا یجوز بجلال
...
العداوة این آیه را ... بنویسد و به آب محو نمایند و در آن سرا
بریزند که در آن ساکن باشد میان ایشان تفریق واقع شود که دیگر بصلاح نیایند عسی
ربه ان طلقکن ان یبدله ازواجا خیرا منکن مسلمات مؤمنات
قانتات تائبات عابدات سائحات ثیبات وابکارا تفرقه وعداوت
افکندم ما بین ... و ... الی یوم القیمة العجل العجل الساعة الساعة

...

طلسمات

ویران شدن

این هشت حرف ظلمات را بر پاره پوست حمار نویسد در خانه دشمن دفن کند آنخانه ویران شود و اگر در ساعت زحل در مربع هشت در هشت بنهد در جای نمناک دفن کند بهتر است

جدائی

تفریق مجرب است ث خ ذ ش ض ظ غ ف الف اینکلمات را بنویسد در آب اندازد بعزمان جدائی میان ایشان جدائی افتد تا قیامت یکی نباشند الایت بسم الله الرحمن الرحیم کهوله کهوله کهوله الساعة الساعة بالسم ۲۲۲ بر مغازیت ۲۲۲ الف انیلوح را بر موم زنند و از آنموم شبه صورت دشمن را لب زد و آنچه در مهر نوشته

هلاک دشمن

معکوس بر خواسته آنمهر را بنویسد بهر طریق که خواهد دشمنرا مثلا هلاک زد بهمان طریق صورترا معذب دارد بسیار مجرب است اما باید دو صورت بسازد این مثلث را بر پوست حمار نویسد در شکم آندو صورت نهد بهر عذابیکه خواهد معذب سازد مثال دو صورترا مقابل هم ایستاد در میان نیزه سر بالای نیزه مربع اینست

هلاک دشمن

جهت هلاک دشمن سوره انا اعطینا را بدون بسمله بر تخم مرغ سیاه بنویسد و بر پارچه خاک آلکس به پیچد و در زیر آتش کند بزودیکه اورا بول بسته شود اگر بسوزد هلاک شود اگر خواهد باز کند سوره لیس را بمشک و زعفران بنویسد بشوید بخورد شفا یابد الیقا

الله فسیکفیهم اجراً عظیما ۱۶۱	ینکث علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه ۷	ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ۲	ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله ۱
۱۲۴۷ ۱	۱۳۱۹ ۱	۱۸۶۳ ۱۵	۱۳ ۱۷ ۸
۱۳۲ ۱۱ ۱	۱۲ ۵ ۴	۱۳۱۴ ۵	۱۸۶۲ ۱۴
۱۳۱۵ ۶	۱۸۶۱ ۱۳	۱۳ ۲۱ ۱۲	۱۲ ۴۱ ۳

اخراج

چون خواهد ظالمیرا از مکان خود اخراج نماید این آیاترا از سوره عبس بر پوست خرس مربوعی نویسد و صورت آنشخص را بران نقش کند در یوم پنجشنبه که قمر در عقرب باشد و آنرا در قدح آهنین نهد و سر آنرا محکم کند و در دروازه شهر یا خوانرا دفن آیات اینست یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه الی آخر سوره عبس

[illegible]	۹۶	۹۶۵	۹۵۸
	۹۵۹	۹۶۱	۹۶۳
	۹۶۴	۹۵۷	۹۶۲

جلب

جهت انحطاط مرتبه حکام و صاحب منصبی این آیات را بنویس بر چوب کج در ...

دوشنبه یا چهارشنبه آخر ماه و بر طرف دیگر الچوب بنویسید بزول ۲۲۴ عن مرتبه در موضع تاریک زیر سنگ گران بنهد قدرت الهی را تماشا نماید از اینمرتبه تنزل نکند نماید اگر چوب گز تر باشد بهتر است آیات اینست بدیع السموات والارض انی یکون له ولد الی قوله وهو اللطیف الخبیر از سوره انعام است

جهت تخریب بنیان ظالم سوره والشمس بر سفالی و این آیات را هفت بار بر پاره خاک بخواند پس آن سفال را کوبیده و آن خاک را آمیخته در خانه او بریزد فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها ولا یخاف عقبیها

برای فنای دشمن دین و ظالم فاجر و فاسق و هلاکت او تبت را با بسمله با عدد اسم خصم بگیرد و از جمله اعداد سیصد و شصت عدد طرح کرده باقی را نه قسمت کرده یکقسمت را در خانه اول لوح درج کند و هر خانه یکعدد افزوده تا تمام شود و مجذور باشد که غلط نشود و باید از هر طرف که حساب کند دقت دهد و کسران از یک تا هشت بیشتر نیست اما باید بر خشت خام درج نموده و همین سوره را معکوس بخواند خفیه کند و هر بار یکخانه را خراب کند تا تمام شود و خاک آنرا ضبط نموده در خانه دشمن ریزد قدرت الهی را تماشا نماید اینست

باید از هر طرف سیصد و شصت نه باشد

وفق لوح تبت نزد دشمن

تبت معکوس آن اینست

دسمنم لبح هادیج
یف لبطحلا تلامح
هتارموب هل تذا
ارنا الاصیس بسك
وما هلما هنع ناغا
مابت وب هل یبا
دی ت ب ت

۴۵	۳۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
۴۶	۴۴	۳۳	۲۲	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
۵۶	۵۴	۴۳	۳۲	۲۱	۱۰	۸	۷۸	۶۷
۶۶	۵۵	۵۳	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
۷۶	۶۵	۶۳	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۵	۷۵	۶۴	۶۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
۱۵	۴	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
۲۵	۱۴	۳	۷۳	۷۱	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
۳۵	۲۴	۱۳		۸۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

عدد سوره تبت اینست

پنجهزار و سیصد و هشت است

تخریب

فنا دشمن

لوح تبت

تبت معکوس

عدد تبت

باب اگر خواهی که درد شکم بر دشمن مسلط گردانی صورت آنکس را بر روی زمین مصور سازد و صورت لوح را بر آنجا نقش کند بدستوری که نموده میشود که حرف هج در ناف آن شخص افتد و بخواند سوره و اللیل را ۲۳ نوبت و هر مرتبه چون بلفظ لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولی تکرار کند از ... مرتبه و آهنی بمقدار سوزنی در دست حاضر داشته باشد چون بار اول بخواند این آیه را سوزنی بزند بر میان چشم هج که در ناف صورت است و چنان زور کند تا بزمین فرو رود که مطلب حاصل است و اگر خواهد که بر طرف شود آن صورت را خراب کند و سوزن را بکشد بر طرف شود زنهار که بناحق عمل نکند که گناه عظیم است و در وقت فرو بردن سوزن قصد مطلب باید

اگر خواهی دختر کسی را بخواهی و بدو ندهند بنویسید بدر خانه آنکس دفن کند رضا شود ۲۸ ۳ ۱۱۱ ۱۱۱۱ ۳ ۱۱۱ ۵۱

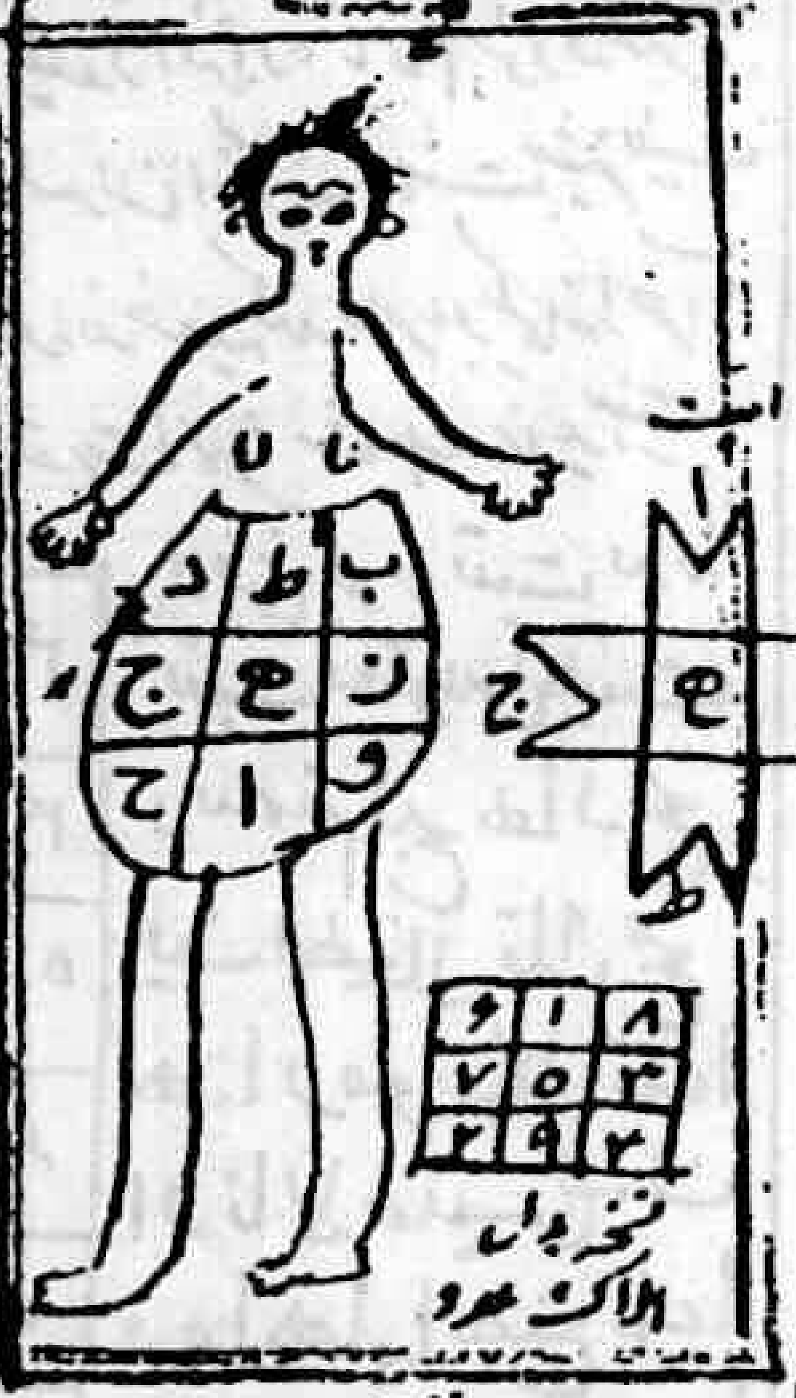
لی ۱۰۱ ۱۱ ۷ ۴ ۱۱۱۱ ۱۱ ۴ ۲۴ ۴ ۲۴ ۱۵۵

نقل است که هر که این شکل را نوشته بر سینه مریض گذارد اگر بجنبد خلاص شود اگر گریه کند بمیرد هلا مکابل

هظ هط همر کن هی جهت درد دندان

این را بر سر خشت خام با میخ آهن بنویسد بسر هر حرفی میخ را فرو برد البته ساکن شود الوثا یالوثا دائرت

هر کس خصم بسیار داشته باشد این دعا را نوشته با خود دارد دشمنان برو مهربان گردد و عزیز و محترم باشد



بسم الله الرحمن الرحیم یا ودود یا ودود یا ودود یا فعال لما یرید یا ذوا لعرش المجید اسئلك وبنور وجهك الکریم و باسمك العظیم ۱۱۱ ۷ ۱۱ ۱۱۱ ا دیا ۱۱۱۱ لهمهم علیهم ۱۱ اهیا شراهیا ادونی اصباوت آل شدای احی حق توراته و انجیل و زبور و فرقان و صحف انبیاء و ملائکه

کلهم اجمعین ولاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هذا یوم لا ینطقون ولا
یؤذن لهم فیعتذرون باب جهت زبان بند نبویسد با خود دارد
زبان جمیع خلایق از زن و مرد بسته گردد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
عقدت لسان جمیع بنی آدم و بنات حواء والجمیع الخلائق کلهم اجمعین
صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون
صم بکم عمی فهم لا یؤمنون صم بکم عمی فهم لا یسمعون صم بکم عمی فهم لا یفقهون
صم بکم عمی فهم لا ینطقون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون بحق کهیعص
وبحق طه ویس وبحق حمعسق و ق والقرآن المجید ون والقلم
وما یسطرون ببستم ببستم زبان و چشم و گوش و هوش و فهم و عقل
خرد و سیصد و شصت و شش رگ و چهار صد و چهل و چهار
پاره استخوان بدان و بدگویان و منافقان و حرامزادگان و مکاران
و ساحران و غمازان از دور و نزدیک از همسایه و بیگانه از خویشان
و قومان از زن و مرد از کوچک و بزرگ از ترک و تاجیک از عرب و
عجم و سیاه و سفید و کلان تران و کدخدایان از دوست و دشمن ببستم
که بسته باد زبان جمله بحق خلقهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ببستم زبان
جمله خصمان را بر صاحب و دارنده این دعا بعزة الله تعالی بحق طه
و یس و ن والقلم و ص والقرآن و حمعسق و ق والقرآن المجید و تبارک
الذی ببستم بعزة ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة
و لهم عذاب عظیم ببستم که بسته باد بعزت حروفات کرم ا ب ت ث ج ح خ
د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی ببستم که بسته باد بعزت
انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین
طریقه اختیار صحبت این است مکرر امتحان شده اما باید اسم خود و اسم

احضار جن

واسم پدرش را یکی در زیر و یکی در بالای این طلسم بنویسد و طلسم را در زیر خواکستر گرم بگذارد بدون تاملی بیاید تا بیاید طلسم را از زیر خواکستر بردارد که هلاک میشود این است
بسم الله الرحمن الرحیم گرفتم دل و جان و بیقرار و بی آرام کردم ۲۲۲ عن عشق والمحبة ۲۲۲ فی الحق الطلسم المحب المجید المجیب للساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا

نسخه محبت

سبحه ر ا	۲۰ ۱/۷	ر ب ح
۲ م ۳ ه ۲	المجید المجید	ب ا خ

۲۲۲

۴۴ این ده آیه محبت است هر که بخواند یا با خود نگه دارد در نظر جمیع خلائق عزیز و مکرم گردد اگر هر کس ۳ دفعه این ده آیه را بر گلاب بخواند و بر روی خود زند هر کس او را ببیند عاشق وی گردد اگر هفت مرتبه به سیب بخواند یا بر شیرینی دمد به هر کس بدهد بخورد از عشق بیقرار گردد اگر بر پنیر بخواند و بخورد مطلوب دهد هم چنان شود که اگر او را یک ساعت نه بیند بیقرار گردد روزی خدیجه این ده آیه را بر سیب میخواند خواست بخورد پیغمبر بدید آن سیب از دست خدیجه افتاد و آن سیب پیغمبر برداشت و خورد تا آن سیب حیات داشت از در حجره خدیجه بجای دیگر نرفت شرح این ده آیه بسیار است مختصر شد که ملال نرسد

محبت

بسم الله الرحمن الرحیم والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی
اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعناک
الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجیناک من
الغم وفتناک فتونا زین للناس حب الشهوات من النساء
والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة
والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن
المآب یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله
ولو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا

وان الله

وان الله شدید العقاب آیه ۷ قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور الرحیم آیه ۳۱ قد شغفها حبا انا لنریها فی ضلال مبین آیه ۳۰ فاذا عزمت علیکم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین آیه ۱۵۹ یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین آیه ۵۴ و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب الیم آیه ۱۸۸ فقال انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی حتی توارت بالحجاب آیه ۳۲ و اخری تحبونها نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین و تاکلون التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

بجهت احضار و محبت این نج اسما بنویسد و در زیر سنگ گران دفن کند مجرب است بیقرار و بی آرام گردد ۲۲۲ علی حب ۲ هلیح هلیح هلیح هلیح آتش محبت انداختم در قلب ۲ علی حب ۲۲ العجل العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا. بجهت تفریق بنویسد در میانه خمیر بی نمک بسگ سیاه بدهد بخورد و تفریق افتد مجرب است ۱۱ ۱۱۱۸ کدا ع ۲۱ ه
ح ۱۱ ۲ ۹ ۸ ۱۱۱۱ ح ر ۱۱۱ ۳ آم ه د ۷ ۰ لا ۲ ووه د
۲۲۱۱۱۱ ه ۵ ۲ ۸ ۶ ۲۱ ۳ ۱۱۱ ه

ایضا بنویسد بشانه چپ گوسفند در میانه گور کهنه دفن کند مجرب است انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم عن ذکر الله وعن الصلوة فهل انتم منتهون بانتم ۲ علی بغض و العداوة ۲ العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا باب تفریق بنویسد در میانه آتش اندازد جدائی افتد ۱۱۱۱ ه اعسر ادا ع

تفریق

۱۲۱۴ اسر کر ۲ کف ا ا ط ۲ باب جهت تفریق به تخم مرغ سیاه فولید و در گورستان کهنه دفن
کنند مجرب است عمر طلح المسالح حجت فیحج کرا لعجا باسم ف ۲۲ ف علی لبغض
ف ۲ ف العجل ۳ الساعه ۳ ا لنار ۳ | باب محبت و جلب عطف یکتب بمسک فی زعفران

محبت

وماورد ویدفن فی النار ریجب الحرارة لکتب یوم الاربعا عند طلوع الشمس وهذا کتابه صعق
الصاعق وبرق البارق ولمع لامع یکاد البرق یخطف ابصارهم کلما اضاء لهم
مشو کذلک لمشی فلانه بنت فلان الی فلان ابن فلانه اذا رجبت الارض رجبا الرج قلب
و فواد فلان الی محبته ف ۲ ف وسیرت الجبال فکانت سرابا بشارت فلانه بعب فلانه الی
ف ۲ ف بحق اللوح والقلم وبحق بهذه الاسماء العظام ۱۱۱ ک ۹۹۱۱ ک ۲۶۹ ا ا د ۲ ه ا و ا ل
تمشی فلانه بنت فلان الی فلان ابن فلان ان کانت الا صیحة واحدة فاذاهم جمیع لدینا
محضرون وا وا وا وا لا لا لا لا لا لا قضی الامر الذی فیه تستفتیان وجاء
کل نفس معها سائق وشهید لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا
عنك غطاؤك فبصرك الیوم حدید بیقرار و بی آرام کردم وا قسل افلح
سراپای ف ۲ ف عن حب ف ۲ ف الی یوم القیمة العجب العجب العجب الساعة الساعة الحرق

رازعظیم تفریق

ام نسخه عظیمه یکتب بدم دیک الابیض الاشوب بلونه بشیئ ما سود البیاض البتة او بالعکس فی
الثوید وبالسکر والزعفران ولابد وان یخلط بها شیئ من الملح لان الدم یتعقد جدا ثم
یکتب سبع نسخ وارسل ثلاث منها فی ماء جار ویحرق اثنتان بالنار العظیمه ویدفن
اثنان فی الاصل شجرة تفاح وهذه النسخه جربنا مرارا فما اخطات وهو هذا
النثر والسلوة والبغضة والخلاف والکیادة والمکایدة کالذیکین المتنا
زعین کذلک یتنازعون ویتخالفون وینهزون ویتعبون ذالذا
ویتفرقون وینفصلون ذا من ذا ویسون ذا الذا ویبغضون ذالذا
بقلبهم وجسدهم وفوادهم ویبعدون کبعد السماء من الارض وکتفصل
المیاه فی اوان الخلقة وکما فصل الله تعالی بین الملك الفوقانی والماء

التحتانی

المحتاني كذلك يتفرق وينفصل م ب م و م ب م ذا من ذا وكما لم يطق موسى النظر
فرعون وفرعون لم يطق نظر موسى وكان كل واحد منهما ينظر الى الاخر ببغضة
القلب والحقد والعداوة كذلك يحقدون ابدًا ويسبون اثنين ذا الذا ولا
يقدرون ان يتكلموا بالسلام ذا الذا وينتفع عنهم المحبة ويأتي البغضة
في قلوبهما كانا في النار على الحطب كذلك ينقلب محبتهم البغضة وينقلب وجو
ههم للمتعوج ذا الذا ويختم الخاتم كما يرتفع نقشه من الشمع كذلك يرتفع
محبته فيصير كلها بغضة وندامة وبغضا وقتالا وتنافرا ويتباغضون ذا الذا
واذا رأى ذا الذا فيكون في عينه كصورة الكلب وكصورة الذيب ويتشو
حش في عينه خلقته وحشته وقالبته كما قال الله تعالى في الغض كتابه
التوراة تهبنج لحو مراحوا نوم وشب يصيق كمولفرس يعني هذه الاية
البغضة لقول كبيرا ينقلب لي م ب م كعين الخاتم ويتغضب كانت لباس
ولذلك ينتصب على بغضه وعلى حقده ويستعمل هذه البغضة في قلبه
كالنار التي لا تطفا ولا تبرا ولا تمته حتى يتفرقوا ذا من ذا اسم سوث
ولسعوث يسعوب حسوب د ويوب هنوب

يكتب بالبغض والفرقة

والوحشة والعداوة بين م ب م وم ب م ما مامرى ويا مهما كال ويا شهدون
عجلوا واسرعوا بينهما الى العداوة والبغضاء والبغض هياه هياه
هياه اه اه اه السا عة السا عة السا عة ثم يلف ويلف عليها شعره واحدة ويطرح
في اليالوعد وباسميها ينقش على قرطاس هذه الصورة ثم يطرح في المستراح فانه
لانه مجرب فلسعصلططلهلاهمهسكا

لحم	لجو	ع ع س ــ (X)	٣	د	٣	

تحرمد ٣ م ب م البغضا والبغض العجب العجب العجب
الساعة الساعة النار النار النار

در عمل احضار اجابلین طاس را پر آب کند و کمی گل تا بالغ بر کنار طاس نشند و چادری سفید در سر وی کشند و خط گرد وی کشند و این اسما ورا ۱۰۴ نوبت بخوانند ارواح جمع شوند اگر جمع نشدند ۱۰۴ مرتبه دیگر بخواند در وقت خواندن کارد فولادی بر طاس زنند ع ابدال گوید که من ابند عا را آزموده ام اگر چنین نباشد هر که عبد ابدال هستم لعنت کند مجرب است

در وقت خواندن این اسما دعش کند اهیّا اهیّا شراهیّا شلّی شلّی جوبش اجوبش مجوبش انعوطهو ابرسوم جبترسوم تهلطیف سلطیف بهبکش عزمت علیکم یا معشر الجن انکنتم داود یا داود یا داوده زبوراً ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب دعای عظایم کبیرا

که جن گرفته باشد و یا انکه ترس و خوف داشته باشد این دعا را سه دفعه بر الکس بخواند و بدمد و دیگر بنویسد با خود دارد عزمت علیکم یا طلوحوش مع اتباعه وبحق عرطوش عرنوش طوطناش ظلموع رد یطوش ازمایش اجیبان اذ هذا الجن وبحق موشلغوشی شلغوش اجیبوني واحضروني وبحق هذه الاسماء العظام وهذه الطلسمات المبارك وبحق القاهر القیوم الذی کمثله شیئ وهو السمیع العلیم محمد صلی الله علیه وآله وسلم الطیبین

۱۱۹۱۱۱۱۱۱ح۱۱طع۴۱

باب الحب احضار بیاورد قدری جو سیاه و هفت مرتبه این دعا را بخواند بران و بخورد حمار دهد واف رتنگ و پالان کند و بگوید نو ۲ نو اف کردم و پالان کردم و تنگ کردم و سوار شدم قدری تیبا ازان در جای بنهد تا آن خر زنده است فلان فرمان بردار من باشد هنشیا هنشیا طوطل ذابو نماثمی طوطل دیوی هنسی هنتی یدهو هنسی دمی یا تمخنیا یا تمخنیا یا غاغلیشا بیقرار و بیجا آرام کردم ۲۲ فلان علی حب ۲۲ العاجل الساعة العجل العجل الوحا الوحا الوحا الحب الحب

احضر رجعی جهت غایب از دیر در آید ولقد کنت فی غفلة کشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید این را برکاغذی در برنج نه طفل بدهد باید که طفل نابالغ باشد و
پاکیزه باشد دختر باشد زودتر اثر کند در کف دختر بنویسد یا اصحاب ملک طوطیا
بنویسد و بر حوالی طفل بخوری تمک سوده بپاشند و شروع بخواندن نماید بخور از اول تا آخر بسوزانند
کشنیز و کندر و مقل ازرق بعد از آن جماعت حاضر شوند طفل خبر دهد که حاضر شدند آنوقت بگوید
از مال گمشده کو بگویند را آورده زنج تمام و تا اول ماند بعد از آن حاجت خود را طفل از آن ن
بطلبید باید که انگشت ابهام طفل را بمرکب سیاه نماید نگذارد که خشک شود یا احضر المجوسیة
والمجوسیة والنصرانی والنصرانیة فی قلوب بنی آدم وبنات حواء عزمت علیکم
بتوریة موسی وانجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد ان تجیبوا الی مجلسی
هذا بحق انکویش وتنکوش وحرشوش وعمونوش امنوهن فاجرا
باتیا هلیکا ملیکا نقیتا تاریشا توریشا اذهن یقبن وس لتعطینی
بحرمته مشمشنه طلیخ وبحق خاتم سلیمان ابن داود ان تقضی حاجتی والا
سلط الله تع علیکم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران قوف قوف
قوف ططلیش ططلیش مرلیش مرلیش انزلوا انزلوا بحق
طرلیش مرلیش احضروا اصحاب هذا الیوم یا ملک بن همبة بحق
میمونة ابا نوحتد ملک ابیض ملک احمر ملک برقان یهود تر
ملک تمریش نصرانیة اخبر لنا زودی بما اسئلک بحق لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله
وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون واین شکل را بنویسد در زیر
انگشت سیاه طفل گذارد ١١١١١٩١١٧١١ ه
جهت کتبت اسیدی ها برجزها
بخواند بخور دستطلوب عی بیک ببیند وذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون سبحان
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون ٢٢٢ مع ...

از برای دفع دشمن اذا زلزله را هشت مرتبه بخاک مورچه بخوانند و آنخاک را بخانه دشمن بپاشد آواره شود

ایضا اذا زلزله را مقدم شوحر بنویس دفن کن در قبرستان دشمن بمیرد اول اذا خرجت الارض

اثقالها لعید اذا زلزلت الارض زلزالها تا آخر بنویس طریق ایضا از برای دفع دشمن

این آیات را بر پاره که از کفن زیاد مانده باشد بنویسید و تمام دشمن بران نوشته داند

خاک از گور کهنه بران بریزد و آنرا در زیر دیوار کهنه دفن کند ان دشمن را درد سر یا درد چشم

پیدا شود تا بینا گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم

داوفوا بعهدی وایای فارهبون وامنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا

اول کافر ولا تشتروا ثمنا قلیلا وایای فاتقون ولا تلبسوا الحق بالباطل وتکتموا

الحق وانتم تعلمون از جهت هلاک دشمن بنویسید این حرف اسما درمیان دو سنگ بنهد

البته دو دشمن رنجور گردد — اطعوا عیع ماموا صلو — اگر درمیان زن مرد ناسازگاری باشد

این تعویذ را بنویسید زن با خود نگه دارد از خورد جدا نکند بفرمان خدا تیم مرد

فرمان بردار زن شود مجرب و آزموده شده است

ع ا	٧	سره	دع	اع	٩ا
د م	ه ش	ع ه	ده	با ع	١١١

بجهت دزد برده به تجربه رسیده است برده لقمه نان

بنویسید بجماعت متهم داده هر که دزد باشد در گلویش

دزد برده

گیرد قالوا لا تعجبین من امر الله رحمة و برکاته علیکم اهل البیت انه

حمید مجید باب المحبة هفت مبین را بر سیب یا شیرینی چهل و یکبار بخواند باد

دهد تا بخورد مطیع گردد لعد البسمله فی امام مبین الا البلاغ المبین لفی

ضلال مبین عدو مبین و قران مبین خطیم مبین تمت حرز هجراح

الیف درزیر زبان گیرد لسیار مجرب است حـ ١١١ و کا ١١ ا ه ا ا ط ١١ ح

جهت محبت

دو علی العجل العجل العجل ایضاً هر که این دعا را بنویسد و بر زیر سر خود نهد آنکس نتواند خواب کند آزموده است

هما هما هما علی

مقیل قوم ۲ ۲.۲ فر علی حب فر۲.۲ ۲ ۲ ا اسا ۳ ۴ ۳ الوحا الوحا الوحا العجل

بجهت محبت بنویسد بر پاره کاغذ و در اندرون چراغ دائی با روغن عسل تا بسوزد البته آرام نداشته باشد ۱۳ ۱۱ ۱۱ ۱۳۱۱

ص ۹ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ۹ ۴ ۹ ۴ وسطمه سوط ملل ۹ ۱۱۱ ۹۱۱

لسلمک صح ۱ ۱۹۱ ۱۱ ۹ ۹ ۱۵ ۱ اس ا ا ما مه ۲.۲ فر علی صبا ۲ ۲ فر ۲

شیخ ابوالعباس بونی آورده است که چون صورتی از قیرب زند و قدری موی سگ و موی گربه در اندرون آن سر صورت پنهان کنند و این آیه را بر آن صورت نویسند و نام کسی که میان ایشان مخالفت باشد بر پشت آن صورت نویسند و آن صورت را در آستان سرای ایشان دفن کند و بعد از نماز دیگر چهار شنبه میان ایشان تفریق واقع شود و باید که از خدای تعالی بترسد و به نیت حلال این عمل نکند و اذ جعلنا البیت مثابة للناس وامنا واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی وعهدنا الی ابراهیم واسمعیل ان طهر بیتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا فرق تفرق عداوة افکنید میان ۲ ۲ فر علی بعض و العدا و ۲ فر ۲ فر العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا

باب بجهت تعزیق در مجلس بنویسند واسم آن شخص بنویسند در پشت طلسم در زیر زمین دفن کنند تعزیق افتد مجرب است

ط	ز	هـ	ج	ا
هـ	ج	ا	ط	ز
ا	ط	ز	هـ	ج
ز	هـ	ج	ا	ط
ج	ا	ط	ز	هـ

بجهت گل بسنگی ها خوب است تولد تعالی

۳	۴	۵	۶	۲
۶	۲	۳	۴	۵
۴	۵	۶	۲	۳
۲	۳	۴	۵	۶
۵	۶	۲	۳	۴

باب اگر این طلسم عقرب را در پوست حماری نویسند و در منزل انکس در نزدیک مبال دفن کنند البته خرابی پیدا شود لاکن تا تواند نکنند که خوب نیست

باب بجهت خواستکاری زن اگر خواهند که باو ندهند این نامها بنویسید در آب بجوشانند بر ره گذرایشان افشانند دیگر نتوانند گرفته

یا تمخیشا یا کبقیشا یا بالمشا یا طیشا یا بهشا یا هلیك یا علیشا یا طوطا یا رحیشا یا معیشا یا مجمسا ۱۳

این صورطلسم جمزه این نامها نیت بدانید

۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰
[illegible]	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	

۴	۷	۱۰	۱۳
۹	۱۴	۳	۸
۱۵	۱۲	۵	۲
۶	[illegible]		۱۱

۱۶

ا ب ج
١ ٢ ٣

د ه و ز ح ط ی
٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠

ک ل م ن س ع ف ص ق ر
٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠ ١٠٠ ٢٠٠

ش ت ث خ ذ ض ظ غ
٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠

حرره محمد آکا
ابن جواد الحسینی

بباید اسم طالب و مطلوب با لجاب جمل حساب نماید بعد دوازده دوازده طرح کند
هر چه باقی بماند حساب کند به بیند بکدام برج تعلق گرفت برج ما را بدانی و نیز
ماده که برج ما نماید یعنی بعد از آن ستاره ما را بدانی بعد از آن عنصر را بشناسی

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو
حوت مثلاً ثور میزان ماده هست و ستاره‌اش زهره هست و خاکش قرمز
است تعلق بروز جمعه دارد و ساعت او اول صبح هست ثور خاکی و میزان بادی

جوزا و سنبله برج نر است و ستاره او عطارد روز او چهارشنبه است و ساعت
ایشان اول صبح هست جوزا بادی و سنبله خاکی است

سرطان ستاره او قمر است روز او دوشنبه هست ساعت او اول صبح است
تعلق به آب دارد و ماده است اسد ستاره او شمس است

روز او یکشنبه نراست ساعت او اول صبح است تعلق به آتش دارد حوت قوس
آبی آتشی

ستاره او مشتری است نراست روز او پنج شنبه است ساعت او اول صبح است

حمل عقرب ستاره او مریخ است روز او سه شنبه ساعت اول صبح است نراست
آتشی آبی

جدی دلو ستاره او زحل است روز او شنبه ساعت او اول صبح است ماده است
خاکی بادی بطالع هر کس نظر نماید تا میسر نماید و حفظ شود ان شاء الله

باب برج و ستاره و عناصر و طبیعت او اولا باید دانست عمل ستاره
ها را و ساعت و برج و ملک آن برج و ستاره از برای عداوت و عمل محبت
و زبان بند باید آتش دو ملک آتش و فلک آن برج بدانی تا خلاف نشود

ستاره حمل مریخ است روز او سه شنبه و ملک سمی شیر است ثور میزان

ستاره او زهره است روز او جمعه است ملک او مرطا شیر است جوزا

ستاره او عطارد است روز او چهارشنبه است و ملک او شیما شیر است سرطان

ستاره او قمر است روز او دوشنبه است و ملک او قیلیا شیر است اسد

ستاره او شمس است روز او یکشنبه است و ملک او قیا شیر است برج سنبله

ستاره او عطارد است و ملک او شقا شیر است روز او چهارشنبه است میزان

ستاره او زهره است و ملک او مرفیا شیر است روز او جمعه است عقرب

ستاره او مریخ است و ملک او قبا شیر است روز او سه شنبه است قوس

ستاره او مشتری است و ملک او درقا شیر است روز او پنجشنبه حمل ...

جدول ستاره

جدی دلو ستاره او زحل است و ملک او میائیل است روز او شنبه است

حوت ستاره او مشتری است روز او پنجشنبه و ملک او عرقائیل است هر وقت

هر دعا که بنویسید باید نام ستاره آنروز را ببرد بگویند یا فلان بحق رضاء او مراد

من حاصل شود العجل الساعة سه دفعه الوحی بعد از آن هر مطلبی که دارد بنویسید مجرب است

فاما جاودستان ستاره ها را بیان کنیم اول مقام زحل در آسمان هفتم میباشد

کلمهای تعزیزی ا ب ج د و مراد میمون لقب او ابو نواحد است یهودی است

مشتری جای او در آسمان ششم است و کلمهای او هـ و ز ح پری او شمهورش است

و لقب ابو الولید میباشد مریخ جای او در آسمان پنجم است کلمهای مراد

ط ی ک ل و پری او ملک احمر لقب او فخار باشد و یهودی است

شمس جای او در آسمان چهارم و اسم کلمه اش م ن س ع و اسم پری او

و لقب او عبد الرحمن است مسلمان است زهره جای او در آسمان

سیم است اسم کلمهاش ف ص ق ر و اسم پری او زوبعه و لقب او ابو محمد مسلمان است

عطارد جای او در آسمان دوم است و اسم کلمهاش ش ت ث خ اسم ملک او

میرقان است و لقب او ابو العی... و یهودی است قمر جای او در

آسمان اول اسم کلمه اش ذ ض ظ غ اسم ملک او ابیض لقب او ابو النور است

در باب چهار عناصر است اول آتش دوم باد سیم آب چهارم خاک.

باین ترتیب اسم مطلوب حروف مقطع و با برج و ملک آنرا عناصر اول ناری

اهـ طـ م ف ش ذ حروف بادی ب و ی ن ص ت ل حروف

آبی ج ز ک س ق ظ ث حروف خاکی د ح ل ع اخ غ

یا الله یا قدوس یا عزیز یا بارئ یا وهاب یا ذا بقی یا عزیز

اسماء بادی یا رحمن یا سلطان یا جبار یا معبود یا رازق یا باقی یا ملک

اسماء آبی یا رحیم یا مؤمن یا متکبر یا غفار یا فتاح یا حافظ یا ...

اسماء خاکی یا ملک یا مهیمن یا قهار یا علیم یا بصیر یا واسع یا قادر

بعد از آن موکل روزها را باید دانست روز یکشنبه باید نوشت طیا نیبی یوش

دوشنبه شمنطائیل سه شنبه طیقیائیل چهارشنبه دکریائیل پنجشنبه سطرکیل

جمعه طرفیائیل شنبه همیائیل بعد از آن موکل ستاره ها را باید

دانست موکل مریخ سرپائیل موکل عطارد جبرائیل موکل قمر اسرافیل

موکل زحل عزرائیل موکل شمس میکائیل موکل زهره غشثیل موکل مشتری ...

بعد از موکل روزها و موکل ستاره ها و موکل چهار عناصر بعد از آن باید

طلسمات روزها نوشته شود و طلسمات سال که متعلق بماه است نوشته شود

بعد از آن باید دانست دعای مرد باید روز بنویسید هرگاه از برای زن باید

شب بنویسید کسانیکه طالع او آبی باشد باید دعای او را نوشته در میان آب

و کسیکه طالع او خاکی باشد در میان خاک یا زیر سنگ بگذارید کسیکه طالع

 او بادی است

او بادی است بالای بجای طفه بیاویزد تا باد او را حرکت دهد و کسیکه طالع او آتشی است باید
در میان آتش بیندازد طالع با طالع موافقت بگیرد باید بنویسد تا عمر طالع بگردد اول

در بیان نیک و بد ساعات باید دانست یکشنبه اول ساعت شمس است حب باید نوشت
چاشت زهره است حب باید نوشت نزدیک ظهر عقد الرجال باید نوشت بین صلوة
زحل است بسیار نحس است تفریق نماز عصر مشتری است حب باید نوشت مغرب مریخ
است قمر شمس باید نوشت

یوم دوشنبه اول ساعت قمر است عقد الرجال باید نوشت نیم چاشت محبت
زحل است بسیار نحس است تفریق باید نوشت زوال مشتری است حب باید
نوشت ظهر مریخ است عقد الرجال باید نوشت بین صلوة شمس است حب محبت
باید نوشت عصر زهره است حب مغرب عطارد است زبان بند باید نوشت

یوم سه شنبه اول ساعت مریخ است عقد الرجال باید نوشت نیم چاشت شمس است
محبت باید نوشت زوال زهره است حب باید نماز عطارد حب باید بین صلوة
قمر است عقد الرجال عصر زحل است زبان بند

یوم چهارشنبه اول ساعت عطارد است حب باید نیم چاشت قمر است عقد الرجال
زوال زحل است زبان بند ظهر مشتری است حب باید بین صلوة مریخ است عقد الرجال
عقد لزوم عصر شمس است حب باید نوشت یوم پنجشنبه اول ساعت مشتری
زبان بند نیم چاشت مریخ است عقد الرجال باید نوشت نماز ظهر زحل است
زبان بند بین صلوة زهره است حب عصر مریخ است عقد الرجال باید نوشت
مغرب شمس است حب باید نوشت یوم جمعه اول ساعت زهره است
حب باید نیم چاشت عطارد است زبان بند باید نوشت زوال قمر است
عقد الرجال باید نوشت مغرب مریخ است عقد اللزوم باید نوشت ظهر زحل است زبان بند

عصر مشتری است صحبتی باید نوشت   یوم شنبه اول ساعت زحل است که دشمنی باید
نیم چاشت مشتری است صحبتی باید نزدیک زوال مریخ دشمنی نماز ظهر شمس که دوستی میان
که نماز زهره است صحبتی نماز عصر عطارد تا مغرب قمر است تفریق باید نوشت

اما کسی که خواهد بداند طالع او را نظر کند ببیند که در چه طالع است بدان
عمل نماید مثلاً طالع کسی آتش باشد دعا برای او را در شب باید نوشت
و کسی که طالع او خاکی باشد چاشت باید نوشت کسی که
طالع او بادی باشد وقت ظهر باید نوشت کسی که طالع او آبی باشد
وقت شام باید نوشت اما از برای محبت اول ماه بنویسید از برای
تفریق در پانزدهم باید نوشت به هر کس لازم است که بداند هر سال که دوازده ماه
و هر ماه چهار هفته و هر هفته هفت روز است باید دانست هر روز
طلسم دارد و هر ماه طلسم دارد باید دانست آنها را و باید نوشت

طلسم یوم یکشنبه

۷ ۴ ۲ لد الا هو هو ح ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۶ ۴ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹

طلسم یوم دوشنبه

۱۱ لا ۱۱ ۱۱ ۸ ۷ ۱۱ ۱۱۱ ۸ هـ ۴ ۱۱ ۸ ط ح ولك ۱۱ ط ۱ ۸ ۱۱

طلسم یوم سه شنبه

۹ ۹ م ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ م ۱ ۱۱ ۷ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ط ط ولك ۱۱ ۱ ۷ ۱۱ ۸ ۸

طلسم یوم چهارشنبه

۱۱ ۱۱ ۹ ۱ ۱۱ ط ۱۱ ۹ ۱ لك ۸ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ل ۹ ۱ هـ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱

طلسم یوم

طلسم یوم پنجشنبه

ل ۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ۸۸ ۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱ و ۱ می رل ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱ ۳ ۲ هـ ۹

طلسم یوم جمعه

۱ ۲ ۳ ۱۱ ۱۱ ع ۹ ۱ ط ۱۱۱۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۱ ال ۱ صر ۱

طلسم یوم شنبه

ح ھ ۵ ۱۱۱ ۲ ۳ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱ ۲ ۱۱ ط و ۱ ب ۳ ۱ ۹ ۲ ۲ ۹

باین ترتیب طلسم ماهها هم باید نوشت تا دانسته باشید طلسم ماهها این است

طلسم ماه محرم الحرام

سر ۱۱۱ ۹ ۱ ط ۹ ۱ ۱۱ ك ۱ ۲ ۸ ۸ ۱۱ ك ۱ ۹ ۱ م

طلسم ماه صفر الخیر

۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۹ ۹ ۹ ۱۱ ۱۱ ۹ ۹ ۹ ۱۱ ۱۱

طلسم ماه ربیع الاول

۸ صع ۱ ۹ ۱۱۱۱۱ ۸ ۱۱۱ ۱۱ ۹ ۸ ۸ لا

طلسم ماه ربیع الآخر

۹ ۱ محه ۱۱۱ ۱۱ ۹ ۸ ۸ ۱۱ ۳ ۳ ۱ ۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱

طلسم ماه جمادی الاول

طهھم ط ا ط ۱ ۸ ۸ ۹ ۱ ۸ ۸ ۳ ۳ ۸ ۳ ۸ ۱۱ ۱ ۷

طلسم ماه جمادی الآخر

۱ ھ ۹ ۱۱ ع ۱۱۱ ۲ ۲ ۹ ۵ لا ۱۱ ع ۷ ۹ ۹ ۱۱

طلسم ماه رجب المرجب

٩ ل ع ١١١ ٨ ١١ ٩ مسع ٨ ع ١ ٩ ٩ ٨ ٨

طلسم ماه شعبان

٥ ٨ ١ ٨ ٨ ٨ ١١ ١١١ ٩ ١١١

طلسم ماه رمضان المبارک

ه ه ع ىك ١١١ ١١ ١١ ٩ مل لا کل شيئ وحي اح يا رحمن

طلسم ماه شوال المکرم

حصر ٨ ١ ٨ ٨ ٨ ١١١ ٨ ٨ ٨ ٨ دصر ٨ ٩ ٩ ٩ ٩

طلسم ماه ذی قعده الحرام

مسعسمها للك الملك المحلو لا لا ع ع ع ع

طلسم ذی حجة الحرام

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

بعد از آن طبیعت برجها را دانسته باشید حمل قوس اسد آتشی

ثور سنبله جدی خاکی میزان جوزا دلو بادی سرطان عقرب حوت آبی

آمدیم سر موکلهای مشرق مغرب شمال جنوب

موکل مشرق کندیوش موکل مغرب هنکلیخ خردش یل شردش موکل شمال کلیوش موکل جنوب جوزنا بل مهردش

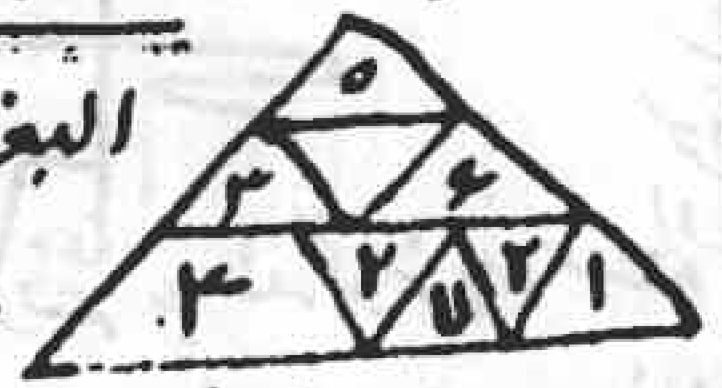
بخورات بروجات | حمل اسد قوس | ثور سنبله جدی | جوزا دلو میزان
خشخاش فلفل | عود شک زعفران | کندر عود

سرطان عقرب حوت
عود عنبر ؟
نسخه جلاء مجرب حقیر تجربه رسانده ام محمد ابن جواد

گاوزبان سقال ۲ | تاجریزی ۲ | بنفشه ۳ | سنا ۵ | هلیله سیاه ۴
پوست هلیله زرد ۳ | گزنگبین ۱ | همه را کوفته هلا یه نموده بقوام آورند با آب بجوشانند بعد صاف نمایند ناشتا بیاشامند از ترش و چرب پرهیز باشد بالای او سه فنجان نبات آب سرد بخورد شفا است ان شاء الله تعالی

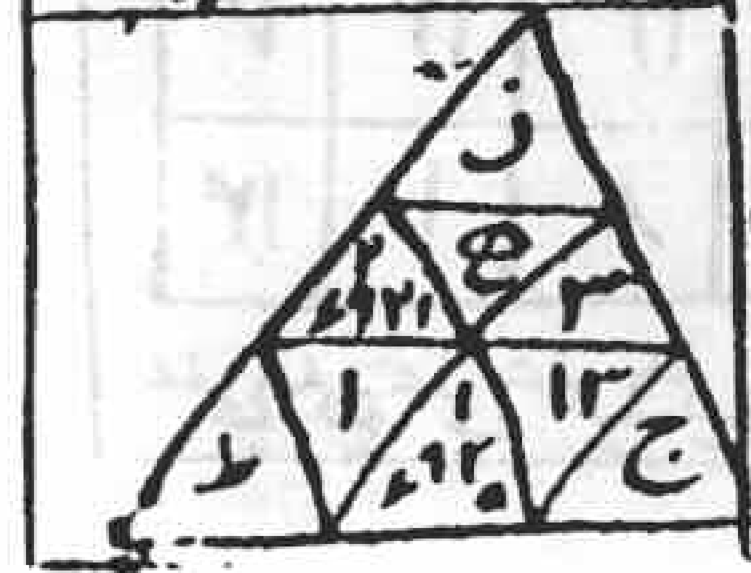
تفریق

اگر خواهد میان هر کس تفریق افتد بر کوزه آب ندیده خام نویسد و در آب بنگذارد تا کوزه تمام حل کند و در خانه ایشان بیفشاند البته جدائی و تفریق افتد در هر کوخانه اسامی مطلوب ثبت کند البته و باید که مساوی الاضلاع و الاقطار باشد تا تاثیر بخشد



تفریق

البغض والتفریق والاخراج الیبا عملرا تاثیر تام است بگرد عدد اسم شخصین چهار ثان و عدد آیه بغض یا تفریق یا اسماء الله واز جمع کل دوازده طرح کند و در مثلث ثبت کند با بغض و سر کرد از ته ابتدا کند عداوت افتد واین طریق کسر نمیکند در اینجا یک مثال بنمائیم تا دستور العمل بوده باشد زنهار که در میان حلال نکنی که گناه عظیم است فرض عدد مقصود باشد ۶۹۳۷ بعد از طرح ۶۹۲۵ این آیه را هفت مرتبه بر مشت ارزن بخواند در را هکذا - آنها بریزد که برای مثال ۶۹۲۷ رفتار بسر خر نوشته شود فراق عظیم روی دهد حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد فقطع دابر القوم



الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین نوع دیگر بگرد قدری عدس و ۴۱ مرتبه
سوره انا اعطینا را بخواند و بدمد و در خانه و مکان انکس ریزد جدائی افتد
دفع اعدا سوره فیل را چهل یک مرتبه بر خشت خام بخواند با بسمله و هر نوبت خطی بر آن
خشت بکشد بعد از آن در آب روان اندازد از مجربات است عقد الزکر
برای مثلث مربع پر کند و بجای نمناک دفن کند و سنگ گران بر رویش نهند با
اسم انکس

دخان

۱۳	۱۲	۷	۲
۸	۱۱	۱۴	عقد نام ۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳	۱۶	۹	۶

زلزالها	الارض	الزلزلت	اذا
[illegible]	۷۰۱	۸۲	۱۳۱
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰۳۳	۸۴	۶۹۹	۴۷۳

نوع دیگر مبدل با
ممیت بخصوص عقد
الزکر با اسم ان
کس در این لوح
پر کنند و در
جای نمناک
دفن کنند و سنگی
بزرگ بر رویش نهند ایضا

باب هر کرا جن گرفته باشد گوش راست او را ۷ مرتبه گرفته
بخواند بجای آیه بسم الله الرحمن الرحیم امیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب علیه السلام هنا شا تخا
خا ارجوع

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴

بجهت جلب برای زنان بگر دعا بندد
لا اله الا الله العزیز الغفار لا اله الا الله
العزیز المتعال لا اله الا الله محمد الرسول الله
علی علی علی علی علی علی علی هب هب هب ره ره ره ره ره ره

أواه أواه أواه أواه أواه أواه أواه أهيّا شراهيّا اصوالوهب

الوحي يا الله يا الله يا الله ورب القدس قدوس قدوس قدوس

قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس له له له له له له له

له له له له له له له له له بسم الله الرحمن الرحيم

ها اهوا ۵ ۵
۵ احوا لبن یا الله

۱۱	۸	عداوت ۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۵۹
۵	۱۰	۱۵	۴

تحن	احفر لی ۲۲۲	خان بی	مبین
۵۸عج	۱۰۰۱	۷۰۱	۱:۶۸
۱۰۰	۵۵عج		۷۰۲
۱:۶۹	۷۰۳	۹۹	۵۰عج

۱:۷۰

۸	۱۱	۱۴	بزان ۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	

۱۵

۱۴	محبت ۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵

۱۶

علو مرتبه	محبت	عداوت	عقد اللسان
عقد النوم	رفع سحر	محبوس خلاصی	شفا بیمار
حاجات براملك	منظور نظر چشم زخم	جن احضار	حی زاده دفع مار
هلاک اعدا	عقد الزکر	نزد ظالم رفتن	بنای کار

آتش	باد	آب	خاك
خاك	آب	باد	آتش
باد	آتش	خاك	آب
آب	خاك	آتش	باد

۲	۱۳۹ و	۱۰ ع	۱/۸
۱۰۲	۱ ع	۴	۱۴۱
۱۴ ع	علی ۱/۶	باهه ۱۳۰	۵ ع
۱۳۳ ع	۸	۱۲	۲۸

[illegible]

تفرقتی — نوع دیگر بنویسید و در زیر پاشنه خانه الکسی دفن کند فرقت بین فهوون ابن فلان و باعدت بینهم کما بعد المشرق والمغرب کما بعد الجنة والنار وکما بعد الدنیا والاخرة والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فساداً فرقت بینهما بعزة الله وملک الله وعظمته تکبیر سنگ سیاه هفت بار بخوان و در خانه ایشان اندازد و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون و لو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیاً ولا یرجعون

تفرقت — نوع دیگر بیاورد نه دانه فلفل سیاه و بر هر دانه یکبار سوره تبت و سی بار الم ترکیف بخواند بنام هر کس که خواهد و در آتش اندازد بسوزد البته جدائی افتد چون جمله بسوزد و سه بار بگوید والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فساداً مجرب است

تفرقت — باب نوع دیگر بخواند این دعا را هفت مرتبه بر پاره نمک خورد بنی در آب روان اندازد و هفت مرتبه دیگر بخواند بر کف و در آتش اندازد و هفت مرتبه دیگر بخواند بر پاره دیگر از زمین قبرستان دفن کند و هفت مرتبه دیگر بخواند در محلی باد آویزان کند تفریق واقع در وقت عمل یکبار سوره تبت و سی بار الم ترکیف بخواند بی بسمله دعا این است والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی فساداً البغض والعداوة والقطیعة بالبق فوم فوم د م ۲ ۲ البجم المحل المحل الفراق الفراق العزاق اسما اسما اسما لا یجتمعان الی یوم القیمه

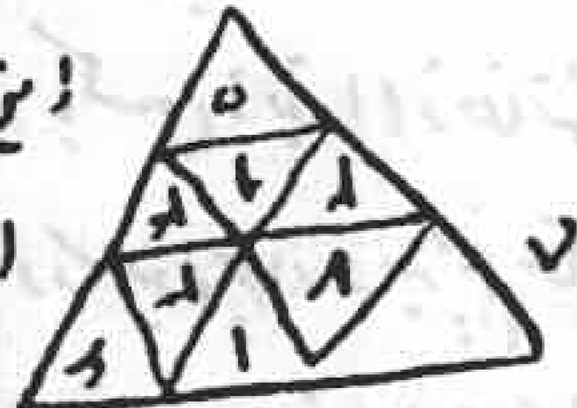
بستن بدن زن — باب هر گاه زنی حامله نشود این آیه را نوشته با اسم او و مادرش بر بازوی خود ببندد و با شوهر مقاربت سازند که زن حامله گردد بفرمان خداوند تعالی بعد بسمله نسخه تالله الرحیم یحرک یا مره رخاء حیث اصابرات والشیاطین کل بناء و غواص

مرسحح ححح رباه یا رعن سم مم ه مم ه مممم ه

ان شاء الله

ایضا اگر خواهی که کسی را از شهوت حرام بی‌بندی بگیرد عدد منزل ممیت دلبستن شهوت مز۲۲ را بجمله را در مثلث ابی بدستور معهود پر کنند و در جای نمناک دفن کنند و سنگ گرانی بر رویش گذارند بسته گردد

اگر خواهی که کسی را عاشق و دیوانه خود گردانی این طلسم را در کوزه نوی نویسد و در زیر خاک مدفون کنند از عشق بیقرار گردد



۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	[illegible]	[illegible]
۵	۱۰	۱۵	۴
	۳	۶	۹

۱۶

[illegible]	۱۱۳	۱۳۳	ب ۲
۱۳۲	۴	۱۶	۱۱۳
ی ۱۰	فاطمه ۱۳۵	علی ۱۱۰	جواد ۱۴
۱۰۶	واجب ۱۲	ح ۸	۱۳۴

حی ۱۸	۱۱۴	۱۳۱	ب ۲
۱۲۹	د ۴	۱۶ بدایی	۱۱۶
ی	فاطمه ۱۳۵	علی ۱۱۰	۱۴ جواد
۱۱۲	۱۳ واجب ۱۰	ح ۸	۱۳۳

۱۲۶۵

۱۶

۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵
۸	۱۱	۱۴	[illegible]
۱۳	۲	۷	۱۲

۱۶

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	[illegible]	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	

۱۶

۱۲	۷	۲	۱۳
[illegible]	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳

۱۶

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵
۱۴	[illegible]	۸	۱۱
	۱۲	۱۳	۲

۱۶	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	منظور نظر	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

۱۶

۸	۱۱	۱۴	[illegible] ۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۷

	۱۵	۱۰	۵
۴	۶	۳	
۹	۱۲	۱۳	۲
۷	۱	۸	۱۱
۱۴			

احصا

۱۶

۱۱	۲	۷	۱۴
۵		۹	۴
۱۰	۳	۶	۱۵
۸	۱۳	۱۲	[illegible]

۱۵

	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
[illegible]	۱۴	۱۱	۸

یا مظلسجوا

جهت بغض و تفریق میان دوستان و دشمنان و حسودان این اسم را در اول ذکر باید کرد که

یا یکی از اسماء الهی مناسب عمل چنانچه در این عمل اسم اعظم یا قهار یا دافع مناسب است

ملک موکل بغض یا مظلسجوا سه در سه چهار نوع است و چهار آمد خواص شرح

هر خاصیت بشنو که دارد اعتبار چون ز بهر دشمن و قهر باشد با کسی ابتدا از خانه هشتم

کن الف الصعد رکبار ربس دوم در خانه اول بنه سه در ششم و در سیوم چهار و به پنجم خانه پنج

ای هوشیار شش بنه در خانه هفتم بچهارم خانه هفت در نهم هشت و نه انداز دوم برای را

یاد دار

د	ط	ب
ج	ه	ز
ح	ا	و

بجهت خلاص از حبس و زن حامله و رجوع غایب و غیره است

اسماء الهی یا خبیر یا مبدئ یا معید ملک موکل جلاً

یا کیفتوتا و هر کسی خواهد که شخص را کند بیرون ز جای مثل زندان و ضع حمل از جهت

اینها یک شمار در ششم خانه یکی بنه دوم در هفتمین در دوم سه چار در اول برای این است

کار پنج در پنجم بنه شش در نهم هفتم به هشت بنهد هشتم لیک خانه نهم را در چهار

ح	ج	د
ا	ه	ط
و	ز	ب

بجهت دفع فقر و پریشانی احوال اسمای الهی یا وهاب یا مغنی

یا عزیز یا معطی اسم ملک موکل این لوح یا لسوسا بیت

و ز برای مال تحصیل دولت آمد بلند رتبه ش در دوم یک بنهد در هفتمین دو از شمار

در ششم خانه سه بنهد چار در هشتم نهد پنج پنجم شش با اول هفت در چارم شمار

در سیم خانه بنه هشت و نهم در هشتمین تمام شد بر ترتیب اعداد و موکل بر کار

ح	ا	و
ج	ه	ز
	د	ب

بجهت دوستی میان دو شخص و دفع دشمن حسودان و منافقان

اسماء الهی یا رحمن یا رحیم یا ودود یا بر اسم ملک موکل این

لوح یا استقهال مستلقها و ز برای دوستی باشد مراد و فالله

ابتدا از خانه

ابتدا از خانه چهارم کن الصمدی کبار در نهم دو بنهد و سه در دوم پس چار را در سوم بنهد چه

پنجم پنج را باشد قرار شش بهفتم خانه بنهد هشت در اول نهد در خشم نه بنهد و پس دو دیگی

آرد به بار

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶

بخواند و در اعمال مذکور اسمای الهی که مذکور شد موافق مطلب

دوستی است با اسم ملک موکل باید خواند چنانکه در این عمل که مراد

اسماء الهی که تعلق باین عمل دارد با اسم ملک موکل چهارصد و هشتاد نوبت در وقت عمل

مذکور باید خواند و بخور لایق باید سوخت و در روز و ساعت مناسب فعل مطلوب عمل باید

کرد تا فایده بدهد و بدانکه این دو لوح دیگر هست از الواح سه در سه که بعد کم و زیاد میتوان

کرد و هر عبارت که خواهند در مرکز آن میتوان نوشت و حاجت بقسمت و کسر نباشد

و اگر احیاناً کسر واقع شود عدد مدعا را در سه ضرب باید کرد که حاصل ضرب کسر نخواهد

داشت و در لوح باید نهاد زیرا که این از برای سرعت اخراج است و باین طریق هر چند

خواهند الواح میتوان نگاشت و الواح مذکور این است در خانه اگر کسی است بحروف ابجد

۲۸۹	۳۲۹	۱۶۸	
الرحیم ۳۰۴	الرحمن ۲۶۹	بسم الله ۴۲۹	۱۱
لم یلد ۴۸۶	الله الصمد ۳۶۵	قل هو الله احد ۳۷۲	۱۱۴
کفوا احد ۴۷۵	ولم یکن له	ولم یولد ۳۷۳	۱۲۰
۴۰۳			

والقین یا نهایا مطلسجوا یا دهار ادهو

۱۳	۱۹	۱۴
۴۵	فرقت بین ۴۲۲۲۳۲۲	۸۷
۸۹	۸۸	۱۱۳

۲۲۰ ۱۲۶ ۱۴ ۱۴۵

اذا اردت ان تصلح المرأة وزوجه تکتب هذه الاسماء فی سقف بالبیت صحیح صحیح ق ممممم تمت

۹۹	۴۳	۱۹
۳۹	[illegible]	۱۳۳
۹۴	۱۱۱	۱۲۲

ل ۳۰۱	ل ۳۶۲	ا ۲۳۴
ل	ا ۳۳۲	ع ۲۲۵
د ۳۲۹	م ۲۹۲	ص ۲۴۲

باب ۱۲ حاضر کردن غایب و باز فرستادن بجای خودش

اگر خواهی که عملی بزرگ کنی بجائی بنشین تنها بعد از آنکه غسل کرده باشی و جامهای پاک بپوش و از زنان و غیره دور باش چون شب درآید چراغی را که در او روغن زیت باشد برافروزد و مندل بکش و در میان مندل بنشین و طشتی بنه و الخبر اغرا که روغن زیت دارد در میان آن طشت بنه و این دعا را ۴۱ مرتبه یا ۷۰ یکهزار مرتبه بخوان و بگوی که میخواهم فلان بن فلان را پیش من آرید در حال حاضر شود چون دیوانگان و پیش از صبح بگوی که محبوب را بجای خود ببرند و صورت مندل اینست و در دور مندل این اسماء را بنویسد

قَرعُوشٍ حَشرُشٍ تَصُوصٍ تَردَدْ دَموُهیا ضُولاع دُولاع آرِیدٍ طُولاعٍ تمُوسِیها دَعموُشا طَبیجوحٍ یامَنْ سَلیخُها یا بارمَن ضَیفه وحَطَط یا عَجهِی یا طَیفالَفْ یا سَطیح یا عَقغ یا طَلموُح یا عالی یارخی

یا عالی یا رَوالی یا مُهْلَیثج یا مُعتَبْرَه یا نُوف تَبْنج یا سَعْمُونی یا سَلْهیج

یا مقتص رَبُنا یا رَدْدَمُوها بر پشت ناخن بزرگ نویسد و در وسط آن نام (الحفوظ)

مطلوب را نویسد و بجانب خانه مطلوب بگردد بمقدار یک راه و سوره یس بخواند مطلوب حاصل

شود

باب تعریف بعداوة بنویسد بر پوست حمار و در گوزه کند و سر آنرا (تعریف)

قیر کند از سرکه یا شراب هر کدام که باشد بر سرش بریزد و دفن کنند

در راهگذر ایشان تعریف شود یا شلیخوثا یا اکره و عجطب یا اکره و عجطث یا

شمعلونی یا تمخیثا یا تمخیثا اگر خواهی که کسی را از عشق خود بیقرار گردانی

اینطلسم را بر کوزه آب ندیده بنویسد در زیر خاک دفن کند از عشق بیقرار گردد

ایضا مثلثات چهار عناصر است هر کدام بمنزله

خود شمشیر برنده است جهت تفرقه و

تبغیض و خرابی دف دشمن ذابن که چون

او را در ساعات نحسه بر لوح چند منی عظم

حیوانات مرده بخون یا نت ندنا بز نکارا

بسر که میبلا رند اثری خواهد کرد چون این فعل شیاطین خبیث است دقت لطیفه نکنم (تعریف شمشیر)

۵

۱۸	۴۶	۸۴	۸
۸۲	۷	۱۶	۴۸
و		۴۲	۱۴
۴۴	۱۲	ح	۸۶

۸۸

خاک

۴		۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

آب

۶	۷	۲
۱	۵	
۸	۳	۴

۹

باد

۲	۷	۶
	۵	۱
۴	۳	۸

نار

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴		۲

۹

	ب	
د	ه	و
	ح	

الکنون در اعمال حبالی زوایای مرکز خالی است

و اسم طالب و مدعای مطلوب در مرکز واقع

میشود در اعمال جلالی اوساط اربعه خالی است

ج		ا
	ه	
ه		ز

باب تعزیز بدر حصار مدعی بجنت باید کرد آیه والقینا تا یوم القیمه عدد بگیرد و دوازده طرح کند باقی دیگر را در مثلث به برد خاک هفت قبرستان خاک سه جو خاک چهار راه خاکستر تخم شره تیز کشت با حالت جنب در روز سه شنبه باشد سرکه قلم چوب تنباکو چیز تیغ در دهن بگیرد بعجز الیشت بقبله کلاه را در زیر زانو بگذارد پیش از طلوع فجر سوره اذا زلزله را حروف مقطعه بنویسد مقراض کند حروف بحروف بعدد ۳۳۳ مرتبه وارون بخواند بدر خانه بیاشد سوره الهکم با خون بنویسد بدر خانه دفن کند مثلث اینست

چهار چهار

۴۰	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

چهار چهار

از جهت عقد لسان منع نازک در میان سرالسمها بگو بدر بزیتین در میان خانه کاسه سرا و بگذارد و مجرب است بحروف مقطعه نوشته شود

عدد سوره تبت است
۵۸۰۸
۵۰۰۰۸۰۰۸
بچهار هشت بعدد هشت است

طریقه دیگر در تعزیق بگیرد عدد اسماء الله یا اشی چی با عدد والقینا بینهم العداوة الی یوم القیمة کلا جمع نموده از جمع دوازده طرح کند بعد از طرح ثلث نماید آنرا آنرا در خانه ثلث داده و خانه اول مثلث بنویسد یکی یک اضافه نماید تا خانه نه هرگاه در مثلث یکی بماند

۸	۹۴	۹۷	۱
۹۶	۲	۷	۹۵
۳	۹۹	۹۲	۶
۹۳	۵	۴	۹۸

عقدت لسان ۲۲۲

ضمن ثلث خانه هفتم یکی یکی اضافه نماید و هرگاه دو بماند در خانه چهارم یکی یکی اضافه نماید که ظل آن درست آید همان آیه مذکور را بر حوالی مثلث بنویسد بحروف مقطعه که حروفات مفتوح العین باشد و بعد آنرا در ... بگذارد

نی بگذارد و سر آنرا بقبر استوار کند بقبرستان کهنه دفن نماید در وقت عملی قمر در عقرب باشد یا در
بیت هفتم ماه که تحت الشعاع باشد مجرب است اما بحلال نکند که گناه عظیم است بدان

ایضاً جهت تعزیق بنویسد بر چهار پاره نان و بسگ
دهد بخورد تعزیق واقع شود این است

١١١ صم ١١١١ ٨ ع ١١١١ ١ ٧١١١١ ٥
سم ك ه

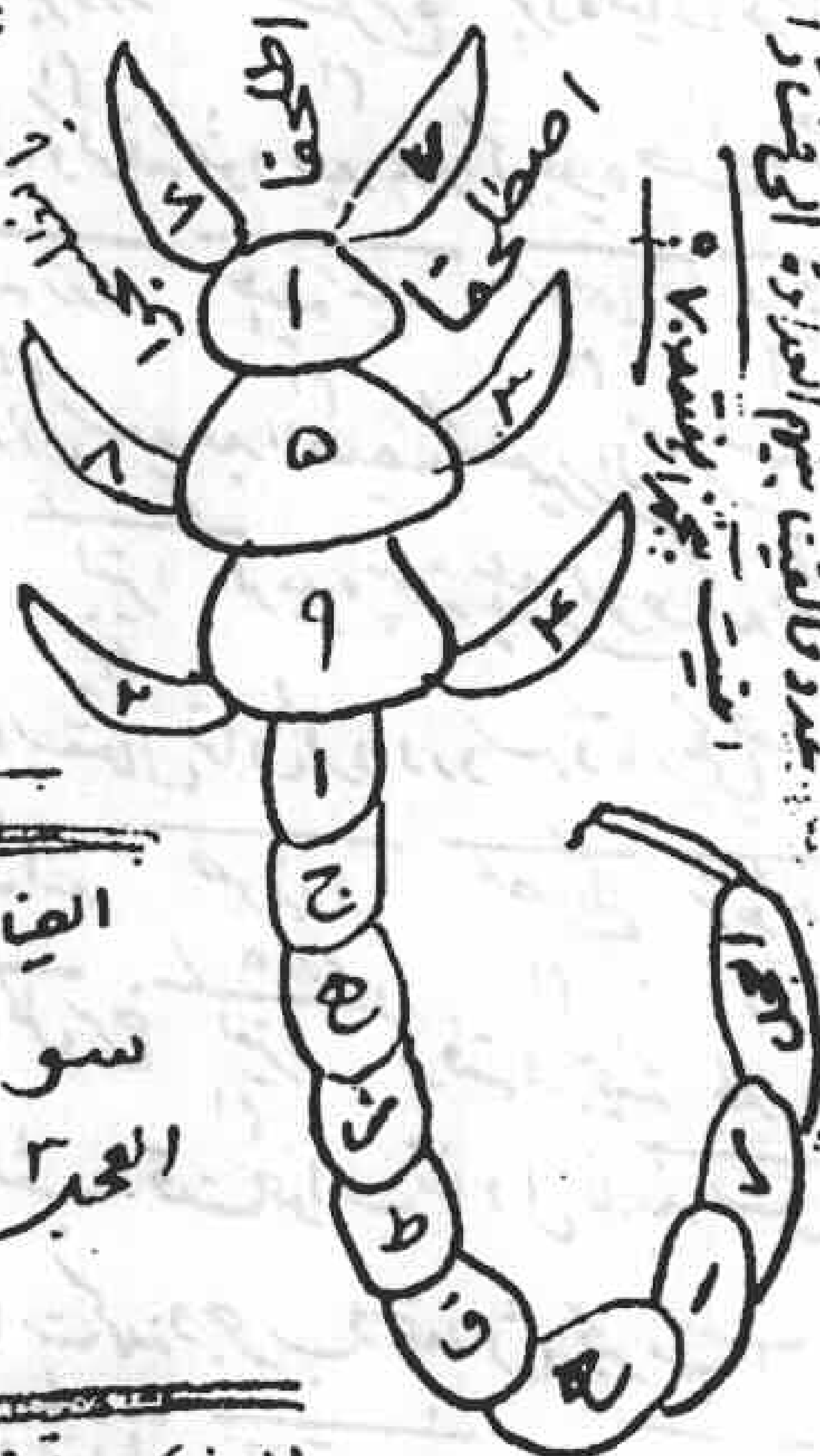
ط ص ا ١ م ع
سوه ط ١١ م ك ١٨
سماه

١١ ٨ ٨ ١١١ ع ١١ ٤ ٢ ٧ ع ٨ ٦ ٤ ١ ١
سم

ایضاً بنویس بکرباس و بر سر چهار راه پنهان کند تعزیق شود
سو صسو ط ط سط سط و بحمد ساع
العجب ٣ باسم ٢٢ فم دفم ٢٢ فم

شد
یا
نوشته

ایضاً جهت تعزیق بر سفال آب نرسیده بنویسد در جایی که آب بدان
دفن کند مجرب است



٨٠
٥

١١ ٨ ٨ ١١ ٧ ٧ ١١١ ٨ ٥ ١٩٩٩٩١ ١١١ ٥ ١١٩ ٧١
١١
١٩١ ٩١ ١١٩٩ ٧١

باب جلب خیر و غیر ذالک اگر خواهند که سنگ یا درخت
بمسافت بیست زرع راه مثل تخم قوچ کله بر هم زند باید که از اول سوره جمعه تا
به آیه آخرین سوره را صد یازده نوبت بخواند که از نود یکم تا صد یازده البته بر هم
خورند بی شک اما باید سر پا سفید پوشی پیش از طلوع آفتاب شروع در خواندن و بخور

نسخه کارکن

سلاطین ا م | رب بوند ا م | مصطکی رق ا م | تربد مجوف ا م | سناء مکی ا م

هلیله زرد ا م | هلیله سیاه ا م | گزنگبین ا م | صبر زرد ا م | شکر سرخ ا م | پرده میان هلیله

را بیرون آورده تربد را هم خراشیده که پوست دور گرفته شود بعد همه را کوبیده حب کرده بقدر نخود سه حب بخورد

ایضا کارکن

هلیله زرد ا م | هلیله سیاه ا م | سورنجان ا م | و سنبله ا م | شکر سرخ ا م | صبر زرد ا م

ایضا نسخه کارکن سید عبد اللطیف کشمیری از امجربست

شحم حنظل ا م | پوست هلیله زرد ۲م | سلاطین ا م | کتیرا نیم م | کوبیده بیخته با شیر مخلوط کنند حب

ایضا حب شیپار در زمستان و تابستان استعمال توان کرد درد سر و تاریکی چشم سود دارد و دماغ و معده را از اخلاط پاک کند

صبر زرد | مصطکی ا م | تربد سفید ا م | افسنتین رومی ا م | پوست هلیله زرد ا م | ورق گل سرخ ا م | کتیرا ۵ درم

کوفته و بیخته بگلاب حب سازند بقدر فلفل سرش آب نیم گرم شب وقت خواب تناول نمایند

نسخه مرهم شنجرف جهت زخم آتشک و جراحات کهنه و جرب و خارش مجربست

شنجرف ا م | ترنج ا م | موم سفید ا م | مرداسنگ ۲م | توتیای هندی سوخته ا م | سفیدآب

انزروت یکمثقال کوفته و بیخته در روغن گاو یا روغن گل سرخ بقدر احتیاج مرهم سازند

ایضا مرهم کافوری

رال هندی | کات کلابی ا م | کافور ا م | موم سفید ا م

کوفته با چهار مثقال روغن گاو و یک تحک مخلوط نمایند بجهت غبار چشم و دمعه و ظفره تجویز حکیم سید خسرو مجربست

اقلیما نقره ا م | مرغشیشا ا م | رشب یاسینی ۲م | اقلیما طلا ا م | ماميران چینی ۲م | دارفلفل

دار فلفل — فلفل موبه — کف دریا — کف شبنه — ربیا زهره — ردح تو تیا
۱م ۱م ۱م ۱م ۱م

به آب عنزه پرورده سنگ لاخ شاخ مرجان دم الاخوین بیخته کوفته در چشم کشند
۲م ۱م ۱م
کحل مندی من بیاض عین مجرب است سرمه مامیران چینی عقیق به آب
۳م ۱م ۱م
شلغم کحل نمایند باب بجهت غبار چشم و لک دخارش و حکه دستوق مامیران
کف دریا — ریشه مرجان — تریاک — عوض سیاوشان — زنگار — لیمو
۲م ۲م ۱م ۳م ۱م ۲م
قند سفید — نبات — کوبیده و صلایه کرده از پارچه بیرون کرده بکار برد
۲۷ ۲۱۰
اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی این اشکال را بنویس برنان و بسگ ماده بدهد
بخورد ۶ سهال هو لح صه عصه لملحوملو و و لحلسم ۶ ۸
۱۱۱۱ طسم م لحب الهیحموه ح المعال بکت لعللهم ۴ ۸
ماکهیع ۹ کهیع ۸ لسه صح ۸ ۸ ق عمرامال ۴ ۱۱۱ عرفه
وتفریق انداختن مابین ۲ و ۲ بجهت غبار و لک چشم را ببرد تیغ اسیاق
شاهماخ عدس کف دریا تریاک کوبیده و بیخته صبح شام در چشم
۱م ۱م نیم
کشد مجرب است اگر کسی را بغض کند بنویسد در میان آرد خمیر کند و در شکم
سگ سیاه اندازد تا بخورد تا سگ زنده باشد در میان ایشان عداوت
باشد لحر مهراغ لحرح ب ۱۳ اح ۱۳ اح ۱۱ ع ۱۱۹ عداوت و تفریق و
دشمنی ۲ ۲ و ۲ ۲ بجهت تفریق بنویسد در مکان آنکس دفن کند از
ان مکان آواره شود اح الالالح لیح لح تح تح لالادالا احل مم ع لا ۷ ۸

تمت

جهت تعزیق الم ترلیف بحروف مقطعه بدر بنویسد درخانه دفن کند یا بنویسد و بخور ان
بدبد سوره قل یا ایها الکافرون را بیست ویکبار بخواند و بر ریسمان و هفت گره بزند در آسیاب
کهنه دفن کند تخم جاروب و خاک بهفت قبر الم تر را بنویسد مقطعه ریزه کند بیاشد بحصار د
خانه شیره روغن بشورد در آتش بیندازد بگلاب بزند برد در آب گرم بشورد بدیک بکند این مبت
جدول بهز

ازجهت عقد بول بگیرد یکعدد شاش وان کوسفند
بعنوی که آفتاب نه بیند پاک بشوید و این آیات را
نزد سرایا برکاغذ بنویسد و بعد ازان که شاش دان
را پاک شسته درمیان شاش دان گذارد و بعد ازان
باد کند هرکه نفس بران میدهد دم بدم بگوید که انفخت

٣	٤١	٨	٩	٢
٦	٦١	١	٥	٤
١٣	٩٩	٨٨	٤١	١
١١	٩١١	١١	١	١٢

ال اح ت رکٹ

جمیع بدن ۲۲۲ن و مال ۲۲۲ن ولطبنه و رانه
و عصبه و بدنه و فرجه و فرزجه و مغزبه و بدنه بعد ازان سر او را با ابریشم
سرخ یا سبز محکم به بندد بنوعی که مطلقا باد بردن نرود و این عمل را در شب بکند در خانه صاحب مال
و چون روز شود در برتو آفتاب بیاویزد و آنچه برکاغذ باید نوشت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلٰی قَرْیَةٍ وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلٰی عُرُوشِهَا قَالَ اَنّٰی یُحْیِی هٰذِهِ اللّٰه
بعد موتها فاماته الله مائة عام کن لک الله یمیت بول و غایته
مال و متاع ۲۲۲ من جمیع عروقه و عصبه و بدنه و ذکره و فرجه و جمیع بصره حتی لا یستطیع
مهربا و لا مخرجا و لا بولا و لا غایته و لا منام و لا اکلا و شربا و لا یلتئه
و لا یلتام و لا قعود و لا قیام و لا فی اللیل و لا فی النهار بالسبع المثانی
والقرآن العظیم والذکر الحکیم و بطه و یس و اللحوامیم و الطواسین و الطواسیم
والطواسیم

والطوسیم بالتوراته والانجیل والزبور والقران العظیم وانه اقسم لو
تعلمون عظیم وانه القران کریم بحق هذه الاسم الاعظم والقسم
المکرم ☆ ااا مح ااااه و بحق تملیخا فکسلینا مرطونس
بطالوس ۳ ۴۵۳ ۲ ۲۰۴ ۳ ۱۲۱ وهذه الاسماء ه ااا
مح ااااه و [ع] اهلهه ۱۹۶۱ ع ۱ ۳ ع ۱۱۸۱۱ ع و ا عرو
وبحق یملیخا مکسلمینا مرطونس الوس کره حق مسلم لما
ارطوس مواسرار بعا بوس قطمیر اگرخواهی آزار از او زایل بود سر
مثانه باز کن و نوشته را به آب بشورد و مثانه بدلت قفا رده خلاص شود ۲۳

عنبر داروا است مجرب ...	روح لشته ۲۱۰	تریاک ۲۴	جشیبه نیم ۱۲	ماميران چینی ۲۴
دارالفلفل نیم ۲	کف دریا ۲۱	زنجار فرنگی ۳ نیم	قند سفید ۲۴	نبات مصری ۲۴	بترا ۱
ریشه برداوند ۱ م	ریشه مرجان ۳ نیم	اقلیما نقره ۲۲	خونسیاوشان ۱ نیم	سنبلا ۲۴	سرح سنگ ...

چو هر ... این ادویها را صلایه کرده از پارچه بیرون کرده بچشم بریزند مفید است ۲۴
بجهت سودا طوطیای کبود گوگرد زرد و سفید ... در حنا مورد گل مختوم مرداسنگ
گل ات و همه دوا را متقابل صلایه کرده بعد قدری سرکه را خمر کنند و بعد از آن قدری
روغن دنبه گوسفند را بهم نماید روی زخم سودا گذارد تا دو دفعه.
خوب خواهد شد از باطن شاه اولیا حرره محمد آقا ابن جواد الحسینی

باب تفریق وجدایی حرابی عداوة از کشکول شیخ بهاء الدین اخذ شده است باسم طالب ومطلوب باوالدین طرفین یا بر کاغذ کبود یا بر کفن اگر از جهت زن است بر کفن زن اگر از جهت مرد باشد کفن مرد بالعکس جهت مرد بنویسند ودر وقتیکه قمر در ــ درجه عقرب باشد ونظر منحوس بیکی از کواکب منحوسه داشته باشد از نیل وسرکه مداد کنند وبنویسند ودر مقام انکس دفن کنند که یکشنبه ۲۴ ب ۲ب ۱۰:۱ اگر دند تاکم شلث بیرون بیاورند البته ایشان باهم صلح نخواهند شد: آزموده است مکرر تجربه شده است اما بناحق نکنند کما قال شیخ در کشکول اخذناه من کرکی الهندی

۲۲ب۸۱۳۳ ۱۱۱۶ ۱۱

ان ان ت م ال آ ف ي ض ل ال م ب ي ن

فاخرج منها فانك رجيم

وقرآن مبين

فاخرج منها فانك من الصاغرين

مهلا

ذليلا

فاخرج منها مذموما مدحورا

عداوة

روی عن الصادق علیه السلام ان الکلب الاسود هو من الجن اسماء التسعة لعمل الکلب نافد

معتهم علی سلعو علیهم ستنجا بجهم علهم خذ من دقیق الشعیر

وبخبز منه قرص واحدا ثم تقطع اثنی عشر قطعة واکتب مع کل قطعة منها احد هذه الاسماء

ثم اطعمه کلبا واحدا ۱ ودلو ۲ وروعجو ۳ هندزلو ۴ اماد وانه سفیح

۵ واروندانج ۶ میرور ۷ فلماح حبه ۸ صلیع ملیح دهب ۹ هرموتو سبعة

هرج احروح وح ۱۲ صه ندوا وهو من اعمال الحادهدا وهو اذا اردت العمل به

خذ دقیق شعیر من سبعة مواضع ثم تعمل منه سبع قرص علی اسم من ترید واسم امه

وتجزء بعد بلاثلم ویکتب هذه الاسماء ویکتب مع کل قرص هیجوا ف۲۲ف۲ الی ۲۲ف۲

وتدیر علیها دایرة وان یکون ماتی محد ومد ثم لطعم اقراص الشعیر ان کان

من الذکر فاطعمهم لکلب ذکر اسود وان کانت الانثی فاطعمهم لکلب سودی انثی

فانک تری بعضهم بعد ذلک عجبا فان خفت عنه الفضیحة فاقتل الکلب او اقلبه

هیبل لی سیلا وق اا حا صما	کیف حق ان صا ید رف هلیکه	وقربا واسمعتن ها تلو تلو سمعتا	واسلمهر حل کسری وما مر و ۲
۵	۴	۷	
حوما اردل سرمعس	الد دفرق هوریخ بن	هسوا ها رث ها د اا لا	

باب الحب بنویسد این طلسم را بخون کنجشک از برای زن و نوشته را

در کوزه نو نهد و سر آن کنجشک در آن کوزه اندازد و سر کوزه را محکم کند و در کنار تنور

دفن کند تا عجایب بیند که بسیار مجرب است تهوبی تکموان

حاک ... احرقوا قلبا ۲۲ علی حب ۲۲۲ مجلو

۳ اسرع من لمع البرق وطیران العصفور باب الحب بنویسد بر تخم مرغ نام

مطلوب و مادرش و نام طالب و مادرش آیه لقد جاءکم الی رءوف رحیم در سوره توبه

بشرطی که بیضها

بشرطی که بیضه را نیک شکسته باشد در ظرفی نهد و در زیر آتشدان دفن کند چنانکه حرارت
آتش بدو نرسد اکمس در محبت صاحب عمل بسیار بیقرار و بی آرام گردد مجرب است

باب در عمل بغض و تفریق سوره تبت را معکوس درنه درنه باید نهاد چنانکه در هر خانه
یک حرف نوشته شود و مربع مرقوم را بپیچیده در دهن و زغ نهد با بریشم سیاه دهانش را بدوزد
و هشتاد و یک نوبت تبت معکوس را بران بخواند و نام هر مطلب در پشت آن کاغذ نویسد
و زغ را در چاهی اندازد و اگر وزغ نباشد در دهن کلاغ سیاه و منقارا را با بریسمان سیاه
استوار کرده در کنیف اندازد و اگر آنها نباشد اسم مطلوب را دوازده دوازده حرف
کند هر عنصر که باشد بهمان عمل کند اگر ناری باشد بنار اندازد اگر آبی باشد بآب بجلاب
اگر بادی باشد بباد اگر خاکی باشد بخاک در قبرستانهای مندرس کبر یا ارامنه یا یهود
یا جای تاریک و خراب ابطال لبطال دفن کند مجرب است و آیه والقینا بینهم العداوة تا فسادا
در حوالی طلسم ۸۱ و ۹۱ درنه نوشته با سوختن بخورات عداوت تبت معکوس بنسب
د سمن ملبحا هدیجی فیطبحلا ةلامح هتارم او بهل
تا ذارا نیلص یسبکا موهل امهن عنیغا امتبو به
لیبا ادی تبت جهت اخراج بصورت مثلث بنویسد و در مکان وی دفن
کند تبت معکوس را اخراج شود بجهت آواره کی دشمن سوره تبت را هفت نوبت بر
خاک قبرستان خواند و در سرای دشمن ریزد البته آواره گردد و اگر معکوس نویسد
و در سرای دشمن پنهان کند آن دشمن مقهور گردد و در نظرها ذلیل و خوار شود و خانه
وی خراب گردد ایضا سوره انا انزلناه را بحروف مقطعه بی نقطه در شب چهارشنبه
ساعت نحس بر کاغذ کبود بنویسد و در خانه یا دکان انکس پنهان کند بگفته آواره شود

رنقض عرب [illegible]

نسبت سفید [illegible]

آزرده [illegible] بجهت [illegible] و مقهور

تفریق

باب الفرقة یکتب علی ورقتین اخضر ویخفف فی النار ویسحقه ویذره علی فراشهما
فیفترقان من ساعتها و هذه کتابه واخذت الذین ظلموا الصیحة فبعداً وسحقاً
جزاءً وفاقا فکبکبوا فیها هم والغاوون امر بعید فتبتش هم بعذاب الیم
والنازعات غرقا والناشطات نشطا والصافات صفا فهل تری لهم من
باقیه تری عجوزا فی الغابرین ثم دمرنا الاخرین فرقت بین فلان و فلان کما
فرق الله بین الجنة والنار کما فرق بین البر والبحر وکما فرق بین السماء
والارض وکما فرق بین المشرق والمغرب وکما فرق بین النار والسیل بحق هذه الاسماء
المحکومات ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم آمین

بغض: البغض سوره اخلاص را بر نوبت
بر سنگ سیاه عکس خوانده در آب روان اندازد یا بسم هرکه خواهد عداوة افتد الصا

تفریق: نوعی دیگر بستانند صد برگ بید و بر هر یک یکبار سوره کوثر را بخوانند و در آب روان اندازد
جدائی افتد

تفریق: از مجربات است از کرده شده در عداوت بیاورد تخم تره تیزک سوره
یس را سه مرتبه بخوانند بر آن و در خانه آنکس بریزد عداوت افتد که یکدیگر را نتوانند دید

تفریق: نوعی دیگر بگیرد پاره گشنیز و ام سوره کوثر را بخوانند و بدمد و سائیده با خاک قبر کهنه از
موضع بردارد و از چهار راه نیز و خاک منزل و قدری خاک مسجد و آن شما همه را
بهم آمیخته صد بیت یکنوبت هر سوره را با بسمله باید خوانده انا اعطینا و تبت و الم
ترکیف بعد در رهگذار بپاشد و قدری در آب بیندازد که بخورند تفریق واقع شود

تفریق: من مجربات مرد آماد کذلک سه روز متوالی تارک غذا و شراب شده اول از روز
سه شنبه حیوانی نخورد و مشغول شود بذکر صلوات بر پیغمبر و سخن و فحش بکس
نگوید و در این روزها به تبرد بمقدار عباسی یا اشرفی از کاغذ بگذارد بر بالای
هم و بعد از آن در ته سجاده گذاشته و در روز ششم غسل کند پیش از نماز
صبح و بخواند

صبح و بخواند سوره اذا جاء را دویست بار در پنج وقت نماز را بیک وضو گذارد و در مکان خالی

و لباس طاهر و بخور ساعت بساعت بسوزاند بعد دو رکعت نماز حاجت گذارد

واین دعا را بخواند بسمله اللّهمّ تقبّل دعوتي واعطيني حاجتي بحق

الحق وبحق من قال لا اله الّا الله بعد سجاده را بردارد منظور موجود است

قاعده معهود باید که اول سه روز روزه دارد ابتدا اشکال را بر نان نویسد و بخورد بعد از آن کاغذ

را ببرد بشکم گاو و این دعا را سه بار بخواند و بر کاغذ دمد و بعد از آن کاغذ را به آب مرور بشوید

غذا الی آن کاغذ قوه را که منظور بپیدا کند الی مدت مائة ایام (۱۷) (۹۱۴)

(ط ۵) (۴۴) (دنلا) (ح ح) (۴۱) (۴) (۱۷) (ح ۸۴)

(ح ۹) (ه) (ه) این است دعای کذا اللّهمّ علي بك لبيك

قرطاسا ایضا قاعده دیگر است اول پانزده نوبه امرایت را تمام در شب جمعه

بخواند و در عقبه هر بار که خواند این آیه بخواند که یا ایها الذین آمنوا ارکعوا

واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون سوا

کنند مخفی که چهار رکن عدل داشته باشد و بیاورد چهار عدد درهم یا [illegible] دینار با اسم

چهار ملک روز شنبه اول یا [illegible] بنویسد بر درهم اول جبرائیل ثانی میکائیل ثالث

را اسرافیل و بر رابع عزرائیل دفن کند هر یکی از آنها را در یک رکن اما با وضو

طهارت باشد و این آیه هفت بار در هر رکنی بخواند و پنج وقت نماز را در وسط آن

چهار رکن بخواند و هفته دعا را بخواند و پنج روز روزه دارد و افطار بحیوانی نکند

و هر روز بطریق روز اول نماز پنج وقت را در وسط چهار رکن بخواند و هفته آیه را

بر سر هر رکنی چون پنجم از همه اعمال فارغ شد ارکان را یک یک بکاوند هر درهم را در یکی رکن بیابد برآید

باب الکلب بنویسد بر پاره نان و بخورد سگ سیاه دهد با سم هر که خواهد نوشته اینست
ع ع ح ع طا طا طا و عد و عافه و لبثمه بثهمه به و وف بخ بخ بخ
اعطفت قلب ۲۲ فن الی ۳ ۳ امر العجل العجل و اگر آنکس را کار از غایت رفته باشد
محبت بر سوائی عاید شود آن سگ را بکشد باب محبت بنویسد بر پاره نان و بسگ
دهد تا بخورد با سم هر که خواهد اما باید که آن سگ را نشان کند که اگر کارش سخت شود آن
سگ را بکشد تا رسوا نشود اع ب ا د د ص م معهم عجلی سلعو علیهم
مستجا بهم عملهم هیثم یجوح حالی ل
محبت سی و لتصنع علی عینی ۲ فن الی ۲۲۲ والقیت علیک محبة منی و لتصنع علی عینی اذ تمشی
اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر
عینها و لا تحزن و قتلت نفسا فنجیناک من الغم و فتناک فتونا
اگر خواهی کسی را محبت خود گردانی روز جمعه پیش از طلوع آفتاب بمشک و زعفران بر کاغذ
بنویسد و در شیشه کن و پاره گلاب در وی کن و در میان آتش گذارد که مجربست
۱۸۱۸۸۱۸۱۲۲۹ ۱۰۱۸۸۸۲ ۶۹ و ۲ ۱۱۹۲۲ ط ۷۸۱۱۱۱ | ۱۱ ع |
بنویس بر تخم مرغ سیاه و در آتش انداز تا عجایب بینی طلسم نیست
۱۱۲۱۱۲۶۱۲ ۷۷۷۷۸۵۱
قلب ۲ فن ۲ فن ۱۱۸۸ ط ۱۱ اح ح م ۱۱ اد ۶۱۱ ۹
علی محبت فن ۲۲ ۹۹ د ص الکحه ه له
الوحا الوحا الساعة الساعة العجل العجل
محبت این عمل کامل است این طلسم
بر کاغذ نویسد روز جمعه وقت نماز پیشین و در شیشه نهد و سر شیشه را
بگل یا سر محکم کند و در زیر آتش دفن کند
که طاقت نیاورد که انحضور رت در عمل
و روشنی نظیر ندارد صورت عطارد بسته
۱۱ | ۱۱۷ | ۱۱ ع ۱۱ ۷ ۱۱ ۱۱
ها الله صالم
ه ه ه
۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱ ۱۱۱
محبت نوعی دیگر بر زد تخته مس و این طلسم را
در آن تخته بنگارد وقت نماز شام

شب یکشنبه بر آن تخته بنگارد و در آتش دفن کند و گلاب بشست و صد دانه فلفل
سیاه و صد دانه فلفل سفید بر آتش نهد تا دود کند و تخته طلسم در زیر آتش باشد
و منتظر باشد که آنکس هم در آن شب حاضر شود و روز نهار که بجرام عمل بکند مکر کلال

ببغض و محبه

وصورت شطلها را دانیست

تبیت را بجروف معزد بر ظرف
کاشی بنویسد باسم آنکس
بدین طریق البغضاء
الی قلب ۲۲۲ بحق هذه
الحروف و ماست در آن نقرف
کند و بخورد آنکس دهد و خود
بخورد مجرب ست

نوعد یکر در عمل محبت
خذ شیئا من دقیق
الشعیر و یخبز
منه قرص
واحدا ثم
لیقطع اثنا
عشر قطعة واکتب
علی کل قطعة منها احد هذه
الاسماء ثم اطعمه
کلبا واحدا

اول	دوم	سیم	چهارم	پنجم	ششم
هم اود کہ	دارو	هرد	اناد دانه	هلیلج سرین	
ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
لماح	سنخ	دارع	صح	هوور سمعه	معروح دح	مسه نعوا

خذ دقیق الشعیر و یخبز منه قرصا بلا ملح و یقطع خمس عشر قطعة و اکتب علی کل واحد
منها واحدا من هذه الاسماء ثم تطعمه کلبا واحدا الی سبق آحنوبا ۲ للطفه ۳ لهالو
۴ لع سحاه لع طه ۶ للصعق ۷ عومه ۸ عطوله ۹ سهما ۱۰ اهلهله
۱۱ سمطلس ۱۲ امر حبحنا ۱۳ للبعللی ۱۴ اصربیه ۱۵ لع سا قاعده خالد

دعای زبان بندهت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و لا اله

الا الله از آسمان تا زمین لا اله الا الله از زمین تا آسمان لا اله

الا الله از عرش تا کرسی لا اله الا الله از کرسی تا عرش لا اله الا

الله از قلم تا لوح لا اله الا الله از لوح تا قلم لا اله الا الله تا به نزد

خدای تعالی فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم بستم زبان همه بدان

و بد گویان بستم بلا اله الا الله و مهر کردم بنام محمد الرسول الله

و علیا ولی الله بستم بحق کهیعص بستم بحق حمعسق بستم بحق یس

والقران الحکیم بستم بحق تبارک الذی بیده الملک و هو علی کل شیء

قدیر بستم بنام اولین و آخرین بالسنتهم و طعنا فی الدین عن یمیننا

و عن شمالنا و عن تحتنا و عن فوقنا و امامنا و جعلنا من بین

ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون بستم

زبانشان و کامشان و گوششان و همت اندامشان بالف ب ت

ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و هـ

لا ی بستم بحق لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بستم بحق توریة موسی

و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد المصطفی بستم زبان بدان

و بدگویان و غمازان و پرده دران و مکر مکاران و حاسدان و جابران

و جمله خصمان خصم عرب و خصم عجم و خصم ترک و خصم تاجیک و خصم حاضر

و خصم غایب جمله دندان سفید ان تا سایقل النور و اجعلنی من امری

فرجا و مخرجا من حیث لا احتسب انک تعلم و رزقنا بقدر القدر

وانت علام الغیوب یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار یا غیاث المستغیثین یا عظیم الرجا یا احفظ حامل هذا الدعاء حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

بستم زبان جمله خصمانم را از سیصد و شصت شش رگ و چهارصد چهل و چهار پاره استخوان دارنده این دعاء بستم که بسته باد بحق لا اله الا الله محمد الرسول الله علیاً ولی الله الهی بسته کردان زبان خصمان صاحب دعا را یا اله العالمین و یا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین

بجهت احضار معیت بنوشته در آتش اندازد تا بسوزد حاضر گردد فردوه مجلوه الطسوه العمی العمر شهید عج و مرعصر محضر ۲۲ نر علی حبب

اگر زنی خواهد طلاق بگیرد و مرد طلاق ندهد بنویسد بر سه دانه بادام و در پیش خود نگاه دارد در حال طلاق بگیرد | عالی الله | | فتا اس | | ام س | بجهت دزد برده بنویسد در زیر بالین گذارد دزد را در خواب ببیند و بشناسد هطع عااد ناواحا فی هکا م وکل اللهم اظهر السارق الضا بجهت دزد برده بنویسد در زیر بالین گذارد دزد را در خواب ببیند ج لاعا شالی ع ع فاع لاع عاحا لوع لح الصا بجهت دزد برده بنویسد بر نان و با ان شخص که گمان دارد بدهد بخورد اگر فرد برد دزد نیست و اگر فرو نرفت دزد است ۱۲ ۱۱۱ ع ۱۱۸ ۹ ۱۱ ۱۹۱۹۷۸۹۲۹

الصا بجهت دزد برده بنویسد بدهد بزنگاه ان ببرد بخورد اگر دزد باشد بلرش بند آید و باز نشود ۷۱ ۱۱ ۵ ع و ۱۱ ح ی ۱۱ دکیاح لا ماح ردس ده ۲۹۵ ۱۱۱۱ ۵ لح س وص ح ر س روی هده سع الاسلام و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

تسخیر

ایضا بر کاغذ نویسد در شب آدینه با هفت دانه فلفل بسوزاند مراد حاصل شود انشاءالله

عطف

(رعس) (سلهوسم) (هوده) (هوم) (نماه) (دلحاس) (طح)

تلب ۲۲۲ فو علی محبت ۲۲۲ فو العجل العجل الحریق الحریق النار النار الساعة اربعة

عقد

باب عقد نوم بگیر موم پاک صورتی بساز بنام آنکس که خواهد در شب چهارشنبه این طلسم بنویس بر پوست آهو در میان صورت بنه و سوزن فولاد در چشم صورت فرو بر و ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد در پای حبیب صورت ببندد از پس خانه خود در پشت در بیاویز که بیاید مجرب است مسهل السنة اسطیع سالع

فما عتا سلح سلح سلهو ع[illegible]ه ساما یوم القیمة عقد

نوم ۲۲۲ فو علی العشق ۲ محب ۲ دی العجل ۳ الساعة ۳ اهاهع النار ۳ احرقوا

تفرقه

وخذوا نوم ۲۲۲ فو علی حب ۲۲۲ اگر خواهی میان دو کس جدائی افکنی این طلسم را در پوست حمار بنویس در زیر سنگ قبرستان دفن کن ازهم جدا شوند

۱۱ ۱۱۱ ۱۱ طع ک ۱۱ ۹ ۱۱۱۱ ۲ ۱۲ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۲ ۱۲ ۴ تفرقه و عداوت

۱۱ ۲ ۱۳ ۱۴ ۱۱ ۹۹ ۱۱ ۳ ع ۳ ۴ ۵ ۱ ۲ و دو دشمن افکندم ما بین

۱۱ ۲ ع ع د ۱ ۲ ک ۱ ۹ ۲ ۱۱۱ ۳ ۱ ۹ ۱ ۲ ۴

۴۲۲ فو علی البغض والعداوة

۱ ۴ ۱ ۲ ۹ ۱۱ ۳ ۱۱ ۴ ۱ ۳ ۱ ۲ ب ع ۹ ح ۹ ۱۱ ۹ ۹

۲۲۲ فو العجل العجل العجل الساعة

محبت

الساعة الساعة الفراق الفراق الوحا الوحا الوحا

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بر تخم مرغ سیاه بنویس در آتش اندازد

۴ ۱ ۹ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱ د و ۸ ۹ ۱
قرسم دو حص کری و ۸ ۸

۱۸۸۱ ۸ ۱ ح ۹

۱۱۱۱ ع م ع م ۲ ۱۱ ۱۲ ۱ ۹ ۱۱۱۱

م و م ه

۳ ۱ ۳ ۴ ۳ ۴

و بیقرار کردم ۲۲۲ فو علی حب

اگر خواهی

جدائی — اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی این دعا را هفت مرتبه بر مشت ارزن بخوان در

رهگذر آنکس بریزد در حال از همدیگر جدا شوند حمالة الحطب فی جیدها حبل

تفرقه — من مسد نوع دیگر اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی بنویس بر سه دانه بادام

تلخ در میان آتش اندازد البته از هم دیگر جدا شوند قبار ریش قهار ریش

خلاص بستگان دختر — قبار قیش هرگاه دو دختری را از شخصی بگیری در رضا نشود این طلسم را بنویسید

بر گلاب بشوید و بر آنکس افشاند البته رضا شود ۱۵۱ ۲ ۷ ۷ ۱۱ ۷ ۱ ۳ ۸ ۷ ۱۱۱

محبت — ۸ ۷ ۱۱ ۵ ۱ ۵ ۵ ۱ ۵ ۱ ۵ و ادرهم را ۱ ۳ ۱ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۶ ۸ ایضا جهت محبت بنویسید

در آتش اندازد بسوزاند اگر آسمان باشد بزمین آید مجرب بیت

ملخ — م ه ح دعای ملخ بنویسید در میان نی گذاشته در اطراف مزرعه

خاک کند از آفت ایمن باشد باب تسخیر اگر خواهی کسی

او	وط	وح
ی	٤٤	ح ٣

تسخیر — را با طاعت خود در آوری که هرچه بگوئی بشنود نصف شب برخیز دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه صلوات

بر محمد و آل او بفرست بعد از آن نیت کند و حاجت خود را بطلبد پنج مرتبه سوره والضحی

بخواند و بعد از ختم سوره پنج مرتبه سوره یس پیش از والضحی بخواند و بعد از ختم صد مرتبه این

دو اسم را بخواند یا طرخیشا یا شمتیثا و بگوید امشب یا فردا بنقد فلان بکش

تسخیر — و اللا ترا هلاک میکنم بحکم در این شب اژدهائی یا شیری بخواب آنکس برود و بگوید بجهت

فلانکس بنقد چیزی بفرست و اللا ترا هلاک میکنم البته آنکس میترسد و هرچه خواهی بیاورد

نوع دیگر و ضوء بسازد با تقوی و حضور قلب و یقین خوالص سوره یس و والضحی پنج مرتبه برآب

طاهر بخواند با آن آب غسل کند بعد از آن صد مرتبه این دو اسم را بخواند یا طرخیشا یا تمتمیثا

و بگوید امشب بخواب فلان برو بصورت اژدهائی یا شیری بگو بنقد بفلان بده و اگر نه ترا هلاک میکنم

اگر خواهی کسی را مسخر خود کردانی روز آدینه پیش از بر آمدن آفتاب بنویس بکاغذ یا بپوست

آهو بر باد بیاویز بساعت زهره یا سم ۲۲ فم ۴ علی ۱ حیفنا ۲ فم ۲ العجل الحجل العجل الوحا الوحا

الوحا الساعة الساعة الساعة ۴ م ۴ م ط ۱۱ ح ح ط لا ا ط ا ط ۱۱ ح ۱۱ ح ۹ ا ح ۴

ط ۱۱ ط ۱۱۱ لا ۸ ۸ ۹ ه ط ۸ ۸ ۱۱ ۸ ۱ ش ۱۱ ۸ ۱۱ سوه الضا این طلسم را

بنویسد و فتیله کند در چراغ بگذارد روشن نماید رو بخانه مطلوب اینست

بجهت زیادتی شیر زنان این آیه را نوشته بشوینید زن بخورد شیرش زیاد شود

ع سع	سع و	سم ۲ا
رح	۱۷۱له	م ۲۲۲

ثم قست قلوبکم من بعد ذالك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة لما يتفجر منه الانهار وان منها لما يشقق فيخرج منه الماء

الحمد معکوس بجهت محبت بنویسد در بازو بندد پیش خلایق عزیز و محترم گردد اگر بر شیرینی بخواند بخورد هر کس بو بدهد چنان شود مثل لیلی و مجنون اگر در میان سرکه کنند و تلیاب بجوش کند حمد را و عظمت بخوانند مطلوب بیقرار گردد که صاحب عمل ببیند

نیل ضلدا او مهیلع یا قهار یا عزرائیل بنوضتعمک یا عینا نیل یا غیائیل ربع مهیلع یا مقتدر یا اسرافیل تمعن ء نیذل یا قادر یا مفائیل طراص یا قریب یا میکائیل میقتسملا یا سرح یا مینائیل طراص اندها یا مقلب القلوب یا علام السرائر یا شمشائیل نیبعتسن یا عطوف یا جبرائیل کیاء یا حافظ یا دردائیل ک دبعن کیاء یا رئوف یا جبرائیل نبذل اقوی کل امر یا قیوم یا دفعائیل میجرل ان امهزل یا نورائیل نعیملعال یا حمرائیل

ابتر هلل دمحلا یاحج یا زوقانیل متحرل انمحرل اهلل امسب

احضر احضر

اگر خواهی کسی را حاضر کنی این اسماء را بنویس بر پوست و در آتش انداز فی الحال بیاید

لیهامجعع مهه ... یا ... احضار محبت بنویس بر پاره

نعش

آهن شی نعش و در آتش انداز که مطلوب آرام نگیرد اگر خواهی مابین حرز

آتش انداختم در قلعه ۲۲ ... علی ... جدائی به بیندازی بیاور ... اسفند ... جاروب ... بیگیر ... و کاغذ

۸۱۸ ...
باسم ... ۲۲ ...

باعد و الفینا بینهم العداوة الی ... با این دعا در قبرستان دفن کند و در رهگذر ایشان بپاشد و دفن کند جدائی بیفتد مجرب است

محبت

الصافات ... زنان ... دختران ... دختر و مادرش بنویسد ... طرف جیب لا اله الا الله محمد الرسول الله علیاً ولی الله

فاطمة الزهراء ۱۹۳ ... ۹۹۹

محبت نوشته در آتش انداز تا عجایب ببیند در وقت سوختن شمع بسوزانند مجرب

... باسم ۲۲ ... ۱۱۷ ...

حب ۲۲ ... این را در فتیله شمع بسوزاند

... همین نوشته را هم در زیر سنگ گران بنهد

روت بحق هاروت و ماروت اهیا اهیا اهیا شراهیا شراهیا شراهیا

النار النار النار العجل العجل العجل الحریق الحریق الحریق الساعة الساعة الساعة عزمت علیکم

یا معشر الجن و الانس و الشیاطین ... ۲۲ علی محبت ...

... اهیا اهیا العجل العجل الساعة الساعة النار النار الحریق ... تمد

اگر خواهی کسی را عاشق گردانی بنویس به برگ انجیر و بر آتش انداز صلع ۹۱۹۹

الیضا بنویس بر کاغذ و در گل بگیرد و در آتش انداز | ماعطا | علموط

| علط | یاهمط | ما طلطا | یاهلموط |

بنویس بنام هر چهار و با خود نگه دار آنچه بدعاست بعمل آید

۲۴	۲۷	۳۰	۲۲
۱۹	۱۸	۲۳	۲۸
۱۹	۳۲	۲۷	۲۳
۲۶	۲۱	۳۰	۷۱

اگر خواهی کسی را از عشق

الیضا خواهی کسی را عاشق گردانی

اینطلسم را بسوزان

طططاح لا ۲ ۴ ۱۱ ۴ ۱۱ ۹۹ ۲ لا

مبتلا گردانی نام خود با نام مادر خود ست و نام او با نام مادرا و با این دعا در روی نعل کهنه نوشته در آتش به بیندازد که آرام نگیرد آزموده و مجرب است

اللّهمّ یا قاهر ذا البطش الشّدید انت الذی لایطا و ل انقاما

اگر دوختری را بخواهی و بدهند این دعا را نوشته در میان آب بگویشان و بخانه صاحب دختر بپاش یا رحتیل یا برحتیل یا قحمهیتا یا الغشتا یا طلحیثا یا المحیثا یا حیثا یا شعبثا یا شحیثا بارک الله علیکم باسم ۲۲۴ واین دعا را نوشته بر در خانه صاحب دختر دفن کنند انس

کاع ه ۱۱۱ ۱۱ ۲ و ۱۱ ما و ۱۱ ۱۱

بجهت احضار بر روی نعل بی سوراخ

۱۱ ۱۱ لا ه ۱۱۱ ۱۱ ۳ ۴ ع ۱۱ ۱۱

این اسم ها را در ساعت سعد با قلم آهن کنده و در کنار آتش شدید دفن نماید یا معشر الجن بحق مکر کائیل ایل ۹۱ و ۱۱ جنتکال احرقو قلبه ۱۲۲ احرقو قلبه ودمه

محبت | محبت | محبت | محبت | بدن | تفرقه | احضار

وجسده بحق روسائیکم الساعة الساعة الساعة بجهت محبت

این عظیمت را نوشته بر سر رخانه دفن کند اگر زنجیر باشد میاید کهن تولد

لطلفمود هی یفعوال العرض بحق حلفن الاسماء وح ح ح دمنا

مه صاحب هلم تهل حره العجل العجل الساعة الساعة بجهت محبته

بنان بنویسید و لبگ سیاه بدهد بخورد اگر زیاد اثر کند سگ را کنند

ا ا ا ع ع ع ع ع طا طا طا طا نیح نیح نیح اعطف علی ۴

۲ فز علی محبت ۲۲ فز العجل العجل بجهت محبت بر چهار پاره نان

نویسند و شب بسگ سیاه بدهد تا بخورد بیقرار گردد

بجهت تفریق اگر خواهی کسی از مکان خود

۱۱ ۹۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ۱۴ ۶ ۱۱ ۲۱ ۱۱۱ وعع م هع

آواره کنی سوره الم ترکیف را با عدد اسم آنکس جمع نموده با عدد اینه و

القینا بینهم العداوة الی اعزایه در منزل آنکس دفن کند یا دره

گذر ایشان دفن کند آواره شود اگر خواهی کسی را از مکان خود آواره

کنی این حروفات با عدد اسم آنکس جمع نموده در خانه آنکس یا در رهگذارش

دفن کند آواره شود ۱۶ ۴ ۴ ۸ ۸ ۱۰ ۹ ۹ ۱۰ ۶ ۱ ۸ ۲ ۸ ۲ ۱ ۶ ۸ ۱ ۲ ۱ ۶ ۹ ۱۰ ۶

۱۶ ۴ ۱۰ ۳ ۱۰ ۶ ۸ ۱۰ ۴ ۵ ۴ ۹ ۱۰ ۴ ۶۶ ۱۰ ۶ ۱ ۶ ۸ ۱ س ۶ ۲۰ ۶ ۱ ۸ ۴ ۹ ۱۰ ۲ ۸ ۱

۱۲ ۲ ۱ ۶ ۴ ۸ ۴ ۸ ۴ ۱۰ ۸ ۴ ۲ ۸ ۳ ۱ ۹ ۴ ۴ ۲ س ۳ ۱۰ ۶ ۹ ۳ ۱۰ ۶ ۸ ۴ ۸ ۱۰ ۵

۴ ۱۰ ۸ ۱ ۶ ۶ تحریره محمد آقا کاتب الحروف ابن جواد الحسینی حسیح الک

اگر زنی را مطلقا فرزند نشود مهر مهره را کباب کند و بخورد و با شوهر خود مجامعت کند در حالی که بارگیرد و با زن اینقدر از مکر زنجیره کیان را آنجا ار سنگ بیاویزد و بر زن گره اید با ار زن که معقود کند جزو بی کسر الخواهد فال نا به سا و دلالت اول بینت کند و سه مرتبه صلوه بفرستد یکمرتبه مرتبه صلوة بفرستد و انگشت بر این حروف بگذارد و شتی همه کند تا ده حرف حرف از هم را بنویس تا انتها و بعد از آن تتمه که بر بالای حروف باشد بشمارد تا بجرو ف که انگشت که از آنجا واحد بر هم زند مطلب استخراج نماید تا فاتح باشد و حروف اجزاء اول سطر تا بدلند حسب

انست ب ب اای ت ت ت ب ب س س خ خ ا ر و و م ا ک ی ا

ر ز غ ل ف ع ط ق ا ا ش ا ل ل ی ی ل ص ل ل خ ی ی ن ی

ق ب و خ ب و ن م ل ی ن م د و د ب د ا ی ی ت س ا ا د

د ف ا ر د س س س س ل س ت ب س س ت ت ت ل

ن ت ی ی ی ی

بجهت جوشش و سرخی و آب ریختن از چشم و باد بسیار نافع است

روح توتیا	دار فلفل	طوطیا	لعل دریا	سرب سوخته	مامیران	بادیه
۲۸	۱م	۲م	۱م	۲م	نیم م	

توطیا را هفت دفعه در آتش سرخ کرده و در آب غوره انداخته بعد بیرون آورده و اجزاء را کوبیده از نافته بیرون نماید و در هم ممزوج کرده در وقت ضرورت بکار دارد

بکار دارد	الضا بجهت نزله چشم	دار فلفل	روح توتیا	سرب سوخته	لعل دریا
چینی فغفور نیم م	بلور نخود	۱۰ دانه	۱م	۱م	۱م

کوبیده صلایه نموده از پارچه بیرون نموده وقت ضرورت بکار برد

بجهت لک چشم تنه کار سوره نشادر سادی در بوته با گل آب بجوشد تا اجزاء آب شود بعد از آن سرد شدن با میل بچشم کشد بعد که لک چشم را برد سرمه سنگ در دود خام و چینی کوبیده سرمه کرده بچشم کشد

بجهت گرفتن آواز با آب گرم نشادر حل کرده غرغره کند

کار بسیار مجرب است

۲۶ ر

نشانه گوگرد

نزاز براهی از ان

باب بجهت احضار اگر خواهی کسی را حاضر سازی یک میخ آهن بنوعی که تا سر سوراخ کنند

و هر سوراخ یک لک ابریشم بگذرانند اول زرد دوم سرخ سیم سفید چهارم سیاه پنجم سبز ششم ... بار این دعا

را بخوانند بالا رانگه بدر بر هنه آید و سیزده بار بخوانند تن برهنه آید بیست یکبار تمام برهنه

آید بسم الله الرحمن الرحیم شنو شنو بهابش منطوبیل یا شلطیخ شعولوخ مهلخ

فلعلفلیخ یا هلوطا اهیته بحق شلمیطط ون اهیته هیخ احرق قلب

... علی حب ... عشیقة و محبة العجل العجل الوحا الوحا الوحا الوحا لیس له

قرار و لا نوم و لا اکل و لا شرب حتی یاتی عندی بحق هذه الاسماء

العظام سلام کتاب مرقوم بهذه المقربون

در آتش اندازد و تکتب اسم المطلوب ... الحضر ... با نوشته این الفاظ نوشته با خود

دارد ایضا ... دواه

...

باب بجهت تفریق اسم مطلوب را نوشته با قدری خاک گورستان درمیان آب شسته در میان

خانه دشمن بپاشند تفریق شود

تفریق و عداوه ... المکدر

ما بین ... و ...

العجل العجل

العجل الوحا الساعة

... الوحا

اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم
الم س ص حم حم حمعسق حم

غیر المغضوب علیهم ولا الضالین فیلا ضبلا ء
حم ق ن

و مهلصب وضولای عهیع تمیثا ننده طه وس معیث سمعط

وصلا مد ها بلعیس کا یا ود یس کا یا ولا مویث لامیحی لا

تا محی حی صلا علا بی هلله حلا

اگر خواهی گرگ و از فاه فرسنگ راه بیاورد دوان بر برهنه نبویس بر هیچ پاره کاغذ

در شب بیکره بسوزانند مراد حاصل شود مجرب است ... ع ع لط لاخ و طهق

گر ره جهت علاج ... عمل ... ۱۱۱ ۲ را

اگر خواهی کسی را در منزل بنزاید بیاورد ... را بنویس بر هفت پاره کاغذ بنویس ...

... با آتش اندازد مجرب است ... حلها ما ... سمیع ...

... بیاورد بنویس ... در آتش اندازد مجرب دوز ... باید مجرب است

صح صح صح ام کا صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح

اگر خواهی ... را از راه دور بیاورد بنویس بر ... در آتش اندازد ...

ما ماه ما ماه ما ماه

هر کس ... هلال ... بهتر ... بنویس بر کاغذ در خانه ...

... اگر ... باشد ... آید لبسطه لعفص و هی ...

ع لهللسه ع

مسلمصصه دوسه

ع لسلى ع

مسه

اگر خواهی کسی که نگذاری به سفر برود سنگی از آن راه که آنکس خواهد رفت بردارد و [illegible]
آب بعد بر آن سنگ بنویسید و نام آن سنگ مقام بنویسید و آن سنگ را بچاه اندازد دیگر
دیگر آنکس بسفر نمی تواند برود مادامی آن سنگ در آن چاه هست مگر برون بیاورد مجرب است

قالوا یا موسی انا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها
فاذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا قاعدون

باب عداوت

جهت نفاق این طلسم را بنویس با آب پیاز در خانه آنکس دفن کند مجرب است

ا م ۸ اا ااا ل اااا ااااااا ۸ هـ ۱

ب ا ا ا ا ه ااا ع ااا ع ط ااا ط س ۳ ۱ ۷ ۰ ۱

و م ط ااا ط ع ع ااا و د د ۱ مدح

اگر خواهی میان دو کس عداوت جهت افکنی بنویس این را و در قبر کهنه دفن کند مجرب است

والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة کل نفس ذائقة الموت

اگر خواهی میان دو کس عداوت افکنی بنویسی بر کوزه کهنه پر کنی و در میان دو راه دفن

کند مجرب است والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة

در گور کهنه دفن کند مجرب است یا مضاح العظیم یا فرد العظیم

اگر خواهی کسی از شهر برود یا از یکدیگر جدا کنی باید از زیر قدم ایشان خاک بردارد و بخواند ازا

ذلک بر آن خاک گذارد مجرب است

بنویسد روز سه شنبه بوقت شام در زیر آستانه دفن کند جدائی افتد مجرب است

[illegible]

اگر خواهی کودن از خود جدا کنی بنویس در روز شنبه در اول بر آمدن آفتاب و در زیر

آستانه دفن کند هنوز بر آسیاب باشد از یک دیگر جدا شود باید در نعم دولت بنویسد

[illegible]

[illegible]

نوع دیگر بنویسد بر پارهٔ حریر سفید فتیله کند در چراغدان نو با روغن کنجد بسوزاند

بر افروزد و پاره عود ام بر آتش نهد به وقت سوختن یک بار سورهٔ قل هو الله احد

بخواند و در آخر بگوید السلام علیک یا اهل المحبة والوسواس از تعلق خوانم فلان را

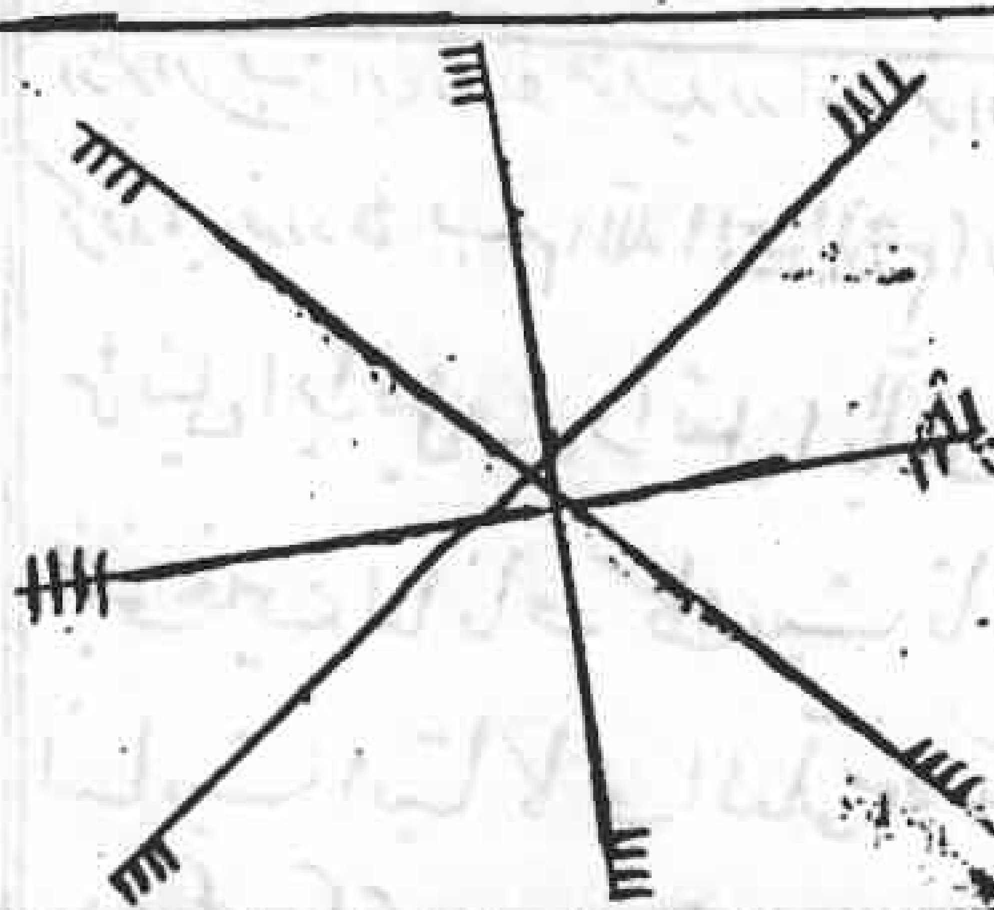
آورید یکی کدام غرّه و جبه که هنوز تمام نخوانده باشد که طلاق در آید بار مکت

و بار دوم و سوم آواز بر آید

آنکس بگند طلسم این است

اگر فرزند از دست جدا کنی روز چهارشنبه پیش از نماز بنویسد و در آتش دفن کند

بسم الله الرحمن الرحیم وکاین من قریة اهلکناها وهی خاویة رعکت الی الاعلی



باب اگر کسی این شکل را بنویسد و خاکستر سرا در خانه دشمن اندازد و در دم نفاق بهم رسد و در میان ترا انداین علم بوکنند که مجرب است و شرح بسیار بود اما مختصر کردم مجرب است اما شکل اینست بنویسد

باب فتح الرجال

هر کس بسته باشد به هیچ نوع گشاده نگردد این کلمات را بنویسد بر هفت قطره آب چاه و یا آب چشمه هفت بار بخواند بدهد بخورد و بسته دهد گشاده گردد

بسم الله الرحمن الرحیم ناد علیا مظهر العجایب تجده عونا لک فی النوایب کل هم و غم سینجلی بعظمتک یا الله بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی

بسته شدن دل این دعا را بنویسد آبش بخورد بسم الله الرحمن الرحیم

طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الا تذکرة لمن یخشی تنزیلا ممن خلق الارض و ما بینهما و ما تحت الثری

گشادن مرد بسته روز چهارشنبه بر هفت عدد انجیر بنویسد بخورد

(الله) (طح) (سرسا) (مجل) (سکا) سعله (عاه)

اگر کسی بسته باشد این طلسم را روز پنجشنبه با مشک زعفران بنوشته

در اینکه جماع میکند در زمینی دفن کنند گشاده گردد ||||| ع

١٩٦١|||١٥|||١٥||| ١|٢|١ط١|||١٩ ع ||||| سر الرد و ه ... ١١٢ ...

گشاده بر زگر نعدن بر ... ه

از برای بسته این دعا را بنویسید در آب بر آن آب اندازد گردد گشاده گردد ابر فرادد ٥ بسم الله الرحمن الرحیم اسمعت ا ئیل ... حسلی کائیل ایرائیل وی وائیل ایا الوله ملدحون بوشیی نمو خیین لما ناو کلابت نالوامیدالت زمان لسابت ایتا کالو العلوشه نک نام ٢٢ سه ه صحع صک ٢ صه ه ... اهوا امر و سلم ...

اگر کسی بسته باشد این طلسم را بنویسید بر کتف مرغ سیاه در وقت که صحبت کردن زن در بهشت بگردد و کنار دیگر ||| ح ||| ح || دو ...

ه و ||||||| . و ا ع . و ط ع ط ا سم

این آیه را بر سیب ترنج بخواند بخورد فتح شود مجرب است ولقد آتینا موسی الکتاب فاختلف فیه ولولا کلمة سبقت من ربک لقضی بینهم وانهم لفی شک منه مریب ١٢

اگر کسی را شهوت کم باشد این طلسم را نوشته با آب بشوید آبش را بخورد شهوت زیاده گردد طلسم اینست ٩|||٩|| ح ی دو || و تم ی ص

اگر کسی بسته باشد بر بازوی راست ببندد و این مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک وما تأخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما

وجعلنا

ایتا بجاه محمد وآله طاهرین

اگر زن فرزند نشود چون مرد مادی این طلسم را نوشته بخ شود در جای باید گذارد کلو

ع کلو ع وی ۸

جهت از بستن زنان بنویسد مرد با خود نگه دارد با زن مجامعت کند بفرمان خدا فرزند ...

لع خلف ع ک ه

جهت از بیدن عیال اگر آبستن فرزند نباشد این طلسم را بنویسد زن بر بازوی راست ببندد

چون مرد با زن مجامعت کند در ساعت بار گیرد از الطافات خداوندی ان شاء الله

یخلف ع ک ه

جهت زائیدن اگر آبستن فرزند نباشد این طلسم را بنویسد با ۱۲ کس که

خواهر بر بازوی راست ببندد خدا فرزند عطا کرامت کند ان شاء الله تعالی

اگر زن فرزند نشود این طلسم را نوشته بخ شود در مال باید گذارد کلو

طلب فرزند این ادعیه نوشته آن که دارد مرد با او مقاربت نماید فرزند حاصل شود

جدی ربنا ما اتخذ صاحبه ولا ولد

اگر زن بخشش که باشد بر پاره ای بنویسد که بخشش زیاده شود ان شاء الله تعالی

وله الجوار المنشات فی البحر کالاعلام کل صبا ب

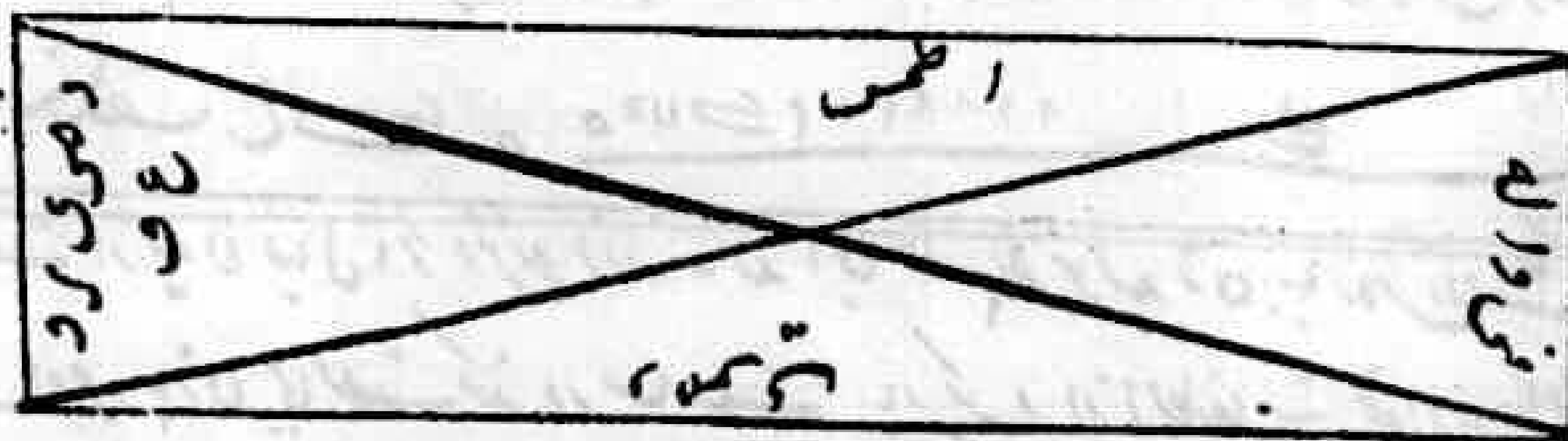
اگر کسی را فرزند نشود این کلمه‌ها را نوشته بشوید آبش را مرد و زن بخورند مجامعت کنند فرزند شود

هو هو هو هو هو هو

هو هو هو هو هو هو هو

اگر زن آبستن نشود زهره ماهی را بگیرد با تخم گشنیز همراه کند قاطر شیرا باد ماده ای بزند بر موضع بخور می کنند آن زن آبستن شود مجرب است

اگر زن حمل قرار نگیرد این شکل را بر کمر ببندد حمل بگیرد مجرب است



در برای فرزند پسر مرد سنگ را در وقت مجامعت بر ران خود بسته کند تا مجامعت کند فرزند پسر شود

اگر کسی را فرزند نشود این طلسم را نوشته بخشند با خود بر ران راست ببندد جماع کند آبستن شود

الله	الله
الله	الله

علیه

اگر زن فرزند نشود چنین مرد بادی این طلسم را نوشته جمع شود در حمل بار گیرد

این تعویذ جهت افسون طبیعت بستن کودکان چهار پاره ریسمان ابریشمی در هفت گره

بر ریسمان زن هر گره که بزنی هفت بار این دعا بخوان در گردن کودک بند چون هفت روز تمام

شود از گردن کودک بدر کن ریسمان را بر کن و در زیر سنگ نه و آب بر بر آن ریسمان بریز تا انشاء

برسد شفا یابد ان شاء الله بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا سبوح سایلدون ایلجی

یا سندیا یا میشا نا ای ونا یا ملخا یا اهیا شراهیا بتم طبیعت فلان بن

فلان تحق ایه شریفه قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم

این تعویذ جهت کودک که آب دهن داشته باشد بنویسد بکودک ببندد یا اینکه چند روز آبی که پیدا نشود اگر تشویق زیاده جوشیده اند نباشد بشره دانه نیز بگذارند

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

وعو	دمو	ااح	۱۲
۲ع ۱ع	۱۱ ۲	یحیی	۳۸

جهت زیاد کردن شیر کودک بنویسد با شیر مادرش بخورد کودک دهد بسم الله الرحمن الرحیم

واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه

فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی انا رادوه الیک وجاعلوه من المرسلین

جهت گریه کردن کودک این تعویذ را بنویسد بر بر طفل ببندد شفا یابد هذا وتحسبهم

ایقاظا وهم رقود ونقلبهم ذات الیمین وذات الشمال وکلبهم باسط ذراعیه بالوصید

لو اطلعت علیهم لولیت منهم فرارا

کسی که گریه کند شب خواب نکند این طلسم را نوشته بر بازو ببندد تجربه است

لـلـ ل ل ن ب ن دو دو — د مص مص مص ص ض

۱۱ ۱۱ دو ۳۰ ۱۱ ۴ ی ۱ د ۱ ۵ ۱۱ — ۱۳ ۲ ۱۴ ۱۴ ۵ ۱۱ ۳

ا ا ۲ ا ه ا ا ا ۴ ط ا ا ۸ ۳ ا ا ا دود

دعای ناترسیدن طفل نوشته در گردن طفل ببندد بکم خوب شود

ال ا ا ال مخذ هماه کس هر هر هص هص هص

محی محی عی عی هی هی هی هی ا طفال ا ا ا

ا ا ا ا ع ا ا ا ا ا ا ا ا ا ح ۹ و ا ا ۳ ط ا

تنزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمومنین ولا الدنیا

انظا لمعن الاحسنا ی ا ع ا ا ا ا ا ا ا ا

باب گل خوردن کودکان سه روز بامداد بر سه پاره نان نویسد و هر پاره یک روز باو بدهد بخورد و بیخ سه روز از گل خوردن باز دارد که قطعاً گل نخورد

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم لا طیب الی طیبک ولا خیر الا خیرک ولا ملجاء ولا منجاء منک الا الیک اللهم لا یاتی بالحسنات الا انت ولا یصرف بالسیئات الا انت ولا حول ولا قوة الا بک ولا شی حسبی انت یا رب تحت التراب الصاحبه نام آن کودک و مادرش بنویسد اصلاح دیگر گل نخورد

دعای گریه کودک از منهاج است این کلمات را بنویسد در گهواره در زیر سر نهد بسم الله الرحمن الرحیم والتی تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت ا و یرسل الاخرا الی اجل مسمی ح ح ح ح ح ح ح ح فضربنا علی ا ذانهم فی الکهف

از برای [illegible] اگر عیوانی باشد بر کتم نوع نوشته بر پیشانی زند اگر آدمی باشد بجای [illegible] باز رند عجایب

بجیت جعجعت اب مجعت ان تلفت انعجت

از برای مار و عقرب هر که این دعا را با خود دارد مار و عقرب ورا نگزد اگر گزاند گزنده

نتواند گزیدن بار خدایا بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب السهیته من

کل عقرب و حیة شخ سخ سلج فد فیه بشخ مشخ قونه

شخ شخ

و فلینه ببستم دم ها و نیش عقرب بحق ایاک

نعبد و ایاک نستعین و بحرمت سلام قولا من رب رحیم

و امتازوا الیوم ایها المجرمون و سلام علی نوح فی العالمین

اللهم ببسته باز دوم ها و جمع کن حاجب وای فلان این دعا

بحق انه من سلیمان و انه [illegible] یا رب العالمین

این طلسم را بر گردن اسب بندد بر شکم ٥٨ ١١ ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ع

از برای افسون کردن اگر کسی گزیدا باشد این طلسم را بخواند بسیار شاید فی الحال

رفع شود بسم الله الرحمن الرحیم بحق احد ببستم کنه و مله فکن من قیش

قل هو الله احد کید ش ببستم الله بحق الامیر المومنین ولی الله یا لیعوب

از برای موش بنویسد بر سفال آب ندیده در میان خانه و نیاید رفعت و دفن کند بر طرف

دی اااه اا ا ط و ط و ط ااا ه ا ط ٥

کاو یکه گوساله بر حق نیکو این طلسم بر سه پارچه نان بنویسد تا سه روز بکاو بدهد

ع ع ع ع ع ع د و روزی ه ی ی ی ی ه س روز سوم ااا ٩٩٩٩ ااا ٥٥٥ ااا ٥١ ا ا

از برای گرگ گرگ خوار بکار بردن نعل باید سوره یک بسط بخواند آیه بشیهم العذا
وت والعرنیاء واذا السماء انشقت ۹ با آیه بخواند بکار و وافوح کند گرگ

از برای کیک این آیه را بنویسد بر آب پاک که در ظرف پاک باشد یک مرتبه
بخواند آب را در اطراف خانه و رختخواب بپاشد بسم الله الرحمن الرحیم
قل کونوا حجارة وحدیداً وخلقاً مما یکبر فی صدورکم
فسیقولون من یعیدنا وجعلنا من بین ایدیهم سداً
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

از برای کیک بر چوب بید بنویسد بر بالین گذارد در جای خود هلیا هلیا صلیا

اگر در خانه موش بسیار باشد یکی را بگیرد زنده دم او را ببندند رها کند سایر موشها فرار کنند

اگر خواهید مرغ را سر دام بگیرد گندم با گوگرد سفید بجوشانند هر مرغ از آن گندم بخورد سرش گیج شود

اگر گربه دیوانه گریزپا باشد این طلسم را بر سه پاره نان بنویسد بخورد
شفا یابد اللهم صل علی محمد و آله محمد ۴ ۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۲ و ۱۱ ا ۱ ۲ م
ف ۱۱۱۹ ۱۱ ا ی لا ع ع خ ۱۱۱ ۵ ۵ ــــــ ه ه ه ه ــ

رفع پشه چون این دو اسم را بر دیوار خانه رسم نماید پشه در آن خانه
برطرف شود و هر که این خانه را بخواند در انشاء خوانندن با انگشت خود
منقلی بکشد پشه از آن مکان برطرف شود کانهم بیننا قوت ۱۱

وهم منظرون در در ملوک آورده جهت برطرف شدن پشه
این اشکال را با این عدد بنویسد در هر مکان بیاویزد گریزان شود
۱ ۳ ۲ ۱ ۱۰ ۱ ۳ ۸ ۲ ۱ ۳ ۰ ۷ ۱ ۲ ۳ ۲ ۴ ۷ ۱ ۷ ۸ ۱ ۱ ۸ ۳ ۲

اعوذ بکرچه سه مرتبه یا ره ریگ بخوانند و بدمند و میان موران بریزد جهت بلوا
عزمت علیکم یا معشر الجن النمل لا تخرجن مما کنکن ولا توذین احداً من اهل الدار بحق بسم الله العظیم الشریف الاشرف التی قامت به السموات والارض اقول حقاً حقاً احققین ولا تخرجن من بیوتکن قد حرجت مرارا

ایضاً اعوذ بکرچه یا سه یا بسم بخوانند در سوراخ ایشان گذارند بکوبند
یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون اگر سوراخ مور را زرنیخ کبریت لها و مسدود نمایند موران بمیرند یا بگریزند و اگر سماع سیاه را بسوزانند و خاکستر او را در سوراخ موران بریزند بمیرد یا فرار نمایند ایضاً دفع مرشی این مربع را

ایضاً جهت دفع مرشی این مثلث را نوشته در چهار گوشه خانه یا زراعت دفن نماید

د ٤	ف ٨	ب ٢
١١	ع ٥	ط ١
ح ٨	ج ٣	د ٤

بر چهار پارچه کاغذ بنویسد و بر چهار روی خانه دفن کنند مرشی آنجا نیاید بلکه بگریزد و استاد

د ٦	ط	و ٢	٥
٣٨	٥ ی	هو	٥
ح ٢	١٢	ع ٤	٥

ایضاً دفع ملخ بر چهار پاره سفال بنویسد بر چهار جانب باغ دفن نماید

این دعا را نوشته بر به چهار تخته بر چهار رکن باغ یا مزرعه بنا و بزند یا دفن

اللهم ان السماء سماؤک والارض ارضک وما فیها وما بینهما لک فاحفظ هذه الحدیقه یا اهل الورع باسمک الکبیر الاکرم السمیع الواسع انک علی کل شیء قدیر الواحد الاحد الصمد الذی لم یزل ولا یزال ویحیی الذی لا یزال برحمتک یا ارحم الراحمین

وصلی الله علی محمد واله

باب سیزدهم در درد چشم و دندان

دعای دفع درد چشم که جبرئیل علیه السلام بخدمت حضرت خاتم النبیین آورد و آن حضرت با صحاب فرمود که برای دفع مرض چشم این کلمات تعوید او لازم کنید آن اینست

اللهم ذا السلطان العظیم و المن القدیم و الوجه الکریم الا الکلمات التامات والدعوات المستجابات عاف الحسن والحسین من انفس جن واعین الانس پس هرگاه برای طفل بنویسد بجای حسن حسین نام طفل باید نوشت

از برای درد چشم شیخ طبرسی رحمه الله در مجمع البیان آورده است که حضرت رسالت پناه این دعا را تعوید حسنین علیهما السلام کرد و حضرت موسی علیه السلام پسر هارون را باین دعا تعوید کرد

اعید نفسی و ذریتی و اهل بیتی بکلمات التامات من شر کل شیطان وهامة و من کل عین لامة

روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که هر کس از مرض چشم بترسد تا نویسید ملفا ما الله لا اله الا هو الا انما

از برای درد پشت که هر که را پشت درد کند مداومت کردن این دعا بسیار مجرب است

اللهم انی اسئلک باسمک یا مسهل یا مفضل یا معدل یا ...

هرگاه کسی در ورطه هلاکت افتد صد و ده مرتبه هر روز صبح بخواند یا حی یا حیم

دل ظالم بفکر ظلم بجا دل مظلوم بالفکر ذکر خدا او دایم فکر تا با چکند ما دایم فکر تا خدا چکند

جهت مقبولیت هر روز تکرار خواند یا رب از لطف بر ستان ما را هر چند که مع عصیان ما را

ذات تو غنی بود و محتاج ما بحق حقیقت بحق محمد و آل ما را

از برای الفت و لهذا و وسعت روزی و طلب جاه منصب بزرگی و محبت سلاطین و عقدالسان امرا و وزرا هزار یک نوبت بخواند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز

روایت است از برای هر گونه امراض حضرت سید سجاد در مجلس مکرر میفرموده است و بسیار مجرب است

اللهم عبد بغنائک مسکنیک بفنائک فقیر بفنائک

باب خواتم صحیحست دعای کسی دارد

اگر کسی را مهم پیش آید که نداند آن مهم چه از لت دو رکعت نماز بگذارد بجهت آن حاجت بعد از نماز با ندنیکه بخواب رفتن این دعا بخواند بخواب برود اگر در خواب سفید باشد اگر سبز ببیند نیک خواهد بود اگر رنگ سیاه ببیند بد خواهد بود دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم انت علام الغیوب اللهم انی اسئلک کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری و اقدره لی الخیر حیث کان ثم ارضنی به بعد از آن قصد حاجت کند و بخواب رود آنچه خیر است ملاحظه

این عمل بسیار با عجایب است و امکان هست که هر چه در خاطر مردم گذرد بر خاطر او خطور کند
بر جمیع ضمایر مطلع گردد باید یکهفته روزه بدارد و افطار بگیوان کند و هفت مرتبه
از هر ماه الله دارد بدین اسماء سبعه که نام بزرگ است و مفاتیح العلم گویند هر روز هزار بار
تسلط شود و اسما اینست سمد یدع هلیهوت لاهوت دیدعوت
هاجیون قلنتیا هیلوب در اتمام این پانزده بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سه
بار بگوید اللهم اکشف من قلبی حجاب الغفلة وعلمنی ما لم اکن اعلم وخبرنی
لی عن کل ما اسئل عنه یا من لا اله الا هو و لا معبود سواه پس یک
بار صلوات بفرستد چون شش روز بدین بگذرد روز هفتم بر آن طاهر شود هر که پیش وی آید
هر چه در خاطرش باشد در ضمیر او جلوه دهد این اسما غیب مجرب است

نقل است از امام جعفر صادق ع که هر کاتب در وقت قلم تراشیدن اول سه بار صلوات فرستد
بر محمد و آله و پنج بار نادعلی گوید و بعد از آن کارد بقلم زده قطع کند در محل قطع کردن
قلم بگوید یا مستعان وافتنی حاجتی بعد از آن قطع زند چون تمام کند برشت
ناخن ابهام بگذارد انه غریب عجیب بخواند و شروع در مطلب نماید در
کتابت آنچه بدان قلم تحریر یابد نتیجه آن بظهور رسد انشاء الله تعالی مجرب است

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بکشتی سوار می شوند بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون بدریا تلاطم آید
تکیه کن و بگو قوی بقدرة الله و سکن بسکینة الله و لا حول و لا

قوة الا بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین یرج دریا سکن شود

از برای رفع دشمنی و دفع جمیع بلیات و هر که هر صبح بدین شکل نظر کند مدعا حاصل گردد و در این رنگ تثبیت مجرب است و شکل اینست نوشته شود

اصوس سس حاوحا سعوعس فی فطی طوس

طعحح طعحح طعحح طعحح طعحح طعحح طعحح هححح طعحح

هر که در حال رخت پوشیدن این دعا بخواند تا آن جامه پوشیده باشد گناه صغیره در دیوان او ننویسد الحمد لله الذی کسانی هذا و رزقنیه من غیر حول منی ولا قوة اللهم البسنی لباس الغفران واعذنی من عذاب النیران

هر کس این شکل را نوشته با خود دارد هرگز هیچ حرف فراموش نکند

املعوال علسح کماک لول طملحا سطوا سمال
اقال سملطنا طسهو هللمو ح قو سری

سه دفعه خوانده بگوید یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین

هر که را چیزی فراموش شود دست بر پیشانی نهد و بگوید مجرب است
اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر وفاعله والامر به ان تصلی علی محمد و آله وتذکرنی ما انسانیه الشیطان

روایت است از حضرت رسول ﷺ که هر که چیزی فراموش کند کف دست چپ بر پیشانی نهد و بگوید سه بار اللهم یا خالق الشیء ومفرق ذکره فی ما انسیت

از برای رفع خط ارسوس در نگلم بخوانند که نافع است از برای خط

اللهم اغرس فی بذکرک و قلبی بمحبتک و شرب لطف بجنتک یا ارحم الراحمین

روایت است از سهیل مغربی که هر که هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد در شب هشتم این آیه را بخواند و سوره را تمام آیه این هر اسم را بخواند بعددی که در حق ایشان است در شب آخر شب پری نزدان از عالم غیب پیدا شود و نزد وی آید پانزده درم نقره بوی دهد باید که آن شش درم را ببستاند و در کیسه نهد مادامیکه درم مذکور در کیسه او باشد هر روز یک صد پنجاه درم در کیسه وی پیدا شود باید پانزده درم را نشان کند و آنچه هر روز پیدا شود در مصرف خیر خرج کند و آیه اینست وعنده مفاتح الغیب

و دو اسم اینست یا حی یا قیوم

از برای بر آمدن حاجات هفت روز هر روز هفت نوبت سوره الم نشرح برای مهم بخواند

هر که را مهمی پیش آید و در آن سراسیمه باشد یا حاجتی روی دهد خواهد که بر آن مطلع شود که بر آورده می شود یا نه سوره اذا زلزلت را وقت خواب هفت مرتبه بخواند و بعد از آن بگوید یا ملائکة ربی بحق هذه السورة و من انزلها و بحق من انزلت علیه و بحق اسم الله علیکم و آیاته التامات کلها الا ما اخبرتمونی بحاجتی کذا و کذا و ذکر حاجت و مهم نماید بدرستیکه آنچه طلب نموده در خواب بدو نمایند سنف

از شیخ بهاءالدین محمد نقل است که هر که سه روز روزه بدارد هر روز سوره والشمس سه هزار بار بخواند و در روز سیم ظرف زرعی که تازه سفید کرده باشند درپیش خود گذاشته

صد دینار نشان نموده در میان ظرف انداز و سر ظرف را بپوشد و هزار بار دیگر سوره را بخواند
این دعا را هم شصت بار بخواند و بر آن ظرف دمد اما بشرط نظرف نگاه نکند و بعد از آن
که تمام شود وقت طلوع آفتاب صبح ببیند که آن صد دینار را هزار دینار شده است
این صد دینار را که نشان کرده بود در میان ظرف باشد باقی خرج نماید آن هزار دینار را

اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم جعل هذا لدرهم الفا بحرمت ...

اگر کسی خواهد از دست ... نماید این اسما را بر ... بنویسید آن کس که مال دارد بدهد

عح عح عح مح لح لح لح لح لح

[illegible]

اگر کسی خواهد که بداند بر عیال حقه دارد یا نه نام و نام مادر او بحساب ابجد صغیر
شانزده شانزده طرح کند اگر جفت بماند حقه ندارد و الا حقه دارد

باب امام رسل فرموده که هر که این حرفها را با خود دارد در شب خواب نکند ...

ک طاع سه هو ... ه

اگر خواهی کسی در خواب ببیند این طلسم را بنویس زیر بالش نهد
این است مجرب است

و	ی	ع	ر	۸
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در علم ... خواهد که ... بنویسد ... کلمات ... بنویسید
... یا راحیل شراطیل مسوا طیل باب

نقل است از شیخ شهاب الدین محمد ...
که هر که بر این مهرها نظر کند در نزد
خلق عزیز گردد و محتاج خلق
نشود مجرب است

هح هح	صح هطط	هح هح هح
هه هه ۸هه	طلح	مطح

هر کس در عمر خود یک بار این شکل را ببندد هرچه از خدای تعالی بخواهد و آیة الکرسی و قل

هو الله احد بخواند از حاجتی بیابد ||| ااا ⊖ هس ۸ ۸

اگر کسی چیزی خواهد بدهد این اسم را پنج مرتبه در وقت خوابیدن بخواند بخواب

رود علی الصباح اکثر قضاء حاجت دائمی خواهد کرد اسم اینست یا وخنیمیا

اگر سوره والشمس را پنج مرتبه در اول وقت به اهل نیت بخواند اهمان حکم دارد

اگر کسی این سه اسم را بر ناخن ابهام دست راست بنویسد و در زیر سر گذاشته بخواب

رود آنچه خواهد از احوال غایب وغیره در خواب به بیند و آن سه اسم اینست

مشموح يكوح مشرقح

اگر کسی این پنج اسم را بترتیب ناخن از دست راست نوشته در زیر سر گذارد بخواب رود

روز غایب یا کاری در نظر دارد مطلع شود انادین قوامیص موحص سوحص مسیوحص

ادعیه لقضاء الحوائج چون شخص متوجه کسی شد که هیچ چیز دفع آن نتواند مبتنیه

در مکانی خالی رو بقبله کند و با کسی سخن نگوید و هزار بار بقصد قضاء آن

حاجت بگوید اسم را یا مغیث اغثنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم

یا صاحب المهدی واسمع اغثنی بحق آل طه ویس

از امام جعفر صادق (ع) روایت است که اگر راه گم کنی بگوئید با صفا و کامل

یا ابا صالح یا ابا صالح ارشدنا الی الطریق براه باز آید

هر که بر آمدن حاجتش یک هفته این آیه را که ان الله و ملائکته یصلون

علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما بخواند

رو بقبله بدو زانو با ادب بنشیند ۱۰ هزار مرتبه صلوات بر رسول و آل او

فرستد هر مرادی که داشته باشد بر آورده گردد بحول قوة الله ان شاء الله مجرب است

روایت است از حضرت رسول که هر کس شبانه روز صد بار این دعا بخواند حاجتش مستجاب شود مجرب است. بسم الله الرحمن الرحیم یا کثیر الخیر یا ذا المعروف یا قدیم الاحسان احسن لنا باحسانک القدیم برحمتک یا ارحم الراحمین

طریق ختم فرمودن بهر مدعای شروع چهار روز در هر روز چهل یک بار بخواند و اگر یک روز یک مجلس خواند بمطلب برسد باذن خدای تعالی و هر مرتبه این دعا بخواند یا چهل یک بار بخواند یا مسبب سبب یا مسهل سهل یا مفتح فتح یا متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین

از برای حاجت پیش کسی رفتن این دعا را در دست چپ بنویسد در پیش آنکس بود لا ف ... سبب لا بد است و مع الله فند

اگر کسی خواهد کسی نگذارد هیچ جای نتواند رفت بنویسد این شکل را در زیر سنگ یا در میان مصحف بگذارد دانسته و این دعا مجرب است مانند نیست

کهیعص

در بیان جامه بریدن هر که روز یکشنبه جامه برد تنگ شود چندانکه آن جامه باوی گرفته دل تنگ شود. هر که در روز یکشنبه جامه بر دارد گفت و که فدای نیابند و غم زده گردد هر که در روز دوشنبه جامه ببرد چندانکه آن جامه باوی بود خوش طبع و خوش باشد و مبارک گردد هر که در روز سه شنبه جامه ببرد تنگ شود و سر بسته گردد باشد مگر آنکه آن جامه را جدا کند هر که در روز چهارشنبه جامه ببرد مبارک بود از کارش عزت آید و خوش حال شود هر که روز پنجشنبه

جامه برد عقلش و شعورش شود زیاده شود آن جامه بادی بیع پیوسته با عزت باشد

هرکه روز آدینه جامه ببرد بدوزد فاز پوشی بغایت نیکو بود و هشت شاد و خشنود باشد

منقول من عدة الداعی قال النبی من قرا هذا الدعاء قبل المطا
لعه عالما البته ومن شک کفر و هو هذا الدعاء اللهم
اخرجنا من ظلمات الوهم واکرمنا بنور الفهم اللهم افتح علینا خزائن
علمك برحمتك · یا ارحم لا حمین

روایت است از امام صادق ع که بهر مقصود است که این کلمات را بخواند البته حاصل شود
یاالله یاالله یاالله تا آنکه نفس بریده گردد یارحمن یا رحمن بمثلها یا رحیم
یا رحیم ایضا مثلها یا ارحم الراحمین بمثلها پس حاجت خود بدل گذراند و صلوات
بر محمد و آل محمد فرستد از برای حصول علم و حافظه بدین دعا مداومت نماید سبحان من
لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوا
ع العذاب سبحان الملک الرئوف الرحیم اللهم اجعل فی قلبی نورا و بصرا و علما
وفهما انك علی كل شیئا قدیر

من قراء هذا الدعاء ثلث مرة کان عزیزا مکرما بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله ایمانا بقدرته لا اله الا الله اقرارا بربوبیته لا اله
الا الله اخلاصا التوحید لا اله الا الله خضوعا لعظمته لا اله الا الله حذرا
من غضبه لا اله الا الله شکرا لنعمته لا اله الا الله لا نشرک به لا اله الا الله
وحده لا شریک له لا اله الا محمد رسول الله لا اله الا الله کل شیئا
هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون و صلی الله علی محمد و آله

طیا فبارک فیه انت علی کل شیٔ قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر کسی مهمی پیش آید و در تدبیر او عاجز باشد این هفت نام را بر هفت برگ
بید بنویسید و در کرباسی بپیچید در زیر سر نهد کار او صورت گیرد و معلوم شود انشاالله
الماه لهاه وطهاه الماه لهاه المیسور المطور او
رو طهاه اللهم یا لطیف ادرکنی بلطفک انا متحیر
وانت الغنی برحمتک یا ارحم الراحمین وسلم تسلیما

طریق ختم آیه کریمه ابتدا از روز جمعه یا یکشنبه اول باید غسل کند اول باید
غسل کند بعد از نماز صبح دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در ابتدا بعد از نماز
صد مرتبه صلوات بفرستد و صد مرتبه ع سوره بگوید متصل بهم بگوید هرگاه خواهد توقف
بکند هیچ مضایقه ندارد و در وقت بنا بوی خوش بگذارد کندر یا نبات بسم الله الرحمن الرحیم
و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث یحتسب
ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جعل الله لکل شیء قدرا تا یک صد پنجاه مرتبه بخواند و بعد از تمام صد
مرتبه صلوات بفرستد تا چهل روز روز چهلم نوزده مرتبه علاوه بخواند و از ابتدای خواندن
تمام اوقات بوی خوش باید بگذارد حاجت او مطلب شرعی باشد انشاالله بر آورده باشد

برای تسخیر این هفت اسم را هفت پاره کاغذ بنویسید در آب روان اندازد
[illegible] یا حنان یا منان یا دیان یا سلطان
[illegible] یا مغنی یا ارحم الراحمین سخر لی فلان ابن فلان

از برای دشمن بنویسد از باد بیاویزد بر طرف شعله یا حوح ب ثاث اد
مد یاله یا ملا جوم ثامد الـ کن یا ندلح ایا الآح اح

از برای حاجت پیش از طلوع آفتاب بنویسد در آب روان اندازد حاجتش
برآورده شود بسم الله الرحمن الرحیم لاحول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم بسم الله الملک الحق المبین بین القلب والذلیل الی
الحول الجلیل رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین.

از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که مطلبی باشد در خانه خالی بنشیند
بوی خوش بسوزاند و بیست و پنج بار سوره الهاکم التکاثر را بخواند بعد هزار
بار صلوات بفرستد سجده رود و مطلب خواهد ان شاء الله در حل مطلب مجرب

هر که سوره الهاکم را بعد از نماز صبح چهل نوبت بخواند یا سه شنبه یا چهارشنبه توانگر شود

هر که شب آدینه پیش از نماز صبح دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام سه نوبت
سوره یس را بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد ملائکه هزار او رد امیق

از برای هلاک کردن دشمن بخواند بر کوزه آب ندیده که هنوز آتش را تمام کند بعد کوزه را بر زمین
زند بشکند دشمن هلاک شود بر شکستن اللهم شتت شملهم و فرق جمعهم و تبب
حدهم و خیب بنیانهم احوالهم یا قهار انی مغلوب فانتصر بحقک

از برای انواع دشمن بیاورند هفتاد و هفت سنگریزه از قبرستان و بر هر سنگ یک
مرتبه سوره والسماء والطارق را بخواند در خانه دشمن اندازد و یا در قبرستان دفن کند دشمن او

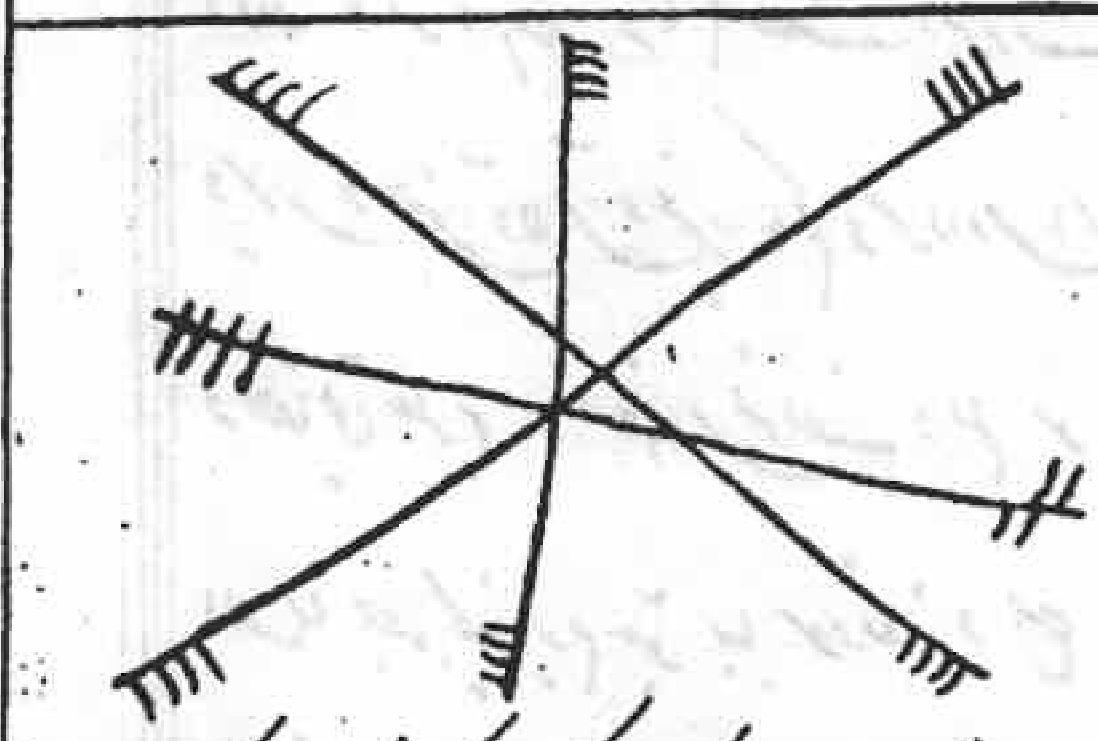
هر کس سوره روم را کتابت کند از اول در شیشه زجاجی محکم کند بعد از آن شیشه را سر بسته در گرد و در
منزل دشمن دفن کند هر که در آن منزل است بیمار شود و اگر این سوره را با آب باران بشوید بدان آب

قدم مرغ خانگی با سلط سیاه کوبیده بست الابواب کند و بر رشته باشد بر بازو بندد کسی او را
نبیند سیح بیاورد بر سال خورده ودیع بکند و خون او و مغز سر او و از او چشم بهم امیزد و
و در سایه خشک کند و بگیرد و بدوزد آن در کهنه کتان یا کرده بنهد رشته کتان بر بازو
بندد   مراد   ه صب   شف

اگر خواهی کسی را در خواب ببیند این طلسم را نوشته زیر بالش نهد طلسم مجرب است

ف	ی	ع	ر	۸
مس	۹ ۹ ک	۳	ر	حی

اگر خواهی تمام خانه آب باشد یک قدر پیه الاغ سیاه و یک قدر پیه گرگ آن دو هم بیامیز
داغ بکن و در عدد چراغ بکنی تمام خانه آب باشد   مجرب است



اگر کسی این شکل را بسوزد و خاکسترش را
در خانه کسی اندازد در دم نفاق
بهم رسد و هر چند تواند که این عمل بکند
که مجرب است و شرح بسیار است
اما مختصر کردم که شکل این است

الفرح الاقالم   اگر خواهی که مجموع اعمال را بدانی که در کجا می گذارد و هر کسی پیش
تو آید چه حاجت دارد و از برای چه می آید و والده چه نام دارد و پدر وی چه نام دارد و کی بیرون
رفته و زنده است یا مرده و اولاد چه نام است و او شب در خواب چه دیده است و کرده است
چه کار روز به چه صفت نان می خورد و کدام علم میداند و چند زر دارد و مال وی در کجا است

ودفینه ورکی و فی ست است این جمله که گفتم ازین تسخیرست [illegible] و بعد از آن
باید که سوره قل اوحی الی هر روز صد نوبت بخواند و در مدت هفت روز و
روزه داری و اگر حیوانی نخوری بهتر باشد و بخورش اینست پوست خشخاش
وگل انار خشک و زعفران صندل مریخ بکوبی و بسوزی چون روز هفتم بر سر آ
خر و خطی بر کشند نزد خود و در دل خط بنشینند و این عزیمت بدان که عزیمت
سه بخوانی هفت کس پیدا شوند خوش قدر خوش رو و خوبروی و با جامهای قرمز
و ردای ملون در بر نمایند و بر تو سلام کنند بر فرمت کن و بپرسی بنشینی
که شما ترا چه می باید بگو مسخر شدن شما و خاتم شما ایشان هفت خاتم بیرون
آرند و بتو دهند و نام ملک و بزرگ ایشان طلهوش بود و بر جمیع دیو
و پری و جنی ولایت و غیره حاکم و سرداری باشد و از کافر از مسلمان در جمله و کافی
دحقایق علوم و صفهای شریف و علم موسیقی و طب و حب نقص و معتقد
الالها جمله بگیند پرم بتو بیاموزند و هیچ چیز بتو پنهان ننمانند و ایشان
در خدمت تو بر سر برند و هر چه فرمائی چنان کنند و این تسخیر غایت
عظیم است فاما زنهار که خاتم بکسی ندهی و پنهان خوب نیست این مختصر
کردم فاما درویش صاحب عمل آسان باشد و زود بمدعا رسد و عقلا و فضلا
ما فی دانند که ملک چه قدر بزرگ است چون بهمت ناید بدهند و معلوم

یا قطموع علیشا یا رصیشا یا مبشا یا منجیشا . بحقک یا آدم

دای امر محتاج به تجربه رسیده است ... هم در الحک بگرد و در ... H
۹۴ ... و ... ۴۶ ... دد ... H ۵۹۴ هرجا که رود
نگردد و نبندند در خواه شب خواه در روز روز این تجربه رسیده است ان شاء الله

هم در اکثر بگرد ... H د و پوست انها را بکنند و پوستهای ایشان را
نمک پاشیده کند بدستور پوست گوسفند و دباغت کند و بر هر پوست این نوع
اشکال بنویسد و آن پوستهای را برای قالیچه که از کاغذ ساخته باشند بر سر نهد و هر جا که رود محفوظ باشد

۳ ۲ ...

السمکو ... لسملم ... ح

جهت اگر خواهد کسی اولاد خود را بداند در وقت خوابیدن ده بار سوره انا انزلنا
بخواند و سه زنبت یا حی یا قیوم بگوید و این طلسم را در دست راست
بنویسد و در زیر سر خود نهد در خواب معلوم شود طلسم این است
۸ ۱۱۱ ۶ ۱۱۱ ۶ ۵ ۱ ۷ ۹ . ۹ ...

از برای ... زن ... بنویسد هر روز ... بادام ... بخورند

(۲۱) (۳) ... (۲۱) ... (۴) ...

باب هر کاه حامل بگرد ۴ ۶ ۳ ۸ ۱ اگر دو با ... بکش و در زیر خاک دفن کن

تا آنکه نکیده بوده باشد و استخوانهای او را بجای جمع نموده در کنار رود خانه بنشاند و آن استخوانها را یک بیک رو بقبله مثل شخص کن هرکدام که رو بسایه دارد و آنکه هر کدام رو بطرف غروب آفتاب و یک سایه بطرف آمدن آفتاب امان جهت عمل نماید که بهتر

ح H ب ع ه ۲ ۱ ۳ ... ۲۰ ... ۴

در پیدا کردن دزد کلمات که نوشته با آب بشوید هرکه گمان داشته باشد بخوراند اگر دزد است شکش درد کند اما بر او نماند ا تمخیا آهتا شوا هتا

از برای احتلام در وقت خواب زنان سه مرتبه بخوانند دیگر احتلام نمیشود مجرب است می القلب و لتوا یب انه علی رجعه لقادر و تبلی السرائر

رعد اثرات بنویسید و همراه کرده ع ۱۱ ۴۹ ط ط ۹۹ ع ۱۱ ۴۹ ط ط ۹۹

زیادتی متاع بنویسید و در میان متاع گذارد ۱۱ ر ۱۱ ۱۱ ۵ ح ۹ ۱۱۱۱ III لک ا ا ه لا

از برای هیبت و شجاعت بخوانند در یک هفته بنام دشمن هیچ هفته تمام نشود الکنی رکو... اگر بخوانند دشمن بمیرد با طهارت بنویسد یا مذل کل جبار عنید بقهر عزیز سلطانه یا محب

از برای خواب بند اگر خواهی خفته بیدار نشود ۱ آیه را ۹ بخوانند بر خاکستر بریزد بالای خفته بیدار نشود آیه این است و جائت سکرت الموت بالحق ذلک ما کنت منه تحید

هرکس این آیه را بر کف دست بیمار بنویسد و صحت صبر کند اگر بیمار خنده کند شفا یابد اگر گریه کند بمیرد هلالا کلاله مطم قل لمن

هرکس دعای طلا بنویسد بر کمر ببندد اگر با صد زن مجامعت کند بر قرار گردد مجرب است

صح بلسلس طوی هاء هتاء سحا سحا عجباً عجباً

ooo طا ا ا ۳ ۱۱۵۹ دم ۱۱۱۱ ۱۱۱۳ ۱۱۶ ا ۱۱ ع ط ط ۳ ۱۱ و ۱ الله

الله الله الله الله الله الله کو ۱۱۱ ۳ ۱۱۱ ۱ ح

اط ۱۱۱۹ ۸ ۱۱۱ کی ۱۱۱۱۱۱ ۹ ۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ع ۱ اللهم صلّ علی محمد

اگر خواهی دل کسی را ببندی این طلسم را بنویسد با جوز لبه در زیر آتش کند مجرب است

۱ ۹ ح ۹ ۱۱۲ ۲ ۳ ۸ خم

سیصیب الذین اجرموا صغار و عند الله و عذا

ب شدید بما کانوا یمکرون بستم فلان ابن فلان دربیان

حروفرا بر بسته نوشته کند یا مصلهلطلهلع

تمام

اگر خواهی دل کسی را ببندی بنویسی این طلسم را بر قبرستان کنده دفن کند دل بسته گردد

چنطا بمقد معاذا ار بطها بدل هدا ابجر عنه بحو هند

طلمات ل ع ۱۱۱ ط ۱۱ ۱۱ صلح هی و ط ۱۱۱ ح سح ح ح ح ح ط ط ۱۱ ۱۲ ۱ ۲

جهت دانستن احوال بیمار پارچه کاغذ بنویسید بنام بیمار بنام مادر بیمار در قدح آب

بیندازد اگر بزیر آب رود بمیرد اگر بر سر آب بماند دور کند الکرمالای

بمند سحت بدیدی ۹۹۹ صاح و هم رغشا عشا سطرطا کوح رمیمه ۱۱ عدد ا عدد دل ۱۱۲

جهت مولای پیدا کردن دزد بر گردن گوساله ببندد این دعا را هر کس که دزد باشد

بر پشت گوساله دست زنند هر کس که دزد است گوساله در وقت دست کشیدن فریاد کند

بسم الله الرحمن الرحیم و ان یحت العجل سینالهم غضب من ربهم

دیدنه

وزینة فی الحیاة الدنیا و کذالك نجزی المحسنین

۱ ۳ ۱ ۲ ۱ ۲ ۱ ۶ ۱ ۲ ۳ ۲ و ۹ ۱ ۴ ۱۱ ۳ ۱ ۵ ۱ ۳ ۱ ۴ ۱ ۱ ۳ ۱ ۵ ۱ ۴ ۱ ۴ ۸ ۴ ۴ ۳

الفاً برنان بنویسید بر هر کس گمان دارد بد بهد بخورد در گلو بماند

از برای خواب بند اگر خواهی کسی را ببندی در قل یا ایها الکافرون هشت

عیب دارد بیاورد روده مرغ سیاه را قل یا ایها الکافرون را بر آن بسم الله بخوانند

و بر سر هر عیب رسید بگوید خواب فلان ابن [illegible] را بستم بحق فلان خودم

یاد از برای فلان هشت گره بزنند و وقتیکه تمام بزند بگذارد و در شیشه کوچک

سرش را کند شیشه را بجای اینکس دفن نماید چند دفعه بتجربه رسیده است

اگر خواهی کسی را ببندی بیاور یک قفل آهن و چهل یک بار قل یا ایها الکافرون بخوانند

و بدمد بر آن قفل بگوید بستم کردم بستم بستم رگ فلان ابن فلان بمحبت فلان ابن فلان

قفل را در آب اندازد مادام قفل در آب است بسته شود بسیار بسیار مجرب است

اگر خواهی کسی را ببندی طاس را پر آب کند هفتاد بار سوره الحمد را بخوانند و

هفت بار سوره قل هو الله را بخوانند و صد بار صلوات بفرستند و طاس را سرنگون

کند و سنگی بر سر آن طاس نهد بگوید بستم خواب فلان ابن فلان بدست فلان

اگر خواهی احوال کسی را بدانی احوال بدست او ابن اسم را بر دست بنویسید بخواب رود در خواب

جهت گم شدن هر که و چیزی گم شده باشد باید این آیه را بر کاغذ بنویسید و نام اشخاص که گمان داشته باشد بنویسید در آب آب اندازد هر که دزد است نامش بالای آب ماند

بسم الله الرحمن الرحیم و اذ قتلتم نفسا فادارءتم فیها والله یخرج ما کنتم تکتمون لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیتا و رقا سجدت لک یا رب تعبدا

در پیدا کردن دزد کاسه گردان این دعا را در میان کاسه چوب بنویسید و هیچ کار نکرده و در پشت کاسه فرو کنند و دو کس هر که گمان دارد در کاغذ بنویسید و در پشت کاسه بنهند و دو نفر روبرو انگشت شهادت مسح کرده و سوره اذا زلزلت و ما آخر و سوره یس تا لا یبصرون بخوانند با اسم دزد کاسه بگردش دارد و دعائیکه در میان کاسه بنهند است السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله محمود فی کل فعاله

۲ ۲ ۹۹۹۱۱۲۶۱۶۱۶۱۱ ۹۹۱۱ ۵ ۹ ۱۱۱۶۶۶۶۶۹۹۹۱۱۹۱

۱۵۵۱۵۱۵۱۱ و ۳ لیس بحق محمد رسول الله و علی ولی الله

اگر خواهی که مرد با زن پیوند نشود بیاورد چند دانه کار نکرده هفت گره بزنند و بر هر گره یک بار این دعا بخوانند قالوا یا ذا القرنین ان یاجوج و ماجوج مفسدون فی الارض فهل نجعل لک خرجا علی ان تجعل بیننا و بینهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در سینه چهل چهار پاره القرآن و سه صدیقه بنهند پیش رجال و رکهای بر

ذکر فلان بن فلان بستم بحق توراة موسی و انجیل عیسی و زبور
داود و الصحف ابراهیم و فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه و آله

هر کس را که این حرف را بر کف دست حرف بنویسد بر بندد هر کس ببرد دست نتواند بر آورده شود حل ۷۸۸

اگر خواهی زبان کسی را ببندی هر جا او نشسته باشد همان گل را گرد آورد برد و هفت
مرتبه سوره یس را بخواند بعد از آن بر دیوار خانه بزند که آفتاب نتابد خشک شود زبان آن
کس بسته شود اگر خواهد باز کند همان گل را بر آب اندازد و روشن شود

اگر آب باران را با عسل شربت کند بخورد درد شکم ساکن شود

باب از برای شناختن نحس و سعد

از کتاب علویات و از کتاب شیخ بهائی که هر کار خواهد کرد این رساله اول اسم
شهری که بر آن مقام داشته است و یادگار ساخته است نام مردان از زن بر سند
و شرط آنست طالع و سعد و نحس معلوم کند و بعد بنویسد و موافقت طبیعت
خاکی در آتش باشد بنویسد در آتش دفن کند اگر در خاک باشد در خاک دفن کند اگر در آب
باشد بنویسد بر آب اندازد و یا آتش بگذارد اگر در باد باشد بنویسد بر باد آویزد در حال
حاصل شود بخلاف نگردد در حساب ابجد صغیر نام مرد نام مادر مرد به دوازده طرح کند بعد باقی مانده
خانه مجرب است

باب حمل

... طالع حمل باشد خواهد ... بر ... حرف بنویسد ... نه ... بنویسد بر آتش نهد و آتش افند در حال برابر
الوهد المحب الجمع الطریق الساعه الحق الحق و ایها الرجا
للواها الاحا ط‌ط‌ا ۸ ۱ ۶ ۹ ۱ و ا و ۷ ط ۰ ا ۰ ه ص و د د ا ه ا د ا ه ا ه
هدا هد اهدا هدا الهوا ح ا ه ا ه ۹ ا ه ه مه مه مجامعه

از برای ترنیج دیگر طلسم برتخم مرغ سیاه بنویسد بعد از ان در آتش
اندازد فی الحال مهربان گردد هرکس تنگ آورد کافر گردد نمود باید
بشرط درساعت خوب باشد اینست ک طا ۱۱۱۱ ۲ ۱۱۱ ط ۱ ۸ ۱ ۲ ۱ ۱ ۱
سعله ک ۱۱۱۱ ی ط د ط د ک ۱۱ ل ک ۸ ۲۱ ۱ و
سله حاط م طدسلمعلم با مهح هح هی
هحو هی الساعه

از برای ترنیج بنویسد در زیر سنگ دفن کند مجرب است
۸ ۱ ۱ ۸ ع ۶ ۹ ۹ ۹ ۹ ۸ ۱ ۱ ۸ ه ۱ ع ع ط ع س ۹ ۸ ۹ ۸

از برای ترنیج بنویسد در گور کهنه دفن کند مجرب است

صاد	۸	۷	و	ا
ح	ح	الا	۵ ۶	ه
و لله	۲۱	و ۸	۵	۵
ور	ای	۲۱	وم	کلول

ناری هه ع ۱۹۴ رضا ۰۰ سو عنا

از برای ترنیج بنویسد هفت بار بکاغذ بر هر کاغذ هفت دانه
فلفل سیاه بنهد بسوزاند هفت زبت معشوق بر قرار گردد مجرب است
سمعی سمعی سمعی سمعی سمعی العجل العجل العجل
الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا
النار النار النار

از برای ترنیج بر پوست نارنج بنویسد و در آتش تیز اندازد
گر انکس بنوع تبقرار گردد اگر خانه با آشنای باشد حاضر گردد

سـ بـ مـ ماعا ليهيو مس برايسا اعسطواعى
هواب يايها هلا هيا هيا هيج هيج هيج هيج
الساعة الساعة الساعة الحل الحل الحل الحل
علا علاسلعلكلا لو كاه مس كوص الحريق الحريق
الحريق النار النار النار النار هيا هيا هيا
الحل الحل الحل ند و يبى فلان ابن فلان ملوحب فلان ابن فلان

از براى پرهيز كه عنك سنك بخواند روز يك شنبه بعد از نماز صبح كه قدرى از شب باقى شده باشد پنجاه مرتبه اين ايه بخواند باسم ابكنى و مادرش نام خودش و نام مادر خودش و در آتش ريزد چنان شود اگر يك ساعت اول او بند دوا كه بعد كه نمیداند
كعوا نبت وضرب لنا مثلا و نسى خلقه قال من يحى العضام ما بكل شئ عليم تمام

از براى پرهيز اگر خواهى كسى را آتش مبتلا بكنى اين دعا را بخوانيد بعد سيب بخ بدهد باو ديوانه گردد بسم الله الرحمن الرحيم ولقد كرمنا بنى
ادم وجعلنا فى السماء بروجا وزينها للناظرين
وحفظناها من كل شيطان رجيم بحقك يا ارحم الراحمين

از براى پرهيز هلال گويد اگر خواهى كسى را محبت دارد و محبت تو گردد چنانچه بى تو بى قرار آرام كفعو يك ساعت تو را نبيند ديوانه شود اين طلسم را بنويسد و با خود دارد و بى باو سدم كنند دهم بخشى
گويد در ساعت بى قرار بى آرام كفعدا نبت اللهم الهمح تمت

از برای محبت اگر که کسی عاشق بر قرار گردانی این طلسم را بنویسد در محراب ... بگرداند

از برای محبت بر اجگر بنویسد

از برای محبت میان زن و شوهر راست بنویسد هر سطر بپیدا شود بسم الله الرحمن الرحیم

طهوا ترن علیک ما لما لاما علموا لاما طاسا طلما ما عطا

مس حلف کلک ماست حمی الساعه الرحا الرحا

از برای محبت بر نمک بپا یا سفال آب نذیرا این طلسم را نوشته بنام مطلوب ... بر محبت هر کسی که خواهد آنرا برادر و فرزند مجرب است

از برای محبت بر ترنج یا خوردن یا بر گردن و یا میوه که خواهد بدهد

الحمد لله ببستم جانش بجان خویشتن رب العالمین

ببستم زبانش زبان خویشتن الرحمن الرحیم ببستم چشمش با چشم خویشتن مالک یوم الدین ببستم آرامش آرام خ

خولیشتی اهدنا الصراط المستقیم لبستم رلش بادل خولیشی صراط

الذین بستم دهالش بادهان خویشتن غیر المغضوب علیهم بستم تا بینی

بر پای خولیشتن ولا الضالین ایمن بستم هفت اندامش با

هفت اندام خویشتن بستم فلان را بنام فلان را با عشق و مهر فلان بنت فلان بحق هیئت از

الجد الجل الحل الحب الساعة الساعة الساعة روز ع بر تنها دو شنبه یا ادو بیکرا

اگر خواهی که زنی از محبت شوهر بی قرار گردد این طلسم را بر سفال آب

ندیده در روز یک شنبه در آتش اندازد ١١١ ١١٢ ١٢ ١١ ١ ١.١١ ٢ ١١ ٢٢ ١١١

اگر خواهی از عشق محبوب بی قرار شود بنویس بر سه پاره حریر در آتش اندازد بنام

هر که خواهی از عشق بیقرار گردد خاتم بعمر مطلوب ٤ ٢١ ٣١ ٣٢ هفت

٩١١ ٣١٩١٩٢١ ١٠١٢ ١٠١٢ ٣ ٨ ٤١ ٢٣ ١٢١٨١٣ ١ ع

باب دوره ... ب ... اگر خواهی هر که را با خود مشتاق سازی

این آیات را بر پوست آهو بنویسد و در روز جمعه و در وقت نماز و نام آن

کسی بر زبان راند و گوید آن اسمها را که عقب آیه مرقوم خواهد شد ابا شیث

ولقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه جسداً ثم اناب

قال رب اغفر لی وهب لی ملکاً لا ینبغی لاحد من بعد

انک انت الوهاب فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث

اصاب والشیاطین کل بناء وغواص وآخرین مقرنین

از برای محبت اگر خواهی کسی را از عشق شخص بیقرار گردانی بنویسد بر چهار پارچه
کاغذ و چهار دانه فلفل و سه دانه نمک و نبات بقراری باسم آنکس و مادر
اش در آتش اندازد هنوز او سوخته نباشد آنکس دیوانه شود مجرب است

طاااا۹ااا٥ااا٥ااا٥ااا٥ اا٥ طلاا٥ ااا٥ ااا٥ و ااا ۹ ۲

طاکاااا٥اااا٥اااا٥ ۹ ٤ طاا۹ اااا و ااا ط ااا ٥ ااا

از برای محبت بنویسد در آتش دفن کند مجرب است هم هم هم هم هم هم

صحوا قلب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان

ط اا ط ۹ ۸ اا ح ۸ ۸ اا اا اا ص

والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی العجل الساعة الی حا

از برای محبت اگر خواهی کسی را بر خود مهربان کنی چنانکه یک ساعت بی تو آرام نگیرد
این آیه را بر طعام بخواند و بدهد بخورد تا محبت او ظاهر گردد مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی وأتونی مسلمین ولولا
ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین والقی السحرة
الساجدین قالوا آمنا برب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

از برای محبت بنویسد در روز جمعه بنام شخص بنام مادر شخص در زیر آستانه
دفن کند تا عجایب ببیند ع ا ا ااا ے ا ۹ لاااا اا ۹ ا ۲ ح

از برای محبت سلیمان پیغمبر بر دختر کافر عاشق شد به علاج نخرآن کرد
جبرئیل بیامد این طلسم را بیاورد سلیمان بنوشت بر کلاه انداخت

و آبش شو باو داد در ساعت مطیع وی گشت مجرب است

۴۱۱ ۱۱ع ۱۱۱ع ۱۱۲ ۱۱دعو دم ط ۱۱۱ و الا ع ع ا د ه ه

ج ر ا د ا ۱۱۱ ه ه ه ۱۱۱ ۱۱۱ ۳ ع ا و د

محمد محمد محمد محمد

محمد محمد محمد | محمد محمد محمد | محمد محمد محمد

از برای محبت اگر خواهی کسی مطیع خود گردانی ریسمان قدری زه ملاح هفت گره زن در هر گره از پنج آیها بخوان گره اول غنی ما اغنی عنه لیه درگره دوم هلك عنی سلطانیه درگره سوم فغلوه ثم جحیم صلوه درگره چهارم اذا السماء انشقت درگره پنجم واذنت لربها وحقت درگره ششم اهیا اشراهیا درگره هفتم انا اعطینا ... آخر هفت گره بدمد و بگوید بستم دست و پای و عقل و هوش و هفت اندام فلان ابن فلان در محبت فلان ابن فلان و بی تاب کند و مهربان باشد بعد از آن زه را در زیر سنگ گران بگذارد که مجرب است

از برای محبت اگر خواهی کسی را رام خود گردانی نامهاش بر کاغذ بنویسد در روی آب اندازد و آبش بخورد و با کسی دهد مطیع گردد مجرب است

یا طیهوج یا طوف یا عنایا میسوسما ویلما اصغله

ونام مادر وحرف نام او ونام مادر او بر آن بنویسید بر زبان گنجشک ببندد و با نویسید تا ب

بشوند بر بدن او بریزد یا الله وغضب الله حی بعد جاء ال صبکا قال

رسول الله صلی الله علیه واله وسلم اعحوعه ٥ ع سح الا

۳ع ع ح ح ۲ و — طا مر و ح لا ۲ ۲ وا مر ع ۲

۴ ۲ ع ط ط ۲ ما سد ع ع ع — ٥ ع لا حی ع ۱۱ ۲ ع ع

۲ ۲ ۱۱۱ ۲ ع ۱۱ ۳ ما ۱ ع ۱۱ — الای وو ۲ ۴ ۱۱

بعون الله اله سح ۱۲ س ۱۱ ے ۱۹ صد ے ۱

[illegible]

یا کهیعص

۱ ۱۲۱ ۴ ع ۴ ۱۱ ۱۳ عو سم د [illegible]

از برای محبت ورره گذاری در پنهان کند زنهار مبعض حرام نکند بدر بجربه است

هر هر مو مه ۲ مسهله لها

محو م خسیسی المحل المحل الساعه الساعه الساعه الحج الاو

از برای محبت بکرد شانه کو سفند این حروفها بروی بنویسد زنهار بجهت

حلال بکنند از برای حرام نکند اگر از جهت زن باشد در گور کهنه مرد نهند

اگر از برای مرد باشد در گور مرد زن نهند و بگوید

مسن آ ع ۴	الومانی	صحر معر	دیج د	هـ ی بلی
م سحه ربح	۱۲۳۴	۱۱۱	عسسوید
عوید	اولثه	سحوه ما	وهر لا ۳

الاسماء ا ع المحل المحل الساعة الساعة الساعة

از برای محبت نوشته در رنگمار بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص وحم

عسق یا الله ن آدم وحوا احمعص هم یتلونهم علی قلوبهم

وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم والحمد

لله رب العالمین ۱۱۱ ۷ ۹ ط ۱۱۱ ۹ ۱ ۲۹ ۲ ۳ ۶ ۸ ۹ مهمه

سمسائیل بحق الله نوری علیک وبحق توریات موسی علیک

وبحق داود علیک وبحق فرقان محمد المصطفی علیک صلی الله علیه

واله وبحق صفاء والمروه علیک باسم فلان ابن فلان علی محبتی فلان وبحق ما

فاید باین دعا محبت از برای روا کردن مجرب است دعا اینست مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صلی علی محمد بعدد الاسماء الحسنی وصلی علی محمد وبارک وسلم علیه اللهم ارزقنا محبت ... یا الله یا رحمن یا رحیم ... برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر کسی دختر خواهد باو نمی دهند از برای رضا بهبای این دعا را بر موم گرد بنویسد ... بسم الله الرحمن الرحیم ... لا اله الا انت ... یا احد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام

اگر کسی دختر خواهد باو ندهند این طلسم را بنویسد و در زیر در دفن کند در حال دختر باو دهند مراد حاصل شود مجرب است

ه ۱۱۱۹ ۱۱۱۹ ۱ ۱۱۲۱۱ ۱۱۱ و ۱۱۱	۸ ۱۱		۴		۲۰	
ل و ۲۱ عل صعل و ط ۱۱۱ لا لل		۷		۱	سا	

محبت قلب فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان

العجل العجل الساعة الساعة الساعة

اگر کسی خواهد دختر کسی را بزنی دهند این طلسم را بنویسد در اجاق خود بنهد که گرم
آتش باو رسد تا عجایب پیش آید ٥ه١٥١و٣ ٨ ١١١١ع ١١٥ ٩ ٣ م ٢

اگر کسی دختر کسی را خواهد باو ندهند این طلسم را بنویسد و در آستانه ایشان دفن کند
غیر از او به هیچ کسی نمی دهد مجرب است.   بسم الله الرحمن الرحیم

١١١ ط ٢ ٢   ١١١   ط ١   ١١١   ٢٢٢٢٢   ١

قدری خاک از قبر کهنه بردارد و سوره مبارکه یس را یک مرتبه بر خاک بخواند و بعد از
آن خاک را گل کند بر در خانه ایشان بچسباند تا عیب ببند عقد را باطل کند مجرب است

از برای حب دختر بنویسد بر برگ خیار در کنار دفن کند با اسم او دفن کند
١٨١٩١١١٦١٩ ط ند س   ط ٤ ١١١ ج ١٩١ ٩ ١١ ط ١١ ١١١٩ ط ٩
و١٢١١ ٩ ١٥ ٨ ٥ ١١٥ آ ٢ ط ٩   ه ١١٥ ٢ ٦ ١١ ٦ ٦ ٢ ٤ ٤ / ١١ ٢ ١   ٢

باب بعضی دعاها و دواها

باب دانستن احوال زن حامله پسر است یا دختر پنبه را با سرکه آن زن
حامله تر کند اندازد بر آب که در ظرف باشد اگر بپاید رفت پسر است اگر دراز دختر

نوع دیگر اگر شیر زن حامله مثل مروارید بر روی شیر باشد پسر است
و اگر پراکنده باشد دختر است ریختن بر شیر هستند علامت خطی نمایند

الحاق: بخط حفظ زن حامله اگر زن بر جماع بسیار راغب
باشد دختر است اگر رغبت نباشد پسر است

اگر زهره گاوسرا با روغن سوسن زنا بخورد فرجش تنگ باشد

اگر کس زهرهٔ گاوسرا بر ذکر مالد ذکرسرا قوی کند این مجرب است

هر زن زهرهٔ مرغ سیاه را بر موی حنف مالد در میان خلقش عزیز شود

از قرار نوشته بودند اگر کسی زهرهٔ گربه سیاه را با سه زهره زهرهٔ مرغ سیاه
بسایند با سرمه در چشم بکشد جنیان را به بیند و هر چه خواهد پرسند

اگر کس را در چشم سفیدی بود بایستی صدف را بسوزانند خاکستر آن را در چشم بکشد نافع است

اگر کسی را سفیدپیشی برون بیاید مویز سیاه را با پوست پیاز
بجوشانند بر سر پنبه نهاده شافه را با حنف کرد نافع است

از برای درد پیشانی آب پیاز را تو در بینی چکانند به شود نافع است

هر کس سر خروس را با گل خشک بکوبد سحوق کند با قدری ملک بدهد محبت زیادتر گردد

هر کس موی ظریف را مقراض کند با گندم آمیخته در طعام کرده محبت پیدا شود

هر کس گرد را در خانه دود کند کژدم بر طرف شود سرشیش در خانه نماند

محبت قوت جماعت دل بدهد را خشک کرده ساییده با شکر بخورد نافع است

از برای ترش و تلخی ... زنیب به علف و ذوات بدهد نافع است

از برای درد سینه که درد میکند اینها را جوشانیده بخورند در
قدر سه یک مثقال بنفشه سه مثقال نبات سه مثقال رب ریوند یک مثقال

نسخه حب مروارید همیش کوسها بالنصا مجرب کرده است با او ماش داود

حب بخاید مروارید ناسفته ده مثقال بسد مرجان ده مثقال گل داغستان

ده مثقال بسد مرجان مروارید از آنها هم ده مثقال بگیرد نیلها مثقال زرشته م

کور شده است کهربا سعد م مثقال طب سوز هندی یک مثقال صمغ عربی یک مثقال

از برای باد یا آب در اندرون که بد باشد انها را جوش نیرها وسایشها بالای سفند جو

کرده هر جا که درد بکند بالای درد بچسباند زعفران م مثقال کافور م مثقال

صندل سرخ یک مثقال چودل یک مثقال گلاب قدر خیس نا نصحح

باب سیم باطل سحر

بسم الله الرحمن الرحیم قل قل سی جهان قل قل میان جهان قل قل پایان

جهان قل قل آخر جهان قل قل بحق هفت قل قل بحق نه قل قل یازده

قل قل بحق سیزده قل قل بحق پانزده قل قل بیست یک قل قل بحق سی ویک

قل قل بحق هفتاد قل قل بحق صد قل قل بحق سیصد قل قل بحق ششصد

صد قل قل بحق هفت صد قل قل هفت صد هفتاد هفت قل قل بحق

جمله که در قرآن هست در کتاب هست توراة وانجیل وزبور وصحف

وجمله یاد کرده و ش دیوان و پریان وجمله سحرها وجادوها کنند

ها وعقدها کرده اند یاد کنند باطل کردم کرده شان ناکرده باد

گفته شان ناگفته باد بحق این اسم اعظم سبحانک یا لا اله الا

انت یارب کل شیئ ووارثه بسم الله از زمین تا آسمان

بسم الله از اسمان تا زمین بسم الله از زمین تا عرش بسم الله از
عرش تا کرسی بسم الله از کرسی تا لوح بسم الله از لوح تا قلم بسم الله از
قلم تا لوح حضرت رب العالمین بسم الله بنام زنان بسم الله بنام
مردان بسم الله بنام دختران بسم الله بنام پسران بسم الله بنام
جنیان بسم الله بنام پریان بسم الله بنام دیوان بسم الله بنام جا
دوان بسم الله وبحرمت آدم شیث وهابیل وادریس ونوح وهود
ولوط وابراهیم واسحاق واسمائیل ویعقوب وصالح ویوسف
وجرجیل ودانیال ویوشع وشعیب وداود وسلیمان
وایوب وموسی وعیسی وزکریا ویحیی وخضر والیاس
وحضرت محمد رسول الله صلی الله علیه علی المرتضی بحرمت
حسن المجتبی وحسین علیه سلام وبحرمت فاطمه وخدیجه و
بلقیس وزلیخا ومریم وحوا علیهما سلام وبحرمت امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه سلام وحضرت ائمه معصومین صلوات
الله علیه اجمعین وبحرمت صد بست چهار هزار پیغمبر مرسل
وبحرمت جمله انبیا و صدیقان و شهیدان و زاهدان
وبحرمت که هر هر نیکه در کلام مجید رب العزت هست باطل کردم
انچه پنهان کرده اند باطل کردم هر سحر یکه مده افکنست با

کرده اند باطل کردم هر سحری که بر پنبه دانه کرده اند و هزار عدد یا صد عدد
سیاه دانه کرده اند باطل کردم هر سحری که بر پوست آهو و پوست روباه
و پوست خر و موی سگ و گربه کرده اند باطل کردم هر سحری که بر فلفل و دار
چینی و مصطکی و حب و تخم کدو سنجد سبوس و مقل ازرق و دیگر
ادویها کرده اند یا کند باطل کردم بر برکت نوشته بدان سحر کند
باطل کردم هر سحری که بر نارنج و سیب و شفتالو و امرود و انار
کرده اند یا کند باطل کردم هر سحری که بر اقسام نعمتها و کاسها و
تنغها کرده اند یا کند باطل کردم هر سحری که بر خردل و وسمه و
حنا و زاج و مازو کرده اند یا کند باطل کردم هر سحری که بر
سنجیده کرده اند بازا بخشند یا پیش آتش دفن کرده اند یا
کند باطل کردم هر سحری که بر زیلو و جامه خواب و لحاف و بالش
کرده اند یا کند باطل کردم هر سحری که بر زیر حمام انداخته ا
ند باطل کردم هر سحری که در آستانه دفن کرده اند یا کند با
طل کردم هر سحری که بر دنبه و سوزن و نمک و پاره آهن
و بند سرا خویش و بند زیر جامه و موی سر او بسته کرده اند
یا کند باطل کردم هر سحری که کره و کپک و هر سحری که بر تن و جامه
و جان و صاحب این تعوید کرده اند یا کند باطل کردم هر سحری که
در خاک هشت مجد و خاک سه شهر و چهار راه کرده اند

کرده اند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بر استخوان گربه و موی گربه و نا
خن و شیر و چشم و دل و جگر خوک کرده اند یا کنند باطل کردم هر
سحریکه بر بند و زرد و سیاه و کبود و سرخ و سفید و ازرق و
زمردی کرده اند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بر پشت شیر و کرک
کرده اند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بر روغن کنجد و بر زرد نفط سیاه
و سفید و روغن پنبه دانه و روغن گاو و خایه مرغ سیاه درکوی
نقاع کرده اند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بخون کنجشک و زعفران
نویسند و تعوید کنند باطل کردم هر سحریکه بر کرباس و حریر نویسند
باطل کردم هر سحریکه بر فلفل سیاه و سفید کرده اند یا کنند باطل کردم
هر سحریکه بر تن جان صاحب این تعوید کرده اند یا کنند باطل کردم
هر سحریکه بر دارها کرده اند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بر دیوار خانه
فرزند بر چهار راه فرو زنند باطل کردم بر خشخاش یا نعل اسب
و نعل که بر زنجیر بر هم پیوندند و بر آن سحر کرده اند باطل کردم
هر سحریکه ببوی مشک و عنبر و بهر نبات و غیره کرده اند یا
کنند باطل کردم هر سحریکه باستخوانها و برگها کرده اند یا کنند
باطل کردم هر سحریکه بر تن صاحب این تعوید کرده اند یا کنند
باطل کردم هر سحریکه بر نگین انگشتر نویسند و هر سحریکه بر نقره
و طلا و عقیق و سیم و آهن و مس کرده اند یا کنند باطل کردم

هر سحر یکه که بر آب مرده خوانده بر کفن مرده کنند باطل کردم هر سحر یکه که بر ب
خوانند و کلاب و انگشتری تعویذ خوانده اند و در دوی خانه فرو بر
ند باطل کردم هر سحر یکه بروغنی گل و زیتون کنند در آستانه فرو
برند باطل کردم هر سحر یکه بر آهن بر هفت جوش فولاد نوشته کرده
اند یا کنند باطل کردم هر سحر یکه که تن جان صاحب این تعویذ یک
بند یا کنند باطل کردم هر سحر یکه بر تن حجامه بر سوزن کرده کمان کنند
باطل کردم هر سحر یکه بر هدهد کنند یا کنند باطل کردم هر سحر یکه
بر استخوان همه جانوران کردند باطل کردم هر سحر یکه بر همیان
مرده و زنده کردند باطل کردم هر سحر یکه در اول ماه و میان ماه
و آخر ماه کردند یا کنند باطل کردم هر سحر یکه در اول شب در میان شب
در آخر شب کردند یا کنند باطل کردم بحرمت لا اله الا الله
محمد رسول الله علی ولی الله هر سحر یکه بده انگشت پای و دست
کردند یا کنند باطل کردم هر سحر یکه سیصد و شصت و شش رگ بند
و چهار صد و چهل و چهار پاره استخوان و گوشت و پوست و استخوان

ع	ی	م	س
۳۹	۲۱	۴۹	۱۱
۲۰ ۲۱	۸	۴۲	۴۸
۹	۲۷	۲۳	۲۰

و خون و حرکت و خواب من و جان
و حامل این تعویذ فلان زاده
فلان کردند یا کنند باطل کردم
و بحرمت این طلسم نوشته ا

هر سحری که بنا حرف ورذهاوی بنل پسنیه ودل وجگر وهفت اعضاء وجا
مل این تعویذ واین هیکل کردند یا کنند باطل کردم بحرمت یا
محمود یا الله فی کل قفا له وهر سحری که بر وقت وقت و پنهان و
اشکار کرده اند یا کنند باطل کردم بحق انبیا و اولیا و او
صیا و شهدا و فقها و فقرا و علما و حفاظ و عبا الله الصا
لحین بحق صد بست چهار هزار پیغمبر و سیصد و سیزده
مرسل وهر سحری که پسران آدم و دختران حوا بالغ یا نابالغ
وزن و مرد و پیر و جوان از مسلمان از کافر وجهود
و ترسا و لنوانی و یهودی و ارمنی و کرجی و کشمیری
و عرب و عجم و ترک و تاجیک و بلوچ و خلج و اوز بد و کا
بلی وری هفتاد دو ملت از خویش و بیگانه و دوست
و بیگانه و دوست دشمن کردند یا کنند باطل کردم
و بحرمت این اسم سبحانک لا اله الا انت یا رب کل
شیء و وارثه هر سحری که بر زمین ملکت و وقتی و خان و
باغچه کری دوستان پوده کهنه و سنگ و خاک و استخوان
کرده اند یا کنند باطل کردم بحرمت اللهم انی اسئلك
بانی اشهد انت انت الله لا اله الا انت الصمد الا
حد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد هر سحری که
بطلسم ودمی و بدی المحر و تیر نیزات و کاحیره و کفاله

کردند باکنذ با طل کردم هر سحریکه کرسفند و نك و صیمه و ارزن و جاوس

ودا سنك و اصنت و زرنیخ کردند باکنذ با طل کردم هر سحریکه بر وسمه

وحنا و زاج و سوهه و شراب دم کرده بروغن سمندر کرده اند باکنذ

با طل کردم بحرمت اللهم یا کهیعص یا حمعسق طه یس یا مالك

یوم الدین اللهم ایاك نعبد و ایاك نستعین الا اله الله تثیرا

لاهوی هر سحریکه و کرنز و ترب و زرده و شلغم و چوقندوی و کاسنی

و خیار و خربزه و هند وانه کردند باکنذ با طل کردم هر سحریکه بر

بادنجان و کلم و تخم اینها کردند باکنذ با طل کردم هر سحریکه بر بادام

و گردکان و پسته و بادرد و بانندق و آلبالو و هلیله و کیله کردند

باکنذ با طل کردم بحرمت این الجسم المهلم اله واحد لا اله الا هو

العزیز الحکیم و هو الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم یا

رب العالمین العالمین و له الکبریاء فی السموات و الارض و هو العزیز

الحکیم یا حکیم یا عظیم و هر سحریکه بر جوز و بر نبات دکر و تجبی

کردند باکنذ یا طل کردم هر سحریکه بر دنی نیاو بر مرمهاد خوم مکه

و مدینه و نجف و شهید و کربلا و سامره و مسجد کفنا کردند

باکنذ با طل کردم هر سحریکه بر گل ریحان و گل زرد و مریخ و سفید

بنفش و خشخاش و بلت چرب خشخاش کردند باکنذ با طل کردم

بحرمت این اسم بسم الله الرحمن الرحیم فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم سلام

قولا من رب رحیم و امتازوا الیوم ایها المجرمون یا صریخ المستصرخین یا ذ

لیلا للمتمردین یا مفرج کرب المکروبین و یا غیاث المغتمین ا

غثنی بیوتت القدیم لله الامر من قبل و من بعد یومئذ ا

یفرح المومنون بنصر الله بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز

الحکیم الرحیم و هو القوی العزیز هر سحریکه کردند یا کنند یا خواهند

کرد صد دوری کردم ودی کی داندم از جان تن و سیصد و شصت

و شش رگ و دویست چهل چهار پرکاله استخوان صاحب این تعویذ فلان

زاده فلان بفرمان خدای تعالی هر سحریکه بر پنبه دانه و پنبه سفید

و خودرنک و تخم و صوی و عناری و شلیغ و دارچینی و سنبل و بنفشه

سفید و زرد و کبود و ضمران و چوب و پوست نادن و حنای و سرف

و سوری و غوهی و ناردن و سفیداری و هیمه درختان که سحر بکه

کنند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بر گل گیاه دشت و چوب و برگ و

شمشیر و مورد و آبادیغی و کز و گلناری و غنچه که در صحراست کرده

یا کنند باطل کردم بحرمت ک ا لا ال ا ح ط ه ا ۲ ۹ ا ۸ ا م ا و م ر

ک ط ا ا ا ل و ا ۱۰ ا ا ۹ ع ۳ ا ا ۹ ا ۱ ۰ ح ۱ ۲ ط و و ا ع و و

العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه الوحا الوحا الوحا

هر سحریکه بر موی بدنه و موی بدید و عرق کل حسینی و عرقها همه کرده

ند یا کنند باطل کردم هر سحریکه بر آب کفک و سنگ و گل

سیاه و هفت دریا که و هفت چشمهار هفت حمای و هفت پل و هفت
جوی و هفت حمام و هفت کوره
و هفت قبر و هفت راه و هفت
رنگ و هفت کوه و هفت
چوب گزرند ماکنند یا حل کردم بحرمت

ن	ث	ا	ح۱
۳	لا	۸۱	۸۹
۱۰	۲۹	۹	۲۸
۹ ء	۵۹	۹	عا

هر سحریکه بر بالش و جامه خواب کرده اند یا کنند یا حل کردم هر سحریکه
بر کریه بر سر شیی بر سر کریه بر سر کت و غم کرش کردند یا کنند
یا حل کردم هر سحریکه که تسیرلی آدم و دختران حوا کرده اند یا کنند یا
حل کردم و دور کردانیدم از تن و جان و هفت اندام و سیصد و
شصت و شش رگ دو یست چهل و چهار پاره صاحب ا
ین تعویذ بحرمت علی و فاطمه
حسن و حسین و بحرمت کهیعص
و حمعسق و بحرمت ایا ا
طلسم مبارک که ا ست

۲	۸	۹	ح
ب	ق	ع	۴۲۴
۴۲۱	۳	کا	۸
۳	۹	ء	۱۲

۱۴ ۱۴ ۱۱۰ ع ۵ ۱۲ صمص ۴۲۱

اللهم حفظ بحفظک یا عظیم فلان بن فلان برحمتک یا الرحم ال
حمی طیبی طا هر یا الله یا محمد یا علی یا فاطمه یا حسن یا حسین

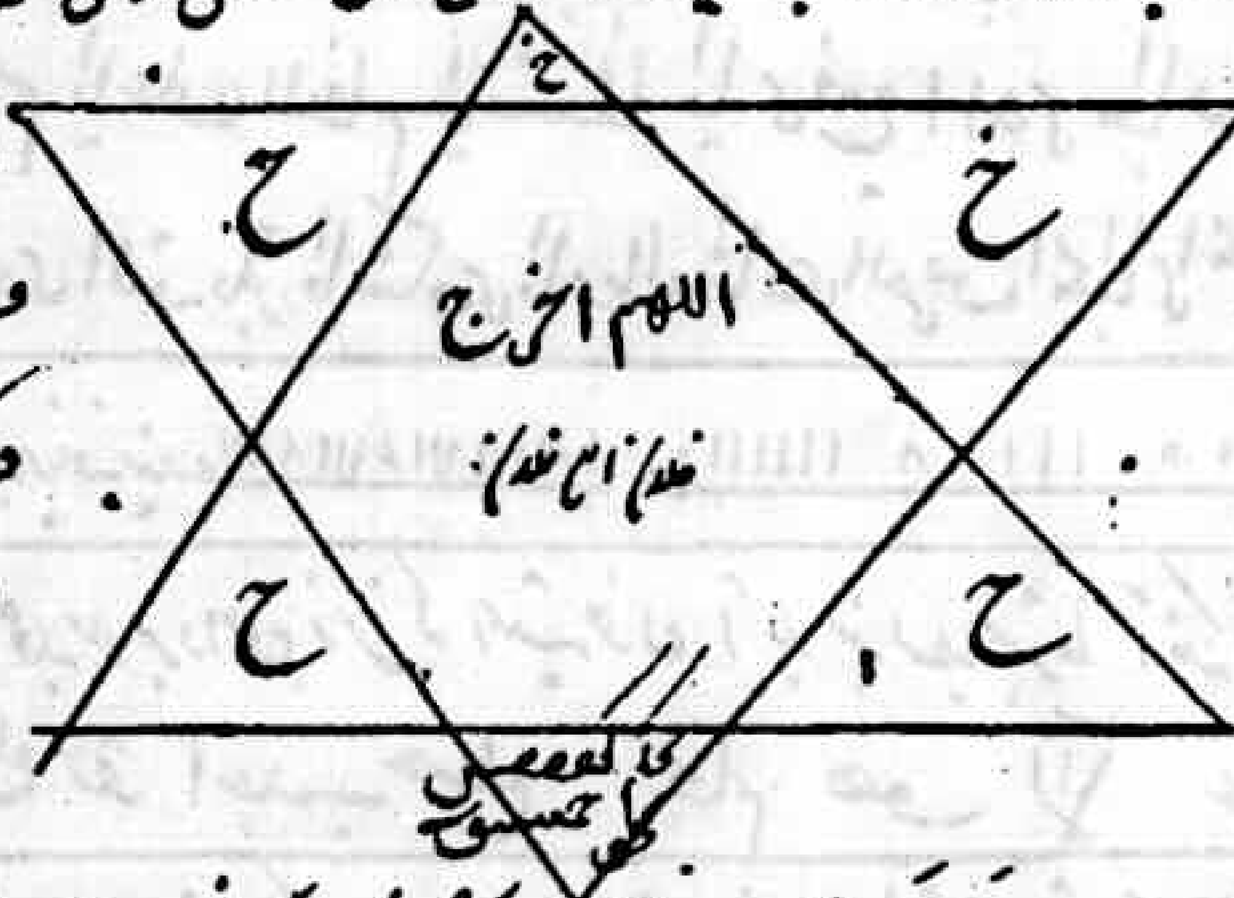
باب بعضی دعاهای متفرقه

اگر کسی در میان خواب دندان خود را بهم زند این دعا را نوشته با خود دارد مجرب است

و عمتِ و نمین کح هبج ١١ وم وم بام نبان

از برای اخراج بنویسید در مکان آن شخص دفن کند این نوع را اخراج شود

بسم الله الرحمن الرحیم
والقینا بینهم العدا
وة والبغضاء الی
یوم القیمة کلما
ا وقدوا نارا



للحرب اطفاها الله و یسعون فی الارض فسادا و اذ فر
قنا بکم البحر فانجیناکم و اغرقنا آل فرعون و انتم لا
ینظرون بر پشت مهره سنگ بخوانند چنانچه اخراج شخص پنهان کند با
مرغ همان جا ... نوشته ... ببرد اخراج ...

از برای مال دزد برده ببینند
برکف دست بخواب رود در
خواب ببیند که کی است مال دزد برده

از برای جدائی بر چوب بید بنویسید در نار اندازد اسم کلام بنویسید

۶۹۱۱۳۲۶۱۵۰۶۹۱۱۱۰۵۶۱۵ ... ۱۱۱۱ ... ۵۶

اگر خواهی کسی را بر بندی با عیال خود جماعت نکند بیار یک پاره ریسمان تر کن واین اسم را هفت بار بخوان هفت گره بزن و در سقف در با گوشه پنهان کن بسم الکفو

بسم الله الرحمن الرحیم یا علی العظیم یا شعثا یا رفیع الدرجات یا عظیم الکریم یا هادی التوبة یا شکوری یا عطاء یا نادی العرش الجبار الحلیم

از برای قوت باه بنویسید بر ناف بندد ۸۱۱۱۱۷۱۱۱۱۸ ... ۱۱۱۱۱ ۸ ۱۱۱ ۵ ۵

دفع خون این حروف مجمله را بر دامن زن که همیشه خون آید بنویسید بشرط آنکه جای پاک باشد خون منقطع گردد اجنب حطع کلم هو لا ع

ایضاً این آیه را بنویسید بر دامن زن که خون بسیار آید خون منقطع شود مجرب است

ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد لکل نساء مستقر لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

برای خواب بند بنویسید در زیر سنگ گران نهند مجرب است زنها را که مقصود ... خواهی بند نموده ... ۱۱ ۲ ۱۱۱ ۱ ط ۱ ح ۵ ۵

جمیع عالم محرابی دعا است اگر خواهد بداند دزد کیست بر شه پارچه نان بنویسد نام آن کس نام مادر آن کس بر هر کس گمان دارد بدو بدهد و از حلق او فرو نرود و خلق گرفته شود یا ماا عمی حسو

وَسَدَ عمایَ‌ی صو لیه کهه مح محها. طا هه

اگر سوره ممتحنه را مدت سه روز متوالی هر روز بنویسد بشوید بخورد اگر مطلب گرفته باشد باید

اگر کسی زهره داشته باشد سوره والشمس ۶ بنویسد بشوید بخورد زهره‌ش ساکن شود تربیت

اگر کسی سل‌سرز داشته باشد سوره الرحمن را بنویسد بشوید بخورد سرزش برطرف شود

از برای تب لرز بر سه پاره چوب بید نوشته در وقت لرز بسوزاند برطرف شود

یا طلمیو نخه و یا کاهوتن و یاماهون شدادین عماد

و فغوفه بما عوف مزودین مزود علیه لعنه

اگر خواهی میان دو کس جدائی افکنی چنانچه هرگز یکدیگر را نبینند این طلسم را روز

شنبه بنویسد در آتش اندازد ۱۱۰۶ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ح ۸۱۹۹ ع ۱ ۱۱۱

۸ ۸ ۸ ۱۱ ۱۱ ۸ ۱۱۱۱ ۳ ۹ ۹۱ ۱۱ ۱۱۱

باب دعاها با طلسم

شرح دعای سبع از جهت بزرگان دعمت کمال میان حلق ۱ بنویسد بازوبند تو شک

ندارد هرکس که اولاد نشود با زعفران بنویسد بر گردن بندد اولاد میشود شک ندارد و دیگر

بچه چم کم کرده باشد نداند کجا رفته است در روز چهارشنبه بنویسد در گردن خروس

سفید بندد بیرون کند بر هر جائیکه گمان دارد که پای رفته است بر دارد به بداند جای او

پیدا میشود شک ندارد اگر کسی از زبان زحمت یافته باشد بر با خفه کنی کوبید این

دعا را با آب بشوید با ایمان آب خود را بشوید و موی او را بشوید در قبرستان دفن کند

رفع میشود مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا بشیخ ذی الاهاموت ا

بشطشوب اللهم یا ذا نوا ملورن دایموت اللهم همسا صلیوت

مبطل الدین

هيطروب اى غيش اى بتى داى محيوب اللهم هيمسا اى هليرب هيطروب
اللهم اى غيوب اخلاقوب اللهم ى صموب اى حم اى خيموب اللهم اهيا
شراهيا ادونى احبارث اصباروثث اللهم يارز يارزى اى
غيش اى نيش السوب اللهم البجا اسماموب اللهم اى عد اى عااد
صوب اللهم ملموخا ملخا ملموب اللهم ملموثا ماغا اللهم هسمخ
مشمخشا مشيلاء ى موب بى اكانى ودنف انا أمره اذا اراده
شيئًا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذى بيده ملكوت
كل شئ واليه ترجعون اللهم الف والقى بين جميع على اصحاب
الكتاب بحق بلا شدى ايدهم لالا ودلا تورذوش مالخ ا
ملمى صلوخيم مضدا خيم بايمان الله عليكم اجيبوا اللهم بكهكميح
ملكميح كهميح كهيح كهيح كيهبح كيهبح لهيح لهبح كهيح شميكميح
مشمخشا منجبشا شمجبشا هشليح هشليح هشليح دراء دراء
به به ودود به صهيفاح بعزتك وعظمتك لاما ا
حدة سمعها وبغى هيب الخلق نفيش خاتم سليمان صيموثا
لفويثا تفويثا وحويثا الوحى ما احد محمدًا ابا طهورنت بلا
حول ولا قوة الا بالله على العظيم بسم الله الرحمن الرحيم قوتيا

وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا
يبصرون صم بكم عمي فهم لا يرجعون صم بكم عمي فهم لا يعقلون صم
بكم عمي فهم لا يصدعون صم بكم عمي فهم لا يتكلمون صم بكم عمي فهم لا يرا
جعون ثم بكم عمي فهم لا يبصرون ثم بكم عمي فهم لا يسمعون

دعای ابودجانه از آنجمله با خود داشتن حرز است که در کتاب حیوة الحیوان ابودجانه
از حضرت پیغمبر روایت میکند ابودجانه گوید که شبی از شبها صدای جن از در دار شنیدم که روز
به حضرت شکایت کردم آن حضرت فرمود که این حرز را نوشته با خود دار من نوشتم با خود
داشتم در وقت خوابیدن در زیر سر گذاشتم پس بیدار شدم بفریاد شنیدم اکه ای ابا
دجانه سوختیم به قدر این حرز دو فرسخ است بیچاره شدیم ز آتش بجز بهشت انبیت
بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب محمد رسول الله رب العالمين الى
من طرق الدار من العمار والزوار الا طارقا يطرق بخير اما بعد
فان لنا ولكم في الحق سعة فان تك عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما
فهذا كتاب الله ينطق علينا بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون
ورسلنا يكتبون ما يمكرون اتركوا صاحب كتابي هذا وانطلقوا
الى عبدة الاصنام والى من يزعم ان مع الله الها آخر لا اله
الا الله هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون حم
لا ينصرون حم عسق تفرقت اعداء الله وبلغت حجة الله ولا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اعيذ صاحب هذا التعويذ
بما اعاذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ابا دجانة

الا

الا انت باری و استحفظنا بحفظ الله فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد

دعای اسم اعظم روایت است از حضرت امیرالمؤمنین که هر که این اسم اعظم را بخواند یا با خود دارد ایمن
باشد از آفت و هر بلای ناگهان و از جور ظالمان و از زبان بدگویان و غمازان و ساحران
و جادوگران و از شر کورک و دیوانه و سگ دیوانه و از مرگ مفاجات و از بلای طاعون
و از شر جن و دیو و پری ایمن باشد و دارنده این دعا در میان مردم عزیز و مکرم گردد و در میان خلق
عالم کس و یرا گزند نرساند و هرگاه کسی بسته باشد این تعویذ را در موم گرفته در آب افکنند
و آبش را بر سر او ریزد در دم گشایش یابد و اگر تمام عالم دشمن باشد دارنده این دعا را باک ندارد
اگر تمام عالم حربه باشد دارنده این دعا را کارگر نشود از برکت این دعا شرح این دعا بسیار است مختصر کرده شد

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الموجود بکل زمان لا اله الا الله ا
لمعروف بکل رحمن لا اله الا الله المذکور بکل مکان لا اله الا الله الا
مان الامان من زوال الایمان و من شر الشیطان یا قدیم الاحسان
یا عفو یا غفران اللهم ثبتنی علی الایمان و حفظنی علی الایمان و حسبنی
بکلمتی علی الایمان برحمتک یا ارحم الراحمین یا خیر الناصرین بنعمتک یا ا
رحم الراحمین یا علی یا علی یا علی یا قاضی الحاجات

روایت است از حضرت رسالت پناه پیغمبر ما که هر که این دعا را با خود دارد ایمن بود از خوف
و از ترسها از بلاها و آفت زمان یا ... هر کس در پیش خود نگهدارد از ضرب زخم تیر و شمشیر

دیگر یا علی حق کا میفرماید هرکس نگهدارد این دعا را از جمیع بلاها و آفات و بلیات نگهدارد
یا علی باز و بند حضرت آدم این دعا بود حق تعالی از هفتاد و دو بلا نگهدارد و از شر شیطان و
از غضب دیوان و پریان و از زبان بدگویان و از بند اندیشان و از چشم بد و حسودان
و از زخم مار و از زخم عقرب و از زخم کژدم و از شر جادوان نگهدارد یا علی حق تعالی
میفرماید هرکس این دعا را نگهدارد ایمن باشد از درد سر از درد قولنج و از درد پیرهان
و از درد شقیقه و از درد گوش و از درد حلقوم و از درد هفت اندام ایمن باشد و هر حاجت که
داشته باشد خداوند عالم بر آورده خیر گرداند شرح این دعا بسیار بود مختصر کردم بسیار عظیم سالک است
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا صانع کل مصنوع و یا خالق کل مخلوق و یا جابر
کل کسیر و یا حاضر کل خلایق و یا مونس کل غریب و یا شافع کل مریض
و یا رازق کل مرزوق و یا خالق کل مخلوق و یا حافظ کل محفوظ و یا فاتح
کل مفتوح و یا غالب کل مغلوب و یا مالک کل مملوک و یا شاهد کل
مشهود و یا کاشف کل کربت اجعلنی فرجا و مخرجا و قضاء حوائج فی
الدنیا و الآخرة انک علی کل شیئا قدیر انک رئوف و بحق
هذه الاسماء العظم والاعظم و الکلمات الکرام کوار یاالله ۲۲
من منه وه ے ہ ماى ع الاه الامح ع مالع مهه هاماما مس
سحح اهماده مصو لدا ملدالساعه ماااما الا مبلح مو لومع محده
ما بشاء الاوسه حـ ۹۹ه لک ۲ ا ا اللهم و اسئلک
بحق الساعه و هذه الاسماء (حاحاحا) ملح مرهی یاالله اعظم ۱
سلململك ۸ هاالله ۱۱۱۱۹ ۱۸ ۱۰ ۳۱ ۱۱۹ ۱۱۹ ۴ ۱۱ ۹ ۶

۱۱۱۱۱ ع ۸ ۱۱ ۹ ۱ ۸ ۸ ۱۱ ۳ ۱ ۸ ۱ ۸ ۱ ط ط ط هرکی	حمرا
۱ ۸ ۱ ۸ ۱ ۱۱۱ ۹ ع ۹ ۳ ۹ ۱ ۹ ع ۹ ۱۱	۹
۸ ۹ ع ۱۹ ۸ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ لمك الدى	طلا ها

علی قلوبهم و علی سمعهم و ابصارهم و اولئک هم الغافلون و هو مرکبه بر سایر
حیوان عالم در حق صاحب هیکل هم که یا خواهد که باطل کردن و کردن ایشان
و نماز او اباء و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا

دعای مرجانه یک پادشاه بود عربستان جاریه صاحب جمال و صاحب کمال داشت لایق و میان ایشان
یک جاریه سیاه داشت اسم او مرجانه بود و این دعا در نزد مرجانه بود از برکت این دعا
پادشاه یک لقمه نان بی مرجانه نمی خورد و بسیار دوست میداشت و برای او قرار نمی گرفت
جمیع عشاق حیرت و رنج یافت تعجب مانده بودند روزی مرجانه بیمار شد پادشاه هر قدر حکم او
رد و علاج پزشکند آخر الامر جان به حق داد پادشاه شب روز در نزد او بود و نعشش قرار
داد که در وقت شستن او را قبر کنند یک عیال صالحه بود آمد مرجانه را لخت کرد این دعا
در دوشت پادشاه او جز کرد پادشاه آمد دید که مرجانه سیاه است از مراد حیرت برسید
این چه سیاه شده است و رنگ کرده اند از اول سیاه بود ما این پادشاه چون عیال صالحه که دعا
در دوشته بود او عقد کرد او الاهام الحال با عزت با احترام نگهداشت اوهم اهل درک کرد و به
این دعا مشهور شد و بعد از آن از برای همه نوشته بودند به طلب رسیده است مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا الله ما الله ما الله یا مرجان یا مرجان یا مرجان
یا مبهج یا ارجح یا الله یا من جمیع امرج یا امواج یا الواج

يا نساح يا امبح يا كدكان يا دريشوح يا الواج يا قواي وقيان يا دي سويش يا ديان يا بدهان يا صبغ يا مقن يا غفوان يا اطان نيما يا ديان امواب كاميات خوت الديي يا الله يا الله يا الله يا الله ياهاجي يا دايوعود وتاي يطعويش غفوان وشود يا وهار يا ستار يا عوامة يا كاالناس يا الآ يا الاصر فيها اقعلان يجاري نجاري توكلت على الحي الذي لا يموت وقل الحمد يا الله يا الله يا الله يا نكاالناس يا الكايص يا دوش يا قواص يا قناص يا غفواص يا امناص يا ولاص يا ماموص كلت امالا يا علاص يا اللاص يا مديداص يا الحاص يا ووص يا عزيز غني يا هولسلاص وراص يا حاي وراتك كاوصا صا يا طما ثاقدم الله ماما يا ذالت يا دويا يا عماق يا مرسوات يا الشاق يا ماماق يا لحوق يا دوران يا مواق يا ماق يا ماق يا دلهاق يا صوماق يا وصاق مال يا لوكلو يا مرص يا قواق يا المن عبن و يا طو الداي فرى يا الواج للتب يا كانيات يا تم شمارة البطا رهسوق يا حان يا بيان يا جيع يا دوع يا عي قولاع نادرة شمادة ايا ساع يا جرماع بحق محمد واله محمد بحقك يا ارحم الراحمين اما اسه ولم هدو ويد يد يه لك صع ح ح
ح ح ح ح ح ح هو هو هو هو هو هو هو وصلى الله على محمد وال محمد برحمتك يا ارحم الراحمين كمصح صح صلعلح طشععقه

ط ١١١ ١١ ٩ ط ٨ ٨ د ٢ ٢ ١١ ٢ ١١١ ٩ ط ١١١١١١ ٩ ١١١١١١ ٤

ط ١١١ ٩ ٩ و ٩ ١١١١١١ ٩ ١ ٣ ٧ ط ١٢ ١١ ٩ ١١ ك ٩ ١١ ل

ل ١١١١ ١١٤ ٩ ١١ ر ٥ ٩ ٢ سو ا ال ٣ ٢ ع

روایت کرده شیخ ابوسعید دمشقی که بوده در بیت المقدس بودم مقام ابراهیم و گفت اند

کتاب معتمد چنین خواندم که هرکس این دوازده آیه از قرآن مجید بخواند خدای تعالی عز و جل

دوازده باه از آفتها بلاها نگاه دارد اندر دل چشم مردم عزیز و مکرم گرداند و آن بنده را

از جمله تنگ بحال ان نویسنده و هرکه هر روز بامداد بخواند ملایکه برسد اسما بلا

از و اینها و آسمانه و ضیع و پرانکاه دارد برکت این دعا بدان ابوسعید دمشقی بود با

فرزند که هشت ده هزار بار قرآن بخواندم و هزار بار امام را زیارت کردم تا این

دوازده آیه معلوم کرد هرکس هر روز بخواند هزار سنگ در دیوان و بنست

کنند برکت این آیتها و بعد از آن مدت رسیم هیچ و کمتر برسر بحث نیست

از هر کاری که مرا پیش آمد چنان شد که مرا پیش آمد پنهان شد که مرا سبب

و هر دعا هر حاجت که بعد از خواندن این آیات از قبول ورد ادکعو و بر ام

دشمن مظفر و منصور باشند ببرکت این آیتها والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم آیه اول وان یمسسک الله بضر فلا کاشف

له الا هو و ان یمسسک بخیر و هو علی کل شئ قدیر آیه دوم

قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولنا و علی الله فلیتوکل ا

لمؤمنون آیه سیم و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف

له الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من
عباده وهو الغفور الرحيم ايه وما من دابة فى السماء
فى الارض الا على الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها كل
فى كتاب مبين ايه وكاين من دابة لا تحمل رزقها
الله يرزقها و اياكم وهو السميع العليم ايه يوسف اعرض
عن هذا واستغفرى لذنبك انك كنت من الخاطئين
ايه وقال نسوة فى المدينه امرأة العزيز تراود فتاها عن
نفسه قد شغفها حبا انا لنريها فى ضلال مبين ايه
ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها و ما يمسك
فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم ايه ولئن سا
لتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله قل الحمد لله بل ا
كثرهم لا يعلمون ايه قل من يكلؤكم بالليل والنهار
من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون ايه ثم استوا
الى السماء وهى دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا او
كرها قالتا اتينا طائعين ايه هو الذى يحيى و
يميت فاذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون
صدق الله العلى العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين

نقلست از حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه که در گنبد نشسته بودم جبرئیل حاضر شد و گفت
یا رسول الله هدیه آورده‌ام تر[illegible] در فضیلت این دعا [illegible] بشرط [illegible]

که نام خلقان چون از حاجت این دعا واقف شوند دست از طاعت بردارند ابواب
این دعا مغلق کنند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمؤمنین گفت یا علی اگر هر کس این
دعا را بمشک و زعفران بر طشتی بنویسد و بشوید و در روی و جامه مالد در نظر پادشاه
و سلاطین و حاکم در آید اگر چه قصد کشتن باشد کردن او کنند و اکرام بسیار کنند و
بمرادی برسانند یا علی اگر کسی را تب یا زحمتی داشته باشد این دعا را بمشک و زعفران
بر طشتی بنویسد و بشوید و بخورد خدای تعالی او را شفا دهد یا علی اگر کسی در زندان باشد
در راه خوفی داشته باشد این دعا را بخواند از جمله آفتها ایمن باشد یا علی اگر لشکر
بیگانه گرد شهر یا حصار گرفته باشد این دعا را بر چهار ستون خانه بخواند بر بام آن قلعه
دور کند خدای تعالی آن جماعت را منهزم گرداند یا علی اگر کسی را وام بسیار باشد
و در ادای آن عاجز باشد این دعا را در روز جمعه هفت بار بخواند با خلاص دست وام
او گذارده شود یا علی اگر کسی خواهد با کسی الفت گیرد آن کس منکر او باشد روز آدینه
بوقت طلوع آفتاب این دعا را هفت بار بخواند بر حلوا دمد یا بر هفت قلم شکر
بخواند بدو دهد تا بخورد میانه ایشان الفت پیدا شود یا علی اگر کسی بسته باشد
این دعا را بمشک و زعفران بر پشت او بنویسند گشاده گردد بفرمان خدای تعالی
یا علی اگر کسی را گناه بسیار داشته باشد دو رکعت نماز کند بعد از نماز این
این دعا را بخواند استغفار کند خدای تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد یا علی اگر
کسی را نماز قضا داشته باشد و نداند که چند است این دعا را چهل بار بخواند و

نماز

موکل الشی کلمه کیستم ببستم لالا پریان و دیوان و جنیان و هفتاد و دو

ملت که از بالای سر و جمیع اندام فلان بن فلان می آیند بحق

بسم الله الرحمن الرحیم عقلم عقلم عقد و س فی فوق جبینا و لاحول و لا قوة

الا بالله علی العظیم یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من ا

قطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فبای الا

ء ربکما تکذبان ه اآآ مع ۞ ااا ۞ ۞ بحق ا ب ت ث

ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن

ه و لا ی باسم فلان بن فلان برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم

انت عالم بذنوبنا فاغفرها و انت عالم بحوائجنا فاقضها و انت

عالم بهماتنا فاکفها یا قاضی الحاجات یا مجیب الدعوات یا بدیع

السموات و الارض یا کاشف ضر و البلیات اکفنا ما اصابنا برحمتك

یا ارحم الراحمین

باب موضوعهای متفرقه و فتح الرجال

اگر خواهی زنی شوهر خود را طلاق بدهد این طلسم را در روز آخر چهارشنبه

در وقت برآمدن آفتاب بنویسید و در زیر انگشتی دفن کند در حال فراق شوند

بفرقت فلان ابن فلان علی ذالك علی ا لنخا ف ع

لا لا لا ۱ ۴ ع ۱ ۱ ۲ ۹ لا

این طلسم را بر کف دست چپ بنویسید و بخواند بر پایان بیاید خرده هند

هر چه خواهی گواه مبلهب هت وهلت بهست ش

اگر کسی خواهد که دشمن را بیاندازد بیارد دوازده عدد سنگ ریزه از قبرستان و بر هر یک هفت مرتبه سوره والسماء والطارق را بخواند در خانه دشمن اندازد و یا در قبرستان دفن کند دشمن آواره شود

اگر خواهی کسی از خواب بیدار نشود قدری خاک از قبر کهنه بردارد هفت نوبت این دعا را بر آن خاک بخواند در کار کند بیدار نشود

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَزْدَا
دُوا تِسْعًا وَنُجُومٌ سُخَامُسَاءٌ لَهُمْ رُقُودٌ

در برای کشتن ذل خواه حیوان خواه آدم اگر انسان باشد بر نان خوان بنویسید اگر حیوان باشد بر گوشت او بنویسید دانه هَلَكَةٌ وَمَهْلَكَةٌ

دفع سوزن سوزن هفت مرتبه آیه شریف را هر یک مرتبه سوزن بدمد سوزن را بپیدا اعضاء آدم بزنند خون نیاید درد نکند تجربه شده است

وَمَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ
أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ

جهت آوردن کسی سوره والعادیات در جای آنکس که خواهد دفن کند

برای تب بنویسید در روز بخش را بکند وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا
هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

طلسم وباد بنویسید صبح بخورد ۳ ۹ ۳ ۴ ۲ ۳ ۱

شما جنگ پیدا می‌شود و دور لیکن صلح انجامد حق تعالی فرزندی بتو ارزانی دارد و قدم او بر تو مبارک باشد و شراکتی بتو سازد و بار اگر انباری کنی پشیمان شوی و دولت به هیچ حال سست کم نمی‌شود و بمراد دل برسی ان شاء الله تعالی

فال محمد علیه السلام

ای خداوند فال بدان و آگاه باش بشارت باد ترا که دشمنان تو مقهور شوند و مراد دل حاصل شود اما بسیار مردم قصد تو و بهتان گویند ترا اما خدای تعالی یار تو باشد و ترا ایکی دوست دارد و شب و روز دعا برای تو میکند و در برکت دعای او عمر تو زیاده شود و کار تو بالا گیرد و ترا نگاه میدارد و در کارها صبر کن و راز دل با کسی مگو تا ایمن شوی از روز پنجشنبه و شنبه بر تو مبارک است و از غایب خبر خوش بشنوی و بمراد دل برسی و بمقصود دل برسی ان شاء الله تعالی فقط

حساب ابجد کبیر

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۸	ج	۴	۲	ساقط
ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
ج	۸	۶	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۱۴	۸	ساقط	ساقط		

حساب ابجد صغیر

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
۱	۲	۳	۴	،	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۲	۱۳	۱۴	۸	ج	ب
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ				
۸			۱۲	۱۳	۱۴	۸	ج	۱۲	۸	۹	۱۲				

طالع نامه انبیای میمای

سلیمان علیه السلام فرمود که دیو ستاره حضرت را بیاورید چون درآمد سلیمان علیه السلام فرمود ... و مقام تو کجاست دیو گفت نام من جابر است و جای من در سر راه و سر آب

وجای چهار پایان است هرکسی در آن بیاید و بیدها باشند و برا آفت رسانم نشانی آزار من
آن است اندام سست و آشفته شود چه اندامهای وی گران گردانم و رنگش تغیر کرد و سلیمان علیه السلام
فرمود ای ملعون علاج وی چه باشد دیو گفت گوسفند و یا مرغ سفید قربانی کنند و این دعا را
بنویسد و در سر بندد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله یا احد یا احد یا احد
یا صمد یا صمد یا صمد یا من لم یلد ولم یکن له کفواً احد و آیه الکرسی و [illegible]
بنویسد بر بازو بندد خلاص شود **طالع ثور را** سلیمان علیه السلام فرمود تو دیو آورده فرمود که نام تو
چیست و مقام تو کجا است دیو گفت یا نبی الله نام من بلند است و جای من بر چوب بر آب است
یا در خانه یا در سر تنور و کنار آتش است هرکسی بدنبال آید و بیدها باشند و برا آفت رسانم
و نشان رنج من آن است چون مرغ در هوا در سر او پرواز کنم و عالم در چشم او غالب گردانم
دستها کره کرده شود و اکثر زانش بدر آورم گاه خوش و گاه ناخوش باشد و سر از گرانی نتواند
برداشتن علاج وی آن است که سپیداز و چیزهای خوشبو در زیر دامن او دود کنند و این دعا
بر دو پاره کاغذ نوشته یکی را در آب اندازند آبش بخورد و یکی را در سر بندد نیک شود
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله المتعالی
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و
ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **طالع جوزا** سلیمان علیه السلام گفت آن ملعون را [illegible]
[illegible] نام تو چیست و مقام تو کجا است دیو گفت یا نبی الله نام من [illegible] و جای من در آب است

روان است هرکسی در نجا آید و نام خدای تعالی نبرد او بیاید می و دراز رسام ونشان

انگودرس آن است که انیدامش را بدرد آرم و شب نعره برد و انگم نگاه خوش نگاه

ناخوش باشد و دردسر بردوما غالب کم سلمان فرمود که عاجز و شاید باشد دیو گفت

این دعارا نوشته در سر بندد خلاص شود بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد

لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ومعوذتین را بنویسد بر بازو بندد شفا

یابد واین دعا را بنویسد آبش بخورند سه روز یا الله یا الله یا دافع البلاء

طالع سرطان سلیمان علیه السلام گفت دیو سرطان را بیاورند فرمود که ای دیو نام

تو چیست ومقام تو چیست کجاست ونشان آزار تو چیست دیو گفت نام من ابا لیکات

ومقام من در بیابانهاست ودر زیر درخت است و بار بشت کرانداده باشد روز چهار

شنبه و دراز رسام وعقل اورا بگیرم ودردسر و جمیع اعضای اورا بگیرم و دست و پا

ی اورا گره شود و معده فرا گیرم و سر بانداما افتد و دردشکم آزار پیدا کرد و

این طلسم بنویسد سه روز آبش بخورد ۱۱۱۱۱ ۱

۱۱۲۱۳ ۱۱ ۹ ۱۱ ۷ ۱ ٤٤ ۹۹ ۱۲ ۹۲۲ ۱۱۱۱ ۲ ٤ ۷ ۱ ۱۲ ۱۳ ۱ ۱ ۹ ۳ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ الد ۱۴

واین طلسم را بنویسد بر سر چشمه پنهان کند بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

۲۲۹ ۸ ۹ ۱۱ ۸ ۱۱ ۱ ۹ ۲ ۱۱ ۷ ۹۹ ۲ ۲ ۱۱۹ ۲ دم واقوی ۲ ۹

۲ ۹ ٤ ٤ ۷ ٤ ۳ ۱۱ ۲ ۲ ۱ ۸ ۲ ۲ ۲

واین آیت را بنویسد ... با خود دارد وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا

... ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

طالع اسد سلیمان علیه‌السلام فرمود که دیو طالع اسد را حاضر کردند فرمود ای ملعون نام تو چیست
و مقام تو کجاست و بنی آدم چگونه آزار رسانیده دیو گفت یا نبی الله نام من میمون است
و جای من در میان رودخانه باشد و یا در سر تنور و یا در زیر دیوار هر کسی طالع اسد دارد ناگاه
بدانجا آمده باشد بد عامی و دیگر آزار رسانم نشان آسیب من آن است که روز یکشنبه وی را
آسیب رسانم چون تب لرزه و درد جگر او بهم رسانم و خود را نمی‌داند دست و پای را گره گره و چشم
تاریک شود و دندان بر هم زند و موی از تن برخیزد و دل تنگ گردد و درد زانو پدید آ
ید کم علاج وی باید آن است بز گوسفند قربان کند و این دعاها نوشته با خود دارد
شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم ٤١١١ ط ٤ ١١٢ ٩ ٣ ١١١٣ ٤ ٣ ١١ ط
١٠ ١٩ ٧ ٢ ١١ ٢ ٤٢ ١١١ ١١ ط ط ١

لای اعوذ بالله من الشیطان الرجیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک
القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله
عما یشرکون هو الله الخالق الجبار له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی
السموات والارض وهو العزیز الحکیم

طالع سنبله

سلیمان علیه‌السلام فرمود که جن طالع سنبله را حاضر کردند که ای جن نام تو چیست و مقام تو کجاست جن گفت یا
رسول الله نام من زنت و مقام من در جای خرابه و زیر درختان و کنار آب باشد
و نشان آسیب من آن است که اول معده او سست و گاه گاه تب لرزه بر وی
مسلط گردانم و علاج وی آن است که مرغ و گوسفند قربان کند و چیزی به فقرا
تصدق بدهد و چیز خوشبو در نزد خود دود کند و این دعا را بنویسد با خود دارد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم ایاً ما تدعو فله الاسماء الحسنی وبالحق

انزلنا وبالحق نزل وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یز
ید الظالمین الا خسارا برحمتک یا ارحم الراحمین ۱۱۱ ۱ ۲ ۵ ۵

طالع میزان سلیمان علیه‌السلام فرمود دیو طالع میزان را حاضر کردند فرمود ای ملعون نام
تو چیست و مقام تو کجا باشد گفت یا نبی‌الله نام من عدولیست و مقام در نزد آسیاب
و کنار آب باشد هر کسی در این جا بیاید و بی تعوید باشد من وی را رنج برسانم و
نشان علت من آن است که درد سر و درد چشم و در جمیع اندام درد پیدا میکنم علاج
وی آن است که شش عدد نان تصدق بدهد و این دعا را بنویسد در نزد خود نگاه دارد
شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم الا نقذف علی والقرآن مصدقین وننزل ا
لقرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین و این
دعا را بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ هذا صاحب کتاب بعزة
الله وقدرة انه من سلیمان

طالع عقرب سلیمان علیه‌السلام
فرمود عقرب را حاضر کردند و گفت ای دیو نام تو چیست و مقام تو کجا است
دیو گفت یا نبی‌الله نام من حفظ است و جای من که در نزد چهار بابان است
و هر کسی در آنجا بیاید بی دعا رنج برسانم و نشان علت وی آن است معده
وی را فرو کشم و علاج وی آن است که گوسفند سیاه یا لاجورد مرغ سیاه قربان
کند و دو عدد نان و قدری نمک صدقه بدهد و این دعا را بنویسد با خود دارد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصا
رهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا
ذکر للعالمین وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا

تا انشیام فهم لا یبصرون   **طالع قوس**   سلیمان علیه السلام فرمود که تا دیو ستاره قوس را
حاضر کردند فرمود که ای ملعون نام تو چیست و مقام تو کجا است دیگر گفت نام من ابو مهرست و جای
من در آبها و صحراها باشد هر کسی بدین جاها بی دعا بی تعویذ آید و نام خدا نخواند او بیمار شود من
وی را آفت رسانم و نشان آزار من آن است و درد سر و درد اعضا ظاهر شود علاج وی
آن است که مرغ خانه سیاه یا الاوده مرغ سفید قربان کند و این دعا را بنویسد با خود دارد
شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض ا
عیذ بکلمات الله التامات کلها من عین لامة و من شر کل الشیطان
و معاند بالله یا حی یا قیوم یا بدیع السموات والارض برحمتک
یا ارحم الراحمین   **طالع جدی**   سلیمان علیه السلام فرمود تا دیو ستاره جدی را
حاضر کردند فرمود نام تو چیست و مقام تو کجا است دیگر گفت یا نبی الله نام من [illegible]
و جای من در خانه‌ها یا در کنار آتش باشد هر که بدین جا آید بی دعا باشد
من وی را رنج میرسانم و نشان آزار من آن است که جمیع اندام وی را گرفته و گره
گردانم تا بدرد آورم و سینه او را فرود کرم چنانکه در خواب بترسد سلیمان علیه السلام
فرمود علاج وی چیست گفت علاج او آن است که گوسفند سیاه یا مرغ سفید قربان
کند و به نان تصدق نماید و این دعا را بنویسد با خود دارد شفا یابد ان شاء الله
بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ بعزة الله و بقدرة الله و من شر کل
خلق مجمل الناس یا کاشف البلایا الا انت اعیذ [illegible]

[illegible]

کهنه بردارد ۳ مرتبه یس را وکل کند در زیر درخت میوه‌دار دفن کند با امر خدای تعالی و بیک مرام بخشد   اگر کسی خواهد میان دو کس دشمنی اندازد بخواند یس را بر نان بخورد سگ چهار چشم دهد در میان ایشان جدای افتد   اگر کسی را محبت حرف بکرد از بکر هفت پارچه نمد در هر پارچه یک بار یس را بخواند در جامهٔ انکس بدوزد ولا خانه تاریکی دفن کند آن شخص بیقرار کند   اگر کسی خواهد کسی را از عشق حرف بیقرار گرداند بیارد ریسمان که در آنجا نار رشته باشد یس را بخواند بر ریسمان ریسمان را بر جامه آن کس بیچید در خانه دفن کند بفرمان خدای تعالی بیقرار کند   از برای محبت اگر کسی چهل یک بار سوره یس را بر فلفل بخواند بدمد بر جا رود بریزد در کنج دیوار که تاریک باشد دفن کند نیت چنین کند بستم دل جان فلان ابن فلان   از برای محبت بنت یک مرتبه سوره یس را بر قند بخواند بخورد و مرطوب دهد نیت چنین کند بستم زبان فلان بنت فلان بمطلب دهد

اگر کسی از کسی چیزی خواهد و در آن سرکشی بکند باید بهایی نیت بنام آن کس سی مرتبه سوره والتین را بخواند و دویست بار این دعا را بخواند خواه در روز یا شب
یا طی حمیثا یا شحیثا یا مشحیثا بی بکمید فلان ابن فلان اتیثا افتهای یا امرنی یا ثبری براو حمد کند بگوید فلان ابن فلان آن چیز را بده و گرنه هلاک میکنم و باید با طهارت باشد در خلوت بجا آورد

[illegible]	[illegible]	۲۰
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۱	[illegible]

[illegible]

عمل ما مزروع نباشد که هم هلاک است و این سر بدکس آشکار نکنند

جهت خواب بند اگر خواهی کسی بیدار نشود این دعا را بخوانند بر گل و بام بر رو بریزد بیدار نشود و جائت سکرت الموت بالحق ذالک ما کنت منه تحید

جهت تب گرم بنویسید هر روز یک ۲ بنویسید بشوید بخورد مجربست

باب اوراد که خواندن است

منقول است از امام حسن عسکری علیه السلام که جهت دفع کید اعدا و حوائج بعد از فراغ از نماز صبح بلا فاصله سوره مبارکه قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بعد از آن بهمین ترتیب بخواند قبل از آنکه تکلم با فردای نماید و بعد از آن این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب و یا هازم الاحزاب و یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع له طلبا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و آن حضرت فرمودند که چون بفقره سبب لنا سببا برسی آن مطلب که داری در نظر داری از غنا و ثروت و دفع کید دشمنان از خاطر بگذران که انشاء الله تعالی بر آورده است

تحننا منه و رحمة اعطني بمسئلتي اياك جميع خير الدنيا
و جميع خير الاخرة و اصرف عني بمسئلتي اياك جميع
شر الدنيا و جميع شر الاخرة فانه غير منقوص ما ا
عطيت و زدني من فضلك يا كريم يا ذا الجلال و الا
كرام يا ذا النعماء و الجود يا ذا المن و الطول حرم
شيبتي على النار برحمتك يا ارحم الراحمين

بجهت هر مطلب از خواجه عبدالرحمن روایت است و بسیار از اکابر این را مداومت کردند مقصود
خود را یافتند که در نسخه ای علامه مرحوم نقل شده که یک صد مرتبه بخواند بر جنگ مهمات ایشان
یا قاهر العدو و یا والی الولی یا مظهر العجایب یا مرتضی علی

هر کسی از برای هر مطلب در کعبه یا در جای خلوت دوازده هزار بار یا علی بگوید البته بمطلب برسد

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو بسم الله مجریها و
مرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون دریا تلاطم نماید تکیه کن بگو قر یا بقرار
الله و اسکنی بسکینة الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم موج دریا ساکن شود بفرمان خدای تعالی

هر که هر روز چهل یک بار المغنی بگوید تا چهل روز در دنیا عزیز و بهتر شود

از برای غنی شدن در شب نه روز صد بار این دعا را بخواند غنی گردد مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم یا کثیر الخیر و یا ذا المعروف یا قدیم الاحسان

... البصر ... من يطلب البصر ... من سحل ... انه صحيح مجرب ... ارحم الراحمين

أَحْيِسْ إِلَيْنَا بِإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اگر کسی از کردگار برسد هر صبح و شام بخواند و مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ این دعا را ورد نماید متصل بخواند

هر که سفر برود و این دعا را بنویسد و با خود دارد و بخواند إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در بلد الامین از حضرت امیرالمؤمنین روایت است که حضرت رسول (ص) فرموده است که هر که خواهد که خداوند در احیای او تاثیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد باید که هر بامداد و شبانگاه برای این دعا مداومت نماید سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ و سه مرتبه بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ و سه مرتبه اَللهُ أَكْبَرُ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ الفرس والبغل من شر کل عین ناظرة و لسان ناطقة و اذن سامعة و ید باطشة و رجل حارثة ... ان یحفظ شیئا ... الفرس والبغل من شر ... وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ...

جهت نیکوئی احوال در هر عقب نماز مداومت نماید یا من اظهر الجمیل یا من
ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة یا من لم یهتک الستر یا
عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین
بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی سبحانک

جهت محترم بودن در چشم مردم در عقب هر نماز مداومت نماید یا من هو رب
کل شیء یا من هو اله کل شیء یا من هو خالق کل شیء یا
من هو صانع کل شیء یا من هو قبل کل شیء یا من هو
بعد کل شیء یا من هو قادر علی کل شیء یا من هو فوق
کل شیء یا من هو عالم بکل شیء یا من هو یبقی و یفنی کل شیء سبحانک

جهت زیادتی حافظه در عقب هر نماز مداومت نماید یا من علمه سابق یا
من وعده صادق یا من لطفه ظاهر یا من امره غالب
یا من کتابه محکم یا من قضاؤه کائن یا من قرآنه مجید
یا من ملکه قدیم یا من فضله عمیم یا من عرشه عظیم سبحانک

جهت رفع فقر و درویشی در عقب هر نماز مداومت نماید یا من لم یتخذ صا
حبة و لا ولدا یا من جعل لکل شیء قدرا یا من لا یشرک
فی حکمه احدا یا من جعل الملائکة رسلا یا من جعل فی ا
لسماء بروجا یا من جعل الارض قرارا یا من خلق من الماء بشرا
یا من جعل لکل شیء امدا یا من احاط بکل شیء علما یا

بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی
ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
بحق سلیمان بن داود

یا مَنْ اَحْصیٰ کُلَّ شَیءٍ عَدَداً اَسْئَلُکَ

جهت رسیدن بمرتبهٔ والا در عقب هر نماز مداومت نماید یا ذَا الْجُودِ وَالْاِحْسانِ یا ذَا الْفَضْلِ وَ الْاِمْتِنانِ یا ذَا الْاَمْنِ وَ الْاَمانِ یا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحانِ یا ذَا الْحِکْمَةِ وَ الْبَیانِ یا ذَا الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوانِ یا ذَا الْحُجَّةِ وَ الْبُرْهانِ یا ذَا الْعَظَمَةِ وَ الْغُفْرانِ سُبْحانَکَ

بعد از اتمام از رنج قوه دعا هر کدام بخوانند تمام بکند این دعا را بخوانند انشاء الله آورده بشر

سُبْحانَکَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ خَلِّصْنا مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ

در نزد جمیع مؤمنان التماس دعا دارم در وقت خواندن از دعا خیر فراموش ننمایند و حقیر را دعا بکنند که ببکه خداوند متعال از خطرات حقیر بگذرد و امیدوارم انشاء الله مرضاتی نفر باید

باب بعضی احضارات است

بلرزد ترسد منفعل هرگز دین دعا را بخوانند قُلْ لَنْ یُصِیبَنا اِلّا ما کَتَبَ اللّٰهُ لَنا هُوَ مَوْلانا وَ عَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ در آتش اندازد در وقت انداختن بگوید اِیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعِینُ یک یک را تمام کنند حاضر شود

از برای احضار بنویسد بر شانه گوسفند در آتش اندازد اگر یک سال راه باشد بیاید

ل ع ع ع ۱۱ ۸ ۸ ۱ ۶ ۳ ۳ ۱ ۱ ۱ ط او بسم فلان بنت فلان

جهت غایب در نصف شب در چهار کنج خانه هفت مرتبه بخواند یا مُعِیدُ رُدَّ عَلَیَّ فلانا تا ... باخوشی بیاید ... بجز ...

از برای احضار بحقه ... بنویسد در رهگذاری او دفن کند حاضر شود در روز جمعه ۱ه ۱ه ۱ه ۱ه ۱ه ۱ه ۱ه ۱ه هیا هیا هیا ها ها هو هی هو

بسم الله الرحمن الرحیم

یا صمد شفاء

برحمتک یا ارحم الراحمین

علیحو اعلیحوا یحی یحی یحی یحی بنام خدا ام اللهم بحب فلان ابن فلان

١٨١ ١ ـــ ٩ ٩ ط ط ١١١ ٩ ١١

ط ط ١١ ـــ ـــ ١١ ع ع ١١ ١١ ٩ ٩ ١١ ٩ ١١ ٩ ٨

١١ ٨ ٨ ط ١١ ٩ ١١ ٩ ٩ ١١ ط ١ ٩ ٩

از برای احضار بر سی دانه با قلم بنویسید ده دانه را بنویسید شیطان ده دانه را بنویسید هاروت ده دانه را بنویسید ماروت و بر هر دانه سوره جن بخوانید تا سی دانه تمام شود در آتش اندازد

از برای احضار شش رکعت نماز بگذارد به یک سلام و در هر رکعت الحمد یک بار و آیة الکرسی هفت بار بخواند از نماز فارغ شد چهل یک بار آیة الکرسی بخواند بر چهل یک دانه فلفل سفید یک یک در آتش اندازد [illegible] حاضر گردد مجرب است

از برای احضار این مربع را بنویسید بر دیوار آویزد میخ اول را بر سر ه زند اگر نیامد برکند میخ را بر سر غین بزند آمد فبها اگر نیامد برکند بر سر ع بزند اگر آمد فبها اگر نیامد برکند بر سر ق بزند انشاء الله آید بر دل اما بعد اسم مطلوب و مادر مطلوب این دعا را بخواند بعد میخ را بر سر خود نهاد چهار گوشه بزند ابرابت سیجیب الذین اجتمعوا اصغار و عند الله و عذاب شدید بما کانوا یمکرون شک مرود خود خود بسوزد بشرط تنها باشد کسی دیگر پیش او نباشد تنها بنشیند انشاء الله خود بیاید و بسیار مجرب رسیده است

اگر خواهی که ... حافظ ... بنویسی ... طلسم ... بر ... در آتش اندازد اگر ... روزه باید ... نماید سلسلسهها هو ... لا اسلفا لما الوالث مامل ملهم سلهم و و اخت هیهلنلی اما ای هوان اسم ...

اگر خواهی که ... از راه ... باید ... رکعت نماز بگذارد ... سلام و در هر رکعت الحمد یک بار و آیة الکرسی هفت بار بخواند چون از نماز فارغ شود چهل یک بار آیة الکرسی بخواند بر چهل یک دانه فلفل سفید ... آتش اندازد ... بخوابد ... حافظ ... شود

از برای محبت اسم یا مذل سوره ... یک بار بر ... بخواند ... بخورد ... محبت زیاده شود

از برای ... روز ... بخواند ... از موم سازد و ... در سینه بکند و یک تار ابریشم سفید در ... بندد ... روی صورت ... سر او روشن کند هفت مرتبه ... بخواند ... دهاد دهاثر مهادها ... دانی بانده صادی بادق باکی یبوکی یدوه هار ه تبکی ضنا ثری کوا کنا دایا حیا ... بخواند ...

از برای ... هفت ... بخواند او کظلمات فی بحر لجی یغشاه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یریها کذالک اسم مطلوب ... مطلوب اذا اخرج یده لم یکد یریها حتی یرجع الی اسم مطلوب ... مطلوب اهیا بشراهیا اشراهیا بواحیا اذونانی اصباوث آل شدای الها آل آلدرمیال دی یال هوهیال طال طال ایه ایه هیا هیا

[illegible handwritten marginal notes]

وعلی الثلاثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما
رحبت وضاقت علیهم انفسهم کذالک لضیق الارض بما
رحبت علی اسم مطلوب ما در مطلوب حتی یرجع الی اسم طالب ما در طالب
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشینا
هم فهم لا یبصرون اقسمت علیکم ایتها الملائکة الموکلة بجمیع ا
عضاء بنی آدم ونبات حول ان تجلبوا او تهیجوا وتخرجوا
وتزعجوا وتهیجوا اسم مطلوب ما در مطلوب الی اسم مطلوب ما در مطلوب بحول
الله وقوته وسلطانه وجبروته وبالاسم الاعظم الذی
اوله آل واخره آل آل سلخ یغفر یغفر بته بته تبکة تنکلفا
ل یا منی کنی میما ل مطنی لک یا آل اسجدوا العزة لهذا
الاسم الاعظم واجلبوا اسم مطلوب ما در مطلوب الی اسم طالب ما در طالب
اللهم ان الارض ارضک والسماء سمائک والبر برک
والبحر بحرک والسهل سهلک والوعد وعدک وجمیع ما فی الا
رض بیدک فامن فیهم حکمک اجعل ذالک کله بحولک
وقوتک علی قلب فلان ابن فلانة حتی یرجع الی اسم طالب ما در طالب
بحولک وقوتک انک علی کل شیء قدیر ونفخ فی الصور
فصعق من فی السموات ومن فی الارض الا من یشاء الله
ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون اجلبوا ۳ مرتبه

البناعة ٣ مرتبة الحجا ٣ مرتبة العجل ٣ فكانما خر من السماء

فتخطفه الطير او تهوى به الريح فى مكان سحيق والله

على جمعهم اذا يشاء قدير بحق حمعسق يا ارحم الراحمين

وز برای محبت سوره حمعسق چهل یک بار بر چهل یک دانه فلفل سیاه بخواند بگوید

نرم کند در طعام بخورد بر بدو سه مرتبه بر آب روان بخواند آب را گرفته در طعام کند

وز برای احضار بنویسد این طلسم را بر حریر در روز زهره در ساعت اول طلوع

وقت و قمر در ثور باشد و زهره در حال دور آتش اندازند و اسم آنکس که مطلوب

است آنکس در ساعت بیاید

ناما طلسمات کوکب سبعه

زحل مشتری مریخ عطارد

زهره شمس قمر

وز برای احضار این اسما بنویسد بر شقفه و بر آتش نهد شمهت

شلهت شلهیثا کاشی کشلش فهشوقب حجزیش

بکتیون بی جنی نفقه در آتش نهی دوازده نوبت این عزیمت

بخواند و نام مطلوب و مادر مطلوب در آخر عزیمت بخواند اگر در سعد باشد

بکند بیاید اگر بیش از کتابت عزیمت بخوانی و بعد از آن ببعث مشغول

شوی بالغ تر و سریع الاجابه خواهد بود عزیمت است

اقسمت علیکم معاشر الارواح ان تجیبوا و تفعلوا ما تو
مرون بحق هذه الاسماء شبهث شلهث شلیهثا
ملهیثا هو ثیا یاهو ثا ماهو ثا ماهو ثا لشهیهوثا
لبثا هیوثا بدا سهیوثا بداهیو ثا ماها هیوثا ماها
جبو ثا ایذ موثا هیذ مو ثا الیموثا هیوثا طیمو ثا
اسمعو ایها الارواح و اجیبو و افعلوا ما تومرون
به و اجیبوا فلان بن فلان الی فلان ابن فلان و بشناسی قدر این عزیمت
که اوله رضیت بر رام دیگر هست چرا این اسم طاعت ... دارد ... سوزانند

از برای محبت ... تا روی سرانگشت ... این طلسم سوزانند دوستی زیاده گردد

١١ ٩ ١١ ٩ ١١١ ٣ ١١ ع ه ط

از برای محبت ... بعد از ... و ... هر ... که ... دارد ... برده بر کنار
جوی یا رود خانه نشسته هم استخوانهای او ... بیا ... آن استخوان که از آب سر بالا
خواهد آمد و آن استخوان ... از آب در داشته ... به کاغذ بنویسید با
مشک و زعفران و آن استخوان ... بر روی آن نوشته گذاشته با خود دارد در نظر ...
خلایق عزیز و مکرم باشد و اگر به همان استخوان اسم معشوقه ... ابجد صغیر ... بکند
بنویسید با خود دارد ... هر جا که رود آنکس در عقب او بیاید بسیار تجربه رسیده است

از برای ... تعریف کلی دارد هر کس ... آورده است ... دیده است

و این قسم سوم چنان است که هم به هیچ قسم بجز دادن از دل علوی و سفلی اجابت میکنند و لیکن باید که ممکن نکنی الا از برای دفع مظلم الظلم پس اگر طلب خواهی بسوی حق با قوی است بنام سوم سفید و صورتی

از آن بسازد نام مطلوب بر سر آن صورت بنویسی و طالب بر سینه اش پس آن صورت را

بیاویز از ابریشم سرخ و قسم مذکور را بر ورق آهو بنویسی بزعفران و با گلاب و در انداز

شکم صورت نه و یا با صورت بیاویز پس این قسم را بخوان باید که در دست تو قضیبی از

چوب انار ترش باشد و چون قسم خواهی آن چوب را بر آن صورت بزن و در آخر عزیمت

میگوئی بیاور بحق فلان این قسم خلقا بود و هم چنان عزیمت سوم بخوانی تا زمانی که مطلوب حاضر شود و اجابت

کند و ارد و سخن و امر و این قسم اول است با گلاب و زعفران بنویسد اسم مطلوب یا در مطلوب را

بر ورق آهو بر شکم آن صورت بنهد انست یا اجب خندش و یا نیکل و یا جود

ش و یا شکاکل و یا حارث من مرح و یا سعد بن هشام و یا مالق

اسمع و بحق سلطان بوز و قسم سوم که خصوص میطلعوند که ست که این قسم را

حاضر شود اگر چه مربی بکن یا فکیه و هو من یا روح ابراح یا شمیخ شماخ

عالی علی کل براح انطیطیو تشنیتی اکوی اکورت بدن له الخضوع

بین یدیک بحق منعج یا شدید الارعاد و یا طوطا منبعاد یا

طیطا مریاه یا عالم طیموثا و یا طهفیر و میشا ببرزوج یا ماها

بوری یا ذو ماری صبا و ت السدای یا من هو هکذا

و لا یکون هکذا احد غیره یا من لیس کمثله شیء و هو

السمیع العلیم یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا

احد اجب یا میططرون الروح بحق هذه الاسماء

وابن قسم رابهت واگر صوت پیش نهاده وابن عزیمت را بخوانند انشاء الله تعالی حاضر گرد

یا ملائکه السحاب اجیبوا دعوتکم بالذی صور الالباب وفهم خلقه عمل الجهاله والصواب بحق شمیطا شمیطا هیثبی هثیبی لوشی هکمونش شرهولحیا ما یا رش اعطالوشی هیلوش اقشی مطراکوشی اجابوشی عنکظه هلقوشی شرهولیما ما یا رش عجذوشی لحلطم موانی هد قطما یشی هلوا شلک عنکم بشی شلاطم عن لوم شطیکوم وهلطغاروم هنطوکل هلقوذ شکطالوشی اجیبوا بالذی قال للسماوات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین الساعة الرجا الوحا اجیبوا یا خندمش و یا نیکل و یا حرواش و یا نکا کل و یا ریش بن صرة و یا سعدی هشام و یا مالق اشر عن بحق ما نطقت به علیکم وان فضیلکه از حرب اناریت بخوانند با بن حرب

وبری خوش بسوزانند بسیار و بگوید بیا رید فلان ابن فلان را وابن قسم تقدم

خواهید که علوی وسفلی حاضر گردانی بوی خوش بسوزان و وان با دقت تمام بلقوا یرح آرو خا ارخ ارو خا شلحنا نمنحنا او اشی ارجعوا الی مواطنکم واهالیکم معضوری الانصرفوا مما جوی عن بارک الله فیکم و علیکم وابن قسم دیگر بهت ارواح سیطرون بهت در جمله اعمال بکار آید عمل باید خواهی توکل کن بر ارواح

تلمش زالی عقبنال و دعبال وسی لطیایل بهت ودر مرتطیل لابت

زاد دلو از رقت خوانند چه او صاحب سر و صاحب عجایب مرتطیل لابت تمرخز اتد

بیوخناء یوخناء معزهاء معز بهاء و یا ازب و یا زیبی و لبشطانا

زیجرا و تنشیح یا ملکا قد تیشا نورا نور مدیت الا بمو ترنیا

بسم الجبابوت لا بسی الیابة و بالله العظیم الاعظم الذی خضع

کل شیء لهیبته و استسلم کل شیء لقدرته و تواضع کل شیء

لملکه و باسم الرب طعطیبی و مهشا و لعمیج عمیج رب الکبیر

یوم الحشرینه بیه یه یه یه و ه یه و ه انت الذی تقطعت الجبال

لعا ینت تلا لالاء اشراقه و جعلت لطور سینا فانهدم و انفرت

وانشقت و خرا کما یجری الماء خوفا و ترتیما لعوصمته انت

هو یامن لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر انت الذی سجد

لک سواد اللیل و ضیاء النهار و شعاع الشمس و نور القمر

و دوی الماء و صفیف الشجر و تراب الارض بالقدرة

الالهوتیة و بالعظمة الجبروتیة و باسماء الله الثا

برة القاهرة المکنون به علی سرادق العرش بای

کیاسق هواش بذ روبیق بهاریش کرتای تا مذ تیشا

مقد نشاجیاری اجلیبا شمخا طلمخا جلهیشا و یارحمن ملعقا